





✽ جدول خطا و صواب ✽

صواب	خطا	سطر	صفحه
بدء	بدأ	۰۳	۰۱۹
بدء	بدأ	۰۸	۰۱۹
بدء	بدأ	۱۲	۰۱۹
ومستغنی الله	ومستغنی ✽ الله	۰۸	۰۲۲
مقدوریتده	مقدریتده	۱۰	۰۲۲
عزینده	عزینده	۰۴	۰۲۵
واحد وعشره کی	واحد وعشر کی	۰۵	۰۴۷
و(قل	(وقل	۱۱	۰۵۰
و(سبح	(وسبح	۰۶	۰۵۴
ضعفدن	ضعفدن	۰۴	۰۵۹
کلامی کی	کلام کی	۰۶	۰۶۲
اثر قوای	اثری قوای	۱۶	۰۶۹
صابئه	صابئه	۱۳	۰۷۰
صابئه	صابئه	۲۴	۰۷۰
مصنفك	مصنف	۲۴	۰۷۱
مبدأ	مبدأ	۱۷	۰۷۴
معلوم	معلوم	۲۰	۰۷۴
جهنمك	جهنمك	۱۴	۰۷۵
تبعدا عني	تبعدا عني	۰۸	۰۷۶
✽ جسم آخر ايله	✽ جسم آخر ايله	۰۹	۰۷۸
ثم ابواه يهودانه	ثم يهودانه	۲۴	۰۸۰
ويعجسانه	ويعجانه	۲۴	۰۸۰
ناضرة	ناظرة	۱۶	۰۸۵

صحیفه	سطر	خطا	صواب
۰۸۷	۰۶	(لن ترانی یوردی)	(لن ترانی) پیوردی
۰۹۲	۲۵	تسئلونه	تسئلون
۰۹۵	۰۴	لايمان	للايمان
۰۹۵	۱۸	اضلام	اضلال
۰۹۶	۰۴	ايلدك	ايلدك
۰۹۸	۰۶	ذاهل	ذاهب
۰۹۸	۲۰	اثباتدن	اتباندن
۰۹۸	۲۳	رسل يارياضات	رسل رياضات
۱۰۰	۲۱	يخذوا	يتخذوا
۱۰۱	۰۱	صائبه	صائبه
۱۰۱	۲۳	(ولا يعصون	و) لا يعصون
۱۰۳	۲۴	بناء	نبا
۱۱۳	۱۴	صعود و خبر	صعود خبر
۱۱۴	۰۱	معاصيدر	معاصيدن
۱۱۴	۱۹	زنوبك	ذنوبك
۱۱۷	۰۸	خصاصا	خصوصا
۱۱۹	۱۲	من ربك امرى)	من ربك) امرى
۱۲۱	۱۰	ايديلر	ايلديلر
۱۲۲	۱۴	عريته	عريته
۱۲۲	۱۶	وكذاب	كذاب
۱۲۳	۲۲	حضرت سمايه	حضرت عيسى سمايه
۱۲۶	۱۶	اوبالا	اذبالا
۱۲۷	۲۲	لم بفعل	لم بفضل
۱۳۲	۱۸	اجتماع	اجاع

صحیفه	سطر	خطا	صواب
۱۳۵	۱۶	وسعداين	وسعدبن
۱۳۸	۱۵	(و فضل	(و) فضل
۱۳۹	۰۶	تعريض	نحر يرض
۱۴۰	۲۲	سندا	مسندا
۱۴۰	۲۲	بيهداني	بيداني
۱۴۱	۰۹	يؤذون الله	يؤذون الله ورسوله
۱۴۳	۱۹	دين	ديين
۱۴۶	۰۶	عنده	عندنده
۱۴۷	۰۴	معرفةدن	معرفةدن
۱۴۷	۱۳	بغته	بغته بصر
۱۴۸	۰۳	بين اظهر العلماء	بين العلماء
۱۵۴	۱۴	قلبيدير	عقلبيدير
۱۵۷	۱۱	مانافيدر	مانافيه در
۱۵۸	۰۸	حتى حضر	حتى اذا حضر
۱۶۱	۱۱	ويريلور كه رمز بنه	ويريلور كه تخصيص
...	بعد التعميم برمز بنه
۱۶۸	۰۹	(ولا امان	و) لا امان
۱۶۹	۰۳	(ومن ترك	و) من ترك
۱۶۹	۱۰	كفرا واعنادا	كفرا وعنادا
۱۶۹	۲۱	وما جعلناك	وما جعلنا
۱۷۱	۰۲	آمنوا)	آمنوا آمنوا)
۱۷۲	۰۵	بوكلاملره بنه	بوكلاملرينه
۱۷۲	۲۴	وبحب الاستقبال	وبحسب الاستقبال
۱۷۳	۲۲	بومسئله دن	بومسئله ده

صحيفه	سطر	خطا	صواب
١٧٤	٢٥	پس حجتي	پس حجتي
١٧٥	٢٤	بيانين	بيانين
١٧٧	١٧	ساميه	سائليه
١٨١	٠٨	اوچ اولكي به	اوچ اولكي
١٨٤	٠٧	مفضلده	منفصلده
١٨٤	١١	اوزره * سبقي	اوزره سبقي
١٨٩	٠٩	مر مومه	مر قومه
١٨٠	١٥	يصرف من السوء	يصرف عنه من السوء
١٩٣	٠٦	له ثم	له ثم
١٩٣	٠٧	ثم كنومه	ثم كنومه
١٩٣	٠٧	لا يوقظه	لا يوقظه
١٩٣	١٠	فمختلف	فمختلف
١٩٧	٠٦	و) رضوان	و) ورضوان
١٩٨	٠٢	لن نزول	لن نزول
١٩٨	٠٤	وفيما النفقة	وفيما اذا النفقة
١٩٩	١٧	يعلمون	يعلمون
١٠٥	٠٦	يعفو	يعفوا
٢٠٥	٠٧	ويعفو	ويعف
٢٠٧	٠١	وشفاعه	ولاشفاعه
٢٠٧	٠٣	نبوتك	نبوتك
٢٠٧	١٣	وطول * وقوف	وطول وقوف
٢١٦	١٥	برشي	برشبي
٢١٧	١١	ستعاره	استعاره
٢١٨	١٠	اذا صلح	اذا صلحت



٢٥١



(مرح المعالي)

(في شرح الامالي)

بسم الله الرحمن الرحيم

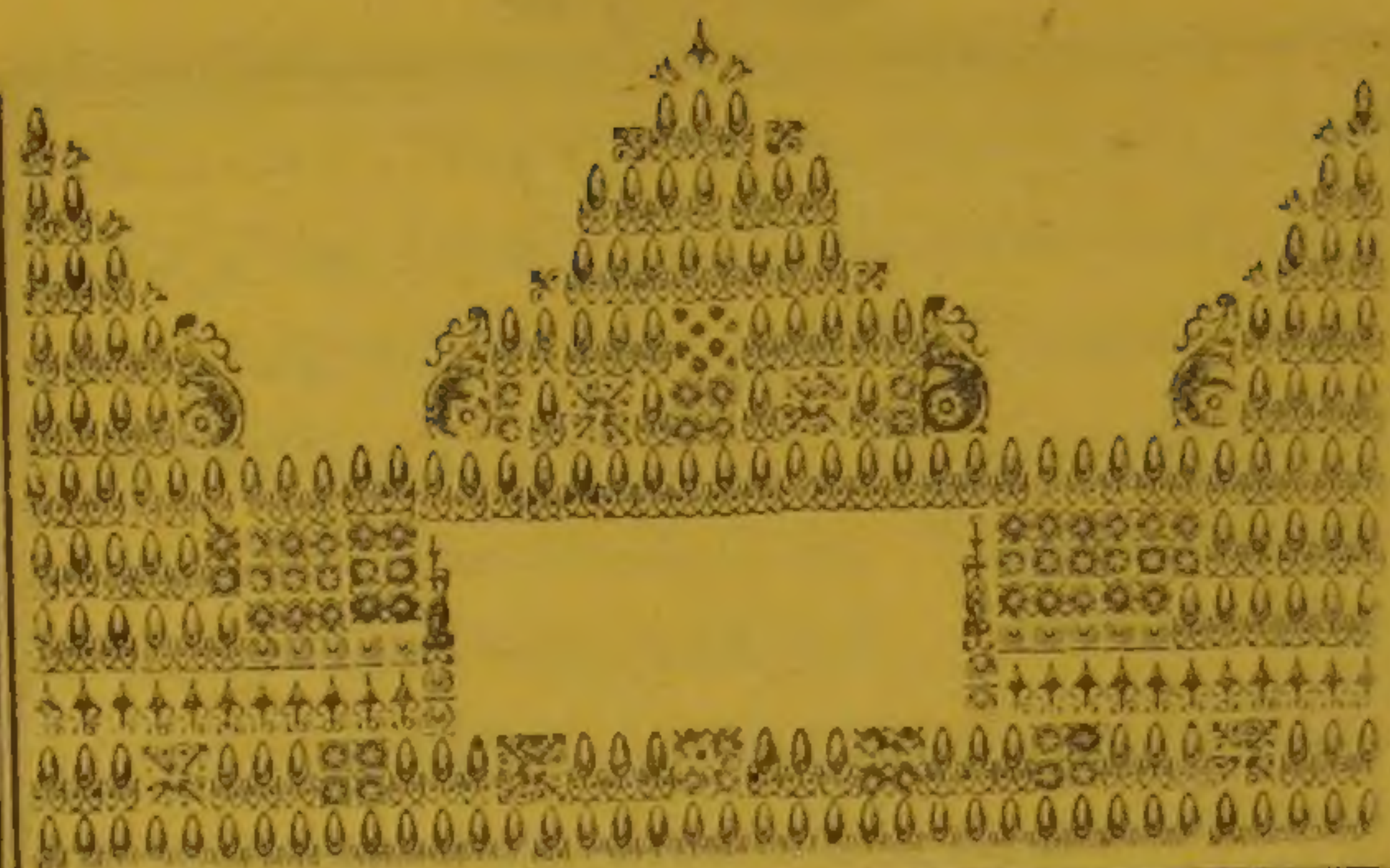
سبحان من توحد في ذاته القديم * سبحان من تفرد في وصفه القويم
سبحان خالق خلق الروح والقلم * ثم الشئون قدر بالنهج الحكيم
الواجب الوجود محال له العديل * الدائم القديم برئ عن العديم
هذا الوجود لمعة جونا جوده * هذا الشهود قطعة احسانه العيم
صلى على محمد المصطفى الذي * تخمير خلقه لعل خلق عظيم
سلطانه تنور كالشمس في السماء * برهانه تقرر كالطود في الاديم
والال والحجاب ما ارتاحت النسم * بالطف في الربيع اذا نسيم
اما بعد صورت مقدمة آتية ده بيان اولديني اوزره * جملة علوم
شريفه * وجنة فنون منيفه دن * علم كلام ايله معلم اولان
علم توحيد وصفات اهم واقدم اولديني * ارباب هدايه هويدا
واصحاب نهايه ناه عن الانهار * بنابر بن بو عبد كترين * يعني
درمانده اواصر قواصم السيد احد عامم * جعله الله تعالى
من عصية المعاصم * جملة دن اوفر * اول علم على الشان
معتبر * وفن ثمرة الافنان مقتر ايله * توغل واشغال
ودوحة دائمة اجناس فائضة الفايحه سندن * دو دست باصرة

امعاليه

امعاليه * اجتنای شمار مفهوم ومأل ابدوب * اول نهجه
ذات البهجه اوزره اشوييك ايکوزاون بش سنه سي * ماه رمضان
مغفرت فيضانده بعد الافطار * فطرتي فطانتله مايه دار * اولان
بعض محصلين صلاح آثار ايله * اسوة العلماء المحققين
قدوة الفضلاء المدققين سراج الملة والدين * علي بن عثمان الاوشي *
عليه الرحمة مامر الغداة وكر العشي حضر تيرينك * محتفل كافه
اصول دينه * ومتكفل عامه عقائد يقينيه اولوب * وبين الطلاب
(امالي) اسميله شهر تياب اولان منظومه فاخرة پر بها * ونشیده
ذاخرة بي بهاري که * هر مصرای چاک افکن کریان باب قصر
خورنق * وهریني بیت معمور اطلاقه احق والي قدر * مدارسه
ومذاکره سنه ابتدار اولوب * کرچه اول متن متبک * شرح وتبيين
باينده * افاضل عديده عديمة الاقران اعمال بنان يان * واشغال
قواي قوية الارکان ايلسار * لكن بسيط پرايساط بسط وعیانده
کيت خامه فضائل عنوانرينه ارخای عنان * يعني هر مذهبک
براهين وادله سن * کاهي ثبت صحيفه اتقان ايلد کلدن بشقه
لهجه عرييه اوزره اولغين * مائده فائده لری جملہ به ارزیده
وسمات عائده لری * پيشايدش همکنانه کسزانیده اولما مغله
ذکر اولنان طلاب معالي اکنتسايدن * بعض نباهت نصايلری بوزمين
اوزره کوهر پاش طلاب اولديلر که * هر فرقه نک مسالك مختار يعني
عقیده منعقد الاعتبار لری * بالادلة والبراهين * توضيح وتبيين
ومعتقد ومعتقد مز اولان اهل سنت مذهب مهذب * مقرون بابطال
مذاهب مخالفين اولديني حالده * تلويح وتعيين اولنه رق * سبک ترکی
اوزره بر شرح معتدل تحریر اولنسه * في ذاته اثر جليل * واجله واقله به
شامل المنفعة اولغله * موجب اجر جزيل * ومستوجب ذکر جليل
اوله جغی بی نیاز تفصیلدر * واقعا مر قوملرک بو مضمون اصابت

فرمانده هفت اقلیم * زینده حقیقه اطف و احسان * آرایش
دهنده نهالستان ابهت و عنوان * قلم پیکران رویت و رشاد * عمان
ز کا و زهانت خداداد * کامل و عارف * کان جواهر معارف و عوارف
دائمه مقادیر ارباب دانش و مقال * رساننده رواتب اصحاب فضل
و کمال * لمعه پاش جهان دانی * روشنی بخش دیده بنایی * موج
کوه افکن دریای سخا * نور ظلمت شکن بیضای عطا * روح جسد
اسلامیان * سرالسرار افتد اهل ایمان * مرتب اسباب غزو
و جهاد * مجهز مهمات اجناد و غا اعنای * باسط العدل و الانصاف
کاشط الضیم و الاعنصاف حضرت تریک * مدی الایام و الالیال * سرو
طوبی سایه ذات همایون بهمال خدیو بلرین * پیراینده روضه شان
و شوکت * و پاینده پالیز علو و عظمت * و آفتاب عالم آرای قلب
منور لرین * همواره دائر مدار سرور و شادمانی * و ماهتاب جهان
پیرای خاطر ضیا کستر لرین * سائر منازل حبور و حضور و کامرانی
ایلدیکی حالد * لوا مع احکام معدلت اتسام شاهانه لرین * ظلام انداز
ظلم و عدوان * و سواطع اوامر نصف ارتسام پادشاهانه لرین * روشنا
ساز شئون و احوال زیردستان ایدوب * دولت علیه ابدی القرار
خاقان لرین * قاطبه دول اوزره غالبیت مطلقه ایل * دمدم حائز فوز
و نصرت * و سلطنت سنی سرمدی الاستقرار سلیمان لرین * فلك
الافلاك آسا * عامه ملك و ملل اوزره محیط و مستولی ایتمکله
جمله سنی زبردازه انقیادنده * سرفرو برده مرکز تسلیم و طواعیت
و ظل ظلیل رأفت و عنایت رحیمانه لرنده * زمرة مسلمین
آسوده و مرفه البال * و مصون تابش اکدار و ملال * خصوصا
فرقه علما * و زمرة هزمندان و عرفا * هبوب نسایم عنبر شتام
عواطف کریمانه لریله * اکشوده دل و خوشحال * و ارکان
صداقت بنیان دولت علیه * و خول و خدمت محالست اقتران

سلطنت سنیه لرین * موافق رضای همایون * و مطابق دلخواه
اصحاب مقرون شهر یاری * آرای صائبه و سدید * و خدمات رضیه
و مفیده به مظهر یتله * نائل مطالب و مباغی * و فائز رفاه و رفاغی ایلوب
ساحه ممالك محروسه خدیوانه لرین * مکنته حسن تدبیر ایل *
خس و خاشاک بغی و عصیان دن تظہیر * و صفحه کشور را حتما نوسه
ملیکانه لرین * مصفله شمشیر جهانگیر بره * زک و کدره نمرد و طغیاندن
تجلیه و تنویر ایل به آمین * جعل الله عون و صونه ملازما لخدمته
فی کل اللیل و النهار * و لطفه و توفیقه مناد ما لخدمته حتی ینال کل
ما یتناه علی وجه البسار * و جعل اعداد عمره و اقباله قاصیا عن بلوغ
الاحصاء * و اوتاد مجده و اجلاله مرتبطا بطناب الخیمه الخضراء
و ادام دعه الاسلام * بادامه ذاته ذی العز و الاحترام * و انام عیون
الالام * بايقاظ سیف سطوته الحسام * و جمع فی جنوده اسباب
الانتصار * فشئت شمل العداة باسوء الحزى و اشوه الخسار *
واقرقریبا عینه بمشاهده جمال الاجتدال عن اجتدال
اعداء الدین * و اسر سمعه بنسلسل احادیث البشر
من الشمال و الیمین * علی الفتح المبین آمین * بمکانه
من نزل فی حقه عند ذی العرش مکن



وتیره مقدمه کتاب اولی اوزره علم توحیدك شرفی * و فرقه ناجیه
اولان اهل سنت و جماعت مذهبك شیخین مکرینی اولان (ابو منصور
مازیدی) و (ابو الحسن الاشعری) ینلرنده اولان اختلافاتك ذکر
ویانی * ملایم وجدان اولغله * علی طریق الاجال * ثبت صحیفه مقال
قیلندی معلوم اوله که (علامه تفتازانی) علیه الرحمه حضرت تلیرتك
کشیده سلاک سطور ایلدیکی اوزره * کیفیت عمله متعلق اولان احکام
شرعیه به * فرعیه علیه اطلاق اولنور * اعتقاده متعلق اولانه اصلیه
و اعتقاده اطلاق اولنور * و قسم اوله متعلق اولان علمه * علم شرایع
و احکام دینور * زیرا احکام شرعیه * انجیق جهت شرعدن مستفاد
اولور * قسم ثانی به متعلق اولانه * علم توحید و صفات دینور * زیرا
مباحث توحید و صفات * علم مزبورك اشهر مباحثی و اشرف
مقاصدیدر صدور اسلامیه که (صحابه کرام) و تابعین ذوی الاحترامدر
صحبت نبوی برکاتی * و زمان سعاده قریت حیثیتی ایله * صفوت
عقایدی اولدیغندن بشقه * و قایع مسائلک و اختلافاتك قلنی *
و اقتضایدن مشکلاتك حل و کشفنده * خلفای راشدین و ضبط
و حفظلری و امور دینیده آراء صاحب لری مقطوع اولان ثقات کاملینه
مراجعتك سهولتی اولغله * ذکر اولنان علم شرایع * و علم توحیدك

تدوینلرندن مستغنی اولوب * لکن قرن مر قوم انقضاسندن صکره
تدریجیه بین المسلمین * فتن کونا کون حدوث * وائمه دین اوزره
بغات و طغیانك غلبه سی ظهور ایتکله * اختلاف آراء و تشعب
اهوا و بدع و محدثات * یوما فیوما بروز * و فتاوی و واقعات
متکثر * و مهمات دینییه ده * علمای کزینده * مراجعت متزاحم
اولغله * مجتهدین عظام * آیات و احادیث و آثاره نظر و استدلال
و اجتهاد و استنباط احکامه اشتغال ایتکله * استنباط ایلدکلی
احکامی ضبط و تیسیر ایچون قواعد و اصول ضابطه سنه اخذ
و بالنسبه ابواب و فصول وضع * و هر حکمك ادله و جهات
ادله سنی * و اصطلاحات مخصوصه و اوضاع منصوصه سنی
تبیین ایله * فن خاص اولی اوزره * شیرازه بند تلفیق اولوب * ادله
تفصیلیه سندن احکام عملیه معرفتی مفید اولان فقه * علم فقه
و افاده احکام یابنده * اجالا ادله احوالتك معرفتی مفید اولان فقه
اصول فقه * و ادله یقینییه دن معرفت عقایدی مفید اولان فقه
علم کلام * تسمیه ایلدیله * زیرا علم مزبورك عنوان
مباحثی الکلام کذا و کذا اولدیغندن بشقه * اکثر مباحثی
مسئله کلام * یعنی کلام الهی مخلوقیدر دکلیدر * مبحثی اولوب
و تحقیق شرعیات * و الزام خصومه کلامه قدرتی مورث
و سائل و مجیب * و معلم و متعلم طرفلرندن اداره کلامه مدار
تحقق * و علوم سائر دن ازید * نزاع و خلافتی مشتمل اولی حسبیه
مخالفینه کلامه * و کلاملرین رد و ابطاله * احتیاجه باعث
اولغله * علم کلام ایله * تسمیه اولندی * و چونکه ذکر
اولندیغنی وجه اوزره * تدریجی اختلافات ظهور
و بر مقتضای هوا * هر خلافت بر طائفه عقد وفاق ایدرک
سَتَفَرَّقُ اُمَّتِي ثَلَاثًا وَسَبْعِينَ فِرْقَةً كُلُّهَا فِي النَّارِ اِلَّا وَاحِدَةً

قبل ومن هم قال الذين هم على ما انا عليه واصحابي
 حديث شريفی اوزره ❦ امت محمد عقاید جهنیه ❦ یتش اوج فرقه
 اولوب ❦ اهل سنت وجاعتدن ماعداسی ❦ موجب دخول نیران
 اوله جق انواع هذیانہ ابتداریلدیلر ❦ اشاعره ❦ حضرت
 رسول الله ❦ واصحاب کرامنک اعتقادری اوزره ❦ فرقه ناجیه
 اولوب ماعدایتمش ایکی فرقه ❦ مخالفت اوزره اولملریله هالکه در
 محمد شهر ستانی علیه الرحه ❦ ملل نحل نام کتابنده بسط ایلدیکی
 اوزره ❦ ذکر اولسان یتش ایکی فرقه نك اصولی یدیدر
 اولکبسی معتزله در ❦ وجه تسمیه بودر که سر کرده لری اولان
 واصل بن عطا نام کسسه ❦ حسن بصری علیه الرحه حضرت نلرینک
 مجلسنه متردد اولغله ❦ بر کون خلال محاورانده مرتکب کیره یه
 مؤمن ❦ وکافر ❦ اطلاق اولمز دیوب ❦ کفر وایمان یننده
 بر معتزله اثبات ایتکله ❦ حسن بصری علیه الرحه بزدن اعتزال
 ایلدی بیور مغله ❦ مزبور وتوابعی ❦ معتزله ایله ملقب اولدیلر
 وحق تعالی اوزرینه مطبعه ثواب ❦ وعاصی یه عقابک ❦ وجوبنه
 وصفات قدیمه نك نفیه ❦ ذاهب اولملریله ❦ کندی ملترینه
 اهل توحید واهل عدل اطلاق ایلدیلر ❦ وقدری انکار ایتلریله انلره
 قدر به دخی دیرلر ❦ فرقه ثانیه شبعه در ❦ ثالثه خوار جدر ❦ رابعه
 مرجئه در ❦ خامسه نجاریه در ❦ سادسه جبریه در ❦ سابعه
 مشبه در ❦ فرقه اولی معتزله در که آنفا ذکر اولندیغی اوزره
 ریشلری واصل بن عطادر ❦ بعض مسائل اعتقاده ❦ توابعلری
 یننده تشاجر اختلا فاته ❦ یکرمی فرقه اولدیلر ❦ فرقه اولی
 واصلینه در که ذکر اولندی ❦ ثابته هذیلیه در که ابو الهذیل
 ابن العلاف توابعیدر ❦ ثالثه نظامیه در که ابراهیم بن بشار النظام
 کسسه توابعیدر ❦ رابعه حائطیه در که محمد بن حائط توابعیدر

خامسه بشریه در که بشر بن المعتمر اتباعیدر ❦ سادسه معمریه در که
 معمر بن عباد السملی توابعیدر ❦ سابعه مزداریه در که مردار
 صورتنده مزداریله ملقب عبسی بن صبح اتباعیدر ❦ ثامنه ثمامیه در که
 ثمامه ابن اشرف النیری توابعیدر ❦ تاسعه هشامیه در که هشام
 بن عمرو الغوطی اتباعیدر ❦ عاشره جاحظیه در که عمر بن الجاحظ
 اصحابیدر ❦ حادی عشر خطابیه در که ابو الحسن ابن ابی عمرو
 الحیاط اتباعیدر ❦ ثانی عشر کعبیه در که ابو القاسم بن محمد الکعبی
 اتباعیدر ❦ ثالث عشر جبابیه در که محمد بن عبد الوهاب الجبائی
 اتباعیدر ❦ رابع عشر بهشمیه در که ابو هاشم بن عبد السلام
 اتباعیدر ❦ خامس عشر عمرویه در که عمرو بن عبید اتباعیدر
 سادس عشر اسواریه در که اسوار نام کسسه اتباعیدر ❦ سابع عشر
 اسکافیه در که ابو جعفر الاسکانی اتباعیدر ❦ ثامن عشر جعفریه در که
 جعفر بن بشر اتباعیدر ❦ ناسع عشر صالحیه در که صالح نام
 بر شخص اتباعیدر ❦ عشرین حدیه در که حدب نام کسسه توابعیدر
 فرقه ثانیه که شبعه در ❦ حضرت رسول الله صکره ❦ نص جلی
 یا خود نص خفی ایله امام ❦ حضرت علی بن ابی طالب در دیرلر ❦ بونلرک
 اصوللری اوچدر ❦ اول غلاة شبعه در که اون سکر فرقه اولدیلر
 ثانی زیدیه ❦ ثالث امامیه در ❦ مجموعی یکرمی فرقه در ❦ فرقه اولی
 سبائیه در که عبدالله بن سبا اتباعیدر ❦ ثانی کاملیه در که ابو کامل
 اتباعیدر ❦ ثالث علیائیه در که علیاء بن زراع الاسدی اتباعیدر
 رابع مغیره در که مغیره بن سعید العجلی اتباعیدر ❦ خامس
 منصوریه در که ابو منصور العجلی اتباعیدر ❦ سادس خطابییه در که
 ابو الخطاب محمد الاسدی اتباعیدر ❦ سابع هشامیه در که هشام بن
 الحکم اتباعیدر ❦ ثامن نعمانییه در که محمد بن النعمان اتباعیدر ❦ ناسع
 یونسیه در که یونس بن عبد الرحمن اتباعیدر ❦ عاشر نصیرییه در که

نصیر نام کسکه اتباعیدر * حادی عشر جناحیه در که ذوالجناحین
 اتباعیدر * ثانی عشر غرایه در که محمد علی به مشابیهتی * غرابک
 غرابه مشابیهتی کبیر دیرل * ثالث عشر رزامیه در که رزام بن شاقوا
 اتباعیدر * رابع عشر زراریه در که زرار اتباعیدر * خامس عشر
 مفوضه در که حق تعالی خلق دنیایی * محمد تفویض ایلدی دیرل
 سادس عشر بدایه در که حق تعالی به بدا اسناد ایدرل * یعنی
 حق جل و علا * بر نسنه اراده ایلد کدن صکره * رجوع و ندامت
 ایدر دیرل * سابع عشر بنائیه در که بنان بن سمعان اتباعیدر
 ثامن عشر * اسمعیلیه در که یدی اقبله ملقبدر * باطنیه و قرامطه
 و حرمیه و سبعیه و بابکیه و محجره و اسمعیلیه در * امامتی جعفر صادق
 حضرت تترینک یوک اوغلی اسمعیه اثبات ایدیلر * تاسع عشر
 زیدیه در که زید بن علی بن حسین بن علی * امامته ذاهب
 اولدیلر * حالایمن اهالیسی بو مذهب اوزره در * و کونا کون
 مخالفتری وار * و بو زیدیه طائفه سی اوج فرقه در * اول
 جارودیه در که ابو جاروده تابعدر * ثانی سلیمانیه در که سلیمان
 بن جریره اتباعیدر * ثالث صالحیه در که حسن بن صالحه تابعدر
 پس بو اوج فرقه ابله شیعه بکرمی بفرقه اوور * بکرمی ایکنجی
 امامیه در * فرقه ثالثه خوارجدر * امام بالحق اوزرینه خروج
 ایدنه * خارجی اطلاق اولنور * بونلرده یدی فرقه در * و هر فرقه تک
 شعبه لری اولمغله * مجموعی بکرمی فرقه اولسندر * فرقه رابعه
 مرجئه در که علی رنبه ده * نیتدن واعتقاددن * تأخیر ایدرل
 ارجا تأخیر معناسنه اولمغله * مرجئه ابله تسمیه اولندیلر
 و بو فرقه بش فرقه به منشعلردر * فرقه خامسه جبریه در که
 عباددن فعلی حقیقه نئی ایدوب * جمله افعالی جناب عزه
 ...

نام بر کسکه توابعیدر * خلق افعاله * واستطاعت فعل ابله اولدیغنده
 اهل سننه متابعلردر * لکن نفی صفات وجودیه ده * وحدوث
 کلامده * ونفی روئیده مخالفدر * فرقه سابعه مشبهه در که
 حضرت حق * مخلوقات تشبیه ایدرل * پس ذکر اولسان فرق
 هالکه مجموعی * یتیم ایکی اولدی * بونلرک تفصیل مذاهب باطله لری
 ذکر اولنان ملل و محل نام کابده مبسوطدر * پس بو فرقه لک
 اکثری * دلائل سمعیه به راضی اولوب * خصوصاً
 معتزله طائفه سی * اکثر اصول فلاسفه به تشبیه * محض عقلی
 و فلسفه بی * اصول عقائده خلط * و بین الناس مذهب لری
 اشاعه ایتمکله * هرج و مرج عقائده باعث اولوب * تا که
 شیخ ابو الحسن الاشعری * اشبو منظومه خلالتده * و ما ان
 فعل اصلح * یعنی شرحنده * ذکر اولندیغی اوزره * استنادی
 اولان ابو علی الجبائی بی مبهوت ایلمکله * مذهبنی ترک و فراغت
 و تلامذه و توابعیه * کتاب و سنت و جماعت مقتضاسی ادله
 و براهینه * اول طائفه تک مذهب لری ابطاله * صرف غیرت
 کذلک ابو منصور ماتریدی علیه الرحه * امام اعظم * و همام اقدم
 حضرت تترینک * فقه اکبر * و سائر اثرانور لردن بالاستناد
 عقائد حقه بی * سیم ناب کبی * ظاهره اخراج ایدوب * بعده
 خلفای عباسیه عصرنده * ابو نصر فارابی * کتب فلاسفه بی
 یونانیدن عربی به ترجمه ایدوب * اسلامون فلسفه به خوض
 و ملازمت * و شریعت مخالف اولان مذهب لری * ابطاله مبادرت
 و مذهب حقه نصرت * لاسیمما متأخریندن * امام الحرمین
 و امام فخر رازی * و سائر اعلام امت * عقائد اهل سننه بی
 ضرب دست براهینه * ایدی مخالفیندن * نزع و استخلاص ایتمکله
 مظهر شایع عوام و خواص اولمشلردر * بو جهته علم کلام

اساس احكام شرعيه ❦ ومدار علوم دينيه ❦ وبالجملة مسائل
عقائد اسلاميه ❦ وغايتي سعادات اخرويه اولوب ❦ لكن
ذكر اولنديغي اوزره ❦ باشي غوغالي بر علم عزيز اولغله ❦ بعض
متورعين سلف ❦ اشتغالنه رضا داده اولوب ❦ لكن عدم
رضاسي ❦ علت قابليت ❦ علت فاعليه دن مقدم قاعده سي اوزره
قاصر ين ومتقصر ينه نسبت اولوب حتي ❦ عَلَيْكُمْ بِعَقَائِدِ الْعِبَارِ
كلامي دخی ❦ اولقوله اشخاصه خطايدر ❦ يوخسه نهاد سلينده
جوهر استعداد وطبع مستقيمنده ❦ مایه فیض خداداد مرکوز اولوب
قوای متميزه سي ❦ مرصوص اولان ❦ طسلا بعلومه واجب
اولديغه ❦ عامه علما اتفاق ایلدیلر ❦ حتی فقهای عظام اجماع
ایلدیلر که هر مسافه سه روزه ده ❦ ازاله شبهه والزام معاندین
وارشاد مشترک شدین ایلکه مقتدر ❦ بر ذاتک وجودی لازم
اولوب ❦ وقتک امامنه ذکر اولنديغي اوزره هر مسافه سه روزه بی
یوصفته متصف عالمدن اخلا ایلک حرامدر ❦ نه کیم هر نصف
مرحله محلی ❦ نظوا هر احکام شریعتیه عالم ❦ ذاتدن اخلا ایلک
حرامدر ❦ خلاصه علم عقائد اصل واجبات ❦ ومبنای مشروعات
اولغله ❦ اجل علوم اولق ملاسه سي ❦ اعتنا واهتمامه شایان
وکمال خواهش ورغبت طلبه کرامه جسابندر ❦ وخفی
اولیه که ❦ ذکر اولسان حدیث شریف منظوقی اوزره ❦ فرقه
ناجیه اهل سنت وجامعندر ❦ وانلر شیخ ابو منصور ماتریدی
وشیخ ابو الحسن الاشعری توابعندر ❦ حنفیه عقاید ده ماتریدی به
تابعندر ❦ زیر اشارتیه اصول وفروعده ❦ امام اعظم حضرت تکرینک
منهبی اوزره در ❦ ومالکیه وشافعیه وخنابله عقایدده ❦ اشعری
مذهبنده در ❦ مخالفینه مقابل ذکر اولندقدده اشاعره ایله تعبیر
اولور ❦ وماتریدی ایله اشعری مباننده ❦ بعض مسائلده

اختلاف واردر ❦ تاج الدین ابن السبکی سبکنه کوره ❦ همار
اون اوچ مسئله ده ❦ اختلاف ایلدیلر ❦ انلر کده بعضیسی لفظیدر
حقیقه بنسند دخی ❦ بدعت وضلالنه نسبت اولنه بحق ماده یوقدر
خادمی علیه الرحمة طریقت شرحنده ❦ یتش اوچ کونه اختلافات
ثبت ایدوب لكن بعضیسی بعضیسنه راجع ❦ واکثری نزاع لفظی
اولوب وبعضی دخی جمهور کلامی اولغله ❦ ینه مومی ایله سبکی زاده
قولنه راجعدر ❦ اختلافات مذکورہ تک اولکبسی ❦ جمهور
ماتریدی دیدیلر که ❦ وجوب معرفت الهی عقیددر ❦ شرعی
دکدر (۲) ناسه رسول بعث اولمنسه ده اوزر لایینه معرفت
الهی واجبدر (۳) صانع عالم صفاتیه ❦ حق معرفتله
یلنور (۴) وجود واجب فی الحقیق ❦ ذاتک عیندر (۵) بعض
امورک حسن وقبی ❦ عقلله ادراک اولور (۶) صفات افعالک
بجموعی صفت ذاتیه حقیقیه یه که ❦ تکوین صفتیدر راجعدر
وتکوین عدمدن وجوده اخراجک مبدئدر ❦ وفعلیه ذاتیه کبی
حقیقه در ❦ اعتباریه دکدر ❦ ذات باری ایله قائم قییمدر (۷)
واجب الوجودک هر بر صفت ذاتیه سي ❦ وفعلیه سي ❦ ممکنه
دکدر (۸) صفات افعال که خالق ❦ وباری ❦ ورزق ❦ وامثالها
مفهوما تیدر ❦ قدرتک غیریدر (۹) تکوین مکونک غیریدر (۱۰)
بقا صفت زانده دکدر (۱۱) سمع وبصر صفتلری ❦ مسموع
ومبصره ❦ علمک غیریدر (۱۲) مسموم ومذوق وملوسی ادراک
شان الهیده علمک غیری ❦ صفت دکدر (۱۳) افعال الهی
حکم ومصالحه معللدر (۱۴) اراده رضا ومحبتی مستلزم دکدر
(۱۵) حق جل وعلا از لده متکلمدر مکلم دکدر (۱۶) بعض
قرآن بعضندن اعظمدر (۱۷) معدومه خطاب ازلی ❦ تعلق
ایتمز (۱۸) اشیاک وجودی ایجاد ایله در ❦ کن خطابی ایله

دکدر * پزدودی علیه الرحمه مجموعه در دیدی (۱۹) ایمان زائد
 و ناقص اولماز (۲۰) ایمانده استثناء * یعنی ان شاء الله کلمه سنی
 ترکیب * حالا واستقبالا جائز دکدر (۲۱) حالا شقی اولان سعید
 وسعید اولان * شقی اولور (۲۲) هر موجوده * سماعک تعلقی جائز
 دکدر * هر موجوده رؤیتک تعلقی * جائز ایهده (۲۳) حضرت
 موسی علی نبینا وعلیه السلام * کلام نفسی بی استماع ایتوب
 بلکه حروف واصواتدن مرکب کلام * استماع ایلدی (۲۴)
 تکلیف مالا بطلاق جائز دکدر (۲۵) مطیع تعذیب * و کافری
 تنعیم * و مؤمنی نارد * و کافری جنده تغلب * حکمته مخالف
 و شقی موضعک عیری به وضع اولغله * عقلا جائز دکدر (۲۶)
 حق سبحانه و تعالی منامده مرئی اولماز * لکن اکثر حقیقه
 خلافه ذاهب اولوب * شیخ کلامی تویل ایلدی (۲۷)
 رؤیا خیال باطل دکدر * بلکه نوع مشاهده روحانیدر
 (۲۸) استطاعت طاعت * بعینها استطاعت معصیتدر
 زیرا قدرت واحده علی سبیل البدل ضدینه صالحدر (۲۹) علم
 واحد مخلوق * ایکی معلومه دخی زیاده به تعلقی ایدر (۳۰) انبیای
 عظامک رسالتی * موله منقطع اولماز (۳۱) حضرت رسول الله
 علیه الصلوة والسلام احکام شرعیه ده * وحی ایه * و رأیه
 واجتهاد ایه عمل پیور دیر (۳۲) مقلدک ایمانی صحیدر * هر قدر
 استدلالی ترکله عاصی اولور ایهده (۳۳) ایمان استدلالیه
 جمیع مسائل اعتقادیه ایچون * دلیل عقلی لازم دکدر * بلکه
 قول رسوله اعتقاد کفایت ایدر * وفیه تأمل (۳۴) اسم مسماک
 عبیدر (۳۵) حکمت اول نسنه در که کندی ایچون عاقبت
 حیده اوله * سفه بوتک ضلیدر * یو خسه فاعلاک قصدینه
 و ضلیدر واقع * و فاعلاک منفعت و مضرت اولان اشیا دکدر

(۳۶) عبیدک فعلنه کسب اطلاق اولور * خلق اطلاق
 اولمز (۳۷) فعل الهی خلقددر * کسب دکدر (۳۸) فعل اسمی
 افعال الهی به * و افعال عباد * بطریق الحقیقه و المجاز
 اطلاق اولور (۳۹) بغیر آله واقع اولان ایجاد خلقددر * مع الاله
 کسیدر (۴۰) شبئی * حواس خسه نک بریله ادراک * علم دکدر
 بلکه انلر علمه آلتلردر (۴۱) ذکورت شرط نبوتدر (۴۲) عقیب
 ضربده واقع اولان الم * و عقیب کسرده واقع اولان انکسار * فعل
 عبده متعلق دکدر (۴۳) نظر صحیحک افاده سی * مجموع خلق
 و کسبه در * بلکه خلقله دکدر (۴۴) عبیدک قدرتی
 فعلنده مؤثردر * غیر مؤثر دکدر (۴۵) علل و اسباب * اظهار
 آثار ایلدکری ماده لرد * قوی و طبایع کبی * حقیق مؤثردر
 عادی دکدر (۴۶) ایکی قادری قدرتلی یننده * مقدور
 واحدک وقوعی * جائزدر (۴۷) ارواح جسم و جسمانی
 دکدر * ماده دن مجرد اولان اموردر (۴۸) قبل البعثه
 بعض احکامک معرفتی جائزدر * حق تعالی علم خالق ایتله یا خود
 کسبک مدخلی اولیه رفی * تصدیق رسولک وجوبی و کذبک
 حرمتی کبی * یا خود نظر و ترتیب مقدماتله (۴۹) صفات الهی
 بر بقایله باقیدر که * اول بقاده نفس صفت سنیه در (۵۰) مماثلت
 جمیع اوصافده * مشارکتله تحقق ایدر (۵۱) مماثلت جنسدر
 انواعی اولان مشابهت و * مضاهات و * مساواته شامل اولور (۵۲)
 منسایهات اجالا مأول اولوب * تفصیلی حضرت حقه تفویض
 اولور (۵۳) منسایهات حکمی عالم دنیاده * رجای معرفت
 مرادک انقطاعیدر (۵۴) قضا و قدر اراده ازلیه نک غیر بدن
 (۵۵) پیغمبر غیبی یلور دینلرک * کفرینه ذاهب اولدی (۵۶)
 هر مجتهد مصیب دکدر * و حق بردر (۵۷) دلیل لفظی یقین

اوله ایدر * عند عدم المانع * اگر معنای واحد اوزره متواتر
اولورسنه (۵۸) محبت استجماد معناسنه در * مطلق اراده
معناسنه دکلدر * بوجهته طاعتک غیریه تعلق ایلز
(۵۹) کافر دنیاده متعم اولور (۶۰) کافر فر وعمله مکلف
دکلدر (۶۱) انبیای عظام عدا صغائر دن * ومطلقا * کبار دن
معصوملردر (۶۲) مفضولک امامتی صحیحدر (۶۳) موت بنیه
حیوانک فسادیدر * یوقسه حیات شانندن اولانک * عدم حیات دکلدر
یاخود بر عرضدر که * حق تعالی حیوانده خلق ایدر (۶۴) اعراض
ایچون بقا یوقدر (۶۵) توبه یأس مقبولدر (۶۶) حسنی یاخود قبی
سقوطی قبول ایلان حکمک * نسبی جائز دکلدر * ایمانک وجوبی
وکفرک حرمتی کبی (۶۷) حسن و قبح عقله * ادراک اولان محارده
امر ونهیک مدلولیدر (۶۸) اقرار ایمانک جزئیدر * بعضیلر عندنده
شرطدر (۶۹) شاهی جیلده نشأت ایدوب دعوت واصل اولیان
کسنه اوزرینه * بالاستدلال * صانع عالمک وجود و وحدتند
وما لاینغی ایله متصف اولدیغنه * ایمان واجب اولور (۷۰) عقلک
بعض شرعیاتی ادراکده * مدخلی وارد * هر قدر حکمنده مدخلی
یوغنسه ده (۷۱) توضیحده ذکر اولندیغی اوزره * حال اثبات
ایلدیلر (۷۲) ارسال رسل واجبدر لایق معناسنه (۷۳) استطاعت
فعله مقارندر انتهى * واقعا ذکر اولانسان اختلافاتک اکثری
بر برینه راجعدر * واکثری منازعه لفظیه در * معلوم اوله که
اشبو منظومه بحر و افراک ضرب اولندندر که عروض و ضربی
مقظوف * واجزای سائر سی عصب ایله مزخوفدر
قطف * سبب خفیفک ماقبلنی اسکاندنصکره * حذف ایتمکدر
مفاعلتن فعولان اولور * عصب خامس * مفاعلتن اولان لای
سکانت مناسبت اولور که * اذالم تستنع سببا فدعه

وجاوزه الی ماتستطیع * یتقی بومنون اوزره در * حزر جیده
مسطوردر * ومن الله العون

يَقُولُ الْعَبْدُ فِي بَدْءِ الْأَمَالِي لَا تَوْحِيدَ بِنَظْمٍ كَاللَّالِي

يقول فعل مستقبلدر * العبد فاعلیدر * حرف تعریف کوفیون
عندنده مضاف الیهدن عوضدر * عبد الله تقدیرنده در که مراد
نفس ناظمدر * بصریون عندنده * معهوده اشارتی متضمن
اولمقدمه * اضافت مشابه سنده اولمغله * تعویضدن مستغیدر
فی بدأ الامالی يقول کلمه سنه متعلق ظرفدر بدأ ابتدا معناسنه در
لکن ابتدائک مفهومی کلفتی متضمندر * حل واحتمال کبی
امالی جمع املادر * عن ظهر الغیب یعنی من غیر استعانة الکتاب
تحریر وکتابت معناسنه در * وبعضیلر امالی اشبو منظومه تک
اسمیدر دیدیلر * لکن غیر موجهدر * وبعضیلر بدأ الامالی
اسم منظومه در دیدیلر * لتوحید کلمه سنده لام عاقبت ایچوندر
فی معناسنه مستعار اولق دخی نمکندر * بعضیلر يقول فعلنه تعلیق
ایلدیلر * مال کلام لکونه معتقدا بالتوحید * بسفه بالغدم
وصفات الکمال دیمک اولور * یاخود لام تعلیلیه به حل اولنور
کویا که * سیاق کلامه یاخود سائل مقدرک * لای شی يقول سئواله
جوابی متضمن تعلیل اولمش اولور * علی التقادیر بده کلمه سنه
تعلق نامر ضیدر * زیرا ابتداء توحید ایله اولیوب بلکه قدم
وصفات کمالدن بحثله در * لکن جمله دن انسی امالی قولنه
تعلیق ایلمکدر * زیرا توحیددن مراد علم توحیددر که * علم کلامه
مشهردر * مؤلفا لتوحید تقدیریه حال اولق دخی نمکندر * بنظم
بده کلمه سنه متعلقدر * يقول کلمه سنه ده تعلق جائزدر * لکن قرینت
حسبیه اول احق * بلکه امالی به تعلیق دخی الیقدر * نظم لغتده

انجوی ایلکه دیزمه دینور * اصطلاحده مرتبه المعانی
ومتاسقه الدلالات اولان * کلماتی عقلاک مقتضاسی اوزره * جمع
وتألیف ایلکدن عبارتدر * کالائی کاف حرف جردر * یاخود مثل
معناسنه در * لالی جمع اولودر * اینجو معناسنه کاف مدخولیه
نظم کله سنک صفتیدر * لکن مضاف تقدیرینه محتاجدر * زیرامراد
نظم کلامی نظم لالی به تشبیهدر * تقدیر کلام بتکلم العبد فی ابتداء
ما املأه بنظم کائن کنظم الالئی * او بنظم مثل نظم الالئی * لعلم
التوحید الموسوم بالکلام دیمک اولور * ناظم علیه الرحه
نظمی حسن و بهاء * وصفوت و ضیائی محتوی * ولطافت و مضبوطی
منطوی اولق جهته * نظم لالی به تشبیه ایلشدر * ومفهوم
عبودیتده لازمه ذمت مخلوق اولان * تذلل و خضاعت
اظهارندن بنسقه * ربوبیت حق سبحانه و تعالی * اعترافی متضمن
اولغله * ناظم کنندی نفسی عنوان عبودیتله توصیف ایلدی
* بیت * لاتدعی الایا عبدا * فانه اشرف اسمایا * مدلولی
اوزره * عبدا سمی اشرف اسماء مؤمنندر * نه که * سبحان الذی
اسرى بعبد * ایت کریمه سنده * آنکله افضل نوع انسانی
اولان * حضرت رسول بیدائی معبر یورادی * خفی اولیه که خاصه
عبودیت انبیاء علیهم التحایا * خاصه رسانلرندن اشرفدر * زیرا
عبودیتله خلقدن حقه منصرف * و رسانته حقندن خلقه منعطف
اولور * بناء علیه کله شهادته * عبد عنوانی رسول اوزره تقدیم
اولندی * بعدا توحید کله سی * وحدندن تفعیلدر * صانع عالم
حق سبحانه و تعالی * ذاتا و صفاتا واحد حقیق اولوب * یعنی
شیریک و نظیردن منزله اولدیغنی قلبه تصدیق * ولسانه اقرار
ایلکدن عبارتدر * بوجهته وحدت * صفات سلبیه جمله سندن
اولور * وتوحیدک اوج مرتبه سی وارد * مرتبه اولی توحید

ذاتدر که * مقام استهلاک * وفانی الله در * مرجعی لاموجود
فی الحقیقه الا الله مفهومیدر * مرتبه ثانیه * توحید صفاتدر که
جمله قدرت مخلوقات * قدرت شامله ربانیده مستغرق بملک
وعامه علومی علم کامل سبحانه * مضمحل بملکه قاطبه کالائی
عکوس انوار کمال یزدانیدن * برلمعه کورمکدر * مرتبه ثالثه
توحید افعالدر که * علم البقین یاخود * عین البقین * یاخود
حق البقین ایل * وجود و ظهورده * حق سبحانه و تعالیدن غیر
مؤثر اولدیغنی اذعان * وتحقیق ایلکدن عبارتدر * قالدیکه
وحدانیت خدای بیهمتایی اثبات صدقده * امام رازیدن نقل
اولندیغنی اوزره * متکلمینک سرد ایلدکری براهین عقلیه
یکرمی به قریبدر * اشهری * اوکان فیها آلهة الا الله لفسداتا *
نص شریفنک موجب اشارتی اوزره برهان تمنعدر * یعنی صانع
عالم ایکی فرض اولنسه * افعاله مختلف اولورل * یاخود متفق
اولورل * اختلاف صورتی فساد عالمی * یعنی سموات وارضینک
اشبو نظام محسوس بدیعندن * خروجنی یاخود * عدم تکوینی
یاخود اجتماع اضدادی مستلزمدر * مثلا برسی * زبدک حرکتنی
ودیکری * آن مراده سکوتی * اراده ایلنسه * الوهیت حسبیه
قدرتتری مؤثر اولغله * اجتماع ضدینی مستلزم اولورل * و صورت
اتفاقه * ینلرنده مخالفتک * یا صحت و امکانی اولور * یاخود اولماز
صورت اولی محالدر * زیرا تخالف مستحیلدر * صورت ثانی عجزی
مستلزمدر * عجز ایسه اماره حدوث اولغله * شان الهیده محالدر
صورت دیگر * صانع عالم * ایکی فرض اولنسه * احدهما یاندیرنده
کافی اولور * یاخود اولماز * صورت کفایت اواده * صانع ثانی ضایع
وزائد اولق اقتضایدر * بوایه نقیصه در * ناقص ایسه صانع
اولیه جفی کامله عیاندر * صورت کفایت ثانیده * صانع اول ضایع

و معطل اولور * صورت آخر صانع عالم ایکی فرض اولنسه * تأثیر
قدرتده * یا هربری آخره محتاج * یا خود مستغنی * یا خود
احدهما محتاج * آخر مستغنی اولور * صورت اولده * ایکبسنکده
حسب الاحتیاج نقصانلری لازم کلور * نقصان ایسه * شان الوهیه
منافیدر * صورت ثانی به کوره * هربری مستغنی عنه اولغله
ایکبسنکده اله اولماسی لازم کلور * زیرا اله محتاج الیه * مستغنی به
اولغله * مستغنی عنه اولماز * صورت ثانی * محتاج ناقص
و مستغنی * اله اولق لازم کلور * و بیضاوی مرحومک تقریری
بوصف کونه در که * صانع عالم ایکی فرض اولنسه * جمیع ممکنات
هر برینه نسبتله مقدر یته مساوی اولور * زیرا علت مقدر بت
امکاندر * امکان ایسه جمیع ممکنات یینده وصف مشترک اولغله
ممکناتدن برشی موجود اولماق اقتضایدر * زیرا موجود اوله جق
شبک وجودنده * یا صانعین مفروضیندن برسی * مؤثر اولماز
یا خود برسی مؤثر اولوب آخر مؤثر اولماز * ایکی صورتده
دخی ترجیح بلا مرجع لازم کلور * صورت اولده ظاهر در * زیرا
ممکنک وجود و عدم طرفلرندن برینی که مفروضمزد عدم
طرفیدر * بلا مرجع ترجیح لازم اولور * و صورت ثانیه لزومک
وجهی بودر که * ذکر اولسان ممکن واقعک * ایکی صانعندن
هر برینه نسبتی * مساوی اولغله * احد همانک تأثیر یله بولنسی
لا محاله ترجیح بلا مرجعدر * ترجیح بلا مرجع ایسه باطلدر
واکر هربری مؤثر اولور ایسه * ایکی مؤثر مستقلک بالشخص
اثر واحد اوزره تواردی لازم کلور * بو ایسه محال اولغله
صانعین فرضی صورتده * ممکناتدن برشبک وجودی ممکن اولماز
ملزوم ایسه * لازم کی باطل اولغله * صانعک وحدانیی ثابتدر
صورت دیگر * صانع عالم ایکی فرض اولنسه * احدهما زیدک

فیسمانی اراده ایلدیکی صورتده * آخر ایچون زیدک قعودی
ممکن اولورسه * وقوعی فرض ایده رز * زیرا ممکنک وقوعی
فرض * محال دکلدر * ایمی ایکیبسنکده مرادی حاصل
اولورسه * زید آن واحدده * قائم و تاعد اولق اقتضا ایدر
بو ایسه اجتماع تقبضین اولغله محالدر * واکر بالکز برینک
مرادی حاصل اولور ایسه * آخرک عجزی لازم کلور * آخرک
عجزی ازلی اولق محالدر * زیرا عجز وجودی صحیح و ممکن اولان
نسنه دن معقول اولور * ازله مخلوقک وجودی ایسه * محالدر
پس عجز ازلی محال اولدی * عجزی حادث اولغله محالدر
زیرا عجز ازله قادر اولوب * بعده قدرتک زوالیه * متحقق اولور
بو ایسه قدرتک زوالی مقتضیدر * واکر آخر ایچون * زیدک
قعودی اراده ممکن اولورسه * اراده احدهما * اراده آخره مانع
اولغله * عجزی لازم کلور * عاجز ایسه اله اولماز * قالدیکه آیت
مرقومه ده مذکور اولان * فیها کلمه سی قرینه سببه مراد
تأثیر اولغله * نفی تعدد صانع بایند * حجت و ملازمت قطعیه در
سعد الدین مرحومک حجت اقتضایه * و ملازمت عادیه در کلامی
موجب منطوق اوزره در * بو تقریر اوزره حضرت واجب الوجود
خالق جمله موجود * واحد حقیق اولوب * شریک و نظیردن
منزه اولدیغی بابت اولمصدر * کذلک حکمای الهیونک دخی
وحدانیت خالق بیچون و چرایی * اثبات معرضنده * سرد و ایراد
ایلدکاری براهین * اون عدده یقیندر * غایبی متکلمون طریقه انبه
اوزره * معاوله علتله استدلال * و حکما و تیره لمیه اوزره
علتدن معلوله انتقال ایلدیلر * زیرا انلر * وجودک وجوب و امکان
جهتیه نظر ایله * واجبک ذاتیه * بعده وجوب و امکانک لوازمه
نظر ایله * صفاتیه * و صفاتندن صدور افعالی کیفیتیه * استدلال

ایلدیر * ابن سبنا اشارتده بر منجهجی ترجیح ایتسدر * و وحدانیت
ذات احدیت دال اولان * دلائل نقلیه ایله قرآن کریم مشکوندر
* قل هو الله احد * والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم *
وامثالها وقال دیکه * اهل لغت عندنده احد و واحد * لفظ لرندن
هر بری یکدیگر معناسنه در * لکن عند التحقیق موقع استعمال لری
مغایر در * زیرا احد ایله من جمیع الوجوه * واحدی مراد ایدر
زیرا احدیت عدد یا اوترکیبیا اوتخلیل یا انحاء تعددک جمله سندن
عاریه بساطت صرفه در * احد مطلق متکثر * و بر شبنه مشترک
اولیوب * کیفیات و کمیات * والوان و اوضاع کبی * اعراضی یوقدر
و کند و سنه بر نوع مجانس * و بر فرد بمائل اولان * حسا و عقلا تجزی
و انقسام قبول ایلمز * اجسام مختلفه الطبایع * و اجزای لای تجزی
و اجسام صغیره صابیه * و هیولی و صورت کبی * اجزای خارجییه
و جنس و فصل کبی * اجزای ذهنیه دن مبرادر * پس احد عنوانی
انجق بر شبنه * مماثل و مشابه و مشارک اولیان * فرد بسیطه اطلاق
اولنور * اولدخی ذات مقدسه معینه الهیه در * اما واحد
انتفاء تعدد عددیدن عبارتدر * پس زید واحد اولور احد
اولماز * قال دیکه حق جل و علی بو وجهله احد * هم واحد در
نهایت احدیتی اعتباری * و واحدیتی اعتبارینک غیریدر * زیرا مرتبه
احدیتده * وجود حق سبحانه و تعالی * جمیع سلوب و اضافات
و اعتبارات و صفاتدن * بالتجرد اعتبار اولنور * بو اعتبارک متعلق
بطون ذات ربانی * و اولیت و ازلیت سبحانیدر * مرتبه
واحدیتده * جمیع صفات و اعتبارات غیر متناهییه ایله اتصاف
اعتبار اولنور * بو اعتبارک متعلق * ظهور ذات و آخریت و ابدیت
صمدانیدر * پس مرتبه احدیت کثرت نسبتیه وجودیه تک انقطاع
و استهلاکی مقامیدر * مرتبه واحدیتده کثرت عینیه * هر نقدر

متنی اولدیسده * ینه متعلق اولور * و جمیع تعینات و جوبیه غیر
متناهییه * بو نسبت متعلقه تک مظاهریدر * ایددی جهت احدیتله
وجود حق مطلق * سبحانه و تعالییه علم تعلق * بیرون حوزه
امکاندر * زیرا بحجاب عزیزنده محتجبدر * پس بو اعتبار ایله
معرفته خوض و انهماک * و طلبنه تشوق و تمنی * آرزوی محال
اولور * نه که حق جل و علی لسان رحمتله * و محذرم الله نفسه
والله رؤف بالعباد * بیور مشدر

اللَّهُ الْخَلِيقُ مَوْلَانَا قَدِيمٌ وَمَوْصُوفٌ بِأَوْصَافِ الْكَمَالِ

اله قولی مبتدا در * الخلق مصدر بمعنی المفعول مضاف الیهدر
اضافت لامیه در * حرف تعریف استغراقه محمولدر * اله جمیع
المخلوقات سبکنده در * بعضیلر جنسبته حل ایلدی * و لام جنس
بو محملرده استغراقی افاده ایدر * زیرا جنسبته تقریر اولنسه
تر جمیع بلا مرجع لازم کلور * مولانا * عطف بیاندر * یا خود
صفتدر * مولی الفاظ مشترکه دندر * ولی کلمه سندن مشتقدر
وزنی مفعلدر فعلی دکلدر * معنی و معنی و سید و مربی و قریب
و متصرف فی الامور و ناصر و محبوب مغالینه در * مولانا جلال
الدوانی * نصاب شرحنده اون درت معناسنی بیان ایتشدر
متکلم مع الغیر ضمیرینه مضافدر * قدیم خبر و موصوف عطفدر
یا خود اله کلمه سی * مبتدای محذوفه خبردر * مبتداء هو ضمیریدر
معهودیت * یا خود محلیت دلالتیه * حق سبحانه و تعالییه راجعدر
مولانا و قدیم لفظ لری دخی خبردر * و موصوف قدیم اوزرینه
معطوفدر * باوصاف جار و مجرور موصوفه متعلقدر * اوصاف
وصفک جمعیدر * الکمال مضاف الیهدر * مفهوم یت بودر که
جهله مخلوقک خالق معبودی قدیمدر * وجودی کنسیدندر

غیریدن دکندر * رکافه صفات کماله موصوفدر * معلوم اوله که اله
لفظی * فعال وزنی اوزره در * مفعول معناسنه در * امام مأموم
معناسنه اولدیغی کبی * عبد معناسنه اولان * لامک فتحیله اله دن
ماخوذ اولدیغنه کوره * اله الخلق معبود الخلق دیمک اولور * بعضیله
کوره لامک کسریله * اله دن مآخوذ در * تحیر ودهش معناسنه
زیرا اوهم مخلوقات * معرفت ذات الهیده * متحیر و متدهشدر
بعضیله عندند * ینه لامک کسریله * اله دن مآخوذ در * دام
و ثبت معناسنه * بعضیله دیدیلر که * لامک کسریله اله دن مآخوذ در
سکن معناسنه * زیرا قلوب ذکر یله مطمین * وارواح معرفته
ساکن اولورل * بعضیله عندند * لامک فتحیله * اله دن مآخوذ در
رجع الیه * واعتمد علیه معناسنه * زیرا هر حالده مرجع و معتمد
خلاق ذات الهیدر * بعضیله دیدیلر که * فتح لامله اله دن
ماخوذ در * ارتفع معناسنه * زیرا ذات باری * ممکناته مشابیه
و محدثاته مناسبتدن رفیع و عالیتردر * بعضیله لامک کسریله اله لفظندن
ماخوذ در * تحیر معناسنه دیدی * یا خود کسر لامله * اله لفظندن
ماخوذ در * فزع و لجئ معناسنه * زیرا جله خلایق امور
و حوائجدرند * جانب الهی به التجا * و التیاز ایدرلر * یا خود
لاه یلوه کله سندن مآخوذ در * علی معلوم معناسنه * یا خود
احتجب معناسنه * لاه یلیه کله سندن مآخوذ در * زیرا عالم دنیاده
ابصار اهل دنیادن مخجدر * یا خود استار معناسنه * لاه کله سندن
ماخوذ در * زیرا کمال صمدیتله مخجیب اولدیغی کبی * کمال
ظهور یله ده * عقول و ابصار دن مخجدر * واشبو اله عنوانی
معرفا و منکر اللفظه جلاله کبی * ذات باری به مخصوصدر * باطلاده
استمالی اعتقاد کفار منیدر * اجعل لنا الهام کمالهم آلهه *
کریمه سنده اولدیغی کبی * و لفضله جلاله کمالهم اله در

بعضیله عندند * لاهادر * سریانی اولمغه * الف اخیره بی حذف
و خصیصه کلمات عربیه اولان * حرف تعریف ادخالیه * تعریف
اولندی دیدیلر * و بعضیله عندند اصلی ضمیر غائب اولان های
هوزدر * حق جل و علی * عقولده مثبت اولوب * بعده
خالق و مالک اشیاء * ذات اقدساری اولدیغی معلوم اولمغه
اولنه لام ملک زیاده بعده * حرف تعریف ادخال اولمشدر
امام اعظم حضر تلی * تأدبیا اشتقاقی امرنده سکوت
ایلدیلر * کذلک سبویه عندند دخی علم مرتجلدر * قدیم
بضم الدال قدم قدما صیغه سندن صفدر * وجودی عدم اله
مسبق اولوب * و بقاسی مستر اولان * موجوده دینور * مالی
اول * و آخری اولیان موجوددر * زیرا قدمی * ثابت اولان
شبهک عدمی دخی ثابتدر * قدیمک مقابلی حادثدر * و وجوب
قدم خدای متعاله دلیل * دور و تسلسلک استحالیه سیدر
زیرا اگر قدیم اولوب * حادث اولیدی * محدث آخره محتاج
اولور ایدی * و اگر محدث قدیم اولور سه * ثبت المطلوب
و اگر حادث اولور سه * اولدخی بر محدثه محتاج اولمغه الی غیر النهایه
منجر اولور سه * تسلسل لازم کلور * و اگر عودت ایدر سه * دوره
مؤدی اولور * دور و تسلسل ایسه محالدر * محالی مؤدی اولان نسنه
دخی محالدر * دور * ایکی شبهک هر برینک آخره علت اولسیدر
یا واسطه ایله * یا خود واسطه سز * و شیء کندی علت اولق
محالدر * زیرا علت معلول اوزره مقدسدر * پس اگر شیء * کندی
علته علت اولیدی * کندی اوزرینه مقدم اولان علت اوزرینه
مقدم اولور ایدی * و شیء کندی نفسی اوزرینه * ایکی مرتبه مقدم
اولق لازم کلور ایدی * یو ایسه محالدر * و تسلسل ممکنک
وجودنده مؤثر بر علت * و اول علت مؤثره نک کندویه مؤثره

علت اخرايه هم جرا الى غير النهايه * استناد ندن عبارتدر
بودن محالدر * زیرا آن واحده عقلاک غير متناهيه اموری
تصوری لازم کلور * و اول تصور غير متناهيه اولان اموری * غير
متناهيه اولمقدن مخرجدر * حال بوکه عقلاک متناهي اوليان اموری
آن واحده استحضاری محالدر * و ابطال تسلسله مشهور اولان
دلیل * برهان تطبیقدر * برهان تطبیق اولدر که * معلول اخیردن
الى غير النهايه * برجله فرض اولنور * و معلول اخیردن هر مرتبه ايله
مقدم اولان معلولدن * مثلا الى غير النهايه برجله فرض اولنور
بعده اول ایکی جله تطبیق اولنور * شویله که * جله اولیدن اولی
جله ثانیه دن اولی مقابلنده * و ایکنی جله ثانیه دن ایکنی مقابلنده
هم جرا وضع اولنور * پس جله اولادن هر برینک مقابلنده
جله ثانیه دن بری بولنور ایسه * بوشکل اوزره :::::
ناقص زائده مساوی اولور * بوايسه محالدر * و اگر بولنور سه بوشکل
اوزره ::::: جله اولاده برنسنه بولنور که * جله ثانیه انک
مقابلنده * برنسنه بولنور * پس بالضروره جله ثانیه منقطع و منتهی
اولور * و ثانیه نك تناهيستدن * اولانک تناهيسي لازم کلور * زیرا
اول ثانیه نك اوزرینه قدر متناهي ايله زائد در که * اول بردر
و قدر متناهي ايله * متناهي نك اوزرینه زائد * متناهي اولور
ایمدي حضرت حق قدیمدر * ازبدر * وجودی کند و دندر
غيریدن دکلدر * و خنی اولیه که * ازل * کلمه سی ضیق معناسنه
اولان ازلدن * مأخوذدر * تقدیر بدایتدن قلبک متضیق اولدیغی
نسنه به دیرل که * مأل بدایتی بوقدر دیمکدر * ننه که ابد لفظی
نفور معناسنه اولان * ابود * دن مأخوذدر * تقدیر نهایتدن قلبک
نافر اولدیغی شبتدن عبارتدر که * مأل نهایتی بوقدر دیمکدر
ایکسیده * حضرت واجب الوجودک صفتلریدر * سرمد

لفظی توالی و تعاقب * معناسنه اولان * سرمد * لفظندن مأخوذدر
مبالغه معنایی افاده ایچون * میم زیاده اولندی * بوجهته
سرمد لفظی * حق تعالی به اطلاق اولنور * قالدیکه * ازل * و ابدی
لفظلری یای نسبت سببیه * مفید انتساب اولملریله * البته اول
و ابتدا و آخر و انتهایی بوقدر * معناسنی اراده به محتاجدر
پس * تقریر مذکور اوزره * قدم صفتی * صفات سلبیه دن
اولمشدر * زیرا فی الحقیق * وجود اوزره سابق اولان
عدمی * سلبدن عبارتدر * طائفه حکما * قدم * و حدوث
هر برینه * اوج نوع اثبات ایدرل * قدم ذاتی * قدم زمانی
قدم اضافی * كذلك حدوث ذاتی * حدوث زمانی * حدوث
اضافی دیرل * قدم ذاتی * شبتک وجودی غیردن اولماقدر
زمانی * وجودی عدم ايله مسبوق اولماقدر * اضافی مدت
ماضیه وجودی * مدت غیردن اکثر اولقدر * بونلرک مقابلی
حدوث انواعیدر * عالمه قدیم اطلاقلری * زمانی اعتبارلرینه
مبیدر * قالدیکه * موجودات محدثانک * مؤثره احتیاجی
حدوث حیثیتد نمی * یوخنسه امکان و حدوث حیثیتد نمیدر
اختلاف اولمشدر * مذهب اول * جمهور متکلمین مسلکیدر
مذهب ثانی * محققین مذهبیدر * لکن حدوثک شرط و شطر
اولسنده * اختلاف ایلدیلر * و حق سبحانه و تعالی * جله
صفات کمال ايله موصوف اولدیغنی بیلک * اصول دینی دندر
موصوف لفظنک مصدری اولان * وصف و صفت * عنداهل اللغة
مترادفلردر * آخرنده اولان ها حرفی * و اودن عوضدر * وعد
وعده کبی * بعض متکلمین عندنده * وصف کلام و اصفدر
صفت ذات * موصوفله قائم اولان معنادر * عند المحققین
ذات اوزره زائد اولوب * ذانک انفهامی ضمنده * مفهم اولان

امور دن عبارتند * کړک ثبوتی * وکړک سابی * اولسون
وصفت ایله موصوف یدند * اولان علاقه نسبت ثبوتیه در
نسبت مزبوره * موصوف جانبده * اعتبار اولنور ایله
اندن اتصافله تعیر اولنور * صفت جانبده * اعتبار اولنور ایله
قیامله تعیر اولنور * مثلاً علم صفتی زید ایله قائم * وزید عمله
متصفدر * ابدی حضرت حق سبحانه و تعالی * دخی
صفتی وارد * مرجع لری ثبوت * وسلبدر * صفات ثبوتیه ده
ایکی نوعدر * ذاتیه * و فعلیه در * ذاتیه اول صفتدر که
اضداد ایله * ذات مقدسه * متصف اولق جائز دکلدر * علم
وقدرت و حیات کبی * صفات فعلیه اول صفتدر که * اضداد ایله
ذات مقدسه متصف اولق جائز اوله * رجت و غضب کبی
معتزله عندنده ثابت اولوب * نفی جائز اولیان صفات ذاتیه دندر
علم و حیات کبی * نفی جائز اولان فعلیه دندر * خلق و اراده
و تزریق کبی * و عند الاشعریه * نفی تقیصه بی مستلزم اولان
صفات داندندر * نفینده تقیصه لازم کلیان صفات فعلدندر
احبا و امانه و خلق کبی * بونعریفه کوره * اراده و کلام
صفات ذاتیه دن اولور * زیرا نفی لری تقیصه بی مستلزمدر
و صفات سلویه * اثباتی جائز اولیوب * سلبی کمال اولان
صفتلدر * قدم و وحدت و قدوس کبی * پس ناطق
صفات کالدن مرادی * صفات ثبوتیه ذاتیه اولور که * حیات
و علم * وقدرت * و کلام * و سمع * و بصر * و اراده در * ماتریدیه
عندنده تکوین * و اشعری عندنده * بقاء صفتی دخی داخلدر
زیرا کمال اول معنادر که * عدمی نقصان اوله * زانده و افعال
و صفاتده جاریدر * تمام ایله فرقی بودر که * تمامک مفهومند
تزیاید محتملدر * لکن کمال کاملدر * ابدی حضرت حق سبحانه

و تعالی * ذکر اوانسان صفات کماله متصف اولسه * اوصاف
ناقصه ایله * متصف اولق لازم کلور * لازم و ملزوم * باطل
اولغله * جناب رب العالمین * حی * و عایم * وقادر * و متکلم
و سمیع * و بصیر * و مرید * و مکوند

هو الحی المدبر کل امری هو الحق المقدر ذو الجلال

هو ضمیری * الهه راجعدر * مبتدادر * الحی خبریدر * مستند
تعریفی * حصری مفید اولغله * زید الامر قبیلدن اولور * زیرا
حق تعالی ک حیات * بذاته و مخلوقک حیات * بغیره اولوب
و معرض زوالده اولغله * مخلوقک حیات * عدم منزله تنزیل
اولمشددر * یا خود الحی الکامل سبکنده در * و مقام بسط
کلام اولغله * مستند ایله تکرار اولندی * واسنیاف
معنوی بی متضمن اولغله * جمله اولی میانده * شبه انقطاع
اولمقدن ناشی * فصل اولندی * المدبر * خبر بعد خبردر
کل امر مفعولیدر * كذلك هو مبتداء * الحق خبردر * مقام
قرینه سبله * مقدرک مفعولی محذوفدر * کل امر تقدیرنده در
ذوالجلال * خبر * بعد خبردر * مفهوم یت بودر که * حضرت
حق سبحانه و تعالی * حیات صفتیه متصفدر * اعمال حیات
ذاتندن زائل اولماز * هر امور و احکامی * مثبتی تعلق ایلدیکی
اوزره * تدبیر و قضا * و علم از لیبی مقتضای اصلاح ایدر
و هر امور و افعالی * قدر مخصوص اوزره * تقدیر و مقتضای حکمتی
اوزره ترتیب ایدر * و جوهر * و عرض * و جسم کبی * واجب السلب
اولان صفات سلویه ایلده * متصف جلیل و عظیمدر * جمله ماسوا
سجحات جلالتنده مستهلکدر * معلوم اوله که * حیات * صفات
کالدن بر صفت از لیه در که * صحت علم و قدرتی * اقتضا ایدر

جهور فلاسفه عندند * علمك نمتنع اولماستندن عبارتدر
معترزه دن ابوالحسن البصری عندند * علم وقدرتك عدم
امتناعندن عبارتدر * ذات باری اوزره * وصف زائد از ووندن
متحاشیا عدم امتناعیتله تعریف ایتدیلر * فلاسفه عندند
حق سبحانه و تعالی موجب بالذات اولمغله * تعریفلرنده قدرتی ضم
ایتمدیلر * اول طائفه قدرت و اختیار الهی بی انکار ایدرلر
مکونات مقتضای ذات در دیرلر * پس هر فرقه اعتقادنده ذات باری
حیات صفتیه متصفدر * زیر امتصف اولسه * قادر * و عالم * و مرید
اولماق اقتضا ایدر * بصورتده نقایضی اولان * نقایض لازم
کلور * ذات الهی ایسه نقایصدن مبرادر * و محسوسین اولان
اشبو افعال متقنه * و آثار بدیعه محکمه مختلفه اختیاریه * حضرت
حقك * صفت حیاته موصوف اولدیغنه دلالت ایدر * خارجده
برکسه بی * بر قصر بنا ایدر کورسك * بانی مرقومك بالضروره
حیاتده اولدیغنی ادراک ایده رز * و حیات صفات مادحه دن
اولوب * جمادیت نقصان فاحش اولمغله * حضرت باری به صفت
حیات اثباتی واجب اولور * نه که قرآن کریمده ﴿ الله لا اله الا
هو الحي القيوم ﴾ و توکل علی الحي الذي لا يموت ﴿ کریمه لی
بو معنایی مثبتدر * المدبر * تدبیردن اسم فاعلدر تدبیر لغته عواقب
اموری تأمل و تفکر معناسنه در * حق سبحانه و تعالی به نسبتله
عواقب اموری علم شریفی محیط اولوب * جمله امور و احکامی
منزلنه تنزیلدن عبارتدر ﴿ يدبر الامر من السماء الى الارض ومن
يدبر الامر فسيقولون الله ﴾ کریمه لرنده تدبیردن مراد * بومعنادر
وقدمای فلاسفه دن ماعدا * عامه عقلا * حق سبحانه و تعالیك
علم صفتیه متصف اولدیغنده بعد الاتفاق * اختلاف ایلدیلر که

حضرت حق جل و علا * کندی ذاتی و جمیع اشیا بی * بالحقایق
والدقایق ییلور * باقبلرك مذهبی بودر که * حق سبحانه و تعالی
کلیات و جزئیاته * وجه کلی اوزره * علمی شاملدر * لکن وجه
جزئی اوزره * علمی انکار ایدرلر * بویابده اهل سنت اعتقادی
بودر که * حضرت عالم الاسرار * پنهان و آشکار * جمیع موجوداتی
قبول و انفعال * و تغیر و انتقالدن بری * علم قدیم ازلیله ییلور
زمین و آسمانده * حیطة علمدن مثقال ذره بیرون و عازب * موجودك
وجودی معدومدر * و قلم مشبته * لوح قضاده ترسیم ایلدیکی سعادت
و شقاوت * و خلق * و رزق * و اجل * و ثواب * و عقاب * و سائر
اموری * بر مقتضای علم ازلی * زمان و مکانلرینه تنزیل
و قضا و اصلاح ایدر * اگر عالم و مدبر اولسه * صفت فاحش
اولان * جهل * و غفلته اتصافی * و ایجادینك سفاقتی لازم کلور
تعالی شاننه عن ذلك * و حضرت واجب الوجود * ذاتنده
وصفاتنده * و ملکوتنده * حق و ثابت و موجود در * بعضیلر حق
من لا یفصح فعل * و بعض دیگر * من لا یفتقر فی وجوده الی غیره
عبارتیه تعریف ایتلریله * صفت سلبیه به ارجاع ایلدیلر * مصدر
اولان * حق لفظی * صدق و واقعہ مطابق * حکم معناسنه در
حضرت حق جل و علا * ید قدرتیله بلا آله * جمیع اشیا بی تقدیر
و تعیین ایدر * جمله خیر * و شر * و نفع * و ضرر * و مر * و حل و
قضا و قدر از بسبیله حاصلدر * تبدل و تغیر قبول ایلز * کل کلمه سی
منکره اضافتنده * عموم افرادی مفید اولمغله * افعال عباده دخی
شاملدر * معلوم اوله که * جناب باری * قدرت صفتیه ده موصوفدر
قدرت * بر صفت ازلیه در که * لدی التعلق * مقدورانده مؤثر اولور
جمله اهل حق متفقدر که * حضرت حق تعالی * جمیع مقدورانده
قادر * و کافه حوادث * قدرتیله حادث اولمشدر * زیرا جمیع

مقدورات * مقدوریتده مساویدر * زیرا مقدوریتی صحیح امکاندر
وجوب * و امتناع * مقدوریتدن متمنعلدر * و امکان جمله ممکنات
یئنده مفهوم مشترک اولغله * بعضیسنده صحت مقدوریتی مقتضی
اولان * جمیع ممکناتده قائم اولغله * مجموع ممکناتک مقدوریتده
استواسی واجب اولور * وقادریتک مقتضیسی * ذات مقدسه اولغله
ذاتک اقتضای قادریتده * عامه مقدوراته نسبتی واحددر * قادریتی
بعضه مخصوص اولسه * مخصوصه محتاج اولغله * کالنده غیره
احتیاج لازم کلمکله * ذات الهی به نقصان ترتب ایلمک اقتضا ایدر
وقالذیکه * اهل کلام قضا وقدرینارین * وجوه عدیده ایله
فرق ایدرلر * شارح کشاف طیبی * طبیب الله تراه عندنده * قضاء الله
جمیع اشیاک * وجه کلی اوزره علم اعلاده که * حکماء عقل اول ایله
تعبیر ایدرلر * ثبوتدن عبارتدر * قدر * جمیع موجوداتک لوح
محفوظده که * حکماء نفس کلیه اطلاق ایدرلر * صورتلرندن عبارتدر
وبعض محققین عندنده * قضاء * جمیع موجوداتک علی سبیل الابداع
عالم عقلیده مجمعه وجملة وجودندن عبارتدر * قدر جمیع موجوداتک
مواد خارجییه سنده * واحد بعد واحد وجودندن عبارتدر * حکماءک
مختاری بومذهبدر * وبعض اهل تحقیق عندنده * قضاء اعیان
موجودات اوزره * من الازل الی الابد باحوالها حکم کلی اجمالیدر
مثلا هر نفسک ذائقه الموت اولسنه حکم کی * قدر حکم مزبوری
تفصیلدر * اسباب تعین * وحسب القابلیة والاستعدادات اوقات
وازمانه تخصیص * واحواللرندن هر حال زمان معینه وسبب
مخصوصه تعلیقه * مثلاً زیدک فلان کون وفلان دقیقه ده فلان
مرض سببیه فوقی کی * شارح طوابع اصفهانی * علیه الرحمه
بیانده کوره * قضاء جمیع مخلوقاتک کتاب مبین * ولوح محفوظده
مختار

مرقومه تک بعد حصول شرائط * مفصله * واحدا بعد واحد
شهود ووجودندن عبارتدر * وبعض علماء دیدیلرکه * قدر * کیل
ایچون نهیته اولسان غله منزله سنده در * قضاء * کیل منزله در
خارجده قدرک نظیری * مثلاً برکاتب * وقت فلانیده برکاتب
تحریری اراده * ولو حقه فخیله سنه کتب وتصویر ایدر * قضاتک
نظیری حلول وقت مزبورده * اول کتابی تحریر ایدر * سید شریف
قدس سره تک مختاری ذکر اولنان اهل تحقیق کلامیدر * وبعض
محلده قضادن مراد * نفس شیء مقضی مراد اولورنه که * انلهم انی
اعوذ بک من جهد البلاء ودرك الشقاء وسوء القضاء وشماتة الاعداء
حدیثنده اول معنایه وارد اولشددر * زیرا بوکونه توجیه اولنسه
حاشا قضای الهی به * عدم رضایی مستلزم اولور * وراي قدرده
سر قدر دخی واردر که * اعیان موجوداتدن برینک مقتضای
استعدادینک خلافی * لابس لباس وجود اولسنک امتناعندن عبارتدر
بردخی سر سر قدر واردر * استعداد مرقومک ازلی لواوب جعل جاعل
ایله مجعول اولدیغندن عبارتدر * خلاصه حضرت حق سبحانه
وتعالی * لایزالده حدوثنه اراده ازلیه سی متعلق اولان جمله اشیا
کما تکنون عالم اولوب * مجموعنی اسباب واحوال * وازمنه وامکنه سیله
لوح محفوظه کتب وترقیم ایدوب * وفق مکتوب اوزره حکم
وقضا * واصلاح وانشا ایلر * قالذیکه اشیا کائنه ده زیدک
اسلامی * وعمرک کفری دخی داخلدر * لکن لوح محفوظده
علی طریق الحکم والقضاء مکتوب دکلسدر * زیرا زید وعمر
اسلام وکفرلنده مجبور اولوق لازم کلور * بلکه زید کندی اختیار
وقدرتیه اسلامی * وعمر وکفری اراده ایدرلر * عنوانیه مقیددر امام
اعظم رحمه اللهک فقه اکبرده کتب بالوصف لابلحکم قولندن مرادی
بودر * قدرت الهی به دلیل نقلی ایله کتاب وسنت مشحوندر * وکان

امر الله قدرا مقدورا * وهو على كل شيء قدير * وانا كل شيء
خلقناه بقدر * وامثالها نصوص قاطعه زدر * ذوالجلال
ذو كنه سی صاحب معناسنه در * لكن استعمالده فرقری وارد
ذو كنه سنده مضاف مضاف الیهدن اشرف اولق لازمدر صاحب
كله سی بویت خلافتنه در * بناء علیه ذوالعرش دیندی * صاحب
العرش دیندی * نته که قرآن کریمده یونس علیه السلام
قصه سنده * وذا النون اذ ذهب * الایة عنوانده وارد اولشدر
نون بالقی معناسنه در * قالدیکه دیگر آیت کریمه ده * ولا تکن
کصاحب الحوت * وارد اولشدر * نکته بودر که آیت اولی معرض
ثنای یونسده وارد اولدی * نته که حوتدن اشرف اولغله مقام
مزبورده نون عنوانی ایراد اولندی نته که * نون والقلم کریمه سنده
شرافتی بدیداردر * آیت ثانیه اتباعدن نهی معرضنده وارد
اولشدر * جلال عظمت معناسنه در * یعنی بذاته وصفاته
جلیل وعظیمدر عظمتی موحده توحیدی * وعابدك عبادتیه دکلدر
ذوالجلال وصفی * عرض وجسم وجوهر کی واجب السلب اولان
صفات سلبيه به اشارتدر * بعضیای عزت وفهر وغلبه وانتقام
صفتلرینه اشارتدر دیدیلر * بونلر که مرجعی صفات سلبيه در
والسلام

[illegible]

مرید * لفظی اراده دن اسم فاعل در اراده طلب معناسنه اولان
روددن مأخوذ در * ماضی بی اولان ارود کلمه سنده * واو ک حرکتی
رایه نقل اولند قدن صکره واو الفه منقلب اولوب مضارعنده یایه
منقلب اولدی * مصدر زنده الف ساکنه یه تجاوزت سیدیه ساقط
اولدی * مصدر زنده الف ساکنه یه تجاوزت سیدیه ساقط

مضاف الیه بدر * و مرید مبتدای بخدوشت خبری اولغله نه هو مرید
الخیر تقدیرنده در * الفیج شرک صفت کاشفه سیدر * لکن * مسدود
اولان لکن کلمه سندن مخفف حرف استدر ا کدر * کلام متقدمدن
متولد اولان توهمی رفع ایدر * شرفیجیده مرید در * کلانندن
رضا توهمی متولد اولغله برطرف ایتشددر * بصریونه کوره
کلمه بسیطه در * کوفیون عندنده لاوکاف مزیده وان کلمه لرنندن
مرکبدر * همزه سی تخفیفاً حذف اولندی * بعضاوا و اباده
استعمال اولنور * لبس کلمه سی نفی حاله دالدر * غیره دلالتی قرینه
معونیه اولور * لبس خلق الله مثله کبی و فعل غیر متصرفدر
وزنی فعلدر بکسر العین بعده تخفیفی التزام اولنشددر * مفتوح
العین و مضموم العین تقدیر اولنمایدنک وجهی بودر که * مفتوح
العین تخفیف اولماز * و مضموم العین دخی یائی العین هیو فعلندن
غیری بولنماشدر * نحاتدن ابن سراج و فارسی ماء نافیه منزلنده
حرف اولدیفنه ذاهب اولمشلدر * لکن مذهب اول صوابدر
اسم مرفوع و خبر منصوبه ملازمدر * بوراده اسمی مستتردر
یرضی فعل مستقبلدر فاعلی ضمیردر * جمله سی تحلا منصوب
لبس فعلنک خبریدر * بالحال کلمه سی جار و مجرور * یرضی فعلنک
مفعول غیر صریحدر * مفهوم یت بودر که * صفات ذاتیه
الهیة دن برسییده اراده در * حق سبحانه و تعالی خیر و شری
اراده ایدر * لکن شره رضای شریفی تعلق ایلن * معلوم اوله که
حکما عندنده اراده حضرت حقن نظام وجود وجه اکمل
اولغیچون کیفیت لایقه سنه علمندن عبارتدر * واصطلاح لرنده
اکا عنایه اطلاق ایدر * معتزله دن ابوالحسین اراده بی * ایجاد
داعی اولان مصلحته علم اباه تعریف ایتدی * و نجار * مغلوب
و مکره اولماغله تفسیر ایلدی * کعبی * اراده حضرت حق

افعال ذاتیه علمی * و افعال غیره امر ندن عبارت در دیدی * مالی
صفت اولد یغنی انکار در * دلایلی بودر که * اراده تحقی صورتده
یا غرضه تعلق ایدر یا خود ایلز * شق اول صورتنده غرض
متعلق به البته غیر اولغله * حضرت باری * مستکمل بالغیر اولق
اقتضا ایدر * بوا یسه نقصاندر * شق ثانی صورتنده عبث اولور
عبث ایسه حکیمه لایق دکلدر * بو که جواب و بریلور که * مراده
اراده نک تعلق لذاتهادر * زیرا حق تعالی لک اراده سی * غرضه
تعلقدن مرزهدر * افعالی معلله بالاغراض دکلدر * بلکه
اراده نک وقت معینده ایجاد مراده تعلق * لذاتها لالغیرها واجبدر
اهل سنت عندند * اراده برصفتدر که * وجود وعدم و فعل
وترک کی * ایکی مقدورک برینی * احد اوقاتده وقوعه تخصیص ایدر
اول ایکی مقدورک مجموعنه نسبت قدرتک استواسنبله * ایددی
حضرت حق جل و علا اراده ایله متصفدر * واتصاف فی دلیل
عقلی و نقلی ایله مثبتدر * دلیل عقلی بودر که * اگر متصف اولسه
محدثانده ترجیح بلا مرجح لازم کلور * زیرا قدرته نسبتله اوقات
و کیفیات و کمات منساویه الاقدامدر * لامحاله مخصوصه
محتاجدر * و تخصص نفس قدرت دکلدر * زیرا وجه مشروح
اوزره قدرتک جمیع مقبدراته نسبتی یکساندر * و وقوعه علم
دخی مخصوص اولماز * زیرا علم وقوعه و وقوع دخی اراده یه
تابعدر * و هر حادثک کندوسنه مخصوص اولان وقتده حدوثی
فائده سنه متعلق اولان علم دخی مخصوص اولماز * زیرا فائده
خلفنده ازمان مساویدر * حیات دخی مخصوص اولماز * زیرا حیات
دخی نسبت اوقاتک استواسننده قدرت کیدر * سمع * و بصر
دخی اولماز * زیرا بونلرده تبعینده علم کی در * کلام دخی اولماز
زیرا ایجاد تعلق بوقدر * و اگر سوال اولنور سه که ایجاد

عند المحققین فی الحقیقه کن امرینه متعلق دکلدر * جواب
و بریلور که * کرچه حال بروجه محرردی * لکن امر مذکورک
جمله مکوناته نسبتی قدرت کی مساویدر * بوجهله اراده نک
مخصص حادثات اولد یغنی ثابت اولشددر * و اراده و مثبت لفظ
متزاد قلدر * ینلرنده فرق بوقدر * معتزله دن کرامیه طائفه سی
زعم ایدر که * مثبت صفت قدیمه در * ذات مقدسه ایله قائمدر
اما اراده حادثدر * اهل سنت طرفندن * بوضوئله رد اولنور که
اگر اراده حادث اولیدی * حق سبحانه و تعالی * محل حوادث اولق
اقتضا ایدوب * کذلک اراده اخرایه احتیاج وجهله تسلسل لازم
کلور ایدی و دلیل نقلی * یرید الله بکم البسر و یفعل الله ما یشاء
و فعال لما یرید * و اما لها نصوص قاطعه در * قائمیکه خیردن
مراد * ایمان و سائر طاعاتدر * و شردن مراد * کفر و سائر
معاصیدر * القبیح قرینه سبله مرید الخیر الحسن اولور * خنی اولیه که
حسن و قبح فقه و اصول و کلامده بر بحث معتنا در * افعال باری
عز شانه حسنله متصف اولوب * اراده و تکیوینی تحتیه قباح داخل
اولور می اولماز می ملائسه سبله * اهل کلام بحث ایدر * وفقها
مسائل فقهیه نک جمیع محمولاتی امر و نهی * اشتغال حسبیه
حسن و قبحه * مرتفع اولد یغندن بحث ایدر * و امر ایله
ثابت اولان حکم حسن * و نهی تعلق ایدن شیء قبیح اولور
مناسبیله اصولون بحث ایدر * لهذا پوشیده اولیه که * حسن
و قبحدن هربری اوج معنایه اطلاق اولنور * اول * و جودی
کمال * و نقص اولقدر * علم و جهل کی * ثانی * طبعه ملایم
و منفور اولقدر * فرح و کدر کی * ثالثا * ناجلا مدح و ذم
و آجلا ثواب و عقابه متعلق اولقدر * معین اولینه کوره ثبوتی
عقلیدر * ثالثه کوره * عند الاشعریه شرعی محض * و عند المالکیده

كذلك شرعیدر * لكن بعضیسنده عقلت بحالی وارد در
مثلا * خرك ازاله عقل * وسائر مخطوراتی سییله * وزنانك
تضییع نسب سییله قبحی * وصومك ریاضت نفسی موجب
وزكوتك * فقرایه اعانتی مستوجب اولدیغی كبی * وبعضیسنده
عقده قطعا بحال یوقدر * ایمی دی ایمان وطاعت حسن * وكفر
ومعاصی قبیحدر * ایكیسنده اراده علیه تعلق ایدر * ولكن
قیحه رضاسی یوقدر * نه كه ناظم * لبس رضی بالمحال قولیله
اشارت ایتشدر * محال * ضم میم ایله در * ومحال ایکی نوعدر
عقلی * وشرعی * محال عقلی اول نسنه در كه * عقل خارجده
وجودینی منع ایله * محل واحدده اجتماع نقیضین كبی * محال
شرعی اول نسنه در كه * ارتكابی عقابی موجب اوله * كفر
وسائر معاصی كبی * بومقامده مراد محال شرعیدر * ایمی دی
حق تعالی عبادك ایمان وطاعتی * وكفر ومعصیتی * اراده
ایدر * لكن كفر ومعصیته * رضاسی یوقدر * معتزله شرك
مراد الهی اولدیغی انكار ایدر * حتی كافر وفاسقك ایمان
وطاعتی مراد اولوب * كفر ومعصیتی مراد دكلدر دیرل * زیرا
حق جل وعلا * وجوه عدیده ایله كفر ومعصیتی اراده
ایلز * اولایمانك نقیضی اولان كفر مرادی ایكن * ایمانله امر ایلک
عندالعقلاء محض سفاهندر دیرل * بواحتیاجا جلیینه جواب
ویریلور كه * اراده مر قومه ك سفه اولدیغی ممنوعدر * اووقت
سفه اولور ایدیکه * مقصود مأموریه * تحصیلنه منحصر اولیدی
مقصود ایسه انده منحصر دكلدر * نه كه برافندی بنده سنی
امتحان صددنده * یاخود عصیان ایله جکی مجزومی اولغله * مرادی
اولیان فعل ایتانیله امر ایدر * وجه ثانی كفر غیر مأموریه
اووقت مراد اوله * زیرا اراده امر اولی * یاخود امر ك

لازمیدر دیرل * جواب ویریلور كه * بعضی وقت امر * اراده دن
منفك اولور * مثلا بروالی بر كسنه یه * غلامنی بی جنحه مخالفت
ضرب ورنجیده ایلماسنی تنبیه ایلد كده * اول كسنه غلامك
كندویه مخالفتنی ادعا * وتمهید عذر ضمنده حضور والیده
اول غلامه بر ماده ایله امر ایلسه * فی الحقیقه مأموریهی ایتیان
مرادی اولوب * انجیق غرضی حضور والیده غلامك ظهور
عصبانی اولور * وجه ثالث * كفر مرادی اولیدی قضاء الهیله
اولور ایدی قضایه رضایسه واجبدر * وكفره رضا كفردر
جواب ویریلور كه * بومقامده قضادن مراد مقضی در كه * اسم
مفعولدر * مراد اولان كفر قضادكلدر * بلكه مقضی در * انجیق
رضا قضایه واجب اولور * مقضی یه واجب اولماز * وجه
خامس * كفر مراد اولیدی كافر كفریله مطیع اولوب * عاصی اولماق
اقتضا ایدر ایدی * زیرا طاعت * مراد مطاعی تحصیلدن عبارت
اولغله * كافر كفریله مراد الهی بی تحصیل ایدوب * كفریله مطیع
اولق لازم اولور ایدی * بو كه جواب بودر كه * طاعت موافقت
امر دن عبارتدر * امر ایسه اراده ك غیریدر * پس طاعت
مأموریه اولان امری تحصیلدر * بوقسه مرادی تحصیل
دكلدر * وجه سادس * كفر مراد اولیدی ایمانله تكلیف
طاقتدن خارج نسنه بی تكلیف اولور ایدی * زیرا خلاف مراد الهی
عند المتكلمین ممنوعدر * بو كه جواب ویریلور كه * بو كونه تكلیف جائز
بلكه واقعدر * صورت وقوعی بولیان تكلیف * فعلا یاخود عادتا
عبدك قدرت كاسبه سنه متعلق اولیان تكلیفدر كه * فی نفسه ممنوعدر
ضدینی جمع كبی * بوقسه مقدور عبدی تكلیف جائز وواقعدر
وقدرت عباد محتنده اولیان شئك عدم تكلیفی اتفاقدیر * قالدیکه
ربنا لا تحملنا مالا طاقة لنا به (آیت کریمه سنده تحصیلدن مراد تكلیف

دکدر * بلکه خارج حوزه طاقت اولان * حادثات مهاسکاتی
ایصالدر * و قالدیکه ذکر اولندیغی اوزره تکلیف مالایطفاق
وقوعی یوقدر جوازنده اختلاف وارد * اشعری تجویز ایدر
معتزله تجویز ایلز * وجه سابع (ولا یرضی لعباده الکفر) آیت
کریمه سیدر زیرا رضا اراده در * بوکه جواب و یریلور که
رضا اعتراضی ترکدن عبارتدر * داسر ایکی نوعدر * بری امر
تکوینی که * وقوعندن مأمور بهک وقوعی لازم اولور * امر مزبور
جمله مکوناته شاملدر * دیگری * امر تشریعی وتدویندر که
ثواب وعقاب مدار ایدر * طاعت بیدیکم امر ثانی به موافق اولانی
ایمان اولور * و رضا بو امر اوزره ترتب ایدر * و اراده خیر و شریدن
هر برینه و رضا فقط خیره متعلق اولور * و اراده فعله و رضا امره
ملازم اولور * زیرا انسان مرغیسی اولیان بعض فعلی اراده
و اختیاریه ایشلدیکی محسوساتنددر * و اراده و رضایک مفهوملمری
بینده تفرقه و تغایر وارد * زیرا اراده برحالت میلانیه در که * فعل
و ترکدن هر برینک ترجیحی اقتضا ایدر * اما رضا عند البعض
مرضی اولان شبنک حصول مقابلی ثواب اعطا سندن عبارتدر
و عند الآخر * فاعلنه اعتراضی ترکدن عبارتدر * و رضایک انتفاسی
اراده نک انتفاسی مستلزم دکدر * زیرا اراده دن اخصدر *
تقریر مزبور دن معلوم اولدیکه * حضرت پروردگار فاعل مختار
اولغله جمله کائناتی علی سبیل الاختیار موجد اولغله * اراده ایله
متصفدر * فاعل مختارک تفسیری بودر که * مراد ایدر سه ایشلر
و مراد ایدر سه ترک ایدر * حکما طائفه سی انکار ایدرلر * حق تعالی
موجب بالذاتدر * یعنی مراد ایدر سه ده ایتمسه ده ذاتشدن اثرک
صدوری واجبدر دیرلر * شمسدن نورک صدوری کبی * بو مذهب ایدر
مذهب شمسدن نورک صدوری کبی * اولی ایدرلر * و ثانی ایدرلر * و ثالث ایدرلر

و دوانده تابع اولور * زیرا مستقل ثابت اولان مؤثرک اثری دخی
قطعی ثابتدر * اثر اولی * ثابت اولنجه انک اثریده و اثرینک اثریده
ثابت اولقی اقتضا ایدر * پس ازلا وایدا جمیع موجودات دائم
و ثابت اولقی لازم کلور بوایسه باطلدر * چون خیر و شر و نفع
و ضرر جمله سی اراده علیه بیچون تعاقبیه حصوله مقرون اولور
لکن شره رضای شریفلمری تعلق ایلمدیکی معلوم اولدی * قالدیکه
(ما اصابک من حسنة فمن الله وما اصابک من سيئة فمن نفسك)
آیت کریمه سی فن فعل نفسك تقدیرنده در (والخیر کله بیدک
والشر لیس الیک) حدیثیهله سؤال اولنورسه * جواب و یریلور که
شر و قبیح تسمیه سی * جانب عزتدن صدورینه نسبتله اولیوب
عباده تعلق اعتبارینه میندر * و هر نقدر تخلیق الهیهله پذیرای
وجود اولش ایسه ده شر و قبیح عند الانفراد تأدیا جانب عزته
مضاف اولساز * زیرا اضافت ایکی نوعدر * اضافت تحقیق
و اضافت اکرام اولور * اضافت تحقیق (ولله ملک السموات
والارض) آیت کریمه سند و واقع ملکک اضافتی کبی * اضافت اکرام
بیت الله و نافقه الله و رسول الله صکی * پس ایمان و طاعت مکرم
و مرضی اولغله * عند الانفراد جانب ربانی به مضاف اولور * لکن
کفر و معصیت مضاف اولساز * نه که خالق الخیر بر اطلاقندن
تأدب اولنور * و قالدیکه فرق ضاله دن جبریه طائفه سی افعاله
قدرت عبیدی سلب ایلمکله * عبد جاد مثابه سنده در قصد و اختیاردن
عاریدر دیرلر * کویا که * حضرت حق شایسته شرکشدن تنزیه
ایدرلر * مذهبلمری باطلدر * زیرا حرکت بطشله حرکت ارتعاش
پیشده بالضروره فرق ثابتدر * و صحت تکلیف و افعالرینه
ثواب و عقاب تربی مدخلیت عبده منی اولدیغی ظاهر در (جزاء
بما کانوا یعملون) و امثالها آیات ینه * افعالرنده عبادک مدخللمری

اولد یغنی ناطق در * و قدر به طائفه سی عبد افعالتک خالقیدر
حاشا خالق بیچونک مدخلی یوقدر دیرلر * بومذهب دخی باطلدر
اعتقاد اهل سنه بودر که * حضرت حق خالق * و عبد عازم و کاسبدر
مواخذة الهیه عزیم و کسبه متعلقدر

❦ صِفَاتُ اللَّهِ لَبَسَتْ عَيْنَ ذَاتٍ ❦ وَلَا غَيْرًا سِوَاهُ ذَا انْفِصَالٍ ❦

صفات جمع صفندر مبتدادر لفظه جلاله به مضافدر * لبست
فعل نفیدر * اسم مرفوع و خبر منصوبی مقتضیدر * اسمی مستتر
هی ضمیر یدر * عین کله سی خبر یدر * ذات مضاف الیه یدر
ولا غیرا عین اوزرینه معطوفدر * سواه بدلدر تا کیدی مفیددر
ضمیر غیره راجعدر تا دیا تذکیر اولندی * ذا انفصال صفندر
مفهوم بیت بودر که * ذات الهی ذکر اولندیغنی اوزره صفات
کاله موصوف * و اول صفندر ذات شریفیه قائمدر * لکن
ذات شریفنک عینی * و ذاتن منفصل اولور غیری دخی دکلدر
معلوم اوله که مفهومات صفات الهیه * ذات مقدسه نک عینی دکلدر
فلاسفه عندنده عیندر * و معتزله نک اعتقادی انلره قریبدر
زیرا معتزله دیرلر که * حق سبحانه و تعالی بلا علم یعنی بالذات
عالمدر * مرجعی نفی صفاتدر * و استدلال یدرلر که * اگر صفات
الهی ذاتن زائد اولسه * خالی دکل یا صفت کمال اولماز * یا خود اولور
اگر اولماز ایسه نفی لازمدر * زیرا ذات الهی نقصانله منصف اولمق
محالدر * و اگر صفت کمال اولورسه * حق سبحانه و تعالی بالذات
ناقص اولوب یا غیر کامل اولمق لازم کلور بر ایسه محالدر * اهل
سنت بوکونه جواب و یرلر که * واقعا صفات الهیه صفات
کمالدر * و اندن ذات نقصانی لازم کلز * بلکه کالی لازم کلور
زیرا کمال ذات * انجق منشأ کالات اولقدر * اگر ذاتن منفصل

امردن ناشی اولیدی واقعا نقصان لازم کلور ایدی * صفت ایسه
ذاتن منفصل دکلدر * کریمه طائفه سی که * رئیسری دیتدعه دن
محمد بن کرام السبحستانیدر * صفت ذاتک غیر یدر زعم یدرلر * بعض
محققین * بوکونه ثبت صحیفه تبیین ایلشدر که * جمهور متکلمین
عندنده صفات الهیه ذاتک غیر یدر * زیرا حضرت حق حی
و عالم وقادر اولدیغنه نصوص قاطعه وارد * و دلائل عقلیه دخی
قائم اولشدر * مثلاً بر شخصک عالم اولسی کند وسیله علمک
شاهد و غائبه قیامله معالدر * سایر صفات دخی اکا قیاسدر *
و عالم وقادر اکا دیرلر که * علم و قدرت کند وسیله قائم اوله * پس
بالضروره صفت ذاتک غیری اولمق اقتضا یدر * لکن بوکلامده
نوع ضعف وار * زیرا غائبی شاهده قیاس ایلک * قیاس فقهی
مع الفارقدر * بوکونه توجیه اولنور که * قیاس مزبور قیاس حقیقی
اولیبوب بلکه * فی التحقيق تنویر سنددر * بوقسه صفات مذکوره
عباد ایله مشترکه در * نهایت حضرت حقده حقیقی و بالذات
و عبادده تخلیق الهیه در * و عند اهل السنه صفات الهیه ذات
مقدسه نک عینی دکلدر * زیرا مفهومات مرقومه * ذات باری به
ثابت اولماز ایسه نقص اولور * زیرا صفات مرقومه وجه محرر
اوزره کمالدر * نقایضی نقایص و امارات حدوئدر * و اگر ثابت
اولورسه بالضروره ذات اوزره زائد و ذاتله قائم اولور * زیرا
برشبثک صفاتی بذواتها قائم اولمق محالدر * و ذات غیر ایله ده قیامی
ممکندر * و برشی اوزره مشتق منلا عالمک صدق مآخذ اشتقاقک
یعنی علمک شیء مزبور ایله قیامنی اقتضا یدر * و صفت ذاتک
عینی اولسه * الفاظ صفات اسماء الهیه ایله مترادف اولمق اقتضا
یدر * مثلاً علم و حیات و قدرت و لفظه جلاله بینلرنده فرق معنوی
اولماز * و مثلاً علم و قدرت و حیات عالم وقادر وحی اولمق اقتضا
ایدر * و صفات الهیه ذاتک غیری دکلدر

زیرا غیرینک ایکی تعریفی وارد * اولاً غیرین احدهما آخر
اولیان ایکی ذاتن عبارتدر * بو تعریفه سکوره صفات ذاتک
و بر صفت آخر صفتک غیر اولماز * ثانیاً غیرین اول ایکی نسبه در که
احدهما نک آخر دن انفکاک ممکن اوله * انفکاک یا مکانله اولور ایکی
جسم کی * یا زمانله اولور * اب و ابن کی * یا وجود و عدم
ایله اولور * موجود و معدوم کی * خارج دائرة اشباعدر که
بو اعتبارین اوزره ذاتله صفات و بر صفتله صفت آخری ینلرنده
تغایر ثابت اولماز * و غیریت لغة و عرفاً و شرعاً انجیق منفصله
اطلاق اولنور * صفات الهیه ایسه ذاتن و بعضینک بعضدن
انفکاک و انفصالی ممکن دکلدر * غیریتی لغت و عرف و شرعاً
تعمیمک وجهی بودر که * مثلاً بر کسینه جیمده اون درهمدن
غیری یوقدر دیمه * و واقعاً زیاده اولسه * اهل لغت و عرف
و شرعدن عاقل اولان کسه * آنی تصدیق ایدر * عشره نک
غیری برو ایکی یا خود اوج درهم یوقیدر دیوشوال ایلز * حتی
یمین ایله مانت اولماز * کذلک خانه ده زیدک غیری یوقدر
دیمه * هر کس تصدیق ایدر * زیدک الی و یاغی و شکل و اونی
یوقیدر دیمزلر * بو وجهله معلوم اولدیکه * غیر انجیق منفصله
اطلاق اولور * و ناظمک ذات انفصال قوی وارد اولان اشکالاتی
دافعدر * زیرا غیر ایکی نوع اوزره در * نوع اول * غیر معنویدر که
بیان اولندی * مرجعی بحسب المفهوم وجودده تغایردر * زیرا
ذاتن منقسم اولان * صفاتن منقسم اولانک * بالاجماع غیری
اولغله بالضروره * احدهما آخرک غیریدر * هر تقدیر وجودده
ذاتن منفصل اولمازسه ده * زیرا حق تعالانک مثلاً علی مع عدم
الذات * و ذاتی مع عدم العلم * متصور اولماز * کذلک سائر صفات
کتابیه دخیل و غیره اوزره در * نوع ثانی * اصلاً بیدر که بحسب

الوجود ذاتن انفصالی ممکن اوله * کذلک عیندن مراد بی تفاوت
مفهومک اتحادیدر * پس رفع نقیضین هجنتی لازم کلز * زیرا
ینلرنده واسطه ثابت اولدی * یعنی مفهومی آخرک مفهومی
اولوبوب * و بلا آخر تحقیق ایلز * بو تقریردن معلوم اولدیکه *
صفات الهیه ذاتک عینی و غیری دکلدر * واحد و عشر کی * زیرا
واحد عشره نک عینی دکلدر * زیرا مجموع افراد * واحدک عینی
اولدیغی ظاهر در * و عشره دن منفصل دکلدر * زیرا عشره
واحد سنز * و عشره نک عشری اولان واحد عشره سنز تصور
اولنل * و معتزله طائفه سی صفاتی انکار ایدرلر * زیرا و رای
ذاتده صفات اولسه قدمتی حسبیه توحیده منافی تعدد قدما
لازم کلور دیمزلر * انلره جواب ویریاور که * صفات ذاتک غیری
اولسیدی * واقعا تعدد قدما هجنتی لازم کلور ایدی * اهل سند
عینده ایسه صفات ذاته مغایر دکلدر * نه که تفصیل اولندی

صِنَاتُ الذَّاتِ وَالْأَفْعَالِ طَرًّا قَدِيمَاتُ مَصُونَاتِ الزَّوَالِ

صفات کلمه سی * مبتدا در ذاته مضافدر * و الافعال * الذات اوزرینده
معطوفدر * طراً * جبعاً معنایه قدیمات لفظه ده مستکن اولان
ضمیردن حال مؤکده اولق اوزره منصوبدر * مصونات جمع
مصوندر * محفوظ معنایه خبر بعد خبر در * الزوال مضاف
ایهیدر * مفهوم یت بودر که * حق سبحانه و تعالانک مجموع
صفات ذاتیه و فعلیه سی قدیملردر * فنا و زوال تضرقتدن
محفوظلردر * معلوم اوله که * صفات الهیه نک ایکی نوعی وارد
نوع اول * صفات ذاتیه در که * احداث معنایه مشتمل اولیه * حیات
و علم و سمع و بصر کی * نوع ثانی صفات فعلیه در که * احداث
معنایه متضمن اوله * انشاء و ابداع و اماته و احیاء و ترزیق

وانماء وتصوير كى * اشبوذ كر اولسان صفتك جله سى * عند
الماتريديه قديم وذات مقدسه ايله قائمردر * قديمىدن مراد
قديم بالزمانه كه * وجودى مسبوق بالعدم اوليه * زيرا قدم
ذاتى كه * وجودى غيريدن اولماقدر * ذات اقدسه مخصوصدر
واشاعره صفات ذاتيه بى * نفى نقيصه بى مستوجب اولان صفاتله
تفسير ايندوب قديم * وذات باري ايله قائمردر ديديلر * وصفات فعليه بى
نفيدن نقيصه مرتب اوليان صفاتله تفسير ايندوب * حادثدر ديديلر
زيرا قديم اولسه * ذات مقدسه ازله * مثلا خالقيت ورازقيت ايله
موصوف اولق لازم كلور * حال بو كه ازله مخلوق ومرزوق
يوقدر * مالى تعطيل صفاتى استلزامدر * ماتريديه دبرلر كه
اكر صفات فعليه حادث اولسد * ذات مقدسه نك ازله اول
صفاتلردن خلوى * ولايزالده اتصافى لازم كلمكه * امارات حدوثن
تغير ذات * وذات اقدسك محل حوادث اولق هيجنى * مستلزم اولور
وقضيه كلييه در كه * حوادثن خالى اوليان البته حادث اولور
پس صفات فعليه نك قديم اولسى لازمدر * بعضى محققين ماتريديه
واشعر به بينده دائر اولان منازعه بى * بالكر تكوين صفتنه حصر
ايلدى * زيراماتريديه عندنده تكوين كه * فعل وخلق واييجار
واحداث مثللو * الفاظ مترادفه ايله معبر * ومعدومى عدمدن
وجوده اخراجله مفسردر * حضرت حقك صفت ذاتيه
ازلبيدر * زيراعقل ونقل * حضرت حقك خالق وعالم اولديغنده
متفقد * زيرابرنسند ده مأخذ اشتقاق قائم دكل ايكن اول شبنه
اسم مشتقى اطلاق ممنعدر * كذلك حضرت حق تعالى ذات
شريفنى كلام ازلبسند خالقيته وصف ايلدى * ازله خالق
اولسه وجد مذكور اوزره كذب * ياخود حقيقت ممكن اولديغنى
مخلده بمجازه عدول لازم كلور * يعنى مستقبل اعتباريله اطلاق

لازم كلور * وازل اولوب حادث اولسه * تكوين آخر ايله مكن
اولورسه تسلسل لازم كلمكه * عالمك عدم تكوينى اقتضا ايدر * واكر
تكوين آخر سر اولورسه * حادثك محدثدن واحداث استغناسى
لازم كلور بوايه محالدر * كذلك حادث اولسه * فى ذاته تعالى
اولورسه * حضرت باري محل حوادث اولق لازم كلور * فى غيره
اولورسه * نه كه معتزله دن ابو الهذيل اكا ذاهيدر * هر جسمك
خالق اولسى لازم كلور * وتكوين مكنك غيريدر * وصفت قدرته
معايدر * زيرا قدرت شبك امكانه * تكوين وجودينه متعلقدر
لكن اشاعره عندنده تعلقدن عبارت اولغله * سائر تعينات صفات
كى حادثدر * بعضى علماء ناوړاه انهر * جله صفات فعليه بى صفات
حقيقيه ايله در ديديلر * علامه شيرازى رحمه الله تعالى عليه
صواب اولان * بعضى محققين كلامدر كه جله صفات فعليه نك
مرجعى تكويندر * مثلا تكوين حيايه تعالى ايدرسه * اشياء وحوادث
تعالى ايدرسه امانه * ورزقه تعالى ايدرسه ترزيق تسميد اوانور *
بو جهتنه مجموعى تكوين اووب * تعلقك خصوصيه متعلق
اولور * دليل نقلى (هو الله الخالق الباري المصور) الايه
مصونات الزوال * يعنى ذات مقدسه دن صفات سنيه زائل ونافى
اولمازلر * زيرا قدمى ثابت اولان موجودك عدمى محالدر *
خلاصه جله صفات لهيه قديم * وذات اقدس ربانيله قائم وصدى
وازلى وابيدر (كل يوم هو فى شأن) مصداق بجه كافه اشياء
منظهره مضطرب ايدر

تسمى الله شيئاً لا كالأشياء ولا نأعن جهات الست خال

تسمى كنه سى * مستقبل منكم مع انغيردر * لفظه جلاله مفعول
اولى وشبثا مفعول ثانيسيدر * لانا فيه در * كالأشياء كنه سى شيئاً

کلمه سنک صفتیدر ❦ و ذاتا شبثا اوزریند معطوفدر ❦ عن جهات
مؤخر خال کلمه سنه متعلقدر ❦ خال خلودن اسم فاعلدر ❦ مبتدای
محدوفک خبریدر ❦ هو خال تقدیرنده در ❦ جمله سی ذاتا کلمه سنک
صفتیدر ❦ مفهوم بیت بودر که ❦ حضرت باری عزشانه به
شرعده شیء لفظنی اطلاق ایده رز ❦ لکن حقیقت وصفته
اشیای سائر به مماثل دکلدر ❦ و ذات ایله تعبیر ایده رز ❦ لکن شش
جهاتدن منزله و مبرادر ❦ معلوم اوله که ❦ شیء لفظنی عرفده موجوده
خاصدر ❦ خارجی اولسون ذهنی اولسون واجب و ممکن و متمتع
شاملدر ❦ نته که سببویه کابنده الشیء بقع عن کل ما اخبر عنه
عنوانیله بیان ایلدی ❦ بو تفسیر اوزره ❦ حضرت حقه شیء اطلاق
صحیح اولور ❦ و قل ای شیء اکبر شهادة قل الله شهیدینی و بینکم
منطوقی اوزره شرعده دخی وارد اولشدر ❦ بعض مفسرین
شیء مصدر اولغله ❦ آیت مرقومه ده شائی معناسنه در دیدی ❦
لا کالاشیاء قوالیه جهیمیه طائفه سنی ❦ و مشبهه مبتدعه سنی رد
ایلدی ❦ طائفه مرقومه ❦ حضرت حقه شیء اطلاقنی ❦ و مخلوقله
مستترک اولان سائر اوصافک اطلاقنی ❦ خلقه مشابهتی مفضی
اولور دیو تجویز ایلزل ❦ معتزله و کرامیه دبرل که ❦ عقل حضرت
حق بر صفتله انصافده دلالت ایدرسه ❦ اول صفتیه دال اولان
اسمی اطلاق ایلک جائزدر ❦ اذن شرعینک ورود وعدم ورودینه
ننذر ایلزل ❦ اشاعره دن قاضی ابو بکر عندنده ❦ حضرت حقه
تابت اولان معنایه دلالت ایدی لفظک بلا توقف اطلاق جائزدر
کبریای شان الوهینه موهم نقص اولدجه بناء علیه عارف لفظنی
اطلاق جائز دکلدر ❦ زیرا معرفت مفهومده جزئییت و غفلتله
مسبوقیت معتبردر ❦ اکثر اشاعره توقفه ذاهلدر ❦ و مشبهه
مبتدعه سی ❦ حانا بین الله و بین خلقه مشابیه عز و ایدوب دبرل که

حضرت حق صورتی و اعضاسی واردر ❦ نته که اشبو (خلق الله
آدم علی صورته) حدیث شریفی اکا دالدر ❦ انلره جواب
ویریلور که ❦ علی صورته کلمه سنده ضمیر آدمه راجعدر ❦ یعنی حق
سبحانه و تعالی ❦ آدمی کمال خلقله خلق ایلدی ❦ سائر افراد
انسانی کبی ❦ ابتدا نظفه ❦ بعده علقه ❦ و مضغه اوله رفق تدریجی
درجه انسانیه ایصال ایلدی ❦ قالدیکه ❦ ان الله خلق آدم
علی صورة الرحمن ❦ حدیث شریفنده صورتن مراد هیئت
جسمانییه دکلدر ❦ بلکه امور معنویه دن شبثک ماعدادن متمیز
اولدیغی امر معنویدر ❦ مالی سیرت و صفتدر ❦ یعنی آدمی حیات
و علم و قدرت صفتلریله متصف خلق ایلدی ❦ جمادات کبی خلق
ایلدی ❦ نهایت صفت آدمدر حاددر ❦ و حدیث مرقومک
وجوه عدیده ایله توجیهی ❦ خصوصا صوفیه عندنده معانی
کثیره سی واردر ❦ و خنی اولیه که ❦ صفات مشترکه اذن شرعی
ورودیه حضرت حقه اطلاق اولندقدده ❦ مماثلتی نفی لازم اولغله
ناظم لا کالاشیاء قولیه نفی مماثلت ایلدی ❦ اما اذن شرعی
وارد اولدیه اطلاق جائز دکلدر ❦ انه جسم لا کالاجسام دینز
و معلوم اوله که ❦ ذات لفظی ❦ صاحب معناسنه اولان ذو کلمه سنک
مؤثندن منقولدر ❦ اکا مبنی تابی تأنیث و لام محدوفدن تعویضله
تعبیر ایلدیلر ❦ بلکه اسمای مستقله مجراسته اجرا ایلوب ❦ ذات
قدیم و ذات محدث دیدیلر ❦ بعضیلر تابی ذات ❦ تابی وقت و موت کبی
جوهر دندر دیدی ❦ و اشبو ذات لفظیه بعض محله حقیقت
و بذاته قائم و مفهومیته مستقل مراد اولور که ❦ صفت مقابلدر
بعض محله نفس و شیء اراده اولور ❦ بو صورنده تذکیری
و تأنیثی مساوی اولور ❦ قالدیکه ❦ اطلاقک توقیفیه اولدیغنه کوره
ذاتدن نفس و شیء معناسی مراد اولور ❦ حالبوکه ❦ لا تفکروا

فی ذات الله * حدیث شده وارد اولسدر * جهات ست فوق * و تحت
وامام * و خوف * و عین * و بسارد * حق تعالی بوجه تدریج
متزهد * زیرا جهت تحیز مفتضا سیدر * حضرت حق مکاندن
میرادر * و عالم از لیده * جهت و مکان اولدیفی ثابتدر * مجسمه
ظائف سی حاشا جهت اسناد و * الرحمن علی العرش استوی *
آیت کریمه سبله استناد ایدرل * زیرا استوایی استقرار ایله تفسیر
ایدرل * استواندن مراد ایسه * سابق که تمدددر قرینه سبله استیلا
و تصرفدر * قالذیکه * که سبله قبله صاوة اولدیفی *
سما دخی قبله دعا اولغله * عند الدعاء رفع ایدی و توجیه وجوه
ایلمکرن ایهام جهت لازم کن * و حق تعالی فوق العباد قاهر
اولغله * آسمانه توجه موجب تعظیمدر * و هو الذی فی السماء اله
وفی الارض اله * آیت کریمه سبله کرجه استدلال ایدرل * لکن
مراد سماء وارضیه آثار الوهیتک ظاهر ریدر

وَابْسِ لَاسْمٍ غَيْرِ الْمُسْنَى لَدُنْیَ اَهْلِ الْبَصِيرَةِ خَيْرَال

ابس * اسم مرغوع خبر منصوب افتضا اتمکاه * الاسم لفظی
اسمی و غیرا خبریدر * للمسمى جار و مجرور غیر اللفظنه متعلقدر
زیرا مغایرانا و یلنده در * ادى ظرف مکاندر * عند معناسنه در
حریری و سائر نجات یزاین فرق ایدوب عند کلمه سی اعیان
و معانی به ظرف اولور * لکن لدی کلمه سی * اعیانه مخصوصدر
دیرل * هذا القول عندی صواب * و عند فلان علم دینور * لکن
لدی صواب و لدی فلان علم دین * معری عندند فرقلری
یوقدر * اهل کلمه سی اضافله مجروردر * و بصیره لفظنه
مضافدر * بصیرت قبله بر نوردر که * انکله اشیا ادراک اولنور
نور

آل کلمه سنک اصلی اهلدر * استمه لیده یکی گونه تخصیص وارد
اولاد و صا * مضاف اولد * آل مصر و آل ابجره و آل
الاسلام دین * ثانیاً امر دنیا و دینده * و یاخود بالکزامر دنیاده
خطر و شرف احتیاج * مضاف اولور * آل النبی علیه السلام
و آل فرعون کبی * مفهوم یت بودر که * اهل سنت عندند اسم
یعنی بر ذالک تعینی ایچون * ازاسمه وضع اولتان آد * مسماک یعنی
ذات مزبورک غیری دکلدر * بلکه عیندر * معنوم اوله که مسائل
کلامیه نک بر یسبیده اشو اسم مسئله سیدر * لکن به مسئله نک
اختلافات چندان تعلق یوقدر * کرچه جمله کتب کلامیه ده ثبت
اولنور * امام بضاری علیه ازجه تفسیری اولنده * و امام غزالی
علیه ازجه * اسماء حسنی * شرحنده زیاده جه تفصیل ایتلدر
خفی اولیه که * اشو مسئله ده اسم وار تسبیح وار * تسبیح مسماک
غیری را یغندده شبهه یوقدر * زیرا تسبیح معنای مصدریدر
اما اسم ماده سنده اهل سنت اختلاف ایدرل * اکثرینک قولی
بودر که اسم * مسماک عینی * یعنی اسم اوزره وارد اولان حکم
مسمی اوزره وارد اولور * تبارک اسم ربک * فسبح باسم ربک
آیت کریمه لریله احتیاج ایدرل * زیرا تبارک تعالی معناسنه اولغله
متعانی هر برمالا یاقصدن متزه اولان ذات مقدسه در * واسم
مسماک غیری اولسه کلمه شهادتده رسالتله * حضرت رسول اللهک
غیرینه شهادت ایلمک لازم کلور ایدی * كذلك برکسه زوجه سی
اولان زینب ایچون * زینب طالق دیسه * لامحاله طلاق زینب اوزره
واقع اولور * لفظ اوزره اولماز * كذلك حضرت حق تسبیح
و تزییهله امر ایلدی * تزییه ایسه تقایصدن متزه اولان ذات
قدیمه متعلقدر * لکن بو کلامه مناله ترتب ایدر * زیرا اسم لفظنی
اطلاق ایدوب مسمی اراده ایلمک * احدهما آخرک عینی اولسنی

اقتضا ایلزنته که * مجازاتده واقعدر زیر تعظیم ایچون اسمی ذکر
ایدوب مسماسنی مراد ایتک شایعدر * زیرا تعظیما برکسه بی
ذکر ایلوب متعلقاتی ذکر ایل * اول ذاتی اراده جمله صنوف
تعظیمدندر * حضرت عالیله و جناب عالی کبی * لکن بحث
مذکورده اسم ماده سی * تعیین مسمی ایچون ازای حقیقه موضوع
اولغله قیاس مجازی تحلل ایلز * و سبج اسم ربک * قولیله
استدلاده دخی کلام واردر * زیرا بعض مفسرین اجعل اسم
ربک سبجه ای مایسج به عبارتیه تفسیر ایتشلدرد * فسیح
باسم ربک العظیم * قول شریفی بو معنایی مؤیددر * یعنی ربکی
اسمیه تسبیح ایله دیمکدر * زیرا تسبیح انجیق اسمیه اولور * مسمی
ایله اولماز * و بعض اهل سنت و معتزله اسم مسمانک غیری اولسنه
ذاهب اولدیلر * دلیل عقلی و نقلی ایله استدلال ایلدیلر * دلیل
نقلی * ولله الاسماء الحسنی * آیت کریمه سیدر * زیرا اسماء لفظی
جعدر * اقل مراتبی اوچدر * اسم مسمانک عینی اولسه * مسماده
تعدد لازم کلور * و بریسی (ان لله تعالی تسعة وتسعین اسما
من احصاها دخل الجنة) حدیث شریفیدر * زیرا احصاء
اسمایه مرتبدر * مسمایه مرتب اولماز * دلیل عقلی اسم مسمایه
دالدر * عینی اولسه * دال و مدلول شیء واحد اولق اقتضا ایدر
کذلک اسم مسمانک عینی اولسه * عبودت اسم الله واکلت اسم
اخیر و ضربت اسم زید دیمک صحیح اولور ایدی * کذلک برکسه
آتش ذکر ایلسه * لسانی محترق * و سکر و غسل تکلمیه متذوق
اولق اقتضا ایدر ایدی * بو طرفه دخی بعض اجوبه مرتبیدر *
لکن مقام تطویل دکلدرد * فالدیکه صاحب صحائف * منازعه
مسروده بی و تیره آیه اوزره لفظیه به ارجاع ایدوب * دیدیکه
اسمیه احد ازمنه شمدردن * به معنایه دال اولان لفظ مراد

اولورسه * مسمانک غیری اولدیغنده شبهه یوقدر * واکر مسمانک
عینی اولغله * صحتی اولان معنای آخر مراد اولورسه * دائرة
تراعدن بعددر و السلام

وَمَا مِنْ جَوْهَرٍ رَبِّي وَجِسْمٌ وَلَا كَلٌّ وَبَعْضٌ ذَوَاتُ شَمَالٍ

ماکله سی لبس معناسنه در * ان زائده مؤکده در * ماکله سنک
عملی ابطال ایلدی * جوهر مقدم خبردر * ربی مؤخر مبتدادر
رب کله سی اصلده تربیه معناسنه در که شیء تدریجه کماله تبایغدن
عبارتدر * بعده مباله حق سبحانه و تعالیله وصف اولدی * صوم
وعدل کبی * بعضیلر به یربه صیغه سندن صفتدر دیدیلر *
واللهک غیری به انجیق مقید اطلاق اولور * و جسم کله سی
معنوفدر * و کَلٌّ و بعض دخی معنوفدر * ماکله سی زائده در
ذواتشمال کاک صفتیدر * مفهوم بیت بودر که * حضرت حق
سبحانه و تعالی * جوهر و جسم وکل و بعض دکلدرد * زیرا هربری
هجنات عدیده بی مستلزمدر * معلوم اوله که فلاسفه طائفه سی
جوهری * محل مقومده اولیان ممکن موجود ایله تعریف ایلدیلر *
کرک متخیز و مرکب اولسون * کرک اولسون * بعده وضعی و غیر
وضعی به تقسیم ایتدیلر * وضعی ایله * اشارت حسیه بی قبول ایدن
ممکن موجودی مراد ایتدیلر * و بو قسمی حال و محل وایکبسندن
مرکبه تقسیم ایتدیلر * حاله صورت * و محله هیولی * و مرکبه
جسم * اطلاق ایلدیلر * و جسم صورت و هیولادن مرکبدر
اجزای لایتنجزادن مرکب دکلدرد دیدیلر * و غیر وضعی ایله
اشارت حسیه بی قبول ایلیمان موجودی مراد ایلدیلر * وانی
عقول و نفوس ایله تمثیل ایتدیلر * و بو عقول و نفوس خارجده
ثابت و غیر متخیز و غیر حال ذاتلردر دیرلر * و متکلمین عیننده

جوهر بنفسه متجزز اولی * ممکن موجود عبارتند * کبریا
مرکب اولسون جسم کبی * کرک مرکب اولسون * جزء لاینجزی
کبی * واشبو جزء لاینجزیه * جوهر فرد اطلاق یلدیلر * وجسم
اجزاء لاینجزادن مرکبدر * صورت وهیولادن مرکب دکلدر
و ذات وصفات مقدسه دن غیری حال و تمیز اولیان شی اثبات
ایتمیلر * و بعضیلر عندنده جوهر * تمیز و منقسم اولیان جزئدن
یعنی جزء لاینجزادن مرکبدر * و جسم قسیمدر * و مقسملری
بذاته قائم اولان ممکندر که عین تعیر اولور عرض مقاباید * ابدی
حضرت حق سبحانه و تعالی جوهر دکلدر * زیرا جوهر متکلمون
عندنده تمیزدن عبارتند * البته هر تمیز ماده به محتاجدر
ماه سی اولان شی ایسه اما کانه متلازمدر زیرا حیره محتاجدر * کدک
تمیز اولان حرکت و سکوندن و اجتماع و افتراق کبی * سایر اعراض
حادثه دن خالی اولماز * قبول حوادث ایسه وجوب وجوده
منافدر * کدک جوهری جزء لاینجزی ایله تفسیر ایدن مذهبیه
کوره ده حق تعالی جوهر دکلدر * زیرا جزء لاینجزی دخی
تمیز اولوب * و اعراض حادثه دن دخی خالی دکلدر * فلاسفه به
کوره ده جوهر اولماز * زیرا جوهر انلک عندنده ممکندر *
حق سبحانه و تعالی ایسه * لذاته واجب الوجوددر * امکان و وجوب
متاواندر * قالدیکه * بعضیلر جوهری موضوع و محالدن غنی
موجود ایله * و بعضیلر ذات و حقیقت ایله تفسیر ایلدی *
بو تفسیرله کوره هر نقدر ذات اقدس اطلاق * صحتی وار ایسه ده
اذن شرعی وارد اولماغه * اطلاق مناسب دکلدر * و حضرت
حق تعالی جسم دکلدر * زیرا جسم عند المتکلمین اجزای
لاینجزادن * و عند الفلاسفه هیولی و صورتدن * و عند المعترزه
ابعاد ثلثه دن * یعنی طول و عرض و عمقدن عبارتند * علی المذاهب

جسم مرکبدر * حضرت حق مرکب اولسه * اجزاسندن
هر جزء قائم بنفسه اولق اقتضا ایدر * زیرا بنفسه قائم اولسانه
ایتلاف و ترکیب اطلاق محالدر * بو صورتده اگر جمیع اجزاسی
مثلا وجوب و قدم کبی * صفت واحده ایله متصف اولورسه
محالی مستلزمدر * زیرا صفت واحده ک محال متعدده ایله قیامی
ممتعدر * و اکثر هر جزء * علی حده بر صفت مخصوصه ایله
متصف اولوب * باقی اجزایک متصف اولدقلری صفادن خالی
اولورسه * هر جزء ناقص اولق اقتضا ایدر * زیرا صفات
مرقومه به محتاجدر * احتیاج ایسه امکان صفتدر * و اگر
هر جزء * وجوب و علم و حیات کبی * صفات کمالک مجموعی ایله
قائم اولوب * بعضیله متصف اولورسه * اول بعض موصوف
الهی لازم کلور * و اگر اضداد ایله متصف اولورسه * صفات
ناقصه اولماغه * موصوفک محدث اولسی لازم کلور * و حضرت
حق کل اولمقدنده مزهدر * زیرا اگر کل اولسه جزئی اولق
لازم کلور * جزء مزبورده یا واجب اولور * یا خود ممکن اولور
واجب اولورسه * تعدد واجب لازم کلور * ممکن اولورسه دور
لازم کلور * زیرا جزء ممکن واجب محتاج اولور * واجبه مرکب
اولق حیثیته جزء مزبوره محتاجدر * و حق تعالی بعض اولمقدنده
مزهدر * زیرا بعض اوله * غیرک جزئی اولماغه * غیره محتاج
اولور * کدک جزء اولسی صفت کمال ایسه * مستکمل بالفیر اولق
اقتضا ایدر * صفت کمال دکل ایسه * نقص اولماغه * نفی و تنزیهی
واجب اولور * و ذواشتمال قول * بعضیلر ایراندنده فائده بو قدر *
نظم ایچون ایراد اولندی دیدی * و بعضیلر حرف عطفک
حذیفه مسئله مستقله در دیدی * یعنی حضرت حق تعالی زمان
و مکانی مشتمل دکلدر * زیرا محدود اولق لازم کلور * لکن

و مشهور بودن صد که و نامی علی الدیال و آخره و مستقلا
ذکر اولسه جقدر

و فی الاذهان حق کون جزء بلا وصف التمكن یا ابن خال

فی الاذهان کله سی مؤخر حق لفظنه متعلقدر * اذهبان جمع
ذهندر * حق ثابت معناسنه مقدم خبردر * کون جزء مؤخر
مبتدا در * بلا وصف ظرف مستقر جزیدن حالدر * یا ابن خال
کلامنده یا حرف ندا در * خال برادر مادر در که * ترکیده طایی
تعبیر او نور * تکه لفظ نظم ایچون ایراد اولندی * مفهوم بیت
بودر که * جزء لایجزا آنکه که جوهر فرد در * وجودی عقولده
ثابت و تحقیقدر * معلوم اوله که * اشو جزء لایجزی بی اثبات
ایک قدم عالم و فی حشر اجساد کی * نیجه نظایات فلاسفه دن
و حرکت افلاک دوا می * و خرق و النیامک عدم قبول صکی
نیجه اصول هندسه دن استخلاصی مفید در * فلاسفه جوهر
فردیکه جزء لایجزا در انکار ایدرل * شرح عقایدده علامه
تفتازانیکی بیانی اوزره جوهر فرد اثباتنده احکم ادله بودر که
بر سطح حقیقی اوزره کره حقیقیه وضع اولسه البته اول سطحه
بر جزء غیر منقسمه مماس اوور * اگر ایکی جزء ایله مماس اولسه
بالفعل خطی مشتمل اولغله کره مزبوره کره حقیقیه اولماز * و مشایخ
اشعریه عندنده اشهر ادله بودر که * هر عین الی غیر التهایه منقسم
اولسه خردله جیلدن اصغر اولماقی اقتضا ایدر * زیرا ایکسیده
غیر متاهی الاجزا در عظم و صغر ایسه اجزایک کزت
و قلتیه ناظر در کزت و قلت اجزا ایسه * انجیق متاعیده متصور در
کذلک جسمده اجزا بندده اولان اجتماع که * حضرت حقا
مخبر

دیرلر سه * حضرت حقه عجز اسناد ایدرل * قادر دیرلر سه جزء
لایجزی ثابت اولور * کذلک جزء لایجزی ثابت اولسه * رأس
اثره نك الی غیر التهایه انقسامی لازم کلور * و بماده ده طرفیندن
مسرود اولان * ادله ضعفندن خالی اولماغله * امام فخر الدین
رازی علیه الرحمه بوینده توقف ایدرل

و ما القرآن مخلوقا تعالی کلام الرب عن جنس المقال

ما * ايس معناسنه در * القرآن اسمی مخلوقا خبریدر * تعالی
تفاعلدن ماسیدر * تعظم و تقدس معناسنه * کلام الرب فاعلیدر
جمله سی علت مقامنده در * یا خود معترضه در * آخر کلامده ده
وقوعه قائل اولان مذهبیه کوره * مقال کلام معناسنه در * مفهوم
بیت بودر که * قرآن کریم که * الله ذوالجلالک کلامیدر * حادث
و مخلوق دکلدر * ذات اقدسیه قائم صفتیدر * و بوییننده
صفات ذاتیه دن کلام صفتی دخی ثابتدر * معلوم اوله که
قرآن لفظی عند البعض * کلام باری به مخصوص علم غیر مستقدر
بعضیلر ضم و جمع معناسنه قرأ کله سندن مأخوذ مهموزدر دیدی
بعض فضلای دیدیلر که * قرآن اصلده جمع معناسنه در * بده
عرفده مجموع و مخصوصه نقل اولندی * خفی اولیده که
متکلمون اتفاق ایدیلر که * حضرت حق کلام صفتیه متصف
و قرآن کریم کلامیدر * لکن معناسنده اختلاف ایدیلر * اهل
سنت عندنده کلام اشرف حروف و اساطیر مفهومیدر که * کلام
نفسی ایله مسمادر * و یقولون فی انفسهم لولا یعذبنا الله *
آیت کریمه سی بوی معنایه دالدر * و اخطل بوییننده اشارت ایتندر
ان الکلام لی الفؤاد و انما * جعل اللسان علی الفؤاد دلیلا * یعنی
کلام قلمده در * لسان آنک دلیل و ترجانیدر * کذلک اهل

عریبه ضمیرده کائن معنایه دال اولان عبارته به کلام اطسلاق ایدرلر
 پس کلام حسی به کلام تسمیه سی مجاز اولور * داله مدلول
 اسمیه تسمیه قیلندن اولور * یوقسه کلام حروف واصواتدن
 مسموع اولان لفظ دکلدر * نته که معترله وکرامیه وحنابله اکا
 ذاهبلردر * لکن معترله حدوثه وذات باریله عدم قیاسنه قائلدر
 کرامیه حدوثی قائل اولدقدن صکره * ذات باریله قائمدر دیرلر
 زیرا انلر حوادثک ذات الهیله قیامنی تجویز ایدرلر * حنابله قدمنه
 وذات باریله قیامنه ذاهبلردر * خیالی مرحوم * نویه شرحنده
 بو محشده ایکی قیاس متعارضان ترتیب ایتشددر * اولاکلام الله
 صفة له * وکل صفة له فهی قدیم * کلام الله تعالی قدیم * ثانیاً
 کلام الله تعالی مؤلف من اجزاء مرتبیه فی الوجود * وکل مایکون
 كذلك فهو حادث فکلامه حادث * اهل حق بویکی قیاسک
 صدقنه ذاهب اولدیلر * قیاس اولی کلام نفسی وثانی بی لفظی
 اعتباریه معترله قیاس ثانیکن حقیقته ذاهب اولوب * اولک صغراسنی
 قدح ایتدیلر * حنابله اولک حقیقته ذاهب اولوب * ثانیکن کبراسنی
 قدح ایتدیلر * کرامیه ثانیکن کبراسنی قدح ایتدیلر * واهل
 حق قیاس اولی تصدیج ایدوب * ثانیکن صغراسنی قدح ایتدکری
 بعض کتب کلامیه ده مسطوردر * بو کلام * قرآن کریم عند اهل
 الحق بالکزنفسی اولوب * لفظی ایله تسمیه مجاز طریقیه اولسنه
 یاخود نفسی اجزاده ترتیبی اعتبارسن * لفظی اولسنه مبنی اولور *
 قالدیکه * حق تعالی ک صفت کلامله اتصافنه دلیل عقلی
 بودر که * کلام حی ایچون صفت کمال وعدمی نقیصه در * پس
 حق تعالی حی اولغله * کلامله اتصافی واجب اولور * زیرا متصف
 اولسه یا سکوتله که * قدرت وار ایکن * تکلمی ترکدن عبارتدر *
 موصوف اولور * یاخود طفولیتله که * بحسب الضعف وعدم البلوغ

حد القدرة آلات تکلم مطاوع اولسامغله * تکلمه عدم قدرتدن
 عبارتدر * یاخود خرس ایله که بحسب الاصل آلات تکلم مطاوع
 اولسامغله * موصوف اولق لازم کلور * شقوق ثلثه نقیصه اولغله
 باطلدر * قالدیکه سکوتدن مراد سکوت باطنیدر که * نفسینده
 کلام تدبیر ایلامکدن عبارتدر * نته که امام حمید الدین * خرس
 ظاهری کلام ظاهرینک * وخرس باطنی کلام باطنینک ضدیدر
 دیدی * كذلك دلالات معجزاته * صداقتی ثابت اولان انبیای
 عظام علیهم الصلوة والسلام حضراتی اتفاق ایلدیلر که * حق
 تعالی کلام صفیه متصف متکلمدر * اشبو خبر ویردکاری کلام
 بانفسی یاخود حسی اولور * نفسی اولورسه * مطلوب حاصل اولور
 لفظی مراد ایسه * حاشا حدوث الهی لازم کلور * زیرا حروف
 واصواتدن مرکب اولان لفظک حدوثی عرضدر * اگر ذات
 باریله قائم اولورسه * ذات باری محل حوادث اولق لازم کلور
 غیر ایله قائم اولورسه * شبنک وصفی غیر ایله قائم اولق محالدر
 بنفسه قائم اولورسه * عرض بنفسه قائم اولماز * معترله طائفه سی
 ذکر اولندیغی اوزره * کرچه کلام صفتی اثبات ایدرلر * لکن
 اشبو حروف واصواتدن مرکب کلام لفظی ایدرلر * و متکلم
 معنای اشبو کلام مؤلفی که * معنای مقصوده دالدر * ملک و پیغمبر
 وحجر و شجر کی * اجسام مخصوصه ده موجد اولقدردیرلر
 * حتی یسمع کلام الله * آینه تمسک ایدوب مسموع اولان انجق
 الفاظ واصواتدر * بونلرایسه مخلوقدر دیرلر * اهل حق
 جواب ویررلر که * حتی یسمع کلام الله * آینه معنای حتی
 یسمع مایدل علی کلام الله الذی هو المعنی انفسی دیمکدر * یعنی
 معنای نفسی اولان کلامک دالنی ایشیدر * السنه ده جاریدر که
 مثلاً زیدک علمنی ایشتمد دیرلر * مراد زیدک علمنه دال اولان

شبی ایشتم دیمکدر * کذلک * انا انزلناه قرأنا عریبا *
آیتله استدلال ایدرلر * قرأنی عریطه وصف ایددی * عریط
ایسه لفظک وصفی اولمغه - ادب اولور * برکه ده جواب
ویریلور که * آیت مرقومه نک معناسی تفهیم ایچون * قرأنی
لسان عریطه معبرا انزال ایلدم دیمکدر * قوله کلام الی الخ
یعنی حضرت حقک متصف اولدیخی کلام مخاوق کلام کبی
حروف واصوات جنسی اولمغن مقدسدر و اسلام

❦ ورب العرش فوق العرش لکن ❦ بلا وصف التمكن واتصال ❦

رب مبتداً فوق العرش خبریدر * اضافنی تشریفی منضمدر
رب الیت ورب جبریل کی * زیرا عرش اعظم مخوقاتدر * لسان
حکماءه فلک تاسعدر که * فلک اعظم ومحدد الجہات دخی دبرلر
مجموع موجوداتی محیطدر * مفهوم یت بودر که * رب العزة
حضرتلری عرشدن عالیدر * لکن عرشدہ مستقر وعرشه متصل
دکدر * معلوم اوله که * ذات اقدس الہیک جسم وعدم جسم
ومکانی وعدم مکانی اولمغنہ دلیون اختلاف ایلدیلر * مشبهه
وکرامیه وحنابلہ طائفه سی ذاهب اولدیلر که * حق سبحانہ وتعالی
جسمدر * وعرشدہ متکین ومستقر در * کرامیه نک بعضیسی
عرشک فوقندہ در * ذیلہ عرش میانندہ مسافه غیر متناهیہ
وارد در دیدیلر * وبعضیلر مسافه مابین متناهیہ در دیدی *
یہود وغالہ روافضک مسلکی بودر که * حق تعالی جسمدر
برطائفہ سی دبرلر کہ جسمدر * لکن اجسام مخلوقہ کبی دکدر
یعنی بذاتہ قائمدر * مرکب ومتخیز دکدر * بہرلر مجسمہ ومشہد
دکدر * برطائفہ سی ذاهب اولدیلر * لکن اجسام کبریہ
فوقانی مقیددر * برطائفہ دخی جسم ومحدد مرکب جسمدر

دیدیلر * خلاصہ کونا کون ہذیان ایلدیلر * تفصیلی مثل ونحل نام
کابڈہ مسطور در * حق سبحانہ وتعالی جسم اولوب عرشدہ
ممکنہ در زعم ایدن طائفہ * الرحمن علی العرش استوی *
آیت کریمہ سنہ تمسک ایلدیلر * زیرا استواء استقرار معناسنہ در
نتہ کہ * استوت علی الجودی * آیت کریمہ سنندہ استقرار معناسنہ در
دیدیلر * خفی اولیہ کہ * اهل سنتک عامہ متقدمینی وبعض
متأخرینی دبرلر کہ * الرحمن علی العرش استوی * کریمہ سی
مثالو آیت متناہیاتدن مطلق مراد الہی یہ ایمان ایدوب علم
حقیقتی جانب عالم السر والحفایہ تفویض ایلک ایلدر * حتی
امام مالک رحمہ اللہ معنای استواء دن سؤال ایتد کلرندہ
استواء معلوم * لکن کیفی مجهول * واکا ایمان واجبدر * واندن
سؤال بد عتدر دیدی * اما سائر متأخرین رحمہم اللہ حسب
الافتضاء تأویلارینہ ذاهب اولدیلر * مثلاً آیت مرقومه ده
استوایی استیلاء واقفدار و اتمام الیہ تأویل ایلدیلر * بو طریق
احکمدر * زیرا مطاعن جہال وغفالتک دفعنی مشتملدر * ایدری
طائفہ مرقومہ یہ * اهل سنت طرفندن جواب ویریلور کہ *
بومضامدہ استوائک استقرار معناسنہ اولسی ممنوعدر * جائزدر کہ
استیلاء معناسنہ اولہ * نتہ کہ شاعرک اشبویتندہ وارد اولمشدر
* استوی بشر علی عراف * من غیر سیف ودم مہراق *

یاخود اتمام معناسنہ اولہ * پس سزک احتمالہ مقارن دلیلک
احتیاجہ صالح اولماز * یاخود عرشدن مراد ملک اولمغه * معنای
شریف * اقتدر علی المنک اولہ * نتہ کہ ثل عرش فلان دبرلر *
ذہب ملکہ معناسنہ * یاخود بورادہ استقرار معناسنی ارادہ صحیح
دکدر * زیرا عقل ایکی وجهلہ اکا مانع اولور * وجہ اول
بودر کہ * حق سبحانہ وتعالی مثلاً عرشدہ متکین اولسد یا ساحفہ

عرش مقداری یا خود اندن اکبر * یا خود اصغر اولور * شقوق
نشده باطلدر * زیرا عرش مقداری اولسه * عرشدن بر جزه
لا محاله واجب تعالانک بر جزه ملاقی و محاس اولغله * واجب
تعالی تجزی اولمق اقتضا ایدر * بو ایسه محالدر * شق ثانی به
کوره ده تجزی هجنتی لازم کلور * زیرا عرشدن زائد اولان
مقدار مساوی اولان مقدارک غیریدر * شق ثالثه کوره خالی
دکل یا جزه لای تجزی مقداری * یا اندن اکبر مقداری صغیر
اولور * شق اول حقارتی مستلزم اولغله باطلدر * شق ثانیه
تجزی باری بی مستوجب اولغله باطلدر * وجه ثانی مکاندن
وجهتدن و سائر حوادثدن تعری * ازله حضرت حقده ثابتدر
بعد الازل اولسه * ذات اقدسده تغیر و محل حوادث اولمق لازم
کلور * زیرا حالت ثانیه لامحاله صفت کمال اولمق لازمدر * اگر
صفت کمال اولمزه * نفی لازم کلور * و ذات اقدس صفات
مر قومه نک حد و شدن اول خالی اولمق اقتضا ایتدکله * ذات
قبل الاتصاف ناقص اولمق اقتضا ایدر

❦ وَمَا النَّشْبَةُ لِلرَّحْنِ وَجْهًا ❦ فَصْنٌ عَنْ ذَلِكَ اصْنَافُ الْاَهَالِ ❦

ما * لبس معنا سنده در * النشبه اسم مر فوعدر * وجهها خبریدر
فصن کله سنده فا جزایه در * صن صوندن فعل امر در *
جمله سی شرط مخذوفک جزا سیدر * اذا لم یکن للنشبه وجهها
فصن عن النشبه تقدیرنده در * عن صن کله سنه متعلقدر *
ذاک اسم اشارتدر * مشار الیه تشبیهدر * کاف خطاب ایچوندر
اصناف الاهالی مفعولدر * اصناف جمع صنفدر * صفتله مقید
حرف تعریف مضاف الیهدن عوضدر * اهل الاسلام تقدیرنده در

مفهوم بیت بودر که * حضرت حق سبحانه و تعالی ذاتا وصفه
مخلوقنه مشابه دکلدر * دلیل عقلی و نقلی ایله اهل اسلامک
بو اعتقاد اوزرینه ثباته سغی و اهتمام * و مشبهه کبی بادیه
تشبیهده سرکردان اولساملری خصوصنه اقدام قبل * معلوم
اوله که * حضرت واجب الوجود تعالی شانه ذاتا وصفه مخلوقه
مشابه دکلدر * عدم مشابهته دلیل نقلی * لبس کثله شیء *
کریمه سیدر * زیرا منطوق آیت کریمه مطلقا مماثلتی نفیدر
و سباق نفیده واقع اولان نکره عمومی افاده ایتدکله مفهوم نفی
مبالغه بی متضمندر * ونفی مماثلت مطلقه بحسب الذات و بحسب
الصفات برشی خدایه مماثل اولسامنی اقتضا ایدر * اگر سؤال
اولنورسه که اشبو آیت کریمه مثل مثلك نفینه دال اولغله نفی
مثلی اقتضا ایلز * بلکه ذات بارینک انتفاسنی اقتضا ایدر *
جواب ویریلور که * کثله کله سنده کاف زائده در * نفی مثلی
تأکید ایچون زیاده اولندی * زیرا زیاده حرف اعاده جمله
متزلزله در * بعضیلر آیت مر قومه ده کاف زائد دکلدر * بلکه
مثل لفظی زائد در * فان آمنوا بمثل ما آمنتم به * آیت کریمه سنده
اولدیفنی کبی کافله ضمیر یمنی فصل ایچون زیاده قلندی دیدی
لکن بو کلام ضعیفدر * زیرا حرفک زیاده اولسی اسمک زیاده
اولسندن اهوردر * محققون آیت مر قومه باب کایه دندر دیدیلر
تنصیلی مغنی اللیب شرحلرنده مبسوطدر * و دلیل عقلی بودر که
حضرت واجب الوجود ایله غیر ییئنده مماثلت فرض اولنسه
البته غیردن تمیزی بر میره و مخصوصه محتاجدر * اگر میر ذات
الهی فرض اولنورسه ترجیح بلامر جمع لازم کلور * زیرا مقدر
ذات الهینک غیر ایله استوا سیدر * و اگر میر ذاتنک غیر ی
اولور ایسه بو صورتده یا ذاتنه ملاقی اولان بر امر اولور *

یا خود صفتی اولور * همه حال کلام اول ملاقی به عودت ایدر
یعنی اول ملاقینک موجب تمیزیده ذاتی اولور سه ترجیح
بلا مرجع لازم اولور * غیری اولور سه * کلام مره بعد اخیری
ینه اکا منقل اولغله تسلسل لازم کلور * واکر میز ذاته مباین
اخر اولور سه حق سبحانه و تعالی هویت و امتیازنده ذاتندن
منفصل سببه محتاج اولور * احتیاج ایسه امکان لازمه سیدر
ایمدی حضرت حق ایله غیری بینده مشابیهت بالضروره منتفی
اولدی * مشبهه طائفه سی مشابیهات اولان آیات کریمه و احادیث
شریفه ظاهریه استدلال ایدر * مثلا * واصنع الفلك باعیننا
وخلقت یبدی و یا حسرتنا علی ما فرطت فی جنب الله * کریمه سی
ورایت ربی فی صورۃ شاب امر دو * ان قلوب بنی آدم کلها بین
اصبعین من اصابع الرحمن کقلب واحد بصرفه کیف مایشاء
ولا تزال جهنم بقول هل من مزید حتی یضع فیها رب العزة قدمه
فتقول قط و عزتک * و سائر مشابیهات کبی طوابع حاشیه سنده
مسطور در که * شیخ ابوالحسن الاشعری صفات سبع ورا سنده
صفات اخیری دخی اثبات ایشدر که * استواء * وید * و عین
ووجه در * زیرا قرآن کریمه هر بری ذکر اولمشدر * پس
اشعری به کوره بوصف قلیحیات * و علم * و سمع * و بصر * کبی
صفات ذاتیه دندر * لکن باقیلری بونلری ظاهر لاندن تاویل ایلدیلر
وجه تاویلاری بودر که * بزرگال معرفتله مکلفلر کمال معرفت
ایسه جمیع صفاتی ادراکله حاصل اولور * اول ایسه البته
طریقته تشبیه متبسر اولور * و افعاله استدلال و نقایصدن
تزیهیدن غیری طریق بوقدر * بویکی طریق ایسه ذکر اولنسان
صفات سببه دلالت ایدر * اشعری طرفندن ذکر اولنسان ایکی
طریقته ایشدر * زیرا طریق دخی سیدر دیرلر

لکن سمع طریق ناقصدر * الزام معاندینده کفایت ایلر * زیرا
عقلیات یقین و نقلیات نلنی مفید اولور * قالدیکه بوجه محرر
مشابهاتی تاویل ایدر * مثلا عینی علم و حفظ ویدی قدرت
و جبری طاعتله تاویل ایدرلر

ولا یمضی علی الدیان وقت * واحوال و ازمان بحال

لا نافیسه در * یمضی فعل مستقبلدر * علی الدیان جار و محرور
یمضی به متعلقدر * دیان دیندن مبالغه صیغه سیدر * دین جزاء
معناسنه اولغله دیان مجازی معناسنه در * حق تعالی انک اسمیدر
یوم قیامت یوم مجازات اولغله * یوم الدین ایله نسیمه اولندی
وقت کلمه سی یمضی فعلنک فاعلیدر * واحوال و ازمان معطوفلر در
وقتندن مراد وقت معین * یا خود جزء وقت مراد در * و زماندن
ازمنه مختلفه * یا خود زمان طویل مراد در * یا خود زماندن
مدت مقسومه * و وقتندن مراد * بر امر ایچون مقروض اولان
مدتدر * بعضیلر دیدیلر که * وقتک اکثر استعمالی ماضیده خاصدر
بحال یمضی به متعلقدر * بحال من احوال الانسان * یا خود
بحال الحدوث * و لا بحال القدم سبکنده در * مفهوم یت بودر که
حق تعالی اوزره وقت و احوال و ازمان کذران ایتز * مکاندن
متره اولدینگی کبی * زماندن و تحولات و تبدلاتدن و ترقیات
و تنزلاتدن مترهدر * یت * حضرت حق در ترقیدن تنزلدن
بری * لحظه لحظه یوقسه آرتوب ماسوا اکسلده * معلوم
اوله که * زمان موهوم غیر قادر الذات و متصل الاجزاء امتداددن
عبارتدر * ارسطو عندنده فلك اعظمک مقدار حرکتندن عبارتدر
افلاطوندن منقولدر که * عالم امرده بر جوهر ازلی وارددر که
متغیرانه اضافت و نسبت حسبیه متبدل و متغیر و متجدد و منصرم

اولور ❦ ماضی و مستقبل و حال اندر ❦ و تقدم و تاخر انكله
حاصل اولور ❦ جوهر مرقوم ذاتك امور ثابته به نسبتی اعتباریه
سرمد تسمیه اولور ❦ و ما قبل متغیراته نسبتله دهر و متغیراته
مقارنتی اعتباریه زمان اطلاق اولور ❦ و حال موصوفه را سخ
اولیان صفت و هیئت نفسانیه به دیر ❦ بعد الرسوخ ملكد
اطلاق اولور ❦ ابدی حضرت حق تعالی زمان و حال مقارنتدن
مزهدر ❦ زیرا اكر زمانی اولسه حوادث متعاقبه ده حال اولق
اقتضا ایدر ❦ اول ایسه تغیرات متعاقبه بی مستلزم اولغله باطلدر
زیرا زمان ماضیده اولسی حالده اولسك غیریدر ❦ اكا مبنی
حوادث متعاقبه و تغیرات متوالیه به مورد اولق لازم کلور ❦ و اكر
سؤال اولنورسه كه ❦ جائزدر كه حق تعالی ایچون زمان مخلوقدن
بشقه بر زمان اولوب فی ذاته تغیری مقتضی اولیه ❦ جواب
ویریلور كه ❦ اكر حق تعالی ایچون زمان اولسه خالی اولماز
یا اول زمان عرض اولق حسبیلله ذات باریه قائم اولور ❦ یا خود
غیرایله قائم اولور ❦ صورت اولده ذات الهی محل حوادث اولور
صورت ثانیده ❦ حق تعالی زمانه مقارن اولماغله مطلوب
حاصل اولور

❦ وَ مَسْتَفْعِنُ الْهِيَّ عَنْ نِسَاءٍ ❦ وَأَوْلَادِ إِبْنِ أَوْ رِجَالٍ ❦

مستغن قولى استغنادن اسم فاعلدر ❦ مقدم خبردر ❦ الهی
مؤخر مبتدادر ❦ مقام بیان استغنا اولغله تقدیم اولندی ❦ عن نساء
عن اتخاذ النساء تقدیرنده در ❦ جار و محرور مستغن كله سنه
متعلقدر ❦ و اولاد معطوفدر ❦ انات لفظندن بدلدرد ❦ مراد
على قصد التكمیل تفصیلدر ❦ یا خود نصاری طائفه سی و یهود
شرذمه سی حضرت عیسی و عزیری حاشا ابن الله ❦ و بعضیلى

ملائكه بی بنات الله ❦ دیماریه مبالغه نفی ایشدر ❦ یوخسه ولد
لفظی لغه و شرعا ذکور و اناته شاملدر ❦ بعضیلى بدل بعض
اعتبار ایشدیلر ❦ لکن اورجال كله سنده او حرفی ❦ و لا تطعم
منهما آثما و كفورا ❦ کریمه سنده اولدیغی کبی ❦ و او معناسنه
اولغله بدل کل اولق اظهاردر ❦ مفهوم بیت بودر كه ❦ حضرت
خالق بیهمتا جل شانہ و تعالی ❦ زوجه اتخاذندن و اولاد تولیدن
میزه و میرادر ❦ یهود مردود حاسا حضرت عزیر علیه السلام
و نصاری طائفه سی حضرت عیسی علیه السلام ❦ اللهك
اوغلیدر ❦ و بنو ملیح طائفه سی ملائكه كرام اللهك قزیدر
دیرلر ❦ بواقوالك مجموعی دلیل عقلی و نقلی ایله باطلدر ❦ دلیل
نقلی ❦ و قالت اليهود عزیر ابن الله و قالت النصارى المسيح ابن الله
ذلك قولهم بافواههم و يجعلون لله البنات سبحانه و لهم ما يشتهون
و قالوا اتخذ الله ولدا سبحانه ❦ و ❦ لم يلد و لم يولد ❦ کریمه لری کبی
دلیل عقلی حق تعالی ایچون ولد اولسه جزئی اولق اقتضا ایدر
تجزیه ایسه محالدر ❦ و نساء اتخاذ ایلسه شهوت اقتضا ایدر
شهوت ایسه امارات حدوثندر ❦ و شهوت اثری قوای حیوانیت
اولغله مخلوقله اتحادی مستلزمدر ❦ و اولادی اولسه البته حادث
اولور ❦ جزء اولق حسبیلله محل حوادث اولور و السلام

❦ كَذَا عَنْ كُلِّ ذِي عَوْنٍ وَ نَصْرٍ ❦ تَفَرَّدَ ذُو الْجَلَالِ وَ ذُو الْمَعَالِ ❦

كذا كله سنده كاف تشبیه ایچوندرد ❦ مؤخر و محذوف مستغن
كله سنه متعلقدر ❦ ذا اسم اشارتدر ❦ مشار الیه بیت اولده اولان
استغنادرد ❦ الهی كاستغناؤه عن النساء مستغن عن كل ذی عون
تقدیرنده در ❦ عن كل كله سی كذلك مستغن كله سنه متعلقدر
ذی عون مضاف الیهدر ❦ عون و نصر بر دم معناینه در ❦ بوراده

ورد لری مغایر اولغله خشویت شائبه سی یوقدر ❦ عن کل
ذی عون فی الالوهیه وعن کل ذی نصر فی دفع الاعداء والمعارضین
سیکنده در ❦ تفرد فعل ماضیدر ❦ توحید واستقلال معانسه در
فاعلی ذوالجلالدر ❦ معالی جمع معلا در ❦ علو و شرف معانسه در
قالدیکه تفرد صیغه سی یو مقامد بدون صنع صبر ورت بناسنه
مینیدر ❦ تحجر الطین کی نکون وتولد دخی یوقیلنددر ❦ یاخود
اصل تکلفده باقی اولوب لکن شان الهیده تکلف منجیل اولغله
غابی اولان کمال اراده اولنور ❦ وجلال صفات سلبیه به ❦ ومعالی
صفات ثبوتیه به اشارتدر ❦ ومفهوم تفردده بوایکی صفات
مندرج اولغله التیام لطینی منضمندر ❦ وتفرد جمله سی تعلیلی
مشتلدر ❦ جلال ومعالی صفتلریله متصف ومتفرد اولان ذات
شریف البته معین وناصر دن مستغنی اولوردیمکدر ❦ معلوم
اوله که ❦ ناظمک بویینی یهود ونصاری ومجوس وثویه وصائبه
وطبیعه ووثیه طائفه لریتنک ردنی مشتلدر ❦ زیرا یهود ونصاری
طائفه لری ظاهرده اهل کتاب اولوب لکن مال مذهب لری شرکدر
نته که ❦ وقالوا کونوا هودا اونصاری تهتدوا قل بل ملة ابراهیم
حنیفا وما کان من المشرکین ❦ کریمه سندده تصریح بدن ابلغ
اولان تعریض عنوانیله طائفتین مر سومتنسک شرک لری تفریر
یورلدی ❦ ومجوس طائفه سی ایکی اصل اثبات ایدوب ❦ برینه
یزدان ❦ ودیکرینه اهرمن اطلاق ایدوب یزدان قدیم ❦ واهرمن
حادثدر دیرل ❦ ثویه طائفه سی نور وظلمتک اصل ازلی ❦ وقدم
وخالق اولسنه ذاهبلردر ❦ وثیه طائفه سی عبده اوناندر کمی
آتشه وکیمی صورته وسائر اختیار ابتد لری اشباهه پرسش ایدرل
صائبه طائفه سی الوهیتی کواکه اسناد ایدرل ❦ طبیعه فرقه سی
طباع وامرجه به عز و ایدرل ❦ مجموعی باطلدر ❦ لا اله الا الله

وحده لا شریک له ❦ خلاصه حق تعالی ذات وصفاتندده واحد
وملک وقدرتندده ❦ وجلال وعظمتندده متفرددر ❦ انفاذ اوامر
واحکامندده معین وناصره محتاج دکلدر ❦ بلکه جمله مخلوقات
جمع ازمنه وامکنده کنده وسنه مقنن ومحتاج لرددر ❦ احتیاج
لا محاله عجز علامتیدر ❦ حضرت حق سبحانه وتعالی قادر
وغنی وقبومدر

❦ يَمِيتُ الْخَلْقَ قَهْرًا ثُمَّ يَحْيِي ❦ فَيَجْزِيهِمْ عَلَىٰ وَفْقِ الْخِصَالِ ❦

یمیت کلمه سی امانه دن فعل مستقبلدر ❦ فاعلی مستتر ضمیردر
الخلق مفعولدر ❦ مخلوق معانسه در ❦ حرف تعریف استغراق
جنس ایچونددر ❦ قهرا تمیزیت اوزره منصوبدر ❦ یاخود مفعول
مطلقدر ❦ قعدت جلوسا قیلنددر ❦ یاخود بفهر قهرا تقدیریه
یاخود حالدر قاهرا تاویلبله ❦ ثم حرف عطفدر ❦ تراخی بی
مفیددر ❦ یحیی احیادن فعل مستقبلدر ❦ علی وفق یجزی به
متعلقدر ❦ خصال جمع خصلندر ❦ مفهوم یمیت بودر که
حضرت حق قادر بیچون جل شانه مجموع خلایق علی سبیل القهر
والغلبه افنا واعدام ایدوب بعده جمله سنی احیا ❦ وعرصه قیامتده
اعمال لری موافق جزا ایدر ❦ اعمال لری خیرایسه خیر ❦ وشرایسه
شرایله جزا ایدر ❦ معلوم اوله که ❦ ناظمک بویینی برقاج مسائل
مهمه اعتقادیه بی مشتلدر ❦ اعاده معدوم ❦ وحشر اجساد
وجزای اعمال کی ❦ مقدمه ونیره سی اوزره ابتدا فی الجملة روح
ماده سندن بجه محتاجدر ❦ کرچه حق تعالی جل وعلا حقیقتی
سترایلدی ❦ لکن محاله تعلیق اولنما منقله بعض اصحاب تحقیق
فی الجملة علی سبیل الرسم بیانته تصدی ایلدیلر ❦ تفصیلی مصنف
من حومک منظومه روحیه ابن سینا شرحندده ❦ وسیوطی

مرحومك رساله مخصوصه سنده مسطور در * خفی اولیه که
 اهل تحقیق روحی ایکی به تقسیم ایدرل * روح حیوانی *
 و روح انانیدر * روح حیوانی بر جسم لطیفدر که * منبعی
 قلب جسمانیست تجویفیدر * عروق ضواری واسطه سبله
 سائر اجزای بدن سرایت ایدر * روح انسانی بر لطیفه غیبیه
 الهیه در که * عالم امر دن نوع انسانه ایداع اولمشدر * عالمه
 و مدر که در * روح حیوانی اوزره را که در * ادراک حقیقتدن
 عقول بشریه عاجز و قاصر در * امام غزالیست ملخص مقالی
 بودر که * روح صویک انابه سریانی کی حلول ایدر * جسم
 دکلدر * و علمک عالمه حلولی کی دکلدر * و قلب و دماغه حلول
 ایدر * عرض دکلدر * بلکه جوهر علویدر * نفسنی و خالقنی
 و معقولاتی ادراک ایدر * شانده * قل الروح من امر ربی *
 وارد اولمشدر * یعنی امر ایله موجود اولمشدر * عالم امر دندر
 امر غیر مادیانده مستعملدر * خلق مادیانده مستعملدر * پس روح
 غیر مادی اولغله لطیف نورانی و انحلاله غیر قابل و لطافتدن
 ناشی اعضایه ساری اولور * و حضرت حق سبحانه و تعالی روح
 حیوانیه ینسارین تألیف ایلدی * روح انسانی زوج * و روح
 حیوانی زوجہ منزله قتلغه بر برینه متعاشق اولدیلر * مادام
 بدنه اولوب فیضان تعلق درکار اولدجه بدن حی و یقظان اولور
 و بالکلیه یعنی هنوز تعلق باقی اوله رق مفارق اولور سه بدن
 نائم اولور * و بالکلیه مفارق اولور سه بدن میت اولور * ابتدا
 مستعد اولمشدر * نفس روحانیله فیج اولور * بعد * حلول اجل
 موعود ایله انتزاع اولور * اکثر محققینه کوره قبرده فیضان پرتو
 آفتاب کی ابدانه فائض اولوب بعد السؤال و الجواب * بر موجب
 احادیث شریفه نقلیه راجع و حین شمرده بند بالکلیه بدنه

متعلق اولوب اکمال امر جزا دن صکره هر کس مقام مأمور لرینه
 متوجه اولورل * و حق سبحانه و تعالی ید قدرتیله خلق ایلدیکی
 نفوس ایچون عالم حیوانده آجال معلومه تقدیر و تعیین ایلمشدر *
 مدت تعیش و بقاری منقضى اولدقد * فاذا جاء اجلهم
 لا یستأخرون ساعة ولا یستقدمون * کریمه سی منطوقی اوزره
 حضرت باری عزشانه ایداع ایلدیکی امانت حیاتی استرداد ایدر
 كذلك جمله عالم مخلوقات ایچون مدت استقرار تعیین ایلمشدر
 حلول زمانده جمله سنی قهر و اعدام ایدر * لمن الملك الیوم *
 کریمه سی اوزره ذات احدیتدن غیری فرد واحد قالماز * قرق
 کون مقدارندن صکره نفخه ثانیه ایله جمله سنی احیا * و مقتضای
 اعماللری اوزره مجازاتلرین اجرا ایدر * اهل اسلام اعتقادی
 بودر * الله الذی خلقکم ثم رزقکم ثم یمیتکم ثم یمحیکم ثم الیه
 ترجعون (و) الله الذی لا اله الا هو لیخسفکم الی یوم القیمه لاریب فیه
 و * ان الله یمیت من فی القبور * نصوص شریفه سبله ثابتدر *
 فلا سفه دن طبعیون حشری انکار ایدرل * زعملری بودر که
 انسان اشو هیکل مخصوصدن عبارت اولغله موته فانی اولدقد
 اعاده سی ممتعددر * زیرا اعاده معدوم ممتعددر * الهیون
 فلا سفه معاد روحانی به قائل اولوب معاد جسمانی بی اعاده
 معدومک امتناعنه مبنی انکار ایدرل * حق اولان معاد جسمانی
 و روحانیدر * طائفه مر سومه تک احتجاجلری بودر که * بعینه
 معدومک اعاده سنی جائزدر * و وقوعی مفروض اولسه انک
 مثلی ایجاد مستأنفده جائز اولور * اول مستأنفکده معاد مزبور ایله
 وجودی فرض اولنسه بدون التمايز اثببت لازم کلور * بوايسه
 بالبداهه باطلدر * كذلك بعینه یعنی جمله عوارض مشخصه سبله
 معدومی اعاده جائز اولسه وقت دخی جمله عوارضندن اولغله

معدوم مزبور وقت اولنده اعاده اولمق لازم کله * معاد مبداء
عینی اولور * كذلك عود ايله حکم معدومک حال عدمه صحت
عود ايله اتصافی اقتضا ایدر * بوايه بدون التمايز * متصور اولماز
معدومات ایچون ایه * حال عدمه تمايز یوقدر * احتیاج اولرینه
جواب ویریلور که * امتیاز عوارض مشخصه ايله در * مثلین
مبتدأ نیده اولدیغی کی * اگر مماثلتدن من کل الوجوه اتحاد
مراد اولور ایه * اثبیت ممنوعدر * بلکه بوصورته تماثل تصور
اولماز * واکر عوارض مشخصه اتحاد مراد اولورسه * ملازمه
مسلم بطلان لازم ممنوعدر * زیرا بوصورته اثبیت اعتباری
اولغله تغایر اعتباری کفایت ایدر * احتیاج ثانیلرینه جواب
ویریلور که * زمان دیدیکمز مبداء و معاد دن * بر شئتک عوارض
مشخصه سندن دکلدر * اگر عوارضدن اولیدی * شخص واحد
ازمنه تک تعددی حسبیه * اشخاص متعدده اولمق * اقتضا ایدر
ایدی بوايه سفسطه ظاهر در * احتیاج ثالثلرینه جواب ویریلور که
حال عدملرند * معدومات عقلده تمايزه در * نقدر عقلده موجود
اولماز ایه ده * واهل حق طرفندن بعث و جزایه * بوجوهله
استدلال اولنور که * معاد فی ذاته مبتدأ کی امر ممکندر * زیرا
معدوم اولان شیء وجوده قابلدن * اگر قابل اولسه * مقدمادخی
موجود اولماز ایدی * پس لازم باطلدر * زیرا تقدیر مز شیء
موجود اولدقدن صکره معلوم اولدی * ملازمه تک یسانی بوجه
اوزره در که * اگر معدوم معهود * وجوده قابل اولسه * بالذات
ممنوع اولور * بالذات ممنوع اولسه * ابتدا موجود اولماز ایدی * پس
ثابت اولدیکه * وجوده قابل اولسه * موجود اولماز ایدی * قابلیت
ایسه ماهیتدن منفک اولسه * ممکن ممنوعه منقلب اولمق لازم کلوز
لازم اولور * از الامکان و من الممكنات کانی مستلزم

اولغله * دائما وجوده قابلیتی لازم اولور * پس شیء مر قومک عوده
قابلیتی ثابتدر * وفلاسفه دیرلر که * مثلا بر انسان بر انسانی اکل
ایلسه * ما کول آکلدن جزء اولمق درجه سنده * ابدی اجزای
مزبوره اکل و ما کولک ایکسینده اعاده اولمق محالدر * اگر
برنده اعاده اولنورسه * آخر بجمیع اجزائه معاد اولماز * زیرا بدن
اکل و ما کولک بعضیلری ضایع اولمق درکاردر * جواب
ویریلور که * معاد اولان اول نشئدن الی آخر العمر * باقی اولان
اجزای اصلیه در که * آنده مدة العمر تفاوت اولماز * زیرا عناصر
اربعة * وروحدن مأخوذ اجزادر * واجزای ما کوله آکلده
فضله در که * سمن و هزال اکا ترتب ایدر * واکر اعتراض
اولنورسه که * بومقاله تناسخی اشعار ایدر * زیرا معاد اولان
بدن ثانی * بدن اول اولماز * زیرا حدیث شریفده وارد اولمدر که
اهل الجنة جرد مرد) یعنی جنت اهلی بالجملة شعر و لحیه دن
آزاده در * وجهتمک دیشلری جبل احد مقدار ی اولور * جواب
ویریلور که * تناسخ ابکی بدنک بحسب ذوات الاجزاء * مغایرتدن
عبارتدر * ما نحن فیهده * تغایر هیئت و ترکیبده حاصلدر * بر طائفه
دخی بعث و حشری نفی خصوصینده * بگونه بسط هذیان ایلدیلر که
بعثدن مقصود * یا مبعوثی ایلام * یا خود مبعوثدن المی دفع * و یا خود
مبعوثی تلذیزدر * شقوق نلشه ده محالدر * زیرا صورت اولده
فی نفسه * تعذیب حیوان بلا فائده در * بوايه حکمته منافیدر
صورت ثابده مقصود اولمق مناسب دکلدر * زیرا اول ایلام
ایدوب * بعده رفع الم ایچون بعث ایتکده دخی فائده یوقدر *
رفع الم خصوصینده * عدمی اوزره ایقا کا کافیدر * صورت
ثالسه که تلذیزدر * فی الحقیقه * بدنده حاصل اولان المی رفعدر
مثلا اکل و شرب * الم جوع و عطشی رفعدن عبارتدر * بونلره

جواب ویریلور که ایلامه مستحق اولانی ایلام حکمت وعداندر
و مستحقینک المنی دفع ایلمک عفو و کرمدر * و تلذیذ لطف
وعنایتدر * بویاده اشبو قطعه غرابی امام علی کرم الله وجهه
خضرتلرندن روایت ایدرلر

* زعم النجم والطیب کلاهما * لن نحشر الاجساد قلت الیکما *
* ان صح قولکما فلیست بخاسر * ان صح قولی فالحسار علیکما *
طیبیدن مراد طیبیون و منجمدن مراد افلاکیوند * الیکما
بتعدا عنی معنایه اسم امر در * و بحسب الاعمال هر کس مظهر
بجازات رب متعال اوله جقلری (یومئذ یصدر الناس اثنا تالیروا
اعمالهم فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره ومن یعمل مثقال ذرة شر ایره)
نص مبینله * وابن عباس رضی الله عنهما خضرتلرندن مروی
الناس مجزیون باعمالهم ان خیرا فخیروان شرافشر * حدیث
شریفله مثبتدر * دخی بویاده آیات واحادیث کثیردر

❦ لاهل الخیر جنات ونعمی ❦ ❦ وللکفار ادراک انشکال ❦

لاهل جار و مجرور مقدم خبردر * جنات مؤخر مبتدادر * نعمی
ضم میم و قصر ایله نعمت معنایه در * ننه که بشری و رجعی
بشارت و رجوع معنایه در * جنات اوزره معظوفدر *
و انکدر که سنده و او عاضددر * کذاک للکفار مقدم خبر
و ادراک النکال مؤخر مبتدادر * ادراک جمع درکدر * فمختبئله
یاخود سکون ایله * حفرة یراندن بر حفرة * یاخود طبقات ناردن
و طبقه در * همزه ایله ادراک لغتی کریمه بعضی شراح فخر
ایدرلر * لکن مؤخر مبتدادر * ذی ادراک لفظی جمع درکات
ایلله مشهوردر * ادراک استعمالی نادردر * نکال عقوبت معنایه در
انقضی لامعده در * مؤخر مبتدادر * راجع ثانی است الاول فصلدر

حق سبحانه و تعالی اهل خیراتی که * مؤمن مطیعدن عبارتدر
جنت و نعمتله ایلله انا و تنعم * و کفاری درکات بحمله تعذیب
و تنقیم ایدر * معاوم اوله که * حضرت حق جل و علا (ان الله
یدخل الذین آمنوا و عملوا الصالحات جنات (و) اعدت للمتقین)
و سائر نصوص قاطعه دلالتی اوزره مؤمنین قوللری ایچون جنت
و جنتده حور و غلمان * و مالا عین رأی و لا اذن سمعت * انواع
نعمت اعداد ایدوب (واتقوا النار الی اعدت للکافرین (و) و اعدلهم
سعیرا) * کریمه لری منطوقجه کافرین ایچون جهنم و انده
اصناف عذاب و نعمت تهیئه ایلشدر * حالا جنت و جهنم
مخلوق و موجود لدر * آدم و خوا قصه سی و اعدت صیغه لربک
ماضوی و وجود لربنه دلالت ایدر * قالدیکه * تعین مکانلری
بایند * نص صریح وارد اولدی * اکثر علماء (عند سدره المنتهی
عندها جنة المأوی) کریمه سی و * سقف الجنة عرش الرحمن *
و ان النار تحت الارضین * حدیث شریفی اوزره جنت سبع
سمواتک فوقنده * و عرشک تحتده اولدیغنه ذاهب اولدیلر *
معترله طائفه سی حالا مخلوق دکلردر * بلکه یوم جزاده خلق
اولورلر دیرلر * دلیللری بودر که * اگر حالا موجود اولسه لر
یا عالم افلاکده * یاخود عالم عناصرده * و یاخود عالم آخرده
اولورلر * شقوق ثلثه ده باطلدر * شق اول و ثانی قرآن مبینده
وارد اولدیغی اوزره * جنتک عرضی (کعرض السموات والارض)
اولغله تداخل اجسامی مستلزم اولغبین عالم افلاک و عالم عناصرده
وجود لری ممتنع اولغبین * لا محاله بو عالمک انتفازندن صکره
منصور اولورلر * و شق ثالث ینلرنده خلا تحقیقی مستلزمدر * زیرا
فلک ذاتنده بسیط * و کری الشکلدر * عالم آخر تحقیق اولسه
اولدخی کری اولغله ینلرنده خلا مفروض اولور * کرک محاسبین

کری متباین اولسونلر * خلا ایسه محالدر * كذلك عالم آخرده
اولسه * لامحاله انده دخی عناصر حاصل اولور * عناصر حاصل
اولنججه البته بو عناصره مماثل * وحیرلرینه مائل * وحیرلرینه
حرکتی مقتضی اولوب * واول عالمک حیرلرنده طبعاً ساکن اولور
بو صورتده جسم واحد ایچون * بالطبع ایکی مکان اولق اقتضا
ایدر * بو ایسه محالدر * یاخود اول عالمک حیرلرنده قسراً دائماً
ساکن اولور * بودخی محالدر * اکا جواب ویریلورکه * ابتدا
تداخل اجسام * اصول فلاسفه به متعلق اولدیغندن بشقه * فرجه
مابین جسم * آخرایله مملو اولق جائز اولغله * خلا ممنوعدر *
قالدیکه * جنت فوق السماء و تحت العرش * اولنججه عرضلری
عرض سموات وارضین اولقده قطعاً اشکال یوقدر * و ذکر
اولسان عالمده حاصل اولان عناصرک * بو عالم عناصرینه تمام
حقیقته تماثل ممنوعدر * زیرا صورتده * یاخود هیولاده اختلافلری
ممکندر * هر تقدیر صفات ولوازمده مشترک اولورل ایسه * ومعتزله
طائفه سنک بردیللری بودرکه * افعال الهی حکم و مصالحدن
خالی اولماز * جنت وجهنک خلقی * ثواب وعقاب حکمتنه مبنیدر
ثواب وعقاب ایسه * یوم قیامتدن اول واقع دکلدر * بو وجهله
قبل یوم القیمة * خلقلرنده فائده مرتب دکلدر * بوکه جواب
ویریلورکه * ابتدا حضرت باری به رعایت حکم و مصالح * واجب
دکلدر * بعد النسلیم * فائده نک مجازاتده انحصاری ممنوعدر
ولوسلم یوم قیامتدن مقدم * عدم وقوعی ممنوعدر * زیرا حدیث
شریفده وارد اولدیکه * قبرده مؤمن ایچون جنت * وکافر ایچون
جهنم * بر قیو کشاد اولوب * مؤمنه روح جنت * وکافره کربیه
جهنم حاصل اولور * وحالا جنت وجهنک مخلوق اولوب
وعلم اللهده اولان مکانه اولملری * عنایت شان الوهیه دال

اولق نمایاندر

وَلَا يَفْنَى الْجَحِيمُ وَلَا الْجَنَانُ وَمَا أَهْلُوهُمَا أَهْلُ انْتِقَالٍ

بعض نسخه ده بو محله * واللجنات والنيران کون * علیها مر
احوال خوال * یعنی ثبت اولمشدر * لکن اکثر نسخهده اولماغله
اکثره اتباع اولمشدی * ترکیبی واللجنات ظرف مستقر مقدم خبردر
کون مؤخر مبتدا در * وجود فی الحال معناسنه در * علیها
ضمیری مذکوره به کل منهایه راجعدر * مر مروردن فعل ماضیدر
احوال جمع حالدر فاعلیدر * خوال جمع خالیه در صفتدر *
یاخود مر کلمه سی مصدر * احوال مضاف الیهیدر * بر نسخه ده
مر بدلی جری کلمه سی * وخوال اهمال نقطه ایله مشهود
اولمشدر * بوکه کوره حوالی جمع حالیه اولور * مزینه معناسنه
بو صورتده بالکزن جنانه صفت اولور * تنه که (الذین یکثرون
الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله) کریمه سننده بعض
مفسرین ضمیری بالکزن فضه به ارجاع ایدرلر * مفهوم بیت
بودرکه * جنات ونیران الان موجودلدر * واوزرلندن احوال
خالیات مرور ایتکده در * تفصیلی ولایفنی بیتندن مقدمجه
کذران ایلدی * ولایفنی بیتنده لاناویه در * یفنی دردنجی بابدن
فعل مستقبلدر * الجحیم فاعلیدر * ولا الجنان معطوفدر * جنان
کسر جمیله جنتک جمعیدر * وما اهلوهما کله سننده مالکین
معناسنه در * اهلون جمع اهلدر * هما کله سنه اضافت سببیه
نون ساقط اولدی * ما کله سنک اسمیدر * اهل انتقال خبر
منصوبیدر * انتقال مضاف الیهیدر * وصل ایله قرائی لازمدر
مفهوم بیت بودرکه * جنت وجهنم واهالی وسکانلری فناءپذیر
اولماز * ومحال اخرايه انتقال ایتزل * وصف خلود وناپید ایله

متصف لر در * معلوم اوله كه * فضل وعدل الهيله اهل سعادت
جنته * واهل شقاوت جهنمه داخل اولدقدن صكره * كرك
جنت * وكرك جهنم * وايكسك اهل وسكانلرى فاني ومضمحل
واخر محلاله منتقل اولماز * نه كه (ان الذين آمنوا وعملوا
الصالحات كانت لهم جنات الفردوس نزلا خالدون فيها لا يبغون
عنها حولا) اى لا يطلبون تحويلا عن الجنة و (ان الذين كفروا
من اهل الكتاب والمشركين في نار جهنم خالدون فيها) كريمه زيله
(واذا دخل اهل الجنة الجنة واهل النار النار نادى مناد بين الجنة
والنار يا اهل الجنة خلود لاموت ويا اهل النار خلود لاموت)
حديث مشهور بيه منصو صدر * اهل جهنم من مراد كافردر
زيرا مؤمن عاصى عاقبت منتقل اولور * وسكانلرينك تنصيب
خاوردى جنت وجهنمك دخى خلودلرينه تنصيبدر * جهنمه
طائفه سى فناپذير اوللرينه ذاهلردر * استدلاللرى بودر كه *
فناپذير اولسه ل بقاء حالنده ذات الهيله مشاركت اقتضا ايدر
بوايسه باطلدر * جواب ويريلور كه * حضرت بارى واجب
البقاء * وجنت وجهنم واهالبسى جائز البقادر * وذات الهينك
بقاسى بذاته * وبونلك بقارى ابقاى الهيله در * قالديكه *
اطفال مؤمنين اهل جنتدر * وآباء وامهاتنه شفاعت ايدى جكلردر
نه كه (ان السقط ليقع محنطتا على باب الجنة ويقول لا ادخل
الامع ابوى) حديث شريفى اكا دالدر * واطفال كفار حقنده
اختلاف ايلديلر * بعضيلر (رفع القلم عن ثلثة عن النائم حتى
ينتبه وعن المجنون حتى يفيق وعن الصبي حتى يحتلم) حديثيله
و (اطفال المشركين خدام اهل الجنة وكل مولود يولد على فطرة
الاسلام ثم يهودانه وينصرانه ويمجانه) حديثلريله استدلال ايلديلر
وبعضيلر * ولا يلدوا فاجرا كفارا * آيت كريمه سبله * وحضرت

خديجه دن رضى الله عنها مروى اولان (سئلت النبي عليه
الصلوة والسلام عن اطفالها الذين ماتوا في الجاهلية فقال هم
في النار) حديثيله احتجاج ايلديلر * وبعضيلر ديديلر كه * بلوغى
تقديرنده ايمان وطاعتى معلوم الهى اولان اطفال جنته * وكفر
وعصيانى معلوم اولان جهنمه داخل اولور * امام نووى صحيح
مسلم شرحنده * اطفال مشركين جنته داخل اولور ديو * تصریح
ابنمشر * شيخ لقانى عليه الرحه * تعذيبه اطفال مشركين
داخل دكلردر ديدى * قاضى عياض وقرطبي دخى بوقولى
تصحیح ايلديلر * زيرا تعذيب * تكليف وبعث رسول فرعيدر
ديديلر * وبوقوله امام بخارى دخى مائلدر * معتزله عندنده
معذب اولمازلر * بلكه حديث شريف مقتضاسى اهل جنتك
خداميدر * وبى جرم اولانى تعذيب ظلمدر ديديلر * خلاصه
بومسئله ده اون وجه اوزره اختلاف اولندى * بناء عليه امام
اعظم رحمه الله توقف ايلديلر * لكن غالب اولان جنته داخل
اوللريدر * وحضرت خديجه بك حديثى اطفال كفارك جنته
داخل اوله جقلرينه هنوز علم نبوى شامل اولمامفه حل اولنقى
دائرة امكانه قرييدر

يَا رَاهُ الْمُؤْمِنُونَ بَغِيرَ كَيْفٍ يَا وَاَدْرَاكَ وَضَرْبٍ مِنْ مَنَالٍ

براه ضميرى * رب العزته راجعدر * المؤمنون * فاعليدر بغير كيف
جار ومجرور مفعولدن حالدر * وادراك وضرب معطوفلردر
كيف لفظى كيفيت ديمكدر * كيف هو * وكيف لونه * وكيف
شكله وطوله * مقاله سندن ياخود عين رايدن خارج شعاع بصرينك
مرئى به اتصالى * ياخود مرئى ايله راتى بينلرنده مسافه * وجهت
ومكان ومواجهه وصورت مرئىك مرأت عين رايدى ارتسامندن

عبارت در * ادراك مرئی بی احاطه * وجوانب وحد و دینه و قوف
تخصیص یلدر * و ضرب نوع معناسند در * مفهوم بیت بود که
حضرت حق جل و علا * جنده مؤمنین مکرینه عرض لطف
دیدار ایدوب * مؤمنین دخی کیف سز * و کنه و حقیقت ادراک سز
و صور مخلوقه دن * بر صورته مشابهت سز * جال شریف لریله
شرفیاب اوله جقلردر

* جنت ایش طوته لم احد جهان ملکن بهار *

* هی معاذ الله جهنمدر بکا دیدار سز *

معلوم اوله که * رؤیه لله مسئله سی * اعظم مسائل اعتقادیه دندر
اقرار ایدنر اول سعادت مظهر * وانکار ایدنر * حرمانه مکر
اوله جقلردر * شرح موافقه مسطور در که * ائمه اهل سنت
اتفاق ایتدیلر که * دنیا و آخرتده رؤیت الهی عقلا جائزدر
دنیاده رؤیتک جوازنده اختلاف ایلدیلر * اکثری قائلدر
کذلک منامده رؤیتده بعضیلر قائل * و بعضیلر منکر اولدیلر
لکن حق اولان جائزدر * حتی شاه شجاع کرمانی * و قرای
سبعه دن حمزه * و بعضی مشایخ سلف * اول شرفله مشرف
اولدقلری مشهوردر * و رؤیت منافی مشاهده قلبیه اولمانغله
تبعید اولنار * امام بیضاوی علیه الرحمه * دخی دنیاده رؤیتک
وقوعنه ذاهبدر * حتی سوره بقره ده * واذ قلتم یا موسی
لن نؤمن لك * آیت کریمه سنک تفسیری خلانده * بل الممكن
ان یری رؤیه متبینه عن الکیف وذلک للمؤمنین فی الآخرة والافراد
من الانبیاء فی بعض الاحوال فی الدنیا عبارتیه اقرار ایلدی
جمله معترضه اولق اوزره بر مجلسده * علمای اعلامدن برقاج
فوت صبرام * بیضاوی مر سز * ذکر اولسان والافراد
من الانبیاء و قدنده اسناد ایلدیلر * یعنی مختصر رؤیت

اولان پیغمبر لر دن مراد کپلردر * بعض مرتبه ینسلرنده محاوره
ککذرائند نصکره * بو حقیر بی بضاعت * مراد شاه مسند
ختمیت * علیه الصلوة والسلام اولوب * تعظیمه بناء جمع عنوانیه
ایراد اولندی دیدیکمده * نوع اسنصغار ایله قبول ایلدیلر * نه که
عصر من علماسنک حالری بودر * بعده اطمینان دیهرک بعض
حاشیه استحضار ایللریله * بحمدہ تعالی پیانمره موافق ظهور
ایلدی * بومعامله بعد المجامله مشهود من اولیق ترا کنله
کندیله سؤال ایلدمکه * اصل شبهه قویه بودر که * بیضاوی
مر حوم فی ذاته کامل اولغله * روح سز کلمه ایراد ایلز * پس
والافراد عنوانیه ذکر ایدوب * وفرد من الانبیاء * وبعض من الانبیاء
عبارتی کبی * سائر عبارته ایله تعبیر الیوب * اشبو افراد
ماده سنه تخصیصک نکته سی ندر * دیدیکم زده بالجمله تلثم ایدوب
عاقبت سکوت ایلدیلر * بعد الاستیذان * بو کونه توجیهه اجنسالر
ایلدمکه بیضاوی مر حوم صوفیه دن اولغله * افراد تعبیری
صوفیه تعبیراتندن * حضرت رسول الله مخصوص وصفدر
نه که * فصوصده شیخ اکبر قدس سره * کلمه فردیه فی فص
مجدیه * عبارته سبیله ایراد ایلدی * وینه صوفیه حضرت
رسول الله اوج فردیتی حاوی اولغله * تعبیراترنده همیشه افراد
اطلاق ایدرلر * داود قیصری علیه الرحمه * مقام مزبور شرحنده
تعبیراتسنلر * رجسال ما را * سن اولمده که * اهل سنت
وجاعت مذهبری بودر که * حق سبحانه و تعالی مؤمننه اخرتده
بلا کیف مرئی اولق عقلا صحیحدر * معتزله وفلاسفه و خوارج
وزیدی طائفه لری * نفس رؤیتده و شبهه و کرامیه * لواحق
رؤیتده مخالفت ایتدیلر * زیرا مشبهه و کرامیه * حاشا جهت
وامکان و صورت اسناد ایدرلر * بناء علیه رؤیتی تجویز ایدرلر

اما معتزله انكار ايدر را * تمسك كرى * لا تدر كه الابصار وهو يدرك
 الابصار * كريمة سته در * بو آيت كريمة به * ايكي وجهه له
 متمسك در * وجه اول بصرايه ادراك رؤيته مترادف در * يا خود
 احدهما بي اثبات و اخري نفي ايلك صحيح اولماز حيثيته متلازم در
 ابصار لفظي ايسه * جمع محلي باللام وارد اولدى * حسب الاصول
 صيغة عموم در * بوجهه آيت مرقومه دن مستفاد اولديكه
 حق تعالى بي فرد افریده كوره من * وجهه ثاني كريمة مرقومه
 حسب المقام عدم مريته تمدح ايچون مسوق اولغله * وجود
 ورؤيت نقص اولور * نقصدن تنزيه ايسه واجب در * انله جواب
 ويريلور كه * بصرايه ادراك رؤيته مترادف و متلازم اولملى
 ممنوع در * بلكه رؤيتدن اخص در * زيرا ادراك مريتك عينده
 ارتسامى و شعاع بصريتك عيندن خروج و مريتي به اتصاليله
 مشروط در * اكابني رأيت و ما ادركنه بصرى دينك صحيح در
 پس ادراكى نفيدن رؤيتك نفى لازم كلز * كذلك جائز در كه منفي
 اولان ابصارك اشوعا عالم دنيا ده متصف اولديغىز قوتله ادراك در
 بلكه اكاحلى ظاهر و متبادر در * زيرا كلامى واقع متعارفه حل
 ايلك آتى به حلدن اولى و انسب در * كذلك لا تدر كه الابصار
 قضيه سى سلب عمومى مفيد در * عموم سلبى مفيد دكلدر * زيرا
 يدركه الابصار قضيه سى عمومى مفيد اولغله * سلبى سلب عموم
 اولور * بصورتده رفع ايجاب كللى اولغله * سلب جزئى قوه سته
 اولور * يعنى بعضى ادراك ايلز ديك اولور * كذلك رؤيت
 ممنوع اولسه نفي تمدحى مستوجب اولماز * زيرا تمدح قابل الرؤيه
 اولوب * حجاب كبريايله متمتع و متعزى اولديغنه مبنى * مريتي اولما مقدر
 اهل سنت رؤيتك جوازى * دلائل نقليه و عقليه ايله اثبات ابتدايلر
 دلائل نقليه بويكايده سرد ايلديكمن بش دليلدر * اول * وجوه

يوشند ناضرة الى ربها ناظرة * آيت كريمة سيدر زيرا نظر
 اكر رؤيتدن عبارتدر دينور سه مطلوب حاصل اولور * واكر
 مريتي جانبته رؤيت ايچون قلب حدقه دن عبارتدر دينور سه
 راني ايله خداى متعال ميانده مقابله محال اولغله * مسبى اولان
 رؤيته حل اولور * زيرا سببى ذكر ايدوب مسببى اراده ايلك
 احسن وجوه مجازيه دندر * قالديكه الى ربها كله سنده الى
 لفظى نعمت معناسنه اولان آلاء كله سنك مفردى اولغله * ناظرة
 كله سى منتظرة معناسنه اولغله حل ايلك صحيح دكلدر * نته كه
 معتزله اكاحل ابتدايلر * زيرا نظري مورت غم واضطراب
 اولان انتظاره حل ايلك قطعى قبيح در * نته كه * الانتظار اشد
 من النار و الانتظار موت احر در * حال بو كه آيت مرقومه
 دار سرورده معدوم هيا اولان * نعم و الطساف عليه بي بيان ايچون
 مسوق در * اكر سؤال اولور سه كه * آيت مرقومه سباق و سباق
 قريبه سبيله حالت نظر اهل جنت و جهنمك جنت و جهنمده
 استقرار لرندن مقدم اولغله دلالت ايدر * زيرا سباق كه * وجوه
 يوشند ناظرة * كريمة سيدر سباق كه * وجوه يوشند باسرة
 نظن ان بفعل بها فاقرة * آيت كريمة سيدر مفهوملى
 قبل الاستقرار اولغله * انتظار نعمت بعد البشارة * و انتظار عذاب
 بعد الانذار اولغله * بعد البشارة انتظار نعمت نصارت وجهى
 مستتب سرور * و بعد الانذار انتظار نقمت شدت عباست وجهى
 مستعقب غم و كدر اولديغى ظاهر در * اكاجواب ويريلور كه
 بوسؤال وصول نعمت و عذابك يقينه مبندر * تا كه انتظار
 نعم سرورى * و انتظار نقم عمومى مستتب اوله * نظن انها قول
 شريفى ايسه بوني آبي اولغله اخبار اولسان حالت حال استقرارده در
 وظن فعل شبيها فشيئا كوره جكلرى عقوبات متنوعه به

نسبتله در * یا خود دوامه نسبتله در * و بوجل مقتضای مقام
اولان وعیده ابلعدر * كذلك بزم تاویلز * اظهر واقربدر
اظهرتی بودر که * نظری اطلاق ایدوب * رؤیتی مراد ایلک کثیر
سایعدر * خصوصا وجد و جهاله مضاف اولدقده * و اذهاله
متبادر اولان الی کله سی * حرف جر عدادندن اولان الی اولمقدر
نظر لفظی دخی اتی مؤید در * زیرا اکثری نظر ماده سی * الی ابله
متعدی اولور * آلاء مفردی اولان الیه نبادر غریبدر * نته که
رب کله سندن وحاشا و علی کله لزدن متبادر اولان * حرف جر
اولاندر * یوقسه فعل ماضی اولانی بعید در * و تاویلزک اقریتی
بودر که * رؤیت نظره انتظار دن اقریدر * و جل اقرب احسن
وانسبدر ثانی (سترون ربکم یوم القیمة کاترون القمر لیلۃ البدر
تفسیر اون فی رؤیته) حدیث شریفدر * ای کمال تشکون
فی رؤیة القمر لیلۃ البدر لا تشکون فی رؤیته تعالی عیا نافی الاخرة
اشبو حدیث شریفی * بکار صحابه و ائمه دن * یکرمی بر نفر ذوات
کرام روایت ایلکله * مشهور در * حدیث مشهوری انکار
ایدن متدعه در * ثالثا حضرت موسی علی نبینا و عایه السلام
رب العزتدن * رب ارنی انظرا لیک * مصدوقی اوزره رؤیت
نیاز ایلدی * اگر حق سبحانه و تعالی لک رؤیتی ممتنع اولدیغنه
عالم دکل ایسه * حضرت موسی صفات الهیه دن بر صفته عالم
اولماق اقتضا ایدر * بوابسه باطلدر * خصوصا معتزله عند نه
واکر ممتنع الرؤیه اولدیغنی بلدیکی حالده * نیاز ایلدیسه * عابت
بالله اولق اقتضا ایدر * بودخی باطلدر * اگر بودلیله اعتراض
اولنورسه که * حضرت موسی رؤیتک امتناعی یلور * لکن نیازی
نری الله جهره دیمشلا ایدی * بوصورتله جواز رؤیتله دلیل

اولانزا کا جواب ویریلور که * قوم حضرت موسی اکر مؤمنلر ایسه
حضرت موسی لک رؤیت الهی ممتنع دیواخباری * کفایت ایدر
اگر کافرلر ایسه * احکام الهیه تصدیق ایلزل * حالبوکه * من غیر
دلیل نصک ظاهرندن عدولدر * زیرا نص مبین * قال رب ارنی
عنوانیله وارد اولدی * ارحم بنظر و الیک * عنوانده وارد اولدی
و جوابنده حق تعالی * لن ترانی بیوردی * لن یرونی بیورمدی
رابعاً * حضرت باری عز شانه * فانظر الی الجبل فان استقر
مکانه فسوف ترانی * منطوقی اوزره * رؤیتی جبلك استقرارینه
تعلیق ایلدی * استقراری ایسه ممکندر * زیرا جسمدر * و هر جسم
ممکن الاستقرار اولغله * ممکنه تعلیق امکان رؤیتله دلالت ایدر * اگر
سؤال اولنورسه که * معلق علیه * یعنی استقرار جبل ممکن دکلدر
زیرا تعلیق اولنان * بجلی حالده استقراردر * علی الاطلاق دکلدر
اگر علی الاطلاق اولسه * رؤیت حاصل اولور ایدی * رؤیت
ایسه بالاتفاق منفیدر * پس بوجهله آیت کریمه لک معناسی
جبل رؤیتله طاقت کنوروب * حال تجلیده مکاننده استقراره
مقدرا ایسه * یا موسی سنده طاقت کنوروب سن دیمک اولور * جبل
ایسه اول حالده * فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا * منطوقیجه * تحرك
اولدی * کا جواب ویریلور که * مقدمات مسروده لک تسلیمی
تقدیری اوزره * جبلك حال تحرکده استقراری ممکندر * حق تعالی
حرکت بدلی سکون خلق ایدر * ممتنع اولان انجیق حرکت و سکونک
اجتماعیدر * بوجه اوزره ده سرد جواب اولنور که * جبله نظر ایله
امر خالی دکل * یا حرکت یا خود استقرار حالده اولور * صورت
اول اولور ایسه * استقرار ان کله سبله معلق اولان مستقبله
نظردن صکره واقع اولور * بوابسه بالضروره ممکندر * و اگر
صورت ثانی اولورسه * معلق به دوام استقرار اولغله * بودخی

ممكندر خامسا * فلما تجلى ربه للجبل * منطوقى اوزره جبله تجلى
 الهى واقع اولدى * شيخ ابو منصور ماتريدى تحقيقى اوزره
 تجلى مرقوم * جبله حیات و علم و رؤیت خلقندن عبارتدر حتى
 جبل متأثر اولغله منك اولدى * بوجهته تجلى جواز رؤيته
 دلالت ايتشدر * ومعترله طائفه سنك انكار رؤيته بر دلبه لری
 دخی بودر که * لن ترانى باموسى * آیت کریمه سنده لن کله سی
 تأیید ایچوندر * حضرت موسی ابدی کور میجک * غیرى دخی کورمز
 زیرا فصله قائل یوقدر * اکا جواب ویریاور که * بحمز رؤیتک
 جوازنده در * ایت مرقومه ایسه * جوازک نفینه دال اولیوب * وجودک
 نفینه دال اولدیغنده اشیاه یوقدر * انی لست بمرئى * یاخود لایجوز
 رؤیتی عنوانده وارد اولسیدی * جوازک نفینه استدلال اولنور
 ایدی * كذلك لن کله سنك تأیید دلالتی مسلم دکدر * بلکه نفی
 تأکید ایچوندر * ننه که * مریم رضی الله عنهادن حکایه قرآن
 کریمه * فلن اکلم الیوم انسیا * آیت کریمه سنده وارد اولشدر
 یعنی لن کله سی یومه مفارن اولشدر * تأیید ایه توقیت یننده
 تنافی واقعدر * و تأیید ایچون اولدیغی مسلم اولسون * لکن تأیید
 ایه مدت دوام دنیا اراده سی جائزدر * ننه که * ولن یتنوه ایدا
 بما قدمت ایدیهم * آیت کریمه سنده وارد اولشدر * یعنی حق تعالی
 خبر و یردیکه * کفار ابدی موتی تمنی ایلزل * بعده * ونادوا یا مالک
 لبقض علینا ربک * آیتله آخرنده موتی تمنی ایلله جککریخی اخبار
 ایلدی * بوجهته جائزدر که * نفی رؤیت دنیاه متعلق اولوب
 آخرته ملازق اولیه * و موسی علیه السلام دنیاه نیاز ایتکله
 نفی دخی دنیاه متصرف اولق ظاهردر * دلیل عقلی بودر که
 رؤیت فعلی * ذنبه جسم * جوهر و عرض متعلق اولغله * اشیای
 موقوت * ذنبی یننده حکم مسکات اولور * پس کله مسکات

ایچون علت مشترکه ک و وجودی لازمدر * اول علت مشترکه یه
 وجود یا حدوث یاخود امکان اولور * حدوث وجود لاحق
 وعدم سابقدن عبارت اولغله * درجه علیتدن ساقطدر * عدم
 ایسه * نه علت و نه شطر علت اولور * كذلك امکانده اعدای اولغله
 علیتدن ساقطدر * پس علت مشترکه وجود اولدیغی ثابت
 اولدی * حضرت حق موجود اولغله * رؤیتی جائزدر * لکن
 بواسطه لالده اماره ضعف اولغله * خصما طر فندن بوجه اوزره
 اعتراض وارد اولور که * ابتدا مرئی جسم * و جوهر اولدیغی
 ممنوعدر * بلکه اضواء والوان وسطوح کبی اعراضدر * ولوسلم
 حکم مشترکی * علت مشترکه ایه تعلیل ممنوعدر * مشهود
 و محسوسدر که * حرارت نار ایه ضیای شمس یننده مشترکدر
 حالبوکه * نارد * علت طبیعت ناریه * و شمسده علت طبیعت ضیادر
 بونیده تسلیم ایده لم * لکن بومذ کورده انحصاری ممنوعدر * زیرا
 حصول فی الجمله * کبی مذکور دن خارج شی * اخرده بولمق
 جائزدر * كذلك سزک عندکزد * هر شئک وجودی * حقیقک
 عینیدر * بو صورتده اشیای مذکور ینلرنده * مشترک اولق
 احتمالدن بعیددر * بونیده تسلیم ایده لم * لکن عدمینک علینه صالح
 اولماسی مسلم دکدر * واقعا * اگر معلل اولسیدی صالح اولمازایدی
 ماده ایسه وجودی دکدر * زیرا معلل رؤیتک جوازیدر * جواز
 امکان معناسنه اولغله * عدمیدر * كذلك دلیلکزد وجه آتی اوزره
 منقوضدر * زیرا ملموسیت * و مخلوقیت * و کون فی الجمله * و سائر
 اوصافک صحتی * اعراض و جواهر و اجسام ینلرنده مشترکدر
 حکم مشترک ایچون ایسه * علت مشترکه لازمدر * اول علت مشترکه
 یا امکان * یاخود حدوث * یاخود وجود اولور * امکان و حدوث
 ذکر ایلدیگن کز کبی * درجه علیتدن ساقط اولغله * وجود متعین

اولی * الله ذوالجلال موجود اولغله * بو محالات ذات اقدس توارد
ایملک صحیح اولور * تعالی الله عن ذلك * بعض محققین بو گونه
استدلال ایلدیلرکه * حضرت حق سبحانه و تعالی عین ذاتی
ادراک ایدر * ورؤیت حواس بقیه ایلر ادراک اولمیان شیء ادراک
اولغله * ذات الهی * مطلقا رؤیته قابل اولور * زیرا قابلیت ذات
قابل ندر * ذاتدن اولان شیء ایسه * بر شئک اختلافه مختلف
اولماغله * بزم بصرمه نسبتله ده قابل اولور * واکر تفاوت ثابت
اولورسه * رؤیتی قابل ذات جهتندن اولیوب * بلکه * مشاهده
مرئی به قوتی اولماغله * رائی جهتندن اولور * بزم عبونمز ایسه
رؤیتی ممکن اولان اشیا رائی اولغله * مشاهده به قوی اولور
یس رؤیت الهی صحیح اولور * واکر ذات الهی رؤیتی ممکن اولان
اشیادن * عظمت و کبریا و صفایله ممتاز اولق حسبیه عبونمزده
مشاهده به قوت یوغیسه * حق جل و علا اول قوتی خلق
ایلد کد نصرکه * رؤیته قادر اولور * مؤمنون ایسه جنتده
روحانیون اولوب * حجب ریب و ظنون * و شکوک و اغلاطدن مخلص
و کدورات سائر دن صافی اولغله * حضرت حق مکان
وجهتندن * و سائر امارات حدوثدن * مبرا تجلی ایلد کده کورملری
جائزدر * قالدیکه ملک و جن و روح کبی * موجوداتک بزره مرئی
اولسنه * عادت الهی جاری اولماغله * انلره رؤیت تعلق ایلز
یوقسه * رؤیتلری محال دکلدر * حضرت رسول الله صلی الله علیه
وسلم جبریل امینی بالدفعات کور دیلر * و علی القاری
جلال سیوطی و بلقینی رحیم اللهدن نقل ایدر که * ملائکه و جن
طائفه سی دخی شرف رؤیتله مشرف اوله جقلدر * و نسوانک
فی جنه مکه و ایدر * و کنگر * و کنگر * و کنگر * و کنگر * و کنگر *
محروم اولمازل * ان شاء الله تعالی * جمله من اول نعمته متم اولور

❦ فینسون النعم اذا راؤه ❦ فیا خسران اهل الاعترال ❦

فاء * فینسون تعقیب ایچونددر * نینسون نسیاندن جمع غائب مستقبلدر
نسیان بوراده ترک معناسنه در * فاعلی مؤمنونه راجعدر * النعم
مفعولدر جمله سی * براه المؤمنون جمله سی اوزره معطوفدر * عقیب
رؤیتهم الله فی الجنة ینسون النعم سبکنده در * فیا خسران کلمه سنده
فاء جزاییه در * یاء حرف ندادر * خسران منصوب منادادر * اهل
کلمه سنه مضافدر * ان کان الامر كذلك فیا خسارة المعترلة
علی انفسهم اخضری فهذا وقتک موقعنده در * یاخود منادی
مخذ وفدر * و خسران فعل مخذوفله منصوبدر یا قوم اخضروا
خسارة المعترلة قوه سنده در * رفع خسران جائز دکلدر * بو گونه
ندال محضامقام استعظام واستعجاب اولغله * سامعینه تنبیه ایچون
ایراد اولنور * نه که * قرآن مینده * یا بشری * و * یا حسرة علی
العباد * کریمه لری ویت یا ضیعه الملك والدين الخیف و ما * تلقاه
من حادثات الدهر بغداد * بیتی بو وتیره اوزره در * کویا که بو گونه
احوال * بداعت یاخود بشاعت و فضاغت جهتلریله * نوعلرندن
علی الکمال ممتاز اولملریله * متجسم و ذوی الحیاة منزله تنزیل
اولنور * نعيم و نعمی و نعمت بر معنایه در * خسران خسارت
معناسنه در * مفهوم بیت بودر که * مؤمنون مکرمون * دارالسرورده
لقای شرف التقای ربانیه مسرور * واستفاضه نور حبور
ایلد کده جنتک جمله نعم و مطایبنی * خاطر لرندن فراموش ایدر لر
زیرا جنت و جمله لطائف و نعمتی * دیدار الهی به نسبت نیراعظمه
مقابل ذره * واعداد غیر متناهی به محاذی مره * مثابه سنده در
معلوم اوله که * معترله طائفه سی که * اکثر معظمت عفايد حقه ده
اهل سنه مخالفت ایدر لر * رئیس لری واصل بن عطا نام کسنه در

حسن بصری علیه الرحمه مجلس شریف لرینه حاضر اولور
ایدی * برکون ارتکاب کیره مسئله سنده * مرتکب
کیره نه مؤمن نه کافر در دیوب * کفر و ایمان بیننده * منزله اثبات
ایلمکله * حسن بصری علیه الرحمه قدا عززل عنا یور مغله
من بعد اکا و انباعنه * معتزله اطلاق اولندی * کندی نفس لرینه
اصحاب عدل و توحید * اطلاق ایدرلر * زیرا حضرت حق اوزره
ثواب مطیع * و عقاب عاصی واجب * و زعم لر نهجه * توحیده منافق اولان
صفات قدیمه منتفیدر ادعای رینه مبنی * و مخالفت ایلدکری معظلمات
عقایدک بریدخی * ذکر اولسان رؤیت مسئله سیدر * وجه محرر
اوزره رؤیتی انکار ایدرلر (انا عند ظن عبدی بی) حدیث
قد سبسی اوزره * مثال لری حرمان نعمت رؤیتدر * زیرا ظن کله سی
بومقامده یقین و اعتقاد معناسنه در * حتی اضداد دندر * دیرلر
معنای شریف بو اولور که * عیدم بنی مجیب الدعوه اعتقاد ایدر سه
دعاسنی قبول ایدرم * عفو و غفور اعتقاد ایدر سه * عفو و غفرانمه
مظهر ایدرم * جتنده مرئی اعتقاد ایدر سه * رؤیت نه نائل خلاصه
نه کونه اعتقاد ایدر سه وفق اعتقادی اوزره تجلی ایدرم دیمکدر
و بومعنای مؤید * حدیث شریف وارد اولشد * مفهوم منینی
بودر که * عبادتده منساوی ایکی کسنه * فضل الهیله * جتنه داخل
اولدقلرنده * بریسنه درجه عالیله عنایت اولنور * دیکری یار بی
بو قولک ایله عبادتمز برابر ایدی * شمعی نائل درجه علیا اولسک
سببی ندر دیو سؤال ایلدکده * حضرت حق جل و علا یورر که
بو قولم درگاه الوهیتدن * درجه رفیعہ رجا ایدوب * سن آتشدن
نجات استدعا ایدر ایدک * هر قوله مشو لنی اعطا ایدرم * اکابناء
حضرت رسول اکرم * صلی الله علیه وسلم * اصحاب کرامه
(عزیز الله الله در حیات النبی قاله انفسه) یور دیر

قالدیکه رؤیتی انکار ایلله معتزله تکفیر و انکار * زیرا انکاره تصدیق لری
براهین عقلیه ایلله اووب * و رؤیت دال اولان آیات و احادیثی تأویل
ایدرلر * مؤل ایسه مکذب اولماز * اگر تأویل تکذیب اولسه
جیع فرقه مکذب اولمق اقتضا ایدر * فذلک بیان * سعادت مند اولان
اهل ایمان * خطیره جنائده * مظهر تجلی لقای رحمن اولدقلرنده
حد و قیاسدن افزون * و تقویم و مقیاسدن بیرون * لذتی من لم ینق
لم یعرف ذاتقه سنه منوط * و کیفیت لبس الخبر کالعیان باصره سنه
مشروط * نعم کونا کونی کور یجک * هر کس کندی نفس لرینی فراموش
ایدرلر * زیرا دیدار الهی بدن اعز و اعظم * الطاف و نعم بر قدر
مطلب اعلی * و مقصد اقصی در * اهل حقیقتک جنتی لسانه
الدقلری * محض اول شرف التقایه * وسیله مکافی اولدیغنه
مبیدر * بوقسه * بهشت اکدجه زاهد اکل و شربک لذتن سویلر
مؤداسی * زاهد عبدالبطن کی * حور و غلمان هواسی و اطعمه
و اشربه اشتها سنه مبنی * جنت نیازنده اولمازلر * بمحتمزه دائر حدیث
شریف دخی * مشهود اولغله ثبت * اولندی (روی ان النبی
علیه الصلوة والسلام انه قال * بینما اهل الجنة فی الجنة اذ سطع علیهم
نور فاذا الرب جل و علا قد اشرق علیهم فلا یعطون فی الجنة
شئاً اقر لا عنینهم ولا اسر لقلوبهم من النظر الی الله تعالی فاذا
احتجب عنهم بقی نوره و برکته فیهم

وَمَا مِنْ فَعْلٍ اَصْلَحَ ذُو افْتِرَاضٍ عَلَى الْاَهَادِی الْمَقْدَسِ ذُو الْاَنْبَاءِ

مالبس معناسنه در * ان کسر همزه ایلله زائده در * بعضیلر مخففه در
ضمیر شان محذوفدر دیدی * لکن ضمیر شان منصوبک ان مفتوحه
مخففه نک غیریده * حذفی ضعیفدر * فعل مبتدا اصلح ضعیفدر
ذو افتراض خبریدر * بعض نسخده نصبه ذا افتراض واقع

اولوب * شارحی ما کله سنه خبر منصوب ترتیب ایلمش * لکن سدید
اولدیغی بدید در * زیرا کتب نحویه ده مصر حد در که * ان کله سی
ما قبلنده اولان ما ک عملی مبطلدر زیرا ما کله سی ایس کله سنه
مشابهتدن ناشی عامل اولغله * عملده ضعیفدر * کندی ایله معمولی
میانی منفصل اولیحق عملانده اولور * وان کله سی بوکونه محالدره
کوفیونه کوره نافیه مؤکده در * زانده دکلددر * دیمکده صحیح اولماز
مکر که ینسلی مفصول اوله * واتران ایچون اصلح کله سنده کائن
همزه ک حرکه سی ماقبلک تنویننه نقل اولنق لازمدر * ذوافراض
صاحب وجوب معناسنه در که * واجب تأویلنده در * علی الهادی
ذوافراض کله سنه متعلقدر * هادی اسمای صفاتیهدندر * المقدس
تقدیسدن اسم مفعولدر * شان الوهیته ناشیان اولان نقایصدن
مرتبه معناسنه صفت سلبیه در * ذوالتعالی ذوالرفعه والعظمه
معناسنه در * مفهوم یت بودر که * حق جل وعلا اوزره عبادی
رعایت ایچون * یمان وسائر اعمال صالحه کبی * اصلح افعال واجب
دکلددر * زیرا حق تعالی فاعل مختاردر * مراد ایدرسه ایشلر
و مراد ایدرسه ایشلر * معلوم اوله که * بومسئله ده اهل سنت ایله
معتزله میانشده اختلاف وارددر * اهل سنت عندنده حق تعالی
عباده اصلح اولانی اراده * وخلق ایلمک واجب دکلددر * زیرا
الوهیت عبودیتنه مختص اولان * وجوبه منافی اولدیغندن بشقه
وجوب احکامدن اولغله * حا که محتاجدر * بوايسه ایکی وجهله
الوهیته منافیدر * وحق تعالی به اصلح واجب اولسه * جمیع خلقی
دارالسلام اسلامه هدایت ایدرایدی * ایمان وکفر ایله عبادک
اختلافده ایسه * اظهار عدل وایثار فضل * حکمتی مندر جدر
کذلك وجوب اصلح * جناب بارینک عباد اوزره هدایت
ورزق وصحت کبی * فضائل ایله * منتک ابطالانی مستوجدر

زیرا کندی اوزرینه واجب اولان حق * ادا ایدن کسه نک مؤدی
علیه اوزره امتنانی قالمز * بوايسه * لقد من الله على المؤمنين
اذ بعث فيهم رسولا منهم و قل لا تمنوا على اسلامكم بل الله يمن
عليكم ان هديكم لایمان * کریمه سی منطوقجه باطلدر
وبطلان منت * بطلان حد و شکر ی مستزمدر * حال بوکه
حد و شکر * حضرت حقه ثابتدر * معتزله بغداد عندنده * عبادک
دین و دنیا سنده * حکمت و تدبیر اصلح و اوفق اولانه * رعایت
واجبدر * ومعتزله بصره عندنده * بالکزدینده اوفقه رعایت
واجبدر * زیرا واجب اولسه * عباد حقنده بخل ظلمی ثابت اولور
حق تعالی ظلمدن مزهددر * اهل سنه طرفندن * جواب اولنور که
طرف الهیدن منع اصلح بخل و ظلم دکلددر * بلکه عدل و حکمتدر
کذلك اهل سنه دیرلر که * مثلا آلام واسقامه مبتلا اولان
کافرک حالنه * اصلح اولان خلق اولنمیوب * یاخود طفولیتده فوت
ویاخود بلوغدن اول عقلی سلب اولنمیایدی * جناب باری انک
حقنده * افعال صالحه مر قومه نک برینی نبجلی ایلیوب * بلکه خلق
وابقا یتمکله * جهنمده خلودینی موجب * افعاله مبادرت ایلدی
کذلك ابلیس علیه اللعنه * رب انظر فی الیوم یبعثون *
استمهالنه مبنی * حالنه اصلح اولدیغی اوزره مدته العمر * ابقاواضلام
عباده اقدار ایلدی * حال بوکه * ابقا و اقداری * عذاب وعقابنک
ترایدینی مستوجب اولدی * بعض محققین دیرلر که * معتزله نک
اصلحدن مرادری * من حیث الکمل * کله نسبت اولمیوب * بلکه
برشخصه نسبتله در * نظام عالم خصوصنده فلا سفه نک ذاهب
اولد قلمری کبی * بومنا سبتله ابوالحسن الاشعری علیه الرحمه
استاذی ابو علی جبائی به سؤال ایلدیکه * مثلا اوج برادر اولسه
بری طاعتده * و بریسی کفر و معصبتده امرار عیرایدوب * اوچنخی

هنوز طفل ایکن وفات ایلسه * بونلرک روز قیامتده احوالاری
نه کونه اوله جقدر * جباتی دیدیکه * اول نائل ثواب * ثانی مظهر
عقاب * ثالث نه ثواب ونه عقابه محل اولور * اشعری دیدیکه
او چنجی یار بی نی نیچون معمر ایلدک تا که * صلاح و عبادت ایدوب ثوابه
مظهر اولیدم دیرسه * حق تعالی نه یورر * جباتی دیدیکه
حضرت باری یورر که * ای قولم معلوم ایدیکه * سن متعبش اولبدک
فسق و معصیت ایدوب * جهنمه داخل اولوردک * بعده اشعری
ایکجه سیده دیرسه که * یار بی نی نیچون صغیر ایکن توفی ایلدک
تا که سکا عصیان ایتوب * جهنمه داخل اولیدم دیدکده * جباتی
میهوت اولدی * اندنصرکه اشعری * جباتی مذهبی ترک ایدوب
آثار سلفی تتبع ایدرک * قواعد معتزله نک انهدامنه همت ایلدی
وقالدیکه * معتزله طرفندن بالاده بسط اولنان کلامه * کافر مر سومک
خلقی کذلک ابلبسک ابقا و اقداری * هر نقدر کندولرینه نسبتله
اصلح دکلسه ده * نظام عالمک کلبسنه نسبتله اصلح لردر * دیو
اعتراض وارد اولماز * زیرا بیان اولندیکه * اصلح ایله مراد لری
من حیث هوکل کله نسبتله در * اگر بویه اولسیدی * مراد لری
عارف اولان اشعریک سئوال مذکور * وجباتیک بهت و الزامی
مقضی جوابی موجه اولماز ایدی * فاضل محقق عصام رحمه الله
مقام مزبوره بوکونه کلام ابراد ایلشدر که * حق سبحانه و تعالی
حقک ظهوری * و اهل سنتک غلبه سنی مراد ایلدی * اگر مرادی
اولسیدی * جباتی به بهت لازم کلبوب * جواب ویرر ایدیکه
حق تعالی به اصلح واجبدر * اگر ترکی شخص آخره نسبتله موجه
اولان آخر اصلحک ترک حفظنی موجب اولرسه * پس محتملدر که
مر سوم اخ کافرک امانه سی ابوبینک * و برادرینک کفرینی موجب
اولد مثلاً مر سومک موتی هتامنده جزع و فرغ ایدر * بو وجهله

المر اصلح اولان مر سومک حیاتی اولدی * حضرت حق سبحانه
و تعالی بو اصلحی حفظ ایتکله * اکا متعلق اصلح و محتملدر که
کافر مر سومک نسلنده صلحا اولوب * انلره اصلح اولان ایجاد لری
اولغله * اکثرینه رعایتله مر سومه متعلق اصلح فوت اولدی
عصامک بو مقاله سی تام اولدیغی نمایان اهل کلامدر * زیرا جباتیک
مذهبی بیدر که * عبیده اصلح اولانی اعطا * حضرت باری به
واجبدر * پس عبد مزبور حقنده اصلحی شخص آخرک اصلحی
ایچون ترک ایتک * حق الهیده ظلمدر * تزییهی واجبدر * کذلک
علی کلا التقدرین جباتیک بهتی لازم کلور * زیرا کافر مر سومی
صغیر ایکن امانه ایلسه * بر شخصه نسبت اصلح اولانی ابوین
حقنده ترک ایتک لازم کلور * کیر ایکن امانه قیلسه * کذلک
اصلحی مر سوم حقنده ترک ایتک لازم کلور

﴿ وَفَرَضَ لَكُمْ تَصَدُّقَ رُسُلٍ ﴾ وَأَمَّا كَرَامُ بِأَسْوَالٍ ﴿﴾

اتزان ایچون رسل کله سی سبنک سکونیه در * فرض لازم
مقدم خبردر * تصدیق رسل مؤخر مبتدادر * لزومه تأکید
فرض عین اولدیغی اشعار ایچوندر * رسل جمع رسولدر *
اکتفاء قبیلنددر * املاک کله سی رسل اوزره معظوفدر
جمع ملاک در * کرام کریمک جمعیدر * مکرم معناسنه در * املاک
لفظنک صفتیدر * وصف مزبور دن بعضیلر * ملائکه
زمره سندن * کاتب اعمال اولان ملکر در دیدی * تنه که
قرآن مینده * کراما کاتین وارد اولشددر * بالتوال جار و مجرور
کرامه متعلقدر * نوال عطا و نصیب معناسنه در * بعض
نسخه ده تایی فوقیه ایله بالتوالی واقع اولغله * بالتابع یا خود
بالتواتر معناسنه اولور * بو صورتده محذوف جاؤا کله سنه یا خود

فرض کله سنه متعلق اولور ❦ یاخود حال اولور ❦ جائین
بالتابع تقدیریه ❦ بعضیلر بونسخه ده بایی تصدیقه تعلیقه
مع معناسنه حل ایلشیر ❦ مفهوم بیت بودر که ❦ عاقل بالغ مکلفه
وحدانیت الهی ایمانی فرض اولدیغی کبی ❦ رسل وانبیای عظامه
وملائکه کرامه ده ایمان ایلک فرضدر ❦ معلوم اوله که ❦ کافه
اهل اسلام ذاهل اولدیلر که ارسال رسل وانبیاء ممکنات عقلیه
قیلنددر ❦ بعده ینلرنده اختلاف ایلدیلر ❦ اهل حدیث
دیدیلر که ❦ ارسال رسل منساوی الطریفندر ❦ یعنی مقتضیات
حکمتدن اولدیغی عقل حکم ایلر ❦ وعامه متکلمین دیدیلر که
ارسال رسل واجباتندر ❦ حق تعالی به پایجابه ❦ یاخود پایجاب
الغیر واجب معناسنه دکلدر ❦ بلکه حکم ومصلحی مقتضی اولمغله
مقتضیات حکمتندر دیدیلر ❦ زیرا طرف الهیدن عبادی اوزره
امر ونهیک صدوری ❦ وعبادک دنیا و آخرت صلاحلرین
مستوجب اولان امور واحکامک اخباری ❦ حسنیا تی متضمندر ❦
حضرت باری تعالی دخی صریح ❦ یاخود الهام صحیحله بعض
عبادنی بوخصوصه اینار وتخصیص ایلک ❦ عقله بعید دکلدر ❦
اول شخصص مأمور اولان ذات دخی ❦ مأمور اولدیغی اوزره
عباده اخبار وتبلیغ ایدر ❦ ودعواسنی مصدق یعنی جانب
الهییدن مخصص ومأمور اولدیغی مبین وناطق ❦ علامتی دخی
اولور ❦ اول علامته معجزه دینور ❦ منلانی اثباتدن سائر ناس
عاجز اولدیغیچون ❦ بوتقدیرجه ❦ اول ذاتی جانب حقندن معلوم
بالضروره اولان امور واحکامده ❦ تصدیق واجبدر ❦ پس
❦ وچینله ایلک رسل باریکات ونجاتلر ایت واثباتلر کبی
اعراض واحوال مکنتیه به مشروط ❦ وصفای جوهر و ذکای
فطرت کبی ❦ استعداد ذاتی به منوط دکلدر ❦ نه که حکما اکا

ذاهبدر ❦ بلکه ❦ یختص برجه من یشاء من عبادہ ❦ منظوقجه
اینار سبحانی وتخصیص ربانیدر ❦ حکمای اسلام دیرلر که
حضرت باری عزشانه انسانی امر معاشنده مستقل اولیه رق
خلق ایلدی ❦ زیرا انسان غذا ولباس ومسکن وسلاحه
محتاجدر ❦ جله سی صنایعه در ❦ شخص واحد ایسه ❦ ذکر اولان
امور لازمه سنی بالکزجه ترتیب ایتک ❦ خارج امکان اولوب بلکه
بنی نوعندن معاونه ومعاوضه به محتاجدر ❦ پس انسان بالطبع
امر معاشنده تمدن واجتماعه مضطر اولور ❦ انسان مدنی
بالطبع دیدکلرینک معناسی بودر ❦ بعد ذلک بری برلرینه معاونه
ومعاوضه ینلرنده معامله وعدل اولمغله منتظم اولماز ❦ زیرا
هرکس محتاج اولدیغی نسنه به اشتها ❦ ومزاحنک دفعنه اعتنا
ایدوب ❦ وخیر مطلوب بالذات اولمغله ❦ بمجموع خیرات وحسناتی
کندی نفسیچون اختیاره عزم ایدر ❦ وبوجهتله ملا یمتلیری
مزاحمتی مؤدی اولمغله ❦ حسبالبشریه شهوت وغضبی جور
وظلمه داعی اولور ❦ بو صورتده هرج ومرج وقوعبله ❦ ینلرینه
اختلال طاری اولور ❦ اختلال مرقوم انحق میا نلرنده تسویه
وتعدیل تحقیقه مندفع اولور ❦ تعدیل ایسه تحت حصر
واحصاده اولیان ❦ جزئیاته شامل اولماغله ❦ برقانون کلی به
محتاجدر که ❦ اکا شریعت اطلاق اولنور ❦ شریعت دخی
وجه لایقی اوزره وضع وفرض ایدن شارع موقوفدر ❦ شارع
اولان ذات دخی ❦ البته احاد ناسدن استحقاق طاعتله ممتاز اولمغله
محتاجدر ❦ استحقاق مزبور طرف الهیدن ورودینه دال اولان
آیات ظاهره ومعجزات باهره به اختصاصله ❦ متحقق اولور
خوارج طائفه سی دیرلر که ❦ زمان جوازده ❦ یعنی زمان بعثت
رسول اللهیدن مقدم ❦ رسالت ادعا ایدنلرک قولنی معجزه اقامتی

اولیه رق قبول و خبری تصدیق واجبدر * توقف ایدن
 ماعتنده کافر اولور * طائفه مسفوره نک مذهبلی باطلدر
 زیرا من حیث الصورة * نبی ایله متنبی فرق اولماز * غائبه ده
 علم مخلوق تعلق ایلز * سمنیه و براهمه طائفه لری دیلر که
 ارسال رسل محالدر * زیرا ارسال لری یا عقله موافق یا خود
 مخالف اولان مواد ایچون اولور * صورت اولده عقل مستغنی
 اولمله رسالتلرینه حاجت یوقدر * صورت ثانی مقبول دکلدر
 بوشبهه لری باطالدر * زیرا عقله موافق اولان ایکی قسمدر
 قسم اول * عقل ادراکنده مستقل اولان شیدر * قسم ثانی
 عقل ادراکنده مستقل اولماز * احتیاج قسم ثانی به
 نظر ایله در * بلکه قسم اولده ده نظر ایله در * زیرا عقل نقله
 متعاضد اولور * و ارسال رسلک وقوعه دلالت ایدن نصوص
 قاطعه ایله * کتاب وسنت مشحوندر * ائمدی حضرت آدم دن
 خاتم الانبیاء علیه افضل التحایا حضرت لرینه کلمجه * کافه انبیاء
 و مرسلینه * و طرف الهیدن کتوردکاری بالضروره معلوم
 اولان احکامه ایمان ایملک * هر عاقل مکلفه واجبدر * قالدیکه
 اجتهاد یاتکی * بالضروره معلوم اولیانی تصدیق لازم دکلدر
 و منکری تکفیر اولماز * و تصدیق انبیاده تعیین عدد لازم دکلدر
 زیرا حجت قاطعه اولیحق * عدد ذکرنده داخلی اخراج و خارجی
 ادخال ایله * و یقولون تؤمن ببعض و نکفر ببعض و یریدون
 ان یخذوا بین ذلک سیلا اولئک هم الکافرون حقا * و عبدی
 اوزره تکذیب * و کفره تادی لازم کلور * کرچه بعضیلر جله
 انبیای عظام * یوزیکرمی درت بیک * و رسل کرام اوج یوزاون
 اوج ذوات فخامدر * دیور وایت ایدرلر * لیکن مقطوع دکلدر
 و براهمه نک بعضیسی * بالکمز حضرت آدم دن نبوتنه قائلدر

و صائبه طائفه سی * حضرت شبت * و حضرت ادريس
 علیهم السلام نبوتلرینه ذاهلدر * و یهودک بعضیسی * موسی
 علیه السلام دن غیر بی انکار ایدرلر * یوایسه نص شریفک خلا فیدر
 قال الله تعالی * قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا
 و ما ارسلناک الا کافه للناس * الا ینه و دیلر که عرب میا ننده
 شرکک شیوعی اولمله * ارسال پیغمبره انلر محتاج اولدیلر ایدی
 اهل کتاب محتاج دکلر ایدی * حال یوکه * یهود حضرت عزیره حاشا
 بنوت اسناد و نصاری تنلیه جسات ایدوب * دینلری کونا کون نسخ
 و تحریفله خلل و بطلالت بولشیدی * و ملائکه کرام حضرت ائیده
 تصدیق ایملک واجبدر * خفی اولیه که * ملک لفظی اصلده مآلک
 ابدی الو که دن مأخوذدر * رسالت معناسنه بعده لام تقدیم اولنوب
 ملائک اولدقد نصکره * همزه اسقاط اولندی * ماهیتلرنده
 بعد الاختلاف * بانفسهم قائمه ذوات موجوده اولدقلرینه اتفاق
 ایلدیلر * اکثر متکلمین عنده * صور مختلفه ایله تشکله قادر
 اجسام لطیفه در * تجلی والتذاذ * انوار قدسیه دن * اوقات دن
 بروقتده * و حالات دن برحالتده * نوم و غفلت * و شهوت عائقه لریله
 محجوب و ممنوع دکلدر * بلکه عالم قدسیدن مطسالعه ایلدکاری
 لطائف ملکوتیه ایله * ملذذ و متعمردر * طاعتلری طبع
 و عصیانلری تکلفدر * نه که * بشر آلرک خلا فنده در * و تسبیحه
 اشتغاللری اعمال سازه لرینه مانع اولماز * زیرا تسبیحلری بزم
 نفسیه منزه لندی در * و اکل شربلری یوقدر * لیکن فوایح طبیه بی
 محب و روائج کریمه دن مجتنبلدر * و ذکورت و انوثنله موصوف
 دکلدر در * و لا یعصون الله ما امرهم * منظوقی اوزره قطعاً
 عصیان ایلزلر * یهود طائفه سنک ملائکه کرام واحدا بعد
 واحد * بعضا کفری مرتکب اولوب * حضرت یاری تعالی

کنند و لرینی مسح ایدر دیدگری * ذکر اولسان نص شریفه
مبطلدر * قالدیکه ابلبس علیه اللغه صحت استثنا دلائله
ملائکه دن ایکن کا فر اولدی می دیو سوال اولنورسه * جواب
ویریلورکه * ابلبس اجنه طائفه سندندر * امر ربانی به امثال
ایلمدی لکن باب عبادتده و رفعت درجه ده ملائکه صفاتده
اولغله * بین الملائکه مغفور و مستور اولدیغندن * آنلره الحاق
و تغلیبه استثناسی صحیح اولدی * یا خود اعلا به امر ادنا به
امری منضمین اولدیغنه منبدر * وهاروت و ماروت قصه سنده
اصح اولان ایکی ملکر در * ککند و لردن کفر و کیره صادر
اولا مندر * و تعذیبری معاتبه وجه اوزره در * نته که * انبیای
عظام زله و سهو اوزره معاتب اولورلر * انما نحن فتنه
فلا تکفر * منظوقجه امتحان ایچون ناسه سحر تعلیم ایدوب
و وقت تعلیم لرنده و عظم و نصیحت ایدرلر ایدی * تعلیم سحر
ایسه کفر دکلدر * بلکه عمل و اعتقادی کفر در * و انبیای عظام
ایله تفاضلاری خصوصنده اختلاف واردلر * اکثر علما عندنده
رسل انبیاء رسل و غیر رسل ملائکه دن * و رسل ملائکه عامه
انساندن و مؤمنون عامه ملائکه دن افضلدر * و اسمای
ملائکه تک مجموعی انجمیدر * الامنکر و نکیر و مالک و رضوان عریدر
و حضرت باری تعالی * وان علیکم لحافظین کراما کاتبین *
منظوقجه هر آدمه ایکی ملک تعیین ایلندر * کاتبون و حفظه دخی
دیرلر * زیرا کاتبه اعمال عبادی حفظ ایدرلر * بعض شراح ناظمک
کرام قرینه سیله ملائکه دن مرادی بونلدر دیمش * کرچه
عندالله جمله سی مکرملدر * مشکوة مصابحه مسطوردر که
برکته برکاه ایشلدکده * صاحب بین اولان ملک که * خیر اعمالی
یازمغه مأموردر * صاحب بساره که شراعیالی یازمغه مأموردر

اول کاهی مکفر برحسنة صدوری مأمولیه * یدی ساعده قدر
توقفله امر ایدر * بعده اول مکسه برکاه ایشلسه * ثم ثم درت کاه
ایشلسه * بعده کندودن برحسنة صادر اولسه * من جاء بالحسنة
فله عشر امثالها * موجبجه اون حسنة اعطا اولنوب * درت
سبته به مقابل اولدقد نصکره * باقبسی جریده سته قید اولنور
و بعض علما دیرلر که * هر انسان ایچون درت ملک واردلر
ایکبسی نهاده و ایکبسی لبلده واقع خیر و شرک کتبنه مأموردر
برروایتده شهود طاعتک کثیر * و شهود معصیتک قلیل
اولسیچون * هر کون خیرات کتبنه * برر ملک معیندر * لکن
سبثات تحریر نه مدته العمر * فقط برر ملک مأموردر * بودخی
مأثوردر که انسانک قعودی حالده یمین و شمالنده * برر ملک * نومی
حالده بری باشی و بری ایاغی طرفنده اولور * منی حالنده
بری قدا منده و بری خلقنده کیدر

❦ وَخَتَمَ الرَّسُلَ بِالْصِّدْرِ الْمَعْلِيِّ ❦ نَبِيِّ هَاشِمِيِّ ذِي جَبَالِ ❦

ختم الرسل میندادر * بالصدر خبریدر * المعلی تشدید لامله
صفیدر * نبی صدر دن بدلد ر مجروردلر * عطف بیان
دکلدر * زیرا فی نفسه ابضاح یوقدر * لکن عطف بیان
متبعون اوضح اولق شرط دکلدر * بلکه انضمامدن ابضاح
متحصل اولق شرطدر * یا خود میندای محذوفه خبردر
اعنی تقدیریه ذاجال نسخه سی اکامعادلدر * خبر اولدیغنه
کوره بالصدر ظرف اولور * و نبی کله سی مقدمجه بیان اولدیغنی
اوزره رفعت معناسنه نبوتدن مأخوذ اولور ایسه * فاعیل بمعنی
مفعول اولور * و غیر مهموز اولور * و خبر معناسنه بناء کله سندن
مأخوذ اولور ایسه * بمعنی فاعیل اولور و مهموز اولور * لکن

ذریه و بریه و خایه کله زنده متروک اولدیغی کی * بونده دخی
متروک اولشددر * هاشمی صفقدرباء نسبیه در * جدی اولان
هاشم بن عبد منافه منسوب اولشددر * پدرلی عبدالله * وانک
پدری عبدالمطلب * وانک پدری هاشم در * اسمی عمر والعلادر
علوم مرتبه سنه بناء علا ایله توصیف ایلدیلر * هشم ثرید ایتکله
هاشم ایله ملقب اولدی * بغایت کریم الذات * وعلی الجناب
مضیاف و منعم ایدی * جل ابنای سبیل و تأمین خائف و اطعام
واسقا و اکاء و صلہ رحم و سائر مأثریه ایله متصف ایدی
ذی جمال صفت بعد صفدر * مفهوم یت بودر که * حضرت
محمد علیه السلام خاتم الانبیاء والمرسلین اولغله * نبوت و رسالت
ذات سعادت لرله ختام بولشددر * و صدر لفظی هر شبتک مقدم
واولنه دیرلر * و سینه معنا سنه ده اولغله * استعاره طریقه سبله
یومقامده اراده اولنق ممکندر * و ناظم * صدر عنوائله اولین
خلقت اولدیغنه نازکانه اشارت ایتشددر * خفی اولیه که * اول
انبیای کرام * حضرت آدم علیه السلامدر * نبوته * اجتنابه ربه
فتاب علیه وهدی * کریمه سی دالدر * مفسرین اجتبادن
مراد * نبوتدر دیدیلر * لکن نبوتی جسته می یوقسه * خروجدن
صکره می واقع اولدی اختلاف ایلدیلر اکثر علما عندده
خروجدن صکره واقع اولدی * و آخر انبیای عظام حضرت
محمد علیه الصلوٰه والسلامدر * ولکن رسول الله و خاتم النبیین
کریمه سبله منصوصدر * و معلوم اوله که * ابتدا حضرت خاتم
الانبیاء علیه السلام * حق پیغمبردر * زیرا نبوت ادعا و معجزه
اظهار ایلدی * لا محاله بوصفت اوزره اولان پیغمبردر * زیرا
غیر حقند * ادعای نبوت عقینده * معجزه اظهاری محالدر
وقالذیکه * ادعای نبوتی نواتر ایله ثابتدر * معجزه سی دخی جله دن

ظہر بدخورد اولان قرآن کریمدر * زیرا جی فصحاء و شعا
معارضه سندن عاجز اولشدردر * عامه بلغا بر اقصر سوره سنه
نظیره ایرادینه قادر اولدیلر * حتی منقولدر که * فصحای اقطار بلاد
بهر سنه * دو سم جده * مکّه مکرمه ده مجتمع اولوب * مناشده خطب
واشعار ایدرلر ایدی * علی العاده بر سنه دخی تجمع ایدوب * ینلنده
بر وجه اوزره ابراء زناد منورت ایلدیلر که * هر طرف رجالی
میللرندن بالغ مبلغ کمال فصاحت اولان * برکسنه بی اختیار ایدوب
اکا قرآن کریمدن برجز اعطا * و بر سنه امهال ایده لر * یومشورته
صورت و پروب وقتا که * سنه قابله ده ینه مکّه مکرمه ده اجتماع
ایللرله فصحای مزبور وندن استطلاع ایلدیلر که * بریسی
بر وجه اوزره جواب ایلدیکه * کامل بر سنه در خواب و خوردی
رک ایدوب اول حصه م اولان یالکر * فلما استبأ سوا الله
خلصوا نجیاً * کریمه سنه نظیره خصوصه حصر جله
ایم وایل * و افراغ وسع و مجال ایدم * اتیان نظیره دن عاجز
و فرومانده اولدم دیدی * ایکنجیسی دخی اول صحیفه
حصه سی اولان * مثل الذین اتخذوا من دون الله اولیاء
کمثل العنکبوت اتخذت بیتاً * کریمه سنه * اوچنجیسی
* وقیل یا ارض ابلعی ما نک و یا سماء اقلعی * کریمه سنه
* دردنجیسی * یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا له ان الذین
یدعون من دون الله لن یخافوا ذیابا و لو اجتمعوا له * کریمه سنه
نظیره ترتیندن عاجز قالد یغنی اعتراف ایلدی * ایمدی
توکونه عجز لی دلالت ایدر که * معجزه در * تلقاء نفس نبوتدن
دکندر * بلکه حکیم نجیب طرفندن نازل اولشددر * بعضی
دیدیلر که * ختم نبوت خاتم الانبیاء * دلیل عقلیه استدلال * کن
دکندر * لکن بر وجه اوزره امکانده در که * نبوت حضرت

محمد ایله تمام و کمال بولدی * تمامد نصکره زیاده بوقدر * زیرا
حضرت رسول الله کتور دیکي کتاب و سنت دنیا و آخرته
متعلق جمیع ازمانده * جمیع امک محتاج اولد قسری عامه امور
واحکامی مشتمل اولغله * اصول اخرا دن مغیدر * جمله عقول
و طبایع سلیمه و فاء غرضی استحسنان ایشدر * و منقولدر که
ملت سائر اصحابندن بریسی بر فقهدن ختمینه دال دلیل عقلی
طلب ایدوب * فقیهه مزبور عاجز اولغله اول شخص بوجه
اوزره سرد کلام ایشدر که * نبوت ایکی قسمدر * عملی و علمی
عملی قسمی حضرت موسی مشتمل * و علمی قسمی حضرت عیسی
محتفل اولغله * من بعد قسمین مزبور بنده هر برینی حامل پیغمبره
حاجت بوقدر * انجق قسمین مزبور بنی حاوی * پیغمبر احتمالی
قالشدر * پس حضرت عیسا دنصکره حضرت محمد علیه
الصلوة والسلام تشریف ایلکله * بالضروره قسمین مزبور بنی
حامل اولغله * کندودن صکره باب نبوت مسدود اولمشدر
وقالديکه نصاری و یهود * حضرت رسول الله عدم رسالته
بوجه ناموجه اوزره احتجاج ایدر که * رسالت محمدی نسخ
دینک جوازیه موقوفدر * نسخ ایسه باطلدر دیرر * اما مقدمه
اولی * زیرا رسول شرع جدید * یاخود شرع آخرک بعضیسنی
نسخه معرور اولور * نسخ ایسه حکم الله عز و جل *
حسن ایسه نسخی قبیح اولور * و اگر قبیح ایسه حضرت باری
قبحله امر ایلک لازم کلور * كذلك نسخ بدای که بر حکمدن
رجوع و ندانمدر * موجب اولور * بوابه حضرت حق
نسبت محالدر * اکا جواب و بریلور که * برنسه بروقنده بر قومه
است * حسن اولور * وقت دیگرده دوم احره نسبت حسن
منتهی حاکم در شرع ایست * در صورتیکه در وقت اول
مستحق است

و دقت و انکار و تسلیم خصوص صلرنده مختلفلردر * علم ازلیسنده
زمان معین ایله مقید اولغله بدا لازم کلر * زیرا بوضوح ناسخ
حکم شرعی سابقک انتها سنی بیان اولور * بوابه محال
دکدر * والسلام علی من ارسل رجه لعامة الانام

امام الانبياء بلا اختلاف و تاج الاصفیاء بلا اختلال

امام الانبياء بحر و در * یت سابقده اولان نبی کله سنک
صفیدر * یاخود مبتدای محذوفه خبردر * امام مقتدی معناسنه در
وتاج الاصفیاء به معطوفدر * تاج معلومدر * بوراده بالاستعاره
رئیس دیمکدر * اصفیاء جمع صنی در * صنی اول کسنه در که * صفات
ذمیه دن مبرا و کدورات نفسانیه دن مقدس اوله * مراد ملائکه
کرام * و اولیای ذوی الاحترامدر * مفهوم یت بودر که * حضرت
شاه سریر اصطفای علیه اصنی النجای یشوای جماعت انبیاء
و مقتدای زمرة اصفیادر * و بوبابده جمله اهل اسلام متفقدر در
معلوم اوله که * ناظمک امامدن مرادی آخرت اعتباریه یاخود
لیله معراجده یت مقدسده * جماعت انبیاء به امامت ایلدکری
اعتباریه در * یاخود معنای یت حضرت رسول الله جمله انبیاءک
تفضیل الهیله افضلیدر * یعنی تفضیل اعمال حسبیه دکدر
نته که معترله ملائکه بی مطلقا * انسان اوزره اعمال حسبیه
تفضیل ایدر * تفضیل الهی اولدیغه * ولقد فضلنا بعض النبیین
علی بعض * و تلك الرسل فضلنا بعضهم علی بعض *
کریمه لری دلالت ایدر * زیرا تفضیلات ذات الهی به مضاف اولمشدر
* و قرآن کریمده * کنتم خیر امه اخرجت للناس * کریمه سی
فضیلت محمدی به دلالت ایدر * زیرا هرا تمک شرفی کندولره
مستحق است

جَزْءِ دَرِ كِه خیریت امت * سهولت انقیاد * و وفور عقل و رشاد
و قوه ایمان * و كثرت اعمالی سببیه اوله * و افضلیت محمدی به
بوجه اوزره ده استدلال اولور که * شرف و فضیلت صفات
کمال اعتباریه در * حضرت رسول الله جمیع انبیاء ک متصف
اولدقلری اوصاف شریفه ایه متصف و لغله * جمله سعدن افضل
و اشرف اولور * و افضلیته دلائل نقلیه کثیره در

و بَاقِ شَرَعِهِ فِي كُلِّ وَقْتٍ ۖ اِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَارْتِمَال ۖ

باق کله بی مقدم خبردر * شرعه مؤخر مبتدادر * و ارتحال کله سی
القیمة اوزره معطوف اولغله * الی یوم ارتحال الناس من الدنیا
تقدیرنده در * مفهوم یت بودر که * حضرت رسول الله شریعت
سمحا و ملت یضاری نسخ و تبدیلدن بری و قیامت قدر
باقیدر * یت مر قومه قیامتدن مراد * ظهور ارتحال و ارتحالدن
مراد وقوع ارتحالدر * معلوم اوله که * شرع لغته اظهار و بیان
و طریق معنارینه در * بعده وضع الهیه موضوع و انبیادن
ربنی ایه ثابت طریقده استعمال اولندی * دین لغته جزا و عادت
معناسنه در * بعده ذوالعقول اختیار محمودله بالذات خیره
سائق وضع الهیه استعمال اولندی * قلبی و تالییدن اعمدر * اعتقاد
و علم و سلوة کبی * بعض محققین دیدیلر که * انبیادن ثابت اولان
طریق مخصوصه * مابه الجزاء اولدیغی حیثیته دین * و مجتمع و ملی
اولدیغی حیثیته ملت * و واجب الاذعان اولدیغی حیثیته ایمان
و تسلیم اولدیغی اعتباریه اسلام * و زلانی کالسه معطشونک
و رودی اعتباریه شریعت * و جبریل علیه السلام اسمی ناموس
اولغله * جبریل واسطه سبله وارد اولدیغی اعتباریه ناموس اطلاق
نمائه در * حضرت ابراهیم علی نبیا و علیه السلام مانی ملت

محمدیده داخل اولغله * اتباعیه مأمور اولمشزدر و حضرت
باری تعالی و جناب رسول الله من غیر انکار * ذکر و بیان
ایلدکلری شریعت سالفه بزه دخی شریعتدر * و مجموع شرایع
قضا اصولده اختلافی یوقدر * جمله سی فروعه متعلقدر
و حضرت رسول الله شریعتی * قیامت قدر باقیدر * زیرا خاتم
انبیا اولدیغی نص صریحه ثابت اولمشدر * و وحی و الهامه
علی سبیل الاجمال و التفصیل جمیع خلقک احوال و احکامی
ضبط اولمشدر * و امتک علمای بعض احکام مبین کتاب
و سنت * و اجماع و قیاسله بیان کافیلدر * زیرا سائر ائم علماسندن
اعقل و اعلملردر * تنه که * حقلرنده * علماء امتی ک انبیاء بنی اسرائیل
وارد اولمشدر * قاریکه * حضرت عیسی علیه السلام شریعت
جدیده ایه * نازل اولیه جقدر * بلکه خلیفه رسول اوله جقدر
و رفع جزیه بی حضرت رسول الله خبر و یرمکه * شریعت محمدیه
احکامنددر

وَحَقُّ امْرِ مَعْرَاجٍ وَصَدَقُ ۖ فَقِيهِ نَصِّ اَخْبَارِ عَوَالِي ۖ

و حق مقدم خبردر * ثابت معناسنه در * امر معراج مؤخر مبتدادر
امر معراج الرسول تقدیرنده در * و صدق حق اوزره معطوفدر
صادق معناسنه در * فقیه کله سنده فاء سببیه در * ضمیری معراجیه
راجعدر * نص لفظی تصریح معناسنه در * اخبار جمع خبردر
عوالی جمع عالیه در * یا خود جمع عالی در * زیرا صفت اولان فاعل
ذوی العقولک غیریده اولور سه * فواعل اوزره قیامی جعلنور
زیرا جمع مذکر غیر عاقلک جمعی * مؤنث عاقل بحر اسنه جاری
اولور * نجم طالع و طوالع و جبل شاخ و شواخ کبی * مفهوم
یت بودر که * حضرت رسول الله خصیصه معراجی ثابت

و متحقق و واقع مطابقدر * زیرا ثبوتی باینده متواتر و مشهور کی
 اخبار عالیہ منصوص اولشدر * معلوم اوله که * علمای کرام
 ذات معراجده بالجملة اتفاق ایلدیلر * لکن یقظه حالنده میدر
 رؤیا حالنده میدر * یعنی جسمائیدر یوقسه روحائیدر * و وحی
 ظهورندن اولی * یوقسه صکره میدر * اختلاف ایلدیلر * محققین
 دیرلر که * قبل الوحی عالم رؤیاده نائل معراج اولوب * بعده هجرتدن
 برسند مقدم * ماهر جیده یقظه حالنده یجسده عروج ایلدیلر * ننه که
 سبحان الذی اسری بعبدہ لیلًا من المسجد الحرام الی المسجد
 الاقصی الذی بارکنا حوله لئلیه من آیاتنا * الایه کریمه سی
 میندر * آیاتدن مراد * لیلہ اسرا ده مشاهده ایلدکری لقای
 انبیاء * و سدره متها * و بیت معمور * و سائر عجائب و غرائبدر
 مرویدر که * لیلہ مر قومه ده مکة مکرمه ده * بیت امها نیدن مسجد
 اقصایه که * بیت مقدسدر * پینلری فرق مرحله مسیره در * اسرا
 اولنوب حضرت محبی الاموات * اول کیجه جیج انبیای احیایتمکله
 بیت مقدسده اجتماع ایلوب * جبریل امین اذان و اقامت * و حضرت
 امام الانبیاء اقامت ایدوب * ایکی رکعت نماز ادا ایلدیلر * سند
 صحیحله مثبت اولدیغی اوزره * حضرت رسول الله بوجه اوزره
 خبر و برمشدر که * اول کیجه بیت امها نیده چشم خوابیده و قلبم
 بیدار ایکن * جبریل امین کلوب * یا محمد بو کیجه لیلہ نوم دکلسدر
 بلکه لیلہ خلعت و کرامتدر * حرکت قبل دیملکه * بندخی قالقوب
 ایدست الدم * بعده خانه دن خروج ایلدم کورد مکة * حضرت
 اسرافیل پیشکاه بایده * براقله ابستاده * موقف انتظار در * و براق
 حار دن اکبر * و بغل دن اصغر * حیواندر * جبریل بر رکابی و اسرافیل
 رکاب دیگر یطوتوب * بندخی سوار اولق مراد ایلدیکمده * براق
 معراجده سوار اولدیلر * جبریل امین ایدر که

توسعه ضلعه انان
 اوستنه ادم نلدر ماچ
 استمبدر

بوندن افضل کسه سوار اولماز دیدکده ساکن اولوب * بندخی
 سوار اولدم * براقک ایکی جناحی اولوب * قدمی مدای بصربنه
 وضع ایلکله در حال * مسجد اقصایه و اصل اولدق * انده جیج رسل
 کرام حاضر بولمغله * اشارت جبریل ایل * بن امامت ایدوب
 جماعتله ایکی رکعت نماز ادا ایلدک * بعده حضرت حق سبحانه
 و تعالی رسل مشار الیهکم بعضیسنی آسمانه رفع ایلدی * بعده
 بشخصه سمایه * و اندن سدره متها به * و عرش اعلا به عروج
 ایدوب بعده * فاوحی الی عبده ما ووحی * کلزارنده کلچین
 اسرار * و حقایق کونا کونا اولدیلر * معتزله طائفه سی معراجک
 رؤیاده اولدیغنه ذاهب اولدیلر * و ما جعلنا الرؤیا الی اربناک
 الا فتنة للناس * کریمه سیله و اسرا آیتنده مسجد اقصانک
 منتهی وقوعبله * و حضرت معاویه دن مروی کانت رؤیا صالحه
 و حضرت عایشه دن مروی (ما فقد جسد محمد لیلہ المعراج)
 حدیثلریله احتجاج ایلدیلر * و عقلا استبعاد و استحاله ایلدیلر
 و حکماء کرة زمهریر * و کرة نار دن عبور * و افلاک خرق
 و التیاملری محذور بنه منی * معراج جسمانی بی انکار ایلدیلر
 ابتدا معتزله به جواب ویریلور که * و ما جعلنا الرؤیا الی *
 کریمه سنده رؤیادن مراد عینله کورمکدر * اگر سؤال
 اولنورسه که * رؤیا لفظنک متبادری * بصیرتله کورمک اولغله
 تبادردن عدولک وجهی ندر * جواب اولنور که * آیت مر قومه تک
 منطوقی اولان ماده معراج * محضاً موجب افتان اولدیغی کی * ان
 ناطق الفضاظ دخی احتمالاتی متضمن اولغله * ناطق و منطوق
 متوافق اولشدر * کذلک ذکر اولسان رؤیا غزوه بدرده هریمت
 کفار ه متعلق رؤیا اولق محتملدر * یاخود مکة به دخولی مبشر
 اولان رؤیادر * بعضی مفسرین دیدیلر که * این شرکائی و تبره سی

یحیٰی مناکته طریق قدسی اوزره * رؤیا بیه تسمیه * مکذبت قولده
موافقتله در * و حضرت معاویه نك صالحه ايله توصیفی منافق
دکدر * و حضرت عایشه نك مرادی جسد رسول الله روچندن
مفقود اولدی * بیکه مقارنا عروج ایلدی دیمکدر * وعقلا استبعاد
اولماز * زیرا یضاوی مرحوم نحریری * طرفین قرص آفتاب
مایدی * کره ارضك ایکی طرفی ماینث * یوز التمدن زیاده ضعیفی ایکن
آفتابك طرف اسفلی اعلا سنث موضعنه * ثانیه دن از مدته واصل
اولور * و میرهندر که * اجسام قبول اعراضده مناسوبه در * یعنی
عنصریات * و فلکیاتک هر برینه * صحیح اولان آخره ده صحیح اولور
حضرت حق سبحانه و تعالی * ممکناته قادر اولمغله * بو گونه حرکت
سریعه بی بدن رسول کریمده * و برافنده خلق ایلکه قادر در
فلاسفیه ده بو گونه جواب و پريلور * و خرق و التیام ماده سی کندی
اصول لرینه مبیدر * و نزول ملائکه بی تنکاره مؤیدر * العجب که
هرمس هرامسه نك آسمانه عروج ایدوب * اوتوز سنه مدت فلک
زحل ايله دورانه قائل اولورلر * و معراج نبوی بی انکار ایدرلر
جمله معجزاتدن شق القمر معجزه سی که * وقوعی بدرکی روشنادر
اصول لرنده قرص قمر بر جرم کدی اللون اولوب افاضه نور
خورشید ايله مستضی ایکن * ایکی پاره اولوب نورانی اوله رق نازل
و بعده مساعد و ملتئم اولدیلر * و امام علی کرم الله وجهه
حضرتلری صلوة عصری اکمال ایچون * شمس خلاف طبیعی رد
و توقیف اولدی * پس اصول قنده قالدی * مخالفت زه به کندی
* عالم اسیر دست مشیت دکبدر * مؤداسی جمیع اشیا زبون پنجه
قدرت خالق الارض و السمادر * قالدیکه خاطر فاتره بو گونه لایح
اولشد که * حضرت عایشه ولادت نبوتك قرقی ششمنه سنه سی
تولد ایلدی * مناجات اولان امر معراج

قبل الهجرة وقع اولدی * امر زفاف مدینه منوره ده الی دردیجی
سنده واقع اولمغله * فقدان جسد نبوی خصوصی نه کونه اولور
وقالدیکه * تحقیقانه من اولان سیر حلبی ترجمه سنده نحر بر اولندیغی
اوزره حضرت رسول الله اوتوز درت دفعه معراجله حائز ابتهاج
اولدیلر * بردفعه سی یقطه ده مکه مکرمه ده ماعداسی عالم
منامده واقع اولشد * و رأی العین مشاهد * وجود حقیقی به
مظهر اولدیلر * و صلوة پنجگانه اول کیجه مفروض اولدی
و سماء اولده آدم علیه السلام و ثانیسه عیسی و یحیی و ثالثه
یوسف و رابعه ادریس و خامسه هرون و سادسه موسی
و سابعه ابراهیم علیهم الصلوة والسلام حضراتنه ملاقی اولدیلر
عودنده حضرت ابراهیم امت رسول الله سلام سفارش یورمغله
حالا هر نمازده بزرگدخی کندولرینه صلوة و سلام اهدا ایدرلر
خلاصه امر معراج حقدر * لکن مسجد اقصایه اسرا کتایله
و سمایه عروج احادیث مشهوره ايله و بالای عرشه صعود و خبر
احاد ايله ثابتدر * پس مکه دن مسجد اقصایه اسرا بی انکار ایدن
کافر در * و سمایه و سعادن مشیت الهی اولان عالمه عروجی
مکر اولان مبتدعه در

وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ إِنِّي أَمَانٌ ۖ عَنِ الْعَصِيَانِ عَمْدًا ۖ وَأَنْعَزَالٌ ۖ

و او عاطفه در * ان حروف شبهه دندر * الانبیاء اسم منصوبیدر
لنی امان کلمه سنده لام مؤکده در * فی امان جار و مجرور ظرف
مستقر خبریدر * امان امن معنایه در * عن العصیان امان کلمه سنه
متعلقدر * عمدا حالدر تمیز اولق دخی ممکندر * انعزال عصیان
اوزره معطوفدر و انعزالهم عن منصب النبوة تقدیرنده در
مفهوم یت بودر که * جمله انبیای عظام بالقصد صدور ایدن

کفر و معاصیدر ❦ معصوم و مصون و منصب و الای نبوتدن
معزول و مهجور اولفدن مأ مونلردر ❦ معلوم اوله که ❦ مسائل
عقایدیه دن بری دخی انبیای عظامک کفر و معاصیدن
عصمتلری مسئله سیدر ❦ بونده دخی اهل سنه ایله سائرک
منازعهلری واردر ❦ اهل سنه عندنده عصمتلری ثابتدر ❦ ابتدا
عصمت سید شریف عندنده معاصی به اقتدار وار ایکسن
اجتناب ایلمک ملکه سندن عبارتدر ❦ جلال دوانی تعریفنه کوره
حضرت حق تعالی عبادده ذنب و عصیان خلق ایلمکدن
عبارتدر ❦ انبیای عظامک عصمتی اولای ❦ حضرت باری تعالی
انلری صفای جوهر ابداع ❦ بعده فضائل نفسیه جسمیه ایله
منحلی ایلدکدن صکره ❦ نصرت و تثبیت اقدام احسان بعده
سکینه ازالیله شوائب معاصیدن حفظ و حمایت ایلمکدن
عبارتدر ❦ و فلاسفه عندنده عصمت فجوره مانع ملکه ملکیده دن
عبارتدر ❦ جمله اهل ملل و شرابع اتفاق ایلدیلر که ❦ انبیای
عظامک دعوائ رسالت و تبلیغ احکام کبی ❦ معجزه مدلولی اولان
امورنده کذب عمیدین عصمتلری واجبدر ❦ علی سبیل السهو
والتسبان صدورینک جوازنده اختلاف اولندی ❦ اکثرین
نجویز ایلدیلر ❦ قاضی ابوبکر جوازینه ذاهب اولدی ❦ كذلك
سائرزنوبک تعمد بکارندن معصوم اوللرنده اتفاق ایلدیلر
اما سهو و خطا ایله صدورنده صاحب موافقک کلامنه کوره
اکثرون نجویز ایلدیلر ❦ شارح موافق دیدیکه ❦ مختار اولان
خلافتدر ❦ و صفائرک سرقف لقمه کبی ❦ خست و فقر قی مشعر
قسمندن سهوا و عمدا معصوملردر ❦ حافظ و بعض معتزله
معتقدین ایلدیلر ❦ زیرا که سهوا صدور قی نجویز ایلدیلر و قسم
دیگرندن دخی معصوملردر ❦ نه که مقاصد شرحنده علامه

تفازانی بیان ایلدی ❦ بوذکر ایلدیکمزوحی ظهورندن صکره
اولور ایسه ❦ اماوحی صدورندن اقدام ❦ امتناعنه دلالت ایدر
بر دلیل تام یوقدر ❦ و امکان ذاتی امکان وقوعی بی مستلزم
دکدر ❦ و خوار جدن فضیله طائفه سی ❦ انبیای کرام اوزرینه
معاصی بی تجویز ایلدیلر ❦ و هر معصیتی کفر اعتقاد ایتلریله حاشا
انبیای عظام حقلرنده کفری تجویز ❦ بلکه اظهارینی تقیه
ایجاب ایلدیلر ❦ زعم باطللری بودر که ❦ اظهار اسلام قتله مفضی
اولغله نفسی نهلکه به القا اولور ❦ بوا یسه حرامدر دیرل ❦ هذیان
مزبورلری ❦ بوجه اوزره مردوددر که ❦ تقیه اظهار کفر
جائز اولسه ❦ اظهارینه انساب اولان ظهور دعوتلری هنکامیدر
زیرا ناس اول هنکامده کندولرینی منکرلردر ❦ بوضو رتله اظهار
دعوت بر پیغمبره جائز اولوب ❦ بالکلیه اخفای دینی مؤدی
اولور ایدی ❦ و خشویه طائفه سی کفری و اظهارینی تجویز ایتزل
لکن بکار اوزره اقداملرینی تجویز ایدرل ❦ بعض طائفه عمد
بکاری منع و عمد صفائری تجویز ایدرل ❦ اصحاب سنت
ذکر اولندیغی اوزره بعد الوحی ❦ عمدا و سهوا بکار و صفائری
منع ایدرل ❦ زیرا انبیای کرامدن عمدا ذنب و کفر صادر اولسه
امتی اوزرینه ❦ اتبعوه لعلکم تهتدون ❦ امری موجب تبعاع
لازمدر ❦ بوجهله وجوب و حرمتک جمعی لازم کلور ❦ كذلك
انبیادن کفر و ذنب صادر اولسه ❦ اشد عذابه معذب اوللری
لازم کلور ❦ زیرا درجات انبیا غایت عز و شرفده در ❦ علی الشان
اولان ذاتلردن صدور ذنب ایسه اخس اولغله ❦ شدت عذاب
لازم کلور ❦ تنکم قرآن مینده ❦ یا نساء الی من یأت منکن
بفاحشه مینه یضاعف لها العذاب ضعفین ❦ کریمه سی انی مؤیدر
و حدود احرارک ترایدی دخی مؤیددر ❦ زیرا عبدک حدی حرك

حدیثك نصفیدر ❦ كذلك انبیادن كفر و ذنب صادر اولسه
حرب شیطانندن اولورل ❦ زیرا شیطانت مرامنی عمل ایلدیلر
یوایسه باطلسدر ❦ زیرا شیطان خاسردر ❦ كذلك انبیای عظامدن
ذنب و كفر صادر اولسه ❦ ان جاءكم فاسق بنباء فتبینوا ❦
کریمه سی اوزره شهادتلی مقبول اولز ❦ یوایسه باطلدر
زیرا عدولدن ادنی اولملری اقتضاید ❦ كذلك انبیادن كفر
و ذنب صادر اولسه ❦ ذم و ایذایی مستوجب اولملری لازم کلور
ذنب و كفر منکر اولغله ❦ من کری انکار واجبد ❦ پیغمبری
ذم و ایذا ایسه ❦ ان الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی الدنیا
والآخرة ❦ کریمه سی اوزره حرامدر ❦ كذلك انبیادن
کفر و ذنب صادر اولسه ❦ منصب نبوتدن انعزالی لازم اولور
زیرا کافر و مذنب ظالمدر ظالم ایسه ❦ لا ینال عهدی الظالمین ❦
کریمه سی اوزره عهد نبوته نائل اولزل ❦ اکر سؤال
اولنورسه که ❦ آیت مرقومه نك ما قبل اولان ❦ انی جاعلک
للناس اماما ❦ کریمه سی سیاقبله عهددن مراد امامتدر
نبوت دکلد ❦ جواب ویریلور که ❦ آیت کریمه ده عهد امامت
نبوتدر ❦ زیرا حضرت باری تعالی ❦ حضرت ابراهیمی نبوتله
سرفراز ایلد کله ❦ جاعلک للناس اماما قولندن مراد ❦ جاعلک
للناس نبیا مراد اولغله ❦ امامتدن مراد نبوتدر ❦ و اولسم عهد نبوته
نائل اولماق طریق اولوتله ثابتدر ❦ قالدیکه حضرت آدمک
اکل شجره و حضرت ابراهیمک کواکبه ❦ هذار بی ❦ و بل فعله
کیرهم وانی سقیم قوللری ❦ و موسی علیه السلامک قبطنی
قتلی ❦ و حضرت یوسفک زلیخابه همی ❦ و حضرت داودک
حلیله اوریا به طبعی ❦ کبی بعض انبیای کرام حقارنده منقول اولان
حکایات و تفسیرات و تواترات و تواترات و تواترات

ما اولدر ❦ اوریا قصه سی محض افتراذر ❦ اما اکل شجره ماده سی
قبل النبوه در ❦ یاخود ❦ لا تقر باعذه الشجرة ❦ قولدن مراد الهی
نوع ایکن ❦ شخصیسه حل ایلدیکنه مبنیدر ❦ و حضرت ابراهیمک
هذار بی قولی ❦ فرض و تقدیر جهتنه مبنیدر ❦ یاخود اول وقتده
درت یاشنده اولغله ❦ قبل الوحی اولدیغنه مبنیدر ❦ بل فعله کیرهم
قولی استهزا طریقنه ❦ یاخود سینه اسناد حکمنه مبنیدر ❦ زیرا
حضرت ابراهیمک فعل مزبورینه سبب کفارک عموما اصناملرینه
خصوصا صنم کیرمر سومه تعظیملریدر ❦ و بوکونه سینه اسناد ایلک
مخاورانده شایعدر ❦ مثلا یوایشی بکاسن ایتدک بلکه ❦ فلان ایتدی
دیو محرکنه و سینه اسناد ایدرل ❦ وانی سقیم قولی محتملدر که
سقیم حالی یاخود سقیم متوقع استقبالی اوله ❦ و حضرت موسی
قبطنیک قتلنی قصد ایتیب ❦ بلکه ضربنی قصد ایلشیدی
و حضرت یوسفک همی جبلی اولوب ❦ اختیاری اولدیغیله
ما اولدر ❦ یاخود ❦ و لقد همت به وهم بها ❦ آیت کریمه سندن مراد
زلیخا قراره ❦ و یوسف فراره هم ایلدی دیمک اوله ❦ و حضرت
رسول اللهک ❦ لم یکنذب ابراهیم غیر ثلث مرات قولنده ❦ کذب
تعبیری صورت کذبده وقوعنه مبنیدر ❦ و لیغفرلک الله ما تقدم
من ذنبک و ما تأخر ❦ قول شریفندن مراد ذنوب استدر ❦ یاخود
ترك اولی در ❦ و قالدیکه انبیادن ترك اولی صدوری شرح صحیفده
مستظور اولدیغی اوزره ❦ جائز دکلد ❦ بلکه اوچ وجه اوزره
جائزدر ❦ سهو و نسیان و ترك اولی یاخود مباحه اشتباه و جهله
❦ محصلده امام رازی دخی بو قوله ذاهب اولدیغی مستظوردر
و انبیای عظامک حیات و ماتده رسالتلری منقطع اولز ❦ زیرا طرف
ربانیدن کتور دکبری احکام و وجوب اتباع انام باقیدر ❦ و فالتربله
منقطع اولان وجوب تبلیغ و تکلیفدر ❦ برکات الابرار مؤانی

دیشدر که * شیخ اشعری مذهبی بود که * موته رسالت منقطع
اولور * لکن حکمی * یا خود مقامنه قائم بر حکم بانی اولور * فی الحقیق
حکمک بقاسیله رسالتک عدم ابطالیدر

❦ وَمَا كَانَتْ نَبِيًّا قَطُّ أَنِّي ❦ وَلَا عَبْدٌ وَشَخْصٌ ذُو أَفْعَالٍ ❦

ماء نافیه در * کانت فعل ناقصدر * نبیا خبر مقدم منصوبی و انشی
اسم مؤخر مرفوعیدر * قط ظروف زمانیه دن علی سبیل الاستغراق
زمان ماضی منفی به دالر * ولا عبد ولا شخص معطوفلدر * ولا کان
عبد نبیا تقدیرنده در * ذو افعال شخص کله سنک صفتیدر * افعال
فعل قبیح معنا سنه در * سحر و شعبده * و تصویر و کذب کبی
مقبوه بیت بود که * قطعا انبیای عظام انشی اولمازل * یعنی نسوان
طائفه سندن و قول جنسندن پیغمبر کلز * و پیغمبر ساحر و مشعوذ اولماز
معلوم اوله که * نسوان طائفه سندن پیغمبر اولماز زیرا * و قرن
فی یوتکن ولا تبرجن تبرج الجاهلیة * امر شریفله انلرک تستری
و خانه لنده نمکن و استقرار لری واجیدر * نبوت ایسه دعوتله اشتهاز
و معجزه اظهار * و ریاست کبی احواله محتاجدر * انوشت بونلره
منافی اولغله * بالضرورة انبیا رجالدن اولمق لازمدر * سؤال
اولنور سه که * طائفه نسوان بزم شریعتزده قرار و استنار ایله
مأمور اولدیلر * جائزدر که * بعثت محمدیدن اقدم مأمور اولما ملریله
انلردن انبیا کلمش اوله * جواب ویریلور که * و ما ارسلنا قبلك
الارجال الا نوحی الیهم فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون *
کریمه سی انبیا رجالدن اولدیغنه نص صریحدر * لکن آیت کریمه
مرسلک رجالدن اولدیغنی ناطقدر * و قالدیکه نسوان طائفه سی
فی ذاتهن ناقصات اولغله * نبوت تجلیسته که هر وجهله کمال قابلیته
مستند * منافی اولدیغنی ظاهر در * اشاعره نبوت انوشته منافی دکلدر

دیدیلر * ام موسی و ام عبسی و ساره و آسیه نک نبوتلر ینسه ذاهب
اولدیلر * زیرا حقارنده و اوحینا عنوانلری وارد اولدی * اکا جواب
ویریلور که * وحی نبوتی مستلزم دکلدر * نه که * و اوحی ربک
الی التحل * کریمه سنده وارد اولدی * و جائت قبلی اربع
نبیات کام موسی و مریم و ام عبسی و آسیه زوجه فرعون
حدیثک صحنی ممنوعدر * و لو سلم نبیات قولی مرفوعات فی الدرجه
علی سائر النساء ایله مأولدر * لکن خلاف تبادر اولدیغنی ظاهر در
و انبیا احرار دن اولمق لازمدر * عبد مملوک اولماز * زیرا خدمت
مالکنه اشتغالله امر دعوتدن منعوق اولور * و ناس کند و سنه
اتباعدن استنکاف ایدر * و رقیبت اثر کفر اولغله * اتصاف
جائز دکلدر * و رقیبت کماله منافیدر * و پیغمبر * اتبع مایوحی البک
من ربک امری * مقتضا سنجه تابع وحی اولوب * کندی رأیله فاعل
و مخلوق اولماز * و ساحر و مشعوذ و مصور اولماز * سلاطین ماضیه
ایراندن کشتاسب شاه زماننده * ادعای نبوت ایدن زردشت و قبادشاه
و قنده تیین ایدن مزدک * و سمیا و شعبده ایله چاه نخشیده برقرار اظهار
ایدن ابن مقفع و مصور مانی کبی * زیرا بو اوصاف نبوتیه منافیدر
و عصرینک اعقل و افضل * و افصح و صورت و سیرتده اجل
و الملمحی اولمق لازمدر * زیرا صفات کمالدر * و ادای رسالتله محل
و منفرد طباع سلیمه و منقص اولان اوصافله منصف اولماق لازمدر *
قالدیکه عقده ناطقه حضرت موسی فطری دکلدر * بلکه
حکیمه مبنی نشأت ایلشدر * زیرا فرعون مجسمینک خبر ویردکلری
بودر دیوا شنباه ایتکله * آسیه جنابلری حضرت موسی
او کونه التون و آتش ککنور مکله * فعل جبریل امینله
آتشی الوب دهانه وضع ایتکله * لسان شریفی محترق
اولمشیدی

❦ و ذوالقرنین لم یعرف نبیا ❦ کذا لقمان فاحذر عن جدال ❦

ذوالقرنین مبتدا ❦ لم یعرف جمله سی خبر در ❦ نبیا حال در ❦ یا خود
لم یعرف کونه نبیا تقدیر نده در ❦ کذا مبتدا لقمان خبریدر
غیر منصرف در ❦ فاحذر کلمه سنده فاء جزائیه در ❦ احذر حذر دن
فعل امر در ❦ جدال مجادله معنا سنه ❦ اذا کانت نبوت سمشکو کا
فاحذر تقدیر نده در ❦ مفهوم بیت بود که ❦ ذوالقرنین و لقمان
حضرت لریک نبوت لری ثابت اولیامعنه ❦ نبوت لری خصوص سنده
بجمله دن کف لسان ایدوب علم الهی به احاله یلک اسلدر
معلوم اوله که ❦ ذوالقرنین لقب اسکندر در ❦ و اسکندر ایکی پادشاه در
برسی رومی ❦ و برسی یونانی در ❦ رومی قاتل دارابن بهمن
اسفند یار در که ❦ صاحب خضر علیه السلام در ❦ یونانی فیاقوس
اوغلیدر که صاحب ارسطو در ❦ محل نزاع اولکیدر ❦ یعنی
پیغمبر میدر و لیمیدر اختلاف اولندی ❦ لکن کارزونی و علامه
ابن کمال ❦ و یستلوك عن ذی القرنین ❦ آیت کریمه سی تفسیر نده
یونانیدر که ❦ حضرت ابراهیمه کعبه بی طواف ایلدی دیو ❦ ثبت
ایلسلدر ❦ سعدی چلبی بیضاوی حاشیه سنده ❦ اسکندر رومی در
دیو تصریح ❦ و بر حدیث شریفه استدلال و ابن کمال کلامی
رد ایدر ❦ و مقام مزبوری اسباع یتشد در ❦ و ذوالقرنین ایله تاقبیده
وجوه عدیده نقل ایدر ❦ بعضلر عالم رو یاده آسمانه صعود آفاک
ایکی قرتی اخذ ایلدیکنی ❦ و بعضلر آفتابک ایکی قرنه یعنی مشرق
و مغربه مالک اولدیغنی ❦ و بعضلر روم و فارسده سلطنتی ❦ و بعضلر
نور و ظلمته داخل اولدیغنی ❦ و بعضلر تاجنه موازی لمدن ایکی صغیر
قرن شکلی اولدیغنی ❦ و بعضلر ❦ عمریندن اولغله زمانده ایکی قرن
کذران ایلدیکنی ❦ وجه تاقیب ایتدیلم ❦ نبوت نده دخی اختلاف

ایلدیلم ❦ بعضلر ❦ قلنا یاذا القرنین الایة ❦ کریمه سی منظوم فحجه
مظهر وحی اولغله ❦ نبوت نده ذاهب اولدی ❦ و بعضلر صلاح و ولایت نده
ذاهب اولوب ❦ وحی وحی الهامله توجیه ایلدی ❦ بعض علما
دیدیلر که ❦ اصح اولان عالم و عامل و عادل پادشاه اولغله ❦ خطاب
الهی به مستحق اولمشیدی ❦ امام علی کرم الله وجهه حضرت لریندن
مرویدر که ❦ ذوالقرنین پیغمبر دکل ایدی ❦ لکن امر ربانی به مطیع
و بلا سنه صابر و نعمته شا کر کسسه ایدی ❦ کذا لقمان
حضرت لریک دخی ❦ نبوت نده اختلاف اولندی ❦ اکثر علما عدم نبوت نده
ذاهب اولوب ❦ و لقد آتینا لقمن الحکمة ❦ کریمه سنده
حکمتی فهم و علمه جل ایلر ❦ هزار پیغمبر کزینک مشکو
نبوت لریندن ❦ استفاضه نور حکمت ایلدیکی منقولدر ❦ استادی برکون
امتحان و جهیله لقمانه دیدیکه ❦ برقیون ذبح ایدوب اطیب
اعضاسندن بکا کتور ❦ لقمان دخی برقیون ذبح و لسان و قلبی
الوب ❦ استادینه کتوردی ❦ بعد زمان ❦ ینه لقمانه برقیون ذبح
ایدوب اخبث اعضا سنی بکا کتور دیدی ❦ لقمان ینه لسان و قلبی
کتوردی ❦ استادی بو وضعندن استفسار ایلد کده ❦ قلب و لساندن
اطیب یوقدر ❦ اگر طیب اولور لسه ❦ و انلردن اخبث یوقدر
اگر خبیث اولور لسه دیدی ❦ کندی فرزندینه نصایح حکمانه لری
قرآنده مسطور در

❦ و عیسی سوف یأتی ثم یتوی ❦ لدجال شی ذی خیال ❦

عیسی اعراب تقدیر به مرفوع مبتدا در ❦ سوف اداة استقبالدر
یأتی فعل مستقبلدر ❦ فاعلی عیسی به راجعدر ❦ ثم تراخی به دال
حرف عطفدر ❦ یتوی انوادن فعل مضارعدر ❦ اهلک معاسنه در
لدجال کلمه سنده لازم زائده در ❦ یا خود بعد معاسنه در ❦ صوموا

رؤیت * حدیثنده واقع اولدیغی کبی * یاخود یاتی به متعلق اولمغه
رتبه مقدم اولور * یتوی کله سنده ضمیر منصوب محذوف اولور
یاخود یتوی کله سی یهتم فعلیه تضمین اولوب * ثم یهتم لاهلاك
دجال تقدیرنده اولور * ثلاثین قتح تایل یتوی بعید الاحتمالدر
شقی و ذی خیال دجال کله سنك صفتیدر * خیال فساد و نقصان
وهلاك معنایینه در * مفهوم بیت بودر که * علامت قیامت اولمق
اوزره محمد مهدی خروج ایدوب * بعده دجال ظهور و قرق کون
شرق و غرب عالمده * نشر شراره فساد ایلد کد نصکره * حضرت
عبسی آسمان دن آیت سیف کبی نازل اولوب * اول شقی فتانی اهلاک
ایلیه جکدر * معلوم اوله که * عبسی لفظنی بعضی سربانی و بعضی
عبرانی در دیدلر * زمخشری کشفده * اصل اصلی اسمی ایشوع
در دیدی * صاحب تیسیر موشی کبی * شین معجمه ایله عبشی ایدی
عربیه به نقل اولند قدده * اهمال اولندی دیدی * معناسی سید یاخود
مبارك دیمکدر * به ضلع عربینه ذاهب اولوب * ییاض مع الشقرة
معناسنه عبسی * یاخود عبشدن مأخوذ در دیدی * دجال دجلدن
مأخوذ در * و کذاب و سحار معناسنه * خفی اولیه که * اهل سنت
اتفاق ایلدیلر که * آخر زمانده دجال ظهور ایدوب مشرق و مغرب
اراسنی * قرق کون کشت و کنار ایدوب * کندوسنه هر ملتدن
خصوصا یهود طائفه سندن * قتی وافر اشخاص متابعت
ایلیه جکدر * امر یله سحاب امطار و زمین انبات ایدر * و منظره
ناسده برکسه بی قتل و احیا * و حرا به لره اوغراد قدده کنوزلرین
اخراج ایله امر ایلکله * در ساعت جله کنوز و دفاین ظاهره
خروج ایدر * بوجهته الوهیت ادعا ایدوب * خلقی عبادتنه دعوت
ایدر * بعده حضرت عبسی علیه السلام دمشق شامده مناره
ییضایه و آندن زمینه نازل اولوب * دجالی ینه شامده لدا نام جبل

یا ننده قتل ایدر * برر وایتده دجال حضرت عبسی بی کور بچک
طوز کبی ذائب اولور * یهود طائفه سی پریشان اولوب تفرعام
ایتمکله * اهل اسلام بولدقلری محله جله سنی طعمه شمشیر
اعدام ایدرلر * حتی متواری اولدقلری طاشلری * یا عباد الله
ایشته بوراده یهودی وار دیوندا ایتمکله * واروب قتل ایدرلر
مشکوتده مسطور اولدیغی اوزره * عبد الله بن عمر رضی الله
عنهما دن مر ویدر که * حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم
یور دیلر که * عبسی بن مریم نازل اولوب * و تزوج ایلیه جکدر
و اولادی اوله جقدر * و بسبط ارضده قرق بش سنه مکث
ایلد کد نصکره * وفات ایدوب * بنم قبرمه مدفون اوله جقدر
بن * و عبسی بن مریم * ابوبکر * و عمر ینلرنده قیام ایلیه جکر
و مر ویدر که * حضرت عبسی اولبای امت محمدیدن اولوب
شریعت مطهره ایله حکم ایلیه جکدر * مقدمه عسکری اصحاب
کهف اوله جقدر * زمانی اول درجه ده اسوده اوله جقدر که
قیون قورد ایله و صبیان حیات ایله مما زجه و ملاعبه ایده جکدر در
و نزول عبسی یا ننده * و یکلم الناس فی المهد و کهلای
کریمه سیله ده استدلال اولنور * حتی بعض مفسرین و کهلای
بعد ان یترک من السماء عبارتیه تفسیر ایتشددر * لکن معنای
کهولت * اوتوزدن قرق یا شنه وارنجه اطلاق اولنور * قوله مبنی
اولوب بلکه اوتوزدر تدن الی به وارنجه اطلاق اولنور مذهب
مسند اولمغه محتاجدر * زیرا حضرت سبایه رفع اولندیغی سنه اوتوز
اوج یا شنده ایدی * و حضرت عبسی * كذلك دجال مسیح ایله ملقبدر
زیرا مسیح لفظی * اضداد دندر * مسعود و ملعون معنایینه در

﴿ كَرَامَاتُ الْوَلِيِّ بِدَارِ دُنْيَا ﴾ ﴿ لَهَا كَوْنٌ فَهُمْ أَهْلُ النَّوَالِ ﴾

کرامات الولی قوی مبتدادر * لها ظرف مستقر مقدم خبر در
 کون مؤخر مبتدادر * بدار دنیا کون لفظنه متعلقدر * کون ثبوت
 و وقوع معناسنه در * باء ظرفیت ایچونددر * دنیا کلمه سی مقصور در
 افعول تفضیلدر * فلك قرك ماتحتنه اطلاق اولنور * فهم ضمیری
 ولی به راجعدر * زیرا اضافت جمع دلالتیه حرف تعریف جنسند
 محمولدر * فاء سببیه در * نوال عطا معناسنه در * مفهوم یت بودر که
 دار دنیاده * اولیاء الله یدارنده ظهور ایدن خارق عاده کرامتدر
 حق و ثابندر * زیرا انلرمظهر الطاف مخصوصه ربانیدر
 معلوم اوله که * ولی لفظی ولی یا خود ولایتدن مأخوذدر * قریب
 و محب معناسنه در * بمعنی فاعل و بمعنی مفعول اولغه صالحدر * عرفده
 حسب ما یمكن عارف بالله و عارف صفات الله اولوب * طاعاته مواعظ
 و معاصیدن محتب * ولذات و شهوات حیوانیه دن معرض اولان
 ذات شریفه اطلاق اولنور * و کرامت دعوی نبوته مقارن
 اولدیغی حالده * طرف اولیادن خارق عاده امرک ظهوریدر *
 ایمانه و عمل صالحه مقرون اولماز ایسه استدراجدر * دعوی نبوته
 مقرون اولور سه معجزه در * و سحر نفوس خبیثه اصحابندن
 ظهور ایتمکله * کرامتدن مفترق اولور * لکن تستر ظاهری
 خصوصنده فرقی مشکدر * اکا بناء ساده لوحان عوام اولقوله
 فتانلرک مکر و تسویلاتنه * فریفته و مأسور اولوب * طریق ضلالتنه
 سبک اولور * بس لازم اولان * بو گونه خارق عاده ظهور ایدن
 شخصک احوالنه چشم دقت ایله امعان نظر * و تحقیق جلا یا
 و خفایای اطوار و افعالی * قلیل و کثیر * و جلیل و حقیر شرع منیره
 تطبیق ایلیوب * اگر ذره ما شرعه مغایر قول و فعل صادر
 اولور سه * صغیر الکبیر کبیر * مؤداسی جبل عظیمه برابر اولغله
 کرامتدر * ان اولیاؤه لا یلقون منتهی استیجاب

علم و تقوا ایله منصف * خصوصاً سر کرده جمله خطیئات اولان
 حب دنیادن بالکلیه محتب و مستنکف اولور * توفیق ربانیه بعض
 مؤمنین اخلاق مذکوره ایله متخلق اولغله * نائل درجه ولایت
 اولق امکانه در * و وقوعنه جمهور اهل سنت دلیل عقلی و نقلی
 ایله متفقدر * اکثر معزله انکار ایلدیلر * وقوعنه دلیل نقلی بودر که
 قرآن مبینک ناطق اولدیغی اوزره * حضرت سلیمان علیه السلامک
 وزیر اولان آصف بن برخیا ایکی آیلق مسافه محلدن بلقیسک
 سریرینی طرفه العینده ایراد و احضار ایتدی * و حضرت عمر
 رضی الله عنه ساریه بنی سبر عسکر ایدوب * ایران بلا دندن نهاوند
 اوزرینه تعیین و ارسال ایلدی * هنگام مصافده و رای عسکر
 اسلامده واقع جبل اوزرندن * لشکر کفار بغته خبول
 مسلمین اوزره هجوم قیدنده اولدیغی * حضرت فاروق اعظم
 مدینه ده منبر اوزره * خطبه قرائت ایلدیکی ائاده رأی العین
 مشاهده پیور مغله * یاساریه الجبل الجبل دیوندا * و ساریه به اسماع
 ایلشدر * نهاوند ایله مدینه نک مابینی * بشیور فرسخدن زیاده در
 کذلک زمان خلافت فاروقیده * نیل مصر منقطع اولغله * خط
 و غلادن * درگاه خلافتناه عالی به * شکایتنامه ارسال اولندقدده
 جناب فاروق اعظم رضی الله عنه * من عمر الی نیل مصر اما بعد
 فان كنت تجری بامر الله و قدرته فاجر صاغرا عبارتیه موشح
 مکتوب تحریر و ارسال * و حسب الامر نیله اتدقارنده باذنه تعالی
 جریان به شلبوب * الی هذا الان منقطع اولماشدر * و خالد بن ولید
 رضی الله عنه مداین کفار دن برینی حصار * و سکا تی تضبیقه
 ابتدار ایدوب * اهل بسی مقاومتدن عاجز قالمیریه * حضرت خالد
 اگر اشبور قدح زهری تناول ایدوب * بر ضرر اصابت ایلر سه
 دین اسلامک حقیقی نمایان اولغله * جمله من سرفرو برده تسلیم

و مطاوعت اول نور ز دیو خبر ارسال ایملریله ❦ حضرت خالد دخی
منظره رنده ❦ اول قدح لبریزی بلا جرعه نوش ایدوب ❦ وجود
بهودلرینه قطعا ضرر عارض اولدی ❦ و سائر تابعین و صالحیندن
ظهور ایدن کرامت ❦ حد تواتره بالغ اولغله ❦ انکاره مجال یوقدر
اوائله ناس بینده یوقدر حب دنیا اولماغله ❦ چوقلق تستر ایملر
ایدی لکن ❦ و اواخر زمانده معاذ الله تعالی خلقه محبت دنیا ❦ و تعلق
جاه و غنا غالب اولغله ❦ ازدحام ناس غائله سیچون زوایای اختفاده
اولورل ❦ ع این مدعیان در طلبش پیخبراند ❦ لایحه سی اصطلاحات
صوفیانه ❦ و اطوار درویشانه ایله ❦ و لایتنر و شلری کوی امامی بیله
دکدر ❦ الحذر ❦ شکل و شمائل و مقاله مکر آمیز بی طائله مغبون
اولیوب ❦ کار و کرداری شرع شریفه مطابق و کتاب و سنته موافق
اولدغه رکن عصای اعتقاد اولمیه ❦ انلرک دخی سر ابر احوال رینه
اطلاع متعسر اولغله ❦ حقیقته ظفر یاب اولق متعذر ❦ انلر پادشاه
ملکت استغادر ❦ بزم کبی آلوده و مجرملردن دور و مخفی اولورل
❦ لله تحت قباب العز طائفة ❦ اخفاهم فی رداء الفقر اجلالا ❦
❦ هم السلاطین فی اطوار مسکنه ❦ جرواعلی الفلک الخضراء اوبالا ❦
دلیل عقلی بودر که ❦ حق سبحانه و تعالی قادر در که ❦ بر صالح عبدی
بندده ثمره طاعتی مبین ❦ و صحت دینده از دیاد بصرتی متضمن خلاف
عاده امور اجرا ایلیه ❦ معتزله دیرلر که ❦ عرش بلقبسی ایراد ایدن
آصف دکدر ❦ بلکه ❦ جبریل امین یا خود ❦ حضرت سلیماندر
(وانا آتیک به) کلام شریفنده خطاب عفرینه در ❦ و دیرلر که
خوارق عاده انبیاک غیر بسنده ظهور ایلسه ❦ معجزه به مشبه
اولغله ❦ پیغمبر غیردن ممتاز اولماز ❦ اکا جواب ویریلور که ❦ انبیای
کرام تحدی و دعوی نبوتله متمیز اولورل ❦ اولیای ذوی الاحترام
متابع انبیایله ادعا ایدرلر ❦ الحاصل کرامت اولیا ثابتدر ❦ و وقوعی

کثیردر ❦ انکار لنده منفعت یوقدر ❦ کتب اهل اسلام مناقبر یله
مشحوندر ❦ حضرت حق سبحانه و تعالی بعض عبادتی نبوتله
اصطفا ایلدیکی کبی ❦ بعضیسنی ولایتله اجنبایلمک جائزدر ❦ بولوب
کور نمکدن انکار لازم کلم ❦ خفا شک آفتابی انکارندن عدم
وجودی اقتضا ایلم ❦ تعصبک ضرر دن غیری نفی یوقدر
باخصوص ❦ رجال الغیب حقنده اثر وارد اولشدر ❦ مضطربینه
امر الهیله ❦ اغائه و اعانتلری مشهوردر ❦ نامق الحروف دخی
امدادلرینه مظهر اولشدر ❦ مناسب اولان بودر که ❦ فی کل الاعصار
وجودلرین اقرار ایدوب ❦ باخصوص شیخ اکبر محی الدین عربی
و عبدالقادر کیلانی ❦ و حضرت مولانا ❦ و عید الله احرار انار الله
براهنهم حضراتی تعیرات لایقسه ایله ❦ یاد و تذکار ایلیله ❦ ستر
و تعیمه ایلدکاری الفاضلی فهم ❦ و ادراک اینما مکه استنکارلری
روا دکدر ❦ علم جفر و نجوم و اکسیر کبی انلریده عوامدن اخفا
ایلمشدر ❦ و اکثر کلاملری وجدانیدر ❦ من لم ینق لم یعرف
قیلندندر ❦ کلماتلرین فهم ایلدکدن صکره استعمال اولتماق
الزمدر ❦ حق تعالی جمله مزه توفیق و بصیرت کرم ایلیه ❦ و کرامت
اولیا تابع اولدیغی پیغمبر ایچون معجزه در ❦ فی الحقیقه اول پیغمبری
تأید ❦ و ولی مشار ایله اول پیغمبرک طریقده سلوکه تکریم
و تمجیددر

❦ وَلَمْ يَفْضَلْ وَلِيَّ قَطُّ دَهْرًا ❦ نَبِيًّا أَوْ رَسُولًا فِي الْإِنْحَالِ ❦

لم بفعل ضم ضادا یله در ❦ ولی فاعلیدر ❦ عمومی مفیددر ❦ قط ظرف
زماندر ❦ دهرا کله سیده ظرف زماندر ❦ قط کله سندن بدلدر
نبییا مفعولیدر ❦ او کله سی و او معنا سنه در ❦ فی انحال لم یفضل
کله سنه متعلقدر ❦ انحال شرف معنا سنه در ❦ مفهوم بیت

بود که * اولیای کرام رسل و انبیای عظام درجه سینه قطعا بالغ
دکالدر * زیرا فضیلتک ضدی نقص اولغله * مساواتک دخی نفی لازم
کلور * و بمقوله کلام عرفده * نفی افضلیت ایچون مسوق اولور
بلکه عمده صاحبک قولی اوزره * بر پیغمبر جمیع اولیادن افضلد
معلوم اوله که * اولیای کرام * انبیای عظامه تبعیتله درجه
ولایت نائل اولور * البته متبوعک رتبه سی بالا ترا اولور * و انبیا
مأمون العاقبه در * لکن اولیایه خاتمہ دن خوف واستعاذه واجبدر
و انبیای عظام وحی * و مشاهدہ ملائکہ ایله متخصصلدر
و انبیا اصول * و اولیا فر و عدر * و نبوت * خلافت ظاهره و باطنه
و ولایت * خلافت باطنه در * کذلک حضرت رسول الله علیه الصلوٰۃ
و السلام ابو بکر الصدیق رضی الله عنه حقندہ بیور مشدر که
قسم بخدای جهان افرین که * انبیاد نصکره * ابو بکر دن افضل
برکسه اوزره شمس طلوع و غروب ایلدی * بو حدیث شریف
دلالت ایدر که * پیغمبر ابو بکر دن و ابو بکر سائر ناسدن افضل ایمش
و * کتم خیر امه اخرجت للناس * کریمه سی اوزره امت
محمدک اولیاسی * ائم سالفه اولیاسدن افضلد * انبیادن مادون
اولان ذات * جنس اولیادن افضل اولنجہ * انبیا اولیادن افضل
اولق لازمدر * کریمه طائفه سی * و اهل اباحه دن بعض صوفیه
دیرلر که * ولی کامل مکمل پیغمبر دن افضلد * الله یصطفی
من الملائکة رسلا و من الناس * کریمه سی و * و انهم عندنا
لن المصطفین الاخبار * و حق محمدیده * و ما ارسلناک الا رحمة
للعالمین * و * و من یطع الله و الرسول فقد اطاع الله * کریمه لری
موجب لنجہ علمای کرام اول طائفه تک * کفر و زندقہ لرتبه
ذاهب اولدیلر * مطاعک مرتبه سی * مطیعدن اشرف اولدیغی
بی استهدر * و طائفه مزبوره نک احتیاج لری بودر که * حضرت

موسی پیغمبر ایکن * خضر دن تعلم ایلدی * البته معلم متعلمدن
افضلدر * اکا جواب ویریلور که * بوماده حضرت موسایی ابتلایه
منبدر * و خضرک نبوتنه دخی ذاهب اولمشدر * و مطلقا متعلم
افضلیتی ضروری دکلد * بعض علوم اولسونکه * متعلم انی غیردن
تعلم ایمش اولوب * لکن معلم تعلم ایلامش اوله * حضرت خضر دخی
احکام ظاهره شریعت موسایه متعلق * عالم اولماق جائزدر
و لایکه * علامه تفنن زانی دیمشدر که * نبی ولیدن افضل اولوب
و نبوت * و ولایت رتبه لایق متصف اولدقدنصکره * رتبه نبوت لری
یوقسه * رتبه ولایت لری افضلد * بو خصوصده بین العلماء تردد
واقع اولمشدر

وَالصِّدِّيقِ رَجَعَانِ جَلِيٍّ عَلَى الْأَصْحَابِ مِنْ غَيْرِ احْتِمَالٍ

للصديق جار و مجرور مقدم خبردر * و رجحان مؤخر مبتدادر
جلی ظاهر معنا سنه صفتدر * علی الاصحاب رجحان کلمه سنه
متعلقدر * من غیر احتمال * صفت یا خود حال موقعندہ در * مفهوم
یت بودر که * اقدم خلیفه رسول الله اولان حضرت ابو بکر الصدیق
رضی الله عنه سائر اصحاب کرام حضراتدن * افضل وارجددر
وارجبتندہ شک و احتمال یوقدر * قطعی الثبوتدر * معلوم اوله که
صدیق لفظی * صدق دن مبالغه در * حضرت ابو بکرک لقب
مهد بلریدر * امر معراجی جمله دن اقدم تصدیق ایلمکله
صدیق له ملقب اولدیلر * جاهلیتده اسم لری عبد الکعبه ایدی
اسلامده عبد الله اولدی * ابو بکر کنیه سیدر * پدرینک اسمی عثمان
و کنیه سی ابو خافه در * خنی اولیه که * اهل سنت و قدمای معتزله
اتفاق ایلدیلر که * انبیاد نصکره افضل انام * ابو بکر الصدیق
رضی الله عنه حضرت بلریدر * شعبه طائفه سی * و متأخرین معتزله

امام علی کرم الله وجهه حضرت تریدر دیدیلر * اهل سنت کتاب
وسنت * واثرايله استدلال ایلدیلر * اما کتاب * و سیجنهها الاتی الذی
یؤتی ما له یتزکی وما لاحد عنده من نعمة تجزی * کریمه سیدر
زبرا اکثر مفسرین عند نه * مراد شریف حضرت ابوبکر در
* ولایا تل اولوالفضل منکم والسعة * کریمه سندن
دخی مراد * ابوبکر حضرت تریدر * اما سنت (لو وزن ایمان
ابی بکر بایمان اهل الارض ر حج ایمان ابی بکر علی ایمان
اهل الارض) حدیث شریفدر * و ابوالدرداء رضی الله عنه
برکون حضرت ابوبکر ک اوکنده کتمکله * حضرت رسول الله
کور دکده (انشی امام من هو خیر منک والله ما طلعت الشمس
ولا غربت بعد النبیین علی احدا فضل من ابی بکر) پیور مشلدر
اما اثر * ابن عمر رضی الله عنهما حضرت تریندن مرویدر که * زمان
حیات نبویه بزل افضل امت محمدی * ابوبکر در * بعده عمر
وعثمان در دیو * سوبلشور ایدک * و امام علی حضرت تریندن (خیر الناس
بعد النبیین ابوبکر ثم عمر ثم الله اعلم) عبارتیه مروی اولان
حدیثدر) اما امارات ایام خلافت صدیقده * تألیف قلوب * و تابع
فتوحات و قهر اهل ردت * و تطهیر جزیره عرب * و روم طائفه سنی
شامدن اجلا * و عجمی حدود سواد اسلامدن طرد و تبعید ایلشدر
و جمیع نامدن اقدم نبوت رسول اللهی تصدیق و ایمان ایلدی
نه که * حدیث شریفده وارد اولشدر که (این مثل ابی بکر
کذبی الناس و صدقنی و آمن بی و زوجنی ابنته و جهزنی
بماله و واسانی بنفسه و جاهدمعی ساعة الخوف) و حضرت رسول الله
حال مر ضنده امامته استخلاف ایدوب * و تجهیزلندن مقدم
خلافتلنده اجماع امت منعقد اولشدر * و بو حدیث شریف دخی
فضائلنه دلالت ایدر (قال النبی صلی الله علیه وسلم لما عرجت

الی السماء و قفت بین یدی الرحمن قال لی یا احمد علی من ترک
اهل الارض قلت یارب علی ابی بکر الصدیق فقال انه احب العباد
الی بعدک فاقرأه منی السلام) و امامیه طائفه سی دخی زعمر نجه کتاب
وسنت و اماره ایله احتیاج ایدر * اما کتاب * فقل تعالوا ندع
ابنائنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم * الایه
دیدیلر که * انفسنا قولندن مراد نفسی دکدر * زیرا انسان کنندی
نفسنی دعوت ایلز * و فاطمه و حسنین دخی دکدر * زیرا انلرا بناء
و نساء تحتنه مندر جلدر * البته شخص آخر اولق لازمدر
پس مدعو مر قوم بالا جماع * حضرت علیدر و امام علی اولدینغی
صورته * افضلینک بیانی بو وجه اوزره در که * آیت مر قومه
مباهله باینده که ملا عنه در * نازل اولغله * امام علی بی مباهله به
دعوتی * حضرت رسول اللهک امام علی به غایتله مشفق و مهربان
اولسنه دلالت ایدر * اگر وجه محرر اوزره اولسه * منافقون دیرلر
ایدیکه * حضرت رسول الله امرنده بصیرت اوزره اولدی * زیرا
مباهله ایچون زیاده محبت * و وقوع عذابدن صیانت ایلبه جکی
کسنه بی دعوت ایلدی دیرلر ایدی * و مباهله به مدعو اولان کسه
زیاده سبله شفقت و محبتی زیاده اقرب اولدینغیچون * یا خود افضل
اولدینغیچون اولور * شق اول متفیدر * زیرا حضرت عباس اندن
اقربدر * و برادری عقیل ابن ابی طالب در جده مساویدر * پس
شق ثانی که * افضلیندر ثابت اولدی * بو احتیاجلری بو وجه
اوزره مردود و مزیدر که * انفسنا قولندن مراد نفسلری اولدینغی
ممنوعدر * زیرا انسان کنندی نفسنی دعوت ایلز * دیدیککردن مراد
حقیقی ایسه مسلمدر * و اگر مجازی ایسه ممنوعدر * نه که * نفسندن
امام علی اراده سی دخی مجازدر * ایکی مجازک بریسی آخردن
اولی دکدر * ولو سلم مباهله به مدعو اولان امام علی در * لکن

امتی ایچره مکث ایلدیکی مدت * جناب سعادت عندنده مکث
ایلیوب * عمرک فضا ثلثی بیان ایلسم * فضائل عمر نهایت بولماز
اما اثر فضیلت ابی بکر ماده سند * کذران ایلدی * اما اماره ایام
خلافتنده ظاهر اولان حسن سیرت واستقامت * وخلق محبته
بفضایه سوق * وکفاری استیصال * وکلمه اسلامی اعلا واجلال
وتقوی وتواضع * وفتح بلاد * واستقرار عباد * وحیث دینیه
وصلابت یقینیه کبی * مأثر سنیه لریدر * حضرت صدیق آخر
حیاتلرنده خلافت فاروقی باینده عهدنامه تحریر * وبعد الختم
صحابه کرامی جمع * وصحیفه ده اسمی مکتوب اولان کسمه به
بیعت ایلمازلی ضمنده امر ایدوب * هرکس بیعت ایدرک * امام
علی حضرتلرینه واصل اولدقده * امام علی بندخی بیعت ایلدم
حضرت عمر ابسه یورمغله * خلافتنده اتفاق منعقد اولمشدر
اون سنه مسند خلافتده جالس اولدقدن صکره * هجرتک بکرمی
اوجخی سنه سی ذی الحجه سنده مغیره بن شعبه تک غلامی ابوالولؤلؤ
یدیه کسوه عالمهای شهادتی لابس اولدیلر

وَذُو النُّوْرِ بْنِ حَقًّا كَانَ خَيْرًا مِّنَ الْكَرَّارِ فِي صَفِّ الْقِتَالِ

وذنونورین مبتدا در * حقا قسیدر * یاخود مفعول مطلقدر
احقه حقا تقدیرنده در * کان فعل ناقص اسمی ضمیر مستتردر
خیرا خبر منصوبیدر * من الکرار خیرا لفظنه متعلقدر * فی صف
القتال کراره متعلقدر * مفهوم بیت بودر که * حضرت عثمان
رضی الله عنه دخی حضرت حیدر کراردن افضلدر * معلوم
اوله که * حضرت عثمانه ذونورین تسمیه سنک وجهی آنقا
بیان اولندی * حضرت علی دخی بغایت شجاع و جنگاور اولمغله
کرار ایله ملقب اولدی * کر جمله وصولت معناسنه در * خنی
اولیده که * حضرت عثمانک فضیلتی باینده * آثار کثیره وارد
اولمشدر (لوکان لی اربعون بنتا لزوجت عثمان واحدة بعد واحدة

حتى لا تبقى منهم واحدة) و (يا عثمان انت ولي في الدنيا والاخرة
والذي بعثني بالحق لبشفعن عثمان بن عفان في سبعين الفا من امتي
قد استوجب كلهم النار) و (الا استحيي ممن استحيي منه ملائكة السماء
و ظهر في الجنة برق فقال اهل الجنة ما هذا البرق وليست الجنة
موضع البرق فيقول الله عز وجل لبس برق ولكن يذهب عثمان
بن عفان من حجرة الى حجرة وهذا نور شرارك نعليه) حديث شريف لري
كبي خصوصاً تبوك غز اسنه عزيمت باینده * وجاهدوا باموالکم
وانفسکم * امری نازل اولمغله * حضرت ذونورین * اول هنکامده
تجارت ایچون ایکوز دوه تجهیز ایتش اولغین * جله اسبایله
مکمل کنوروب تسلیم مهار ایتمکله * شاه سریر اصطفای علیه
اصنی التحایا حضرتلری (لابضر عثمان مافعل بعدها) یوردیلر
وایام خلافتلرنده بلاد کثیره فتح * ولوای شرع اجدی رسیده
طاق شهرز برجدی اولوب * وجوش مسلمینی تجهیز * ونصرت
دین ومهاجرنده اتفاق ایدوب * وداماد نبوی اولمشدر * حضرت
عمر زخدار اولدقده امر خلافتی حضرت عثمان * وعلی * وعبد
الرحمن بن عوف * وطلحه * وزبیر * وسعد ابن ابی وقاص
یشلرنده شوری * یعنی مشورت اولمغه تعلیق ایلدی * بعده
جمله سی امری عبد الرحمن بن عوف حضرتلرینه تفویض
وحکمنه ارنضا ایتلریله اولدخی حضرت عثمانی اختیار * وخلافتنه
بیعت وامرینه مطاوعت ایلدیلر * مدت خلافتلری اون ایکی سنه در
بعده فتنه ظهور ایلیمکله نشوان سلافه شهادت اولدیلر

وَالْكَرَّارُ فَضْلٌ بَعْدَ هَذَا عَلَى الْاَغْيَارِ طَرًّا لِأُبَيَّانِ

لکرار مقدم خبردر * فضل مؤخر مبتدا در * بعد ظرف زماندر
هذا کلمه سنده ها حرف تنبیه * ذا عثمانه اشارتدر * علی الاغیار

فضل کله سنه متعلقدر ❦ طرا جیعا معناسنه حالدر ❦ لاتبال
مبالادن نهی حاضردر ❦ علامت جزمی آخرنده یانک سقوطیدر
لاتبال عن اقوال الاغبار تقدیرنده در ❦ مفهوم بیت بودر که
امام علی رضی الله عنه حضرتتری دخی سائر صحابه کرامدن
افضلدر ❦ بعض کسه لک کونا کون اقوالرینسه توجیه سامعه
اعتبارا یله ❦ معلوم اوله که ❦ جمله اصحاب کرام اتفاق ابدیلر که
حضرت عثماندن صکره ❦ افضل امام علی کرم الله وجهه ❦
حضرتلریدر (من كنت مولاه فعلى مولاه) و (اللهم وال من وآلاه
وعاد من عاداه) و (انت منى بمنزلة هرون من موسى) و (دخلت الجنة
فرايت على باب الجنة مكتوبا لا اله الا الله محمد رسول الله وعلى اخ
رسول الله) حدیثلریله استدلال ایدرلر ❦ و مرویدر که حضرت
عثمان عازم سوی جنان اولدقدن صکره ❦ امر خلافت مهمل
قالوب آخر جمله کبار اصحاب کرام تجمع ❦ و حضرت مرتضادن
امانت خلافتی قبول ایللرینی استدعا ایلدیلر ❦ قتل ذی النورینی
استعظامله قبول ایلوب ❦ اوچ کون بو حال ارزره کذران ایلدی
کبار مهاجرین اختلال امر دین ظهورینی یقین ایللریله ❦ ثانیا
حضرت مرتضایه ابرام ایدوب ❦ یمین و برملریله ❦ بالاخره قبول
ایدوب ❦ موجود اولان کافه اصحاب عقد یعت ایلدیلر ❦ زیرا
عند اهل السنه خلافت امرنده اصابت ایلشدر ❦ حضرت
عائشه ❦ وزیر ❦ و معاویه ک منازعه لری اجتهادلرنده خطایه
مینیدر ❦ امام علی مصبیدر ❦ زیرا حضرت رسول الله عمارین
یاسره (ستقتل الفئة الباغية) یورمغله ❦ حضرت عمار صفین
ملحمه سنده ❦ طرف مرتضویده اولوب ❦ لشکر معاویه یدیلر شربت
شهادت نوش ایلدی ❦ و مرویدر که ❦ طلحه سپاه شامده بولنوب
مجروح و حیاتدن مأیوس اولدقده ❦ عسکر مرتضوی افرادندن

بر جوانه دستکی بکا ویر که امیر المؤمنین ایچون یعت ایدیم دیدی
مرادی امام عادل یعنی اوزره فوت اولق ایدی ❦ و حضرت
عائشه ک یوم جمله قتال ایچون خروج ایلوب بلکه ایکی فرقه
پیشنی اصلاح ایچون خروج ایلدیکی مروی ❦ و خروجنه نادم
اولدیغی رسیده درجه صحندر ❦ و امر خلافت امام علی ايله
واصل حد ختام اولدی ❦ نه که (الخلافه من بعدی ثلثون سنة
حدیث شریفی وارد اولشدر ❦ و حضرت مرتضایک انتقالی
اوتوزنجی سنه ده واقع اولشدر ❦ قالدی که امت محمد خلفای
عباسیه ❦ و حالا خلفای عثمانیه ک خلافتلرینه اتفاق ایلدکلری
حدیث شریفده وارد اولان خلافتی ❦ خلافت کامله ❦ و خلافت
حقیقیسه یه جل ايله در ❦ خصوصا خلفای عثمانیه ایدهم الله
تعالی بالتأییدات السبعانیه حضرتانک اصول سلطنتلری سیرت
خلفای راشدین اوزره مؤسس اولوب جمله سی خالص اهل سنت
و پیشه لری همیشه غزا و مجاهدت ❦ و اجرای احکام شریعت
اولمغله ❦ خلافت وصفته احری والیق اولشدر

❦ وَلِلصَّدِيقَةِ الرَّجْحَانُ فَأَعْلَمُ ❦ عَلَى الزَّهْرَاءِ فِي بَعْضِ الْخِلَالِ ❦

للصديقة جارية ومجروور خبر مقدمدر ❦ صدیقه لقب حضرت
عائشه در ❦ الرجحان مؤخر مبتدادر ❦ زهراء لقب حضرت
فاطمه در ❦ خلال خصال معناسنه در ❦ مفهوم بیت بودر که
حضرت عائشه بعض خصالده حضرت فاطمه یه ارجمندر
معلوم اوله که ❦ ام المؤمنین زوجه سید المرسلین ❦ حضرت عائشه
رضی الله عنها صدیقه ايله تلقینک وجهی بودر که ❦ ترجمه
سیرده تفصیل ایلدی کمز اوزره فلاده سنک فقدانی ماده سنده
افک و افزایه مبتلا اولوب ❦ بعده عصمت و برائتلی یابنده آیت

کریمه نازل * و ذاتنده محبت و خدمت نبویه کمال صداقتی اولمغه
صدیقه ایله ملقب اولدیلم * و حضرت فاطمه کدرت دم حیض
و نفاسدن آزاده اولمغه * زهرا ایله ملقب اولدیلم * بروقت نماز فوت
ایلدیکی مرویدر * بعضیلر وجه تلقی اشراق جمال تابدارلریدر
دیدي * حتی حضرت صدیقه لبه مظلمه ده اشراق نور جمال
فاطمه ایله سوزنه رشته اسلاک ایدرم دیدکاری مرویدر * معلوم
اوله که * علمای امت اختلاف ایلدیلر * بعضیلر فاطمه تک
عایشه دن افضلیننه * و اکثر علما حضرت عایشه تک مطلقا
افضلیننه ذاهب اولدیلم * و بعضیلر توقف ایلدیلر * زیرا
اعتقاده تعلق یوقدر * بعضیلر عایشه تک علم نبوت و احکام
شریعت تحصیلنده * و کثرت روایت و درایت * و آخرنده
حضرت رسول اللهله درجه عالیه ده بولمقی کبی * بعض خصالده
افضلیننه ذاهب اولدیلم * حتی حقارنده (اطلبوا ثلثی دینکم
عن هذه الخیراء) وارد اولمشد * حیرا صیغه تصغیر ایله لقب
عایشه در (و فضل عائشة علی سائر النساء کفضل الثريد علی سائر
الطعام) حدیث شریفی وارد اولمشد * و حضرت فاطمه
حقنده دخی (اما ترضین ان تكون سيدة نساء اهل الجنة) بیورلمشد
مشارق شریفده (الارضین ان تكون سيدة نساء المؤمنین) متنبله
مبتدر * و حضرت رسول اللهک جزء شریفلریدر * ذکور دن
اولسیدی لامحاله پیغمبر اولور ایدی * و حقنده (فاطمة بضعة منی
فن اغضبها اغضبنی) بیورادی * و حضرت عایشه دن عند
رسول الله نسواندن صاحب قدر و محبت اولان کیمدر دیو سوال
اولمقدده فاطمه در دیدیلر * و رجالدن کیمدر دینلد کده
زوجیدر دیدیلر * بناء علیه * ناظم رجحانی بعض خصاله
تخصیص ایلدی

و لم یلعن یزیدا بعد موت * سوی المکثار فی الاغراء *
لم حرف جازمدر * یلعن فعل مستقبل مجزومدر * یزید مفعولیدر
ضرورت وزن ایچون منصرف قلندی * اتران ایچون منون
اولدی * بعد موت بعد موته تقدیرنده در * سوی المکثار فاعلیدر
مکثار مفعال وزند کثرتدن مبالغه در * قوال معناسنه * فی الاغراء
مؤخر غال کله سنه متعلقدر * اغراء حث و تعریض معناسنه در
غالی غلودن مأخوذدر * حدی تجاوز ایدیچی معناسنه * مکثاردن
بدلدر * مفهوم بیت بودر که * سلفدن برکسنه یزید بن معاویه
حقنده لغت ایلدی * انجق حدی تجاوز ایدن رفقه و خوارج
کبی بعض اشخاص لغت ایلدیلر * معلوم اوله که * لعن لغتده
طرد معناسنه در * عرفده حضرت حقک بر شخصی رجحندن
طرد و تبعید ایلمسده مستعملدر * نه که * لعن الذین کفروا *
کریمه سنی بعدوا من رحمة الله ایله تفسیر ایلدیلر * و لعن
برکسه اوزره ابدی دعا اولور * شیطان و ابوجهل کبی * و بعضا
لعنی مستوجب اولان وصف * زائل اولمغه موقت اولور * مثلا
کافر ایکن مسلم * و فاسق ایکن تائب اولور * و کفار ایله مسلم حقنده
اولان لعنک فرقی واردر * زیرا لعن کفار دائمی و ابدیدر * لعن
مسلم خیردن بعید اولمسیدر * بو صورته بعد التوبه مسلمندن
برینه لعن ایلک جائز دکلددر * بناء علیه ناظم علیه الرحه * یزید بن
معاویه حقنده برکسه لغله دعا ایلدی دیدی * زیرا امام حسین
رضی الله عنه حضرت نرینک قلبله امر ایلدیکنک تحققی صورتده
محملمدر که * قبل الموت تائب و نادم اوله * نه که وحشی حضرت
حزه بی قتل ایدوب بعده توبه و اسلامه اصحابدن معدود اولمشد
لکن بو کلامه اعتراض اولنور که قبل الموت توبه و ایمان ایلمش

اولسه سائر خاندان نبوتدن کفید ایدر ایدی * فالدیکه موته قدر
خاندان عالی به انواع اهاتی متواتر در * وهنکام موته توبه
و ایمانی مقبول دکدر * زیرا وجه آتی اوزره کفرینه ذاهب
اولش در * اگر سؤال اولنورسه که * مسلم حقنده معصبت سببیه
لعن جائز اولسه * حضرت رسول الله (لعن الله الراشی والمرثی
ولعن الله الواشمه والمستوشمة) بیور مزل ایدی * واشمه بدنه
سوزنه فعل غزایدن مستوشمه غزایتدیرندر * جواب ویریلور که
لغت مؤمن فاجر کندیلره وعید و تخویف * وسائر لطف و احساندر
زیرا فاجر خوفله توبه و انابت * وسائر لری مجانبت ایدر * ویزیدک
کفرینه * قتل حسینی امر ایلدیکندن بشقه * اشبو منظومه
صورتنده اولان هذیانله استدلال ایدر * برکون مصحف شریفدن
تقال ایدوب ابتدای سطرده * واستفتحوا وخاب کل جبار عنید
کریمه سی ظهور ایتکاه * پر غضب اولوب اشبو قطعه بی قطع
اوله جق لسانیه تفوه ایلشدر

* تخوفنی یجبار عنید * وها انا ذاك جبار عنید *
* اذا لا قیت ربك یوم حشر * فقل یارب مزقنی یزید *
دیهرك مصحف شریفی پاره پاره ایلدیکی منقولدر * وشراب حقنده
دخی است * اذا حرمت بو ما علی دین احمد * فهات علی دین
المسیح ابن مریم * ینی که تنصری استر ضادر * کندیدن صادر
اولی * الله یو ایات مد کویه کتب ادبیاتک برنده یند
امرای امویهدن ولید بن عبدالملکه معزو اولدیغی مسطوردر
لکن اکثرنده یزیده سند مسطوردر * علامه بیهدانی سعدالدین
تفتازانی علیه الرحمه خلاصه دن نقل ایتشدر که * یزیده و حجاجه
لعن ایلک لایق دکدر * زیرا حضرت رسول الله اهل قبله به
لعن نهی ایلدی * و بعض اهل قبله حقارنده * لعن نبوی صدوری

معارض اولماز * زیرا غیرک بیلدیکی بعض احوال ناسی حضرت ا
رسول الله یلور * وبعضیلریزید حقنده لعن اطلاق ایلدیلر * زیر
حضرت حسینی قتل ایله امر ایلدیکی حینده کافر اولدی * وعلما
حضرت حسینی قتل * وقتلیله امر ایدن * وقتله اذن ورضا
کوسزن استخاصه * لعن ایلک جائز اولدیغنه متفقدر * زیرا
حضرت رسول الله اذا اواریفی بدیهیدر * خارجدن برکته ن
جکر پاره سی اولان اولادینی قتل ایلسه لر * اول کسه مطیبی
اولور متأذیمی اولور * البته متأذی اوله جفی نمسدن اظهاردر
ایمیدی حضرت رسول الله اذا اولیحق * ان الذین یؤذون الله
لعنهم الله فی الدنیا والاخرة * کریمه سی منظومجه لعنه مستحق
اولور * وحق اولان بودر که * یزیدک قتل امام حسین خصوصنده
رضا و استبشاری * و خاندان نبوته اهانت و اضراری متواتر
معنوی اولغله شاننده * بلکه ایماننده توقف ایلوب * کندوسنه
و یوباید * اعوان و انصارینه لعن ایدر * و کارائمه دن بر ذات
فضائل سمات یزیدک قتل امام حسینده آمر اولدیغنی بویتله
ایما ایلشدر

* سهم اصاب ورامیه بذی سلم * من بالعراق لقد ابعدت مر ما کا *
امام غزالیدن مرویدر که * یوباید * دخی اسلم اولان سکوتر * نه که
شیطان واجب اللعنه ایکن لغت بدلی * مثلاً استغفار و صلوات
شریفه ایله نفسکه جلب ثوابات ایلک انسددر * اگر واقعاً بو کونه
خاندان نبوته اهاتنده * مصر ا هلاک اولدیسه * سنین
عبدیه دنبرو معذب اولوب * و بوند نصکره دخی معذب اوله جقدر
جمله دن اقدم * دعوا حبسی حضرت فاطمه در * حضرت
فاطمه جهتندن دخی (فاطمة بضعة منی فمن اغضبها اغضبتنی
حدیثی مقتضاسی * خصمی حضرت رسول اللهندر * واکر

تأبیا کتمش ایسه لغت ایلمکدن نه حاصلدر ❦ اما خاندان نبوته
در کار اولان حب جلی اقتضاسی ❦ اذا خلی وطبعه ❦ او مقوله قلوبده
بغض و کدورات ضروری متهیج اولور ❦ مدوح اولان بودر

❦ وَاِيْمَانُ الْمَقْلَدُ ذُو اَعْتِبَارٍ ❦ بِاَنْوَاعِ الدَّلَائِلِ كَالنِّصَالِ ❦

ایمان مبتدادر ❦ المقلد ❦ مضاف الیهدر تقلیددن اسم فاعلدر
ذو اعتبار خبریدر ❦ بانواع جار و مجرور ذو اعتبار کلمه سنه متعلقدر
زیرا صاحب اعتبار تاویلندهدر ❦ الدلائل مضاف الیهدر ❦ دلائل
دایمک جمعیدر ❦ کالنصال ❦ حالدر مشبهه بالنصال تاویلندهدر
نصال جمع نصلدر ❦ اوق تمرنه دیرل ❦ مفهوم بیت بودر که
مقلد اولان مؤمنک ایمانی معتبر و اعتباری ادله قاطعه نافذه ایله
مدلل و مبرهندر ❦ معلوم اوله که ❦ ایمان لغتده مطلقا تصدیق
معناسندهدر ❦ امن کلمه سندن افعالدر ❦ اکا ایمان ابتدی دیمک
انی تکذیب و مخالفندن امین ابتدی دیمک اولغله ❦ تصدیق حاصل
معنا اولور ❦ باحرفیله متعدی اولور ❦ اقرار و اعتراف معناسنی
اعتبار ایله امنت بالله قولنده اولدیغی کی ❦ ولامله ده متعدی اولور
اذعان و قبول معناسنی اعتباریله ❦ ومانت بمؤمن لنا ❦
کریمه سنده اولدیغی کی ❦ وعرف شرعه تحقیقده و بالکز
فعل قلب ❦ و یاخود بالکز فعل لسان ❦ یاخود ایکبسنکده فعلی
یاخود سائر جوارحکده مدخلنک وجود و عدمنده اختلاف
اراء واقع اولغله ❦ درت شقی مشتمل اولمشدر ❦ شق اوله کوره که
بالکز فعل لسان اولقدردر ❦ حضرت رسول اللهک طرف الیهیدن
ستور دکلمری احکامات بالضروره تصدیقده اسم اولور
وحدت صانع ❦ و وجوب صلوة ❦ و حرمت خمر کی ❦ مشهور اولان
بیدر ❦ و جمهور اهل سنت بیزک اوزرینهدر ❦ و بعضا معرفتده

اسم اولور ❦ شیععه طائفه سی ❦ و قدریه دن جهنم بن صفوان
و ابوالحسین الصالحی مذهبلی بودر ❦ و اشعریه دخی بو طرفه
مائلدر ❦ و شق ثانی به کوره ❦ بالکز فعل لساندر لکن معرفت
قلبه مشروطدر ❦ حتی اقرار معرفتسز تحقیق ایلمز ❦ رفاشی بو که
ذاهبدر ❦ و قطان تصدیقنک اشتراطنه ❦ و کرامیه معرفت
و تصدیقندن هر برینک عدم اشتراطنه ذاهبدر ❦ شق ثالثه کوره که
مجموع تصدیق و اقرارک اسمیدر ❦ اکثر محققنک مذهبی بودر
و امام اعظم حضرت لرندن منقول اولان بودر ❦ نه که فقه اکبرنده
والایمان هوا اقرار و تصدیق ❦ عبارتیه تعریف ایلمشدر
لکن امام اعظم اقراری اجرای احکام دنیویه ایچون ❦ اشعری
تصدیقده امارت اولیق ایچون مشروط ایلمدیکنی تصریح
ایدرل ❦ کرچه اشعرینک مرجعده متحددر ❦ تصدیق رکندن
اولدیغنه کوره ❦ برکسه قلبیه تصدیق ایدوب ❦ عمرنده بردفعه
لسانیه اقرار ایلمسه ❦ عندالله تعالی مؤمن و جتنه دخول
و جهنندن نجاته مستحق اولماز ❦ لکن شرط اولدیغنه کوره
عندالله مؤمن اولور ❦ نقدر احکام دنیوی خصوصنده مؤمن
اولماز سنده ❦ منافق کی اقرار ایدوب ❦ تصدیق ایلمسه دنیاده
مؤمن اولوب ❦ عندالله مؤمن اولماز ❦ نه که نصو صلی بونی
مؤیددر ❦ اما بالکز تصدیقده اسمدر دین مذهب کوره اقرار
احکام دنیوی ❦ اجرا ایچون شرط اولور ❦ و شق رابعه کوره که
سائر جوارح دخی مضاف قلمشدر ❦ تارک عمل ایمانندن خارج
و کفره داخل اولور ❦ خوارجک مذهبی بودر یاخود کفره داخل
اولوبوب ایکی منزله اراسنده قالور که ❦ معتزلهک مذهبی بودر
لکن اعمالده اختلافلی وارددر ❦ ابوعلی و ابو هاشم عندنده
عمل فعل واجبات و ترک منہیاتدر ❦ ابوالهذیل و عبد الجبار

عندئذ فعل طاعاندر ❦ كرك واجب ❦ و كرك مندوب اولسون
اشبوشق رابعده بر مذهب دخی واردر كه ❦ تارك عمل ایمانندن
خارج اولماز بلكه ❦ دخول جنتله وجهنده عدم خلود ايله مقطوع
اولور ❦ اكثر سلف و جمیع ائمه حدیث ❦ و اكثر متكلمین مذهبیری
بودر ❦ امام مالك و شافعی واوزاعی حضراتندن منقول اولان
بودر ❦ لکن بوكه سؤال وارد اولور كه ❦ ایمانك جزئی متنی
اولسكین بقاسنه نه كونه ذاهب اولنور ❦ جواب ویریلور كه ❦ ایمان
انلك عندئذ دخول جنت یابنده ❦ كافی اولان اصله كه
تصدیق قلبیدن عبارتدر ❦ مقولدر و بلا خلاف كامل منجی یه ده
مقولدر نه كه ❦ انما المؤمنون الذین اذا ذكر الله وجلت
قلوبهم ❦ كریه سی اكا اشارتدر ❦ و محل خلاف مقول اولكمی
یوقسه نائینكمی اسمیدر ❦ و اشاعره دیرلر كه ❦ ذكر اولنان تصدیقه
استدلال دخی ضم اولنق لا تقدر ❦ صحت قول پیغمبری بلادلاله
العقل بلك جائز دكلدر ❦ شرح مقاصده مسطور در كه ❦ امام
اعظم ❦ و مالك ❦ و شافعی ❦ و احمد و اوزاعی ❦ رحمهم الله دیدیلر كه
مقلدك یعنی ❦ غیرك قولنی بغیر دلیل قبول ایدن كسه نك ایمانی
صحیحدر ❦ لکن استدلالی تركله عاصی اولور ❦ ائمه مشارالیه
دیرلر كه ❦ چونكه ایمانك حقیقتنی تصدیقدر موجبات كفردن
بریه تحقق ایلامكه ❦ ایماننه ضرر ترتب ایلمز ❦ اكر سؤال
اولنور سه كه ❦ تصدیق بدون العلم متصور اولماز ❦ زیرا علم بالتصدیق
ذاتی یا خود ❦ شرط اولور ❦ مقلدك ایسه علمی یوقدر ❦ زیرا علم
ضرورت استدلالدن بر سببه مستند اولان اعتقاد جازم مطابقدن
عبارتدر ❦ اكا جواب ویریلور كه ❦ تصدیقه معتبر اولان یقین
دكلدر ❦ بلكه بعضا مطابقت ككفایت ایدر ❦ و نقیضی
خاطره مندن سالم ❦ ظن غالب یقین حكمنده اولور ❦ تكرار

سؤال اولنور سه كه ❦ بر ایمان و تصدیق اولدیغنی ننی ایتمرز
بلكه نافع دكلدر ❦ ایمان یأس منزلنده در ❦ زیرا ایمان یأسك
عدم نفعی ابو منصور ماتریدی یسانی اوزره ❦ بوكونه مقلدركه
عبد اولوقنده ❦ شاهد ايله غائب اوزرینه استدلال ایلكه قادر
اولماز كه ❦ حتی ایمانی عن معرفه و عن علم استدلالی اوله ❦ ایمان اوزره
ثواب ❦ مشاق و متاعیدن منحل اولدیغنی مقابله سبله در ❦ مشاق
و متاعب ایسه ❦ محدثات عالم ❦ و معجزات انبیا ❦ و حجت و شبهه مباحثی
تمیزده ❦ اداب فكرت وادمان نظر و دقت ايله حاصلدر ❦ یوقسه
اصل ایمان تحصیلنده دكلدر ❦ اكا جواب ویریلور كه ❦ نص شریف
مغاینه عذاب عندئذ ایمان یأسك عدم نفعنه قائم اولدی ❦ یوقسه
ایمان مقلدك عدم نفعی یابنده وارد اولدی ❦ اجاع دخی نفعی
امرنده منعقد اولدی ❦ و قیاسه تمسك ❦ هر نقدر اصولده صحیح
ایسنده علت ❦ سرك ذكر ایلدیككز اولدیغنی ممنوعدر ❦ بلكه
ماتریدی و اكثر محققین ذاهب اولدیلر كه ❦ ایمان یأس نافع
اولدیغنك وجهی بودر كه ❦ زیرا اولوقنده ایمان محضا دفع عذاب
ایچوندركه ❦ یوقسه حقیقی ایمان دكلدر ❦ كذلك اولوقنده عبد
ایچون ❦ نفسنی تصرفه و استمتاعه قدرت قالماز ❦ زیرا مغاینه
ایلدیكی عذاب دنیا ❦ عذاب آخرته مقدمه در ❦ ایمان مقلد
بونك خلافتدر ❦ زیرا حضرت باری به تقرب رضاسنی طلب
و ابتغادر ❦ و معتزله عندئذ مقلدك ایمانی صحیح دكلدر ❦ لکن
یتلرنده اختلاف واردر ❦ و بعضیری دیرلر كه هر مسئله ده استدلال
عقلی به ابتناء اعتقادی شرط دكلدر ❦ بلكه مجزه ايله رسالتی
بالشاهده ❦ یا خود بالتواتر ❦ یا خود بالا جاع ❦ معلوم اولان ذاك
قولنه ابتناء كفایت ایدر ❦ بو وجهله حضرت رسول اللهك
حدوث عالمی ❦ و نبوت و وحدانیت صانعی اخباری ❦ مقبول

اولور ❦ و بعضی را اصولدن هر بر مسئله ده دلیل عقلی به ابتسای
اعتقادی شرط ایلدیلر ❦ لکن انی تعییر و دفع شبهات غیر ❦ و مجادله
خصوصه اقتدار لازم دکلدر دبدیلر ❦ و شیخ اشعری حضر تارندن
مشهور اولان بو کلامدر ❦ حتی کندودن ذکر اولنان شرط
بولنمیان مؤمن اولماز مقالنی حکایت ایدر ❦ لکن عبدالقاهر
بغدادی دیدیکه ❦ اول کسسه هر نه قدر اشعری عنده علی الاطلاق
مؤمن اولماز ایسه ده ❦ تصدیق بولندیغیچون کافر دکلدر ❦ لکن
نظر واستدلالی ترک ایلدیکی حسبیه عاصیدر ❦ حق جل وعلی یا
عفو ایدر ❦ یا خود ذنبی مقداری عذاب ایدر ❦ عاقبتی ینه جنته
داخل اولور ❦ عبدالقاهر ک بو کلامی مشعر در که ❦ اشعری نک
مرادی ❦ اول کسه علی الکمال مؤمن اولماز دیمکدر ❦ تارک اعمال کی
والامتزلة بین المنزلتین ترددینه ❦ و غیر مؤمنک جنته دخوله قائل
دکلدر ❦ بو صورتده منازعه اشعری حقیقی اولماز ❦ و معتزله دن
بعضیلری دیرلر که ❦ ذکر اولنان ابتسای اعتقاد ایله مجادله
خصوم ❦ و وارد اولان اشکالک حل و دفعنه ❦ اقتدار لازمدر
بو صورتله اقتداری اولیانک ایمانیه حکم الیزلر ❦ بلکه ابوهاشم
کفریه حکم ایلدی ❦ قالدیکه صحیح اولان ماتریدی
منهیدر که مطلقا تصدیقدر ❦ عامه اهل علم و فقها ❦ انک اوزرینه
متفقددر ❦ مثلا بر کسسه به بریسی بر خیر سوبلسه ❦ اول کسسه انی
تصدیق ایلسه ❦ آمن به و آمن له ❦ قوی صحیح اولور ❦ پس
مقلده ایمانی واجب اولان امور ❦ اخبار اولندقدده تصدیق ایلسه
مؤمن اولوب ❦ مؤمنین حقارنده موعود اولان ❦ عنایاته مستحق
اولور ❦ و بحسب الایمان من حق الله ❦ حضرت
رسول الله ❦ ان یؤمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله و الیوم
الآخر و بالقدر خیر و شره ❦ یورملری مقلدک صحت ایمانسه

دلالت ایدر ❦ زیرا بحر د تصدیقه جواب ویردیلر ❦ و حضرت
رسول الله مسائل اعتقادی ده ❦ قطعا دلائل عقلیه به اشتغال
یور مدیلر ❦ و بعضی را ایمانی معرفت ایله تفسیر ایلدیلر ❦ علامه
تفتازانی دیمشدر که ❦ بعض قدریه ایمانک ❦ معرفتدن عبارت
اولدیغنه ذاهب اولدی ❦ و علمای اهل سنت ❦ مذهب مر سومک
ابطالنه اتفاق ایدوب دیدیلر که ❦ اهل کتاب که ❦ یهود و نصارادر
اولادر بنی ییلد کلمری درجه ده ❦ نبوت رسول الهی ییلور لر
حال بوکه ❦ کفر لری شرعا مقطوعدر ❦ زیرا تصدیق لری یوقدر
و معلوم اوله که ❦ تصدیق اخبار مخبردن معلوم اولان امر
اوزره ❦ قلبی ربط ایلکدن عبارتدر ❦ بوجهته امر کسی اولوب
مصدقک اختیاریه ثابت اولور ❦ بناء علیه مقابلنده ثواب
مرتب اولوب ❦ و رأس عبادت قلنور ❦ امام معرفت بونک خلا فیدر
زیرا بعضا من غیر کسب حاصل اولور ❦ مثلا بغته بر جسمه واقع
اولوب ❦ اول جسمک جدار ❦ یا خود حجر اولدیغنه معرفت حاصل
اولور ❦ و بوتقریر بعض محققینک تصدیق بالاخیار مخبره ❦ صدقی
نسبت ایلکدن عبارتدر دید کلمرینک مألیدر ❦ و قالدیکه اکثر
اهل اسلام ❦ تقلیدی اخذ ایدوب ❦ استدلالده قاصر یا خود
مقصر اولدقلرندن بشقه ❦ صحابه کزین و تابعین و خلفا همان
تقلید ناسله اکتفا ایدوب ❦ حقارنده احکام مسلمینی اجرا
ایدر لرایدی ❦ پس ذکر اولندیغنی اوزره ❦ بو اختلاف لک سببی
و بعض مجتهدینک ایمان مقلد صحیح دکلدر دید کلمرینک وجهی ندر
دیو استفسار اولنور سه ❦ جواب ویریلور که ❦ بو ذکر اولنان
قال و قبل ❦ مثلا شواهی قبایله نشئت ایدوب ❦ ملکوت سموات
و ارضنی تفکر ❦ و صانع و وحدانیتی تدبر ایمان کسسه به بر کسسه
مفروض الاعتقاد اولان امور دینه بی اخبار ❦ اولدخی بی تفکر

و تدبر مجرد اخباریله تصدیق ایسه ❦ ایمانیه حکم ایلک صحیحیدر
دکلیدر ❦ اختلاف بوماده به متعلقدر ❦ یوقسه دیار اسلامیه ده
بین اظهر العلماء نشأت ایدوب ❦ عندنده احوال نبوی و معجزات
علیه لی ❦ متواترا مسموع اولان کسه حقنده دکلدرد ❦ كذلك
سموات وارضینک خلقنده دلیل ❦ نهاریک اختلافنده نظر و تفکر
ایدن کسه حقنده دکلدرد ❦ اول کسه اهل نظر و استدلالدن
اولور ❦ و شرح مقاصدده مسطور در درکه ❦ معترله نک صحت
ایمان نظر و استدلاله ❦ و براهین تقریرینه اقتداره منوطدر
دیدکری کلامک بطلانی ❦ ضروریات دینیه به ملحقدر ❦ لکن
کلامرینک ظاهرندن ❦ نظر و استدلالک وجوبی منفهم اولور
هر تقدربی نظر و استدلال ❦ ایمان صحیح اولور سه ده ❦ قالدیکه
وجوبدن مرادری ❦ و جوب عینی ایسه ❦ یعنی فعل بعضله
سقوط قبول ایتمزدیمک ایسه ❦ اختلافات مذکوره ضمننده مندرج
اولان ادله معارضدر ❦ و اگر وجوب علی الکفایه ایسه ❦ انده جمله
متفقدرد ❦ زیرا عامه کتب کلامیه ده مصرحدر که ❦ کفایه
طریقیه هر مکلفه ازاله شبهه ❦ و الزام معاندین و ارشاد مشرشدینه
مقدر اولوق حیثیله ❦ تفصیل دلائل و اجبدر ❦ حتی فقهای
عظام دیدیلر که ❦ مسافه قصرده بومثلوزاتک و جودی و اجبدر
نه که مقدمه ده ذکر اولندی ❦ و قالدیکه صحابه کرام و تابعین
حضرتلری ذکر اولندی بونی اوزره ❦ برکسه به نظر و استدلالله
امر بیورمیوب ❦ حتی بعضیلری ❦ تحت ظلال سیوفده ایمانه
کلمریله ❦ عندلنده مقبول اولشیدی ❦ بدیهدر که ❦ اومقوله کسه نک
عندنده صانع عالمک وجود و صفاته ❦ دال اولان دلیل ظاهر
اولامشیدی دیواشناه اولنور سه ❦ جواب اولنور که ❦ طریقه
حکمت اوزره ❦ اول امرده نظر و استدلالله امر ایلیوب ❦ بلکه

جمله دن اقدام ❦ اقرار و انقیاد ایله تکلیف ایدوب ❦ صکره ذات
وصفات الهیده اعتقادی واجب اولان ❦ اموری تعلیم و معارف
الهییه بی ❦ محاورات و خطب و مواعظ اثنالنده افاده ایدر لر ایدی
غایتی برکت صحبت نبوی و قرب زمانی حسبیه ❦ قواعد مدونه به
منطبق مقدمات ترتیب ❦ و دلائل تهذیبندن مستغنی اولمشلرایدی
لکن عقاید مضبوطه لرینه ظنون ❦ و شکوک تطرق ایلز حیثیته
دلائل اجمالییه به علملری شامل ایدی ❦ الحاصل انلرمعارف
الهییه ایله مستغنی اولوب ❦ غیرلری بر مقتضای استعداد ❦ وجوه
شتی ایله تحصیل بقین طریقه ارشاد ایدر لر ایدی ❦ نه که اول
زمانک عوامندن اولان براعربی ❦ البعرة تدل علی البعیر ❦ و اثر
الاقدام علی المسیر ❦ افسماء ذات ابراج ❦ و ارض ذات الفجاج ❦ لاندلان
علی اللطیف الخیر ❦ عبارتیه استدلال ایلشدر ❦ جلال دوانیدن
منقولدر که ❦ علم کلام جوانبیه تأمل اولنسه ❦ علم مزبوره اشتغال
فرض کفایه اولدیغی ظاهر اولور ❦ ولوایح جمله سندندر که
ابتدا صدور اسلامک استدلال طریقه منسلک اولد قلرینک
وجهی بودر که ❦ جمله دن اقدام حضرت رسول الله استدلالدن
مستغیدر ❦ زیرا امور دینیه بالجمله و حیله معلوملری اولمشدر ❦ و امنه
تعلیم قصد ایلد کیری دخی قرآن کریمده ❦ لوکان فیها آلهه
الا الله لفسد تا ❦ کریمه سی کبی ❦ آیات و سائر احادیثده مشار
اولدیغی ❦ اهل بصائر و روشنا اولدیغنه مبیدر ❦ و صحابه کرام دخی
حضرت رسول الله بر مرتبه معتقد اولمشلرایدیکه ❦ مثلا برنسنه بی
ضدیه خبر ویرسدر ❦ اکا حق البقین اعتقاد ایدر لر ایدی ❦ و کتب
محقیقنده مسطور در که ❦ قول پیغمبری و قول اجاعی ❦ و قول قاضی
و مفتی بی ❦ و قول عدلی قبول تقلید دکلدرد ❦ علمای امتک تدوین
علم عقاید ایدوب ❦ بعض وفاق و شقاقلری اصول دینیه ده تخلف

حدوثه مبنی اولشدر ❦ مثلا ❦ مانحن فیه زده مقلد دید یکن
 خالی الذهن عوام ناسدند ❦ بعض ملاحده وضالینک ملبساتنه ده
 اعتقاد ایدرل ❦ شیطان علیه اللعنه ایسه ❦ عدوی فر صبحویدر
 نته که تورانده ❦ و شروح اناجیل ار بعده مسطور در که ❦ کندوسنه
 عارض اولان شبهات سبع سیبله ❦ کندی ضال اولوب ❦ غیری دخی
 اضلال ایتمکله ❦ الی یوم السؤل ❦ ناسی ❦ کندوسنه همحال
 ایلمکه ❦ صرف مجال اوزره در ❦ زمانزده ایسه ملاحده تکرر بولوب
 شخصا شخصا ❦ عوام ناسک عروق واعصابنه ❦ بلکه عقلا
 صورتنده مشهود اولان نیجه قیافتلوا اشخاصه ❦ حلول ایلبه رک
 معاذ الله تعالی ❦ اول ساده لوحی نقوش عقاید حقه دن اعرا
 ایلشدر ❦ خلقک ایسه اکثساب حطام دنیوی ❦ غائله سندن
 خالق و پیغمبر خاطر لرینه خطور ایلر که ❦ امور دینیه لرینی
 تعلم ایدر ❦ سال عمری سکسانه وارمشیکن ❦ سکر یوز سنه لک
 مال ادخاری قیدنده در ❦ وقالدیکه بعض احکام شرعیه وارد که
 الاحکام تختلف باختلاف الازمنه والاحوال ❦ قاعده سی اوزره
 زمانک مقتضای اوزره دائر ❦ مثلا نسوانک جاعته حضور لری
 عند المتقدمین مرخص ❦ وعند المتأخرین مخطور در ❦ بو وجهله
 تحصیل ایمانده استدلالی شطر ایدنلرک کلامی ❦ زمانه نسبت اوفق
 کورینور ❦ تا که هر کس اربابندن نظر واستدلالت حقیقت
 و طریقنی تعلمه مستدل اولوب ❦ رقبه سنی رقبه تقلید دن تخلیصه
 دم عروق کبی حلول ایدن ملاحده ❦ اقوال مموهه باطله سنی
 مصدق اولوب ❦ ادله ایله ابطال ایتمکله ❦ صراط مستقیمده مثبت
 اولر ❦ حالا نیجه لدن مسموعز اولبور که ❦ افتاده دام تزوری
 اولدینی شرابخوری معاذ الله تعالی ❦ خفت عقیده سیبله کاه
 ملا یوندر نستر ایدر ❦ و کاه بدنده شراب حاشا ❦ آب کوثره منقلب

اولور دیو ❦ کونا کون هذیانہ جسارت ایدرل ❦ جمله فسادک منشای
 جهالتدن متولد حب دنیادر ❦ انکچون الجهل اخوالکفر
 دنلشدر ❦ وقالدیکه کرامات اولیا بحشده ذکر اولندیغی اوزره
 اولیای کرام ذره قدر مغایر شریعت وضع و عمل الازل ❦ انلر
 مرآت الصفادر ❦ غبار دنیا ایله مغیر اولمازل ❦ سر رسول الله
 جمله دن ازید و او فر انلر مظهر اولغله ❦ هر آنده حضرت رسول الله
 متابع و مقتفیلر در ❦ ذات نبویدن صادر اولیان افعال انلردن
 صادر اولق امر محالدر ❦ بوندن بشقه نیجه خذله قومه اصولنه
 تعظیا مراعات ایدر ❦ دیو بین الغوام ❦ بروقف کلام وارد در
 واقعا دیدکری مشاهیر اصول که ❦ بایزید بسطامی ❦ و جنید
 و امثاللرندن صکره ❦ صاحب طرق اولان اعزه کرامدر ❦ حضرت
 مولانا ❦ و عبدالقادر کیلانی ❦ و بهاء الدین ❦ و بدوی حضراتی کبی
 موثوق الکلام اولان اعلام عدیده نک ❦ تحریر لری اوزره اولیای
 کرامدن اولدق لری متواتر مغنویدر ❦ سالک طریقلری اولان اهل
 علم و مشرع و متدین و متقی اولان ❦ بذوانه صمیمی محبت ایدر ❦ رز
 لکن غلطه ده سرشار نشوه صهبا اولوب ❦ استانبولده افراغ
 دعوی کرامت ایدن مخاذیل سفهایه ❦ و شکل و قیافتنی شبیکه
 اغفال عوام ایدن ❦ اصحاب زرق وریایه ❦ و مقابله کونلری حجره
 مخصوصنده ❦ عقد انجمن یاران ایدوب ❦ اراقده علی دده نماز
 قلوب مقابله به باشلدیلر می ❦ بر کره یوقله دیوب ❦ باشلدیلر ایسه
 نارکیله بی بر اقوب ❦ آبد سنسز نماز سنز ❦ مقابله به سرعت ایدن
 سقله منخوس اللقایه ❦ نه کونه اماله چشم محبت اولنور ❦ اصول
 مشارالیه انلری قبول ایلبه چکی نما یا ندر ❦ انه لبس من اهلك
 مصدوقی ❦ اولمقوله لری انلره نسبت ایلمک کوه کوه بی ادبکدر
 قزلباش طائفه سی ❦ حضرت مر تضایه منسوب کچندکری

معلومدر * بوصورته حضرت مرتضایه حرمله اول طائفه به ده
محبت ایلک لازمدر * حال بویه * قتل واستیصالری مشر و عدر
حالا راقم الحروف دخی نقشبندیه سالکی اولوب * لکن طوغریبی
بودر که * شریعت مطهره به ذره قدر مغایر * قول و فعلی و حب
دنیا سی اولان شخصی * جو سمداده پرواز ایدر کورسم * برو جهله
خاطریه اعتقاد دکل ظنک ظاسی خطور ایلز * وبرکوی مر حومک
دخی رد ایلدیکی اولمقوله اشخاصدر * یوقسه امعان اولنسه
طریقتی عین تصوف و حقیقتدر خدما صفادع ماکدر

وَمَا عَذْرُ لَدِي عَقْلٍ بِجَهْلٍ بِخَلْقِ الْأَسَافِلِ وَالْأَعَالِي

ماء نافیه در لبس معناسنه * عذر اسم مرفوعیدر * لذی عقل
جار و مجرور خبر منصوبیدر * بجهل نفیه متعلقدر * بآء سببیه در
یا خود حالدر * ملا بسا بجهل تقدیرنده در * بخلاق الاسافل
کله سنده بآء بجهل لفظنه متعلقدر * اسافل اسفلک جمعیدر
مراد فلک قمرک ماتحتیدر * اعالی اعلاک جمعیدر * مراد
ما فوقیدر * مفهوم بیت بودر که * عاقل و بالغ اولان کسه
جهلی سببیه * معرفت الهیدن محروم اولسه * حضور رب العزه ده
عذری قرین قبول اولماز * معلوم اوله که * عذر کله سنک اوج
معناسی وارددر * بری فعل معهودی بن ایشلدم دیمکدر
* و بریسی شو سببیه ایشلدم دیمکدر * ثالث ایشلدم لکن
من بعد ایشلم دیمکدر * بوراده مراد معنای ثالثدر * وعقل
لغته منع و قید معنای نه در * موصوفی ناسزا فعلدن منع
ایندیکیچون * قوت معهوده اطلاق اولندی * وعرفده بر نور
روحانیدر که * کند و سببه علوم ضروریه و نظریه ادراک
اولنور * وعقل ایچون درت مرتبه اثبات ایدرل * مرتبه اولی

عقل هیولانی در که عقل بالقوه دخی دیرل * معقولاتی ادرا که
استعداد محضدر * عقل اطفال کبی * مرتبه ثابته عقل بالملکه در که
ضروریاته علم و نفسک * اول ملکه ایله نظریات اکثسابنه
استعدادیدر * مفاد تکلیف بواسطه استعداددر * مرتبه ثالثه
عقل بالفعلدر که * نظریات اکثسابنه ملکه دن عبارتدر
* مرتبه رابعه عقل مستفاددر که * ادراک ایلدیکی نظریات
غائب اولیه جنی حیثیتله کند و ده حاضر اولمقدن عبارتدر
و جهل سید شریفک عشقنده وجودیدر * زیرا بر شئی
حقیقتک خلا فی اوزره بیامکدن عبارتدر * معدومک ذهنده
شیئینه ذهاسبله * تعریفنه وارد اولان اعتراضی دفع ایشلدر
به ضایر جهلی بسط و مرکبه تقسیم ایدرل * و بسطی
علم شاندن اولان کسه تک علمیه تعریف ایدرل * و جهل مرکبی
سید شریفک تعریفیه تعریف ایدرل * لسانمزد به بلدیکینده
بیمار ایله تعبیر اولنور * بعض اخبارده وارد اولشدر که * جهل
کفره * بیاض عینک سوادینه قربندن زیاده قریبدر * و بعض
محققین دیدیلر که * حق سبحانه و تعالی ملائکه ده عقلی بی شهوت
ترکیب ایلدی * و بهایمده شهوتی بی عقل ترتیب ایلدی * وانسانده
ایکبسنی جمع ایلدی * ایمدی عقلی شهوتنه غالب * یعنی کبر
و کلو سته مغلوب اولیان کسنه * ملائکه به ملحق اولور
شهوتی عقلنه غالب اولان * بهایمدن معدود اولور * و خنی اولیه که
اهل سنت دیرلر که * عاقل اولان کسنه * کرک صبی کرک بالغ اولسون
معرفت خالق بچونده جهالتی عذر دکلدر * زیرا * و فی انفسکم
افلا تبصرون * اولم بنظر و ا فی ملکوت السموات والارض * و کابن
من آیه فی السموات والارض یمرن علیها و هم عنها معرضون *
کریمه لری مقضاسی خالقک وجودینه دال اولان سموات

وارضین و ما فیہایہ نظر واستدلال واجبدر ❦ نه که بعض عرفای هوشمندان

❦ وفی کل شیء له آیه ❦ تدل علی انه واحد ❦ وبعضیلر ❦ واذا نظرت الی السماء بنظرة ❦ فاری السماء تدل انک واحد ❦ ❦ واذا نظرت الی الکواکب بنظرة ❦ فعلی المکوکب للکواکب شاهد ❦ فراندینی بر آورده ساحل بیان ایلش لر نابی مر حومک اشبو قطعہ سیدہ اعلا در

❦ کتاب کائنات اسرار حق بی دهن سویلر ❦

❦ سواد ممکنات آثار صنعی بی سخن سویلر ❦ ❦ سنک کوشکده استعداد یوق ادرا کنه یوقسه ❦

❦ لب جوده کمال صنعی هر برک چن سویلر ❦ یومبحث ❦ بیت سابق شرحی ضمننده دخی مندرج اولشیدی قالدیکه ❦ علمای کرام حضرت باری تعالی یه ❦ ایمانک وجوب و کفرک حرمتنه اتفاق ایلدیلر ❦ لکن وجوبی قلبیدر سمعیمیدر اختلاف ایلدیلر ❦ مشایخ حنفیه عقلی اولسنه ذاهب اولدیلر ❦ نه که حاکم شهید متقی نام کتابنده ❦ امام اعظم حضرت لرندن روایت ایدر که ❦ سموات وارضین خلقنی ❦ ونفستی و سائر مخلوقاتنی کوردیکچون جهلده برکسه نک عذری مقبول دکلدرد ❦ وینه امام اعظمندن روایت ایدر که ❦ حق سبحانه و تعالی رسول بعث ایلسه ❦ خلق اوزره ❦ حضرت خالق عقللریله بیلک واجبدر وروافض و ملاحده مذهبی بودر که ❦ عقلله برشی واجب و حرام اولماز ❦ هر تقدیر اشیا نک حسن و قبحنی عقلله بیلک جائز ایه ده دلیلری ❦ و ما کما معذبین حتی نبعث رسولا ❦ کریمه سیدر ❦ زیرا بعثت رسولدن اول ❦ عذاب نفی اولندی اکر عقلله وجوب و حرمت ثابت اولسه ❦ ترک ایلله عذاب اولنق

لازم ایدی ❦ پس ایت مر قومه ایلله لازم متفیدر ❦ كذلك ملزومه متفیدر ❦ انلره جواب ویریلور که ❦ آیت مر قومه قبل البعثه تارکدن متقی اولان صوم و صلوٰة و زکوة کبی مشروعاندر ❦ زیرا عقل بونلرک وجوبلرینه و کیفیت عمللرینه قبل البعثه مهتدی اولنق ممکن دکلدرد ❦ لکن صانع قدیمک وجودینه و وحدانیتنه ❦ انفسی و آفاقی دلائل ثابت اولوب و عاقل رؤیت آثار صنعله ❦ صانعنی بیلک ممکن اولغله ❦ استدلال واجبدر ❦ پس برکسه ده فرصت واستدلاله قدرت اولوب لکن استدلال الیلبوب ❦ اول حال اوزره فوت اولسه ❦ عندالله تعالی معذور اولماز حتی بعض مفسرین ❦ و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون ❦ کریمه سنی الالبعرفون ایلله تفسیر ایلدیلر قالدیکه میانده اولان خلاف مسطورک ثمره سی ❦ کند و سنه اصلا دعوت بالغ اولیان کمسه حقنده در ❦ عقلی موجب ایدنلره کوره معذور دکل ❦ موجب اولیانلره کوره معذور در ❦ بعض شراحک یسانی بودر ❦ وبعضیلر دیدیلر که ❦ البتہ ایمان بالله واجب اولغله ایمان ایلدیکی صورتده جهمنده مخلد قالور ❦ وعامة مشایخ حنفیه بونک اوزرینه در ❦ و امام اعظمک ظاهر روایتی بودر که بیلر رک وفات ایلسه ❦ جهمنده مخلد اولور ❦ و اشعری عقلله برشی واجب اولماز ❦ و حسن و قبح اشیا عقلله معلوم اولور دیرل ❦ انلره کوره معذور اولورل ❦ امام اعظمندن معذوریت روایتی دخی مر ویدر ❦ و آیت مر قومه ده نفی عذابی دنیاده واقع اولان عذاب استیصا له حل ایلش لردرد ❦ وبعضیلر آیت مر قومه ده ذکر اولنان رسول ضمننه ❦ عقلی دخی درج ایلدیلر قالدیکه مخلد فی النار اولدیلری صورتده ❦ کما ر عقابله می معاقب اولورل ❦ یوقسه عقابلری منتقصمی اولور ❦ بعضیلر دیدیلر که

عقاب کفار ایله معاقب اولور ❦ زیرا انلر کفار ایله همحالدیر
زیرا خالق و دین و ایمانه جاهل لرد ❦ بوجهته جهالت کفردر
❦ ولا تقولوا لمن اتى اليكم السلام لست مؤمنا ❦ کریمه سی
(من صلی صلوتنا و دخل مسجدنا واستقبل قبلتنا فهو مسلم)
حدیث شریفی احکام حقده اولان اسلام اوزره محمولدر
و بعض اهل تحقیق دیرلر که ❦ هر نقدر جاهل ایسه ده مصدق
اولغله عقابی متقص اولیق جائزدر ❦ و معتزله عنسدند
عقل ایمانی و شکر نعمتی موجب ❦ و بذاته احکامی مثبتدر ❦ و قالیدیکه
صبی عاقل امرنده ❦ یعنی استدلال ممکن اولور حالیده
اولسه ❦ کندوسنه معرفت الهی واجب اولور می اولمازمی
اختلاف وارددر ❦ شیخ ابومنصور مازیدی دیدیکه ❦ اول
صفتده اولان صبی اوزره ❦ معرفت الهی واجبدر ❦ و اکثر
مشایخ عراق بومذهبه متابعت ایلدیلر ❦ لکن بعض مشایخ
دیدیلر که ❦ قبل البلوغ برشی واجب دکلدر ❦ زیرا مکلف دکلدر
کذلک (رفع القلم عن ثلاث عن الصبی حتی یحکم الحدیث)
یور لغلله ❦ صبی اوزره احکام ترتب ایلز ❦ مازیدی حضرتلری
قلبی شریعه جل ایلدیلر ❦ یعنی صوم و صلوة کی احکام
ترتب ایلز ❦ ابومنصور ک دلیلی ❦ ان السمع والبصر والفؤاد
کل اولئک کان عنه مسئولا ❦ کریمه سیدر ❦ زیرا
سمع مسموعانه ❦ و بصر مبصرانه ❦ و قلب معقولانه مختصدر
حال بوکه سمع بصر عقلدن مستغنی دکلدر ❦ زیرا سمع حتی
و باطلی استماع ایدر ❦ لکن ینلرین عقلله تمیز ایدر ❦ کذلک
بصر کوردیکی حق و باطلی ❦ عقلله فرق ایدر ❦ بوحیثیه
مدار معارف و واجب عقل اولدی ❦ بالغ ایله صبی عاقل ایسه
عقلی محسوبند و مازیدی ❦ پس ان الذی عاقل قول

نعمیه اشارت اولور ❦ یعنی صبی عاقل ایمان باللّه عاقل
واسطه سبیل و خوبنده بالغ کی دیمکدر ❦ نه که قبل البلوغ
اسلامه کلسه ❦ بالاتفاق اسلامی ❦ کذلک ارتدادی صحیح اولور
اما صبی عاقلک ارتدادی صحیح اولوب ❦ لکن اسلامی صحیح
اولور ❦ اما احکام شرعیه ترتبندن حسب البنیه ❦ بالغ ایله غیر بالغ
بیننده فرق وارددر ❦ و قالیدیکه بعض اهل تحقیق بیان ایلدیلر که
برکسه میانه اسلامده نشأت ایدوب ❦ جهل و غفلت سبیله عقایدینی
تصحیح ایلماش اولسه ❦ اول کسه به حکما رد تله حکم اولور
والله الهادی الی سبیل الرشاد

❦ وَمَا اِيْمَانُ شَخْصٍ حَالِ بِأَسْ ❦ بِمَقْبُولٍ لَفَقْدِ اَلْمَسْأَلِ ❦

ما تا فیدر لیس معناسنه ❦ ایمان شخص اسم مرفوعیدر ❦ بمقبول
کله سی خبر منصوبیدر ❦ حال باس ظرفیت اوزره منصوبدر
زمان باس سبکنددر ❦ باس شدت و مضرت و عذاب
معنارینه در ❦ پای نحتیه ایله باس دیمدیکی ❦ فلم یك ینفهم
ایمانهم لما راوا باسنا ❦ کریمه سنه موافقت ایلچونددر
همره سی الفه قلب ایلکده جائزدر ❦ مفهوم یت بودر که
معاینه عذاب وقتنده حادث اولان ایمان که ❦ ایمان باس
و ایمان باس دخی دیرلر ❦ مقبول دکلدر ❦ یعنی اول کسه
عنسدالله مؤمن اولماز ❦ زیرا مقدما امر الهی به امثال ایدوب
ایمانه کلدی ❦ معلوم اوله که (ان العبد لن یموت حتی یری
موضع من الجنة والنار) حدیث شریفی اوزره مسلم و کافر
جمله سی البته فوت اولمازدن مقدم ❦ جنت و جهنمه ❦ مصیر
وما والری اوله جحق مکاتلرین معاینه ایدرلر ❦ بعض مؤمنه
حین انتقالنده انبساط و بشاشت حصول ا کما ینیدر ❦ پس

عمرینی کفر و ضلالتند که مشرک کافر مرد اولور ایکن
ذکر اولسان حدیث شریف مقتضای لا محاله مصیرینی و کندی
ایچون تهیئه قلنان عذاب و عقوبتی معاینه ایتمکله ﴿ ایمانه کلمه
ایمانی عندالله تعالی مقبول اولماز ﴿ زیرا حضرت حبیب جل و علا
﴿ فإني بك ينفعهم إيمانهم لما رأوا بأسنا ﴿ یورمشدر ﴿ والذين
يؤمنون بالغيب ﴿ کریمه سی مقتضای ایمان غیبی ایله
مأمور اولمغله کافر مر سومک ایمانی ایمان عینی اولور ﴿ كذلك
﴿ وليست التوبة للذين يعملون السيئات حتى حضر أحدهم
الموت قال اني تبت الان ﴿ کریمه سی مقتضای سنجه مقبول
دکدر ﴿ زیرا سبب شدن مراد کفر ﴿ یا خود نفاق در دیدلر ﴿ كذلك
فرعون خصوصند و ارد اولان ﴿ حتى اذا ادركه الفرق قال
آمنت انه لا اله الا الذي آمنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين ﴿
کریمه سی مصداقی اول آن بأسده اولان ایماتی حق جل
وعلی انکار ایدوب جوابنده ﴿ الان وقد عصيت قبل وكنت
من المفسدين ﴿ یورمشدر ﴿ اگر سؤال اولور سه که ﴿ بأسدن
مراد ذکر اولندیغی اوزره آخرته مخصوص اولان معاینه
عذاب شدیدر ﴿ یا خود سكرات موتدر ﴿ فرعونده ایسه اولخالده
ایکبسیده یوقدر ﴿ زیرا معاینه ایلدیکی استیصال دنیوی ایدی
جواب و یریلور که ﴿ اولابأس مطلقا شدت و عذابدر ﴿ نهایت
اول آنده سببی معاینه عذاب اولمغله ﴿ مسببی سببه اطلاق اولور
والان تحت ظلال سيوفده اولان ایمان دخی ﴿ مقبول اولماق لازم
کلور ﴿ ولو سلم محمدر که ﴿ اثنای غرقده مصیرینی دخی
معاینه ایتمس اوله ﴿ و غرق حالتی سكرات مقامنده در ﴿ قالديکه
حضرت شیخ اکبرک و بعض اصحاب تحقیقک یوباید نیمه
ناتدری وارن لکن بزرگ مبلغ ادراکی دکدر ﴿ و ذکر اولسان

دایله ﴿ یونس علیه السلام قومك ایمانیه اعتراض وارد اولور
زیرا ﴿ فلولا كانت قرية آمنت فنفعها إيمانها الا قوم يونس
لما آمنوا كشفنا عنهم عذاب الخزي ﴿ کریمه سی اوزره
ایمانلری بأس حالنده ایکن ﴿ مقبول بدرگاه اله اولمشدر ﴿ اكا
جواب و یریلور که ﴿ قوم يونسك ایمانلری بأس حالنده دکلدر
بلکه حضرت حق تعالی ﴿ ایمان و اطاعت ایللریچون عقوبت
علامتی ارأه ایلدی ﴿ بعینه تورا امرینه امثال ایلک ایچون
قوم موسی علیه السلام اوزره ﴿ جبل رفع اولندیغنه مما ثلدر
و بعض مفسرین آیت مر قومه ده واقع ﴿ الا کلمه سنی استثنایه
جل ایلوب ﴿ لکن معناسنه در دیدی ﴿ اوصورتده مفهوم شریف
ایمان قوم یونس اختیارلریله اولمغله ﴿ اوزرلرندن کشف عذاب
ترتب ایلدی دیمک اولور ﴿ خلاصه معلوم اولدیکه ﴿ ایمان بأس
مقبول دکدر ﴿ قالديکه توبه بأس ﴿ یعنی مؤمن عاصینک بأس
حالنده توبه سی مقبولدر ﴿ زیرا ﴿ وهو الذي يقبل التوبة
عن عباده ﴿ کریمه سی مطلقدر ﴿ مخصصی یوقدر
کذلك ﴿ ان الله يقبل التوبة مالم يغفر ﴿ حدیث شریفی دخی
دلالت ایدر ﴿ اما کافرك معرفت الهیدن بهره سی اولما مغلله
ابتداء ایمان و عرفاندن محرومدر ﴿ مؤمن عاصی حصه مند
معرفندر ﴿ و حال حال بقادر ﴿ الیتده بقا ابتدادن اسهلدر
بعض عرفا ایمان بسی وقتنده غرس اولنوب ﴿ لکن نشو و نما دن
بری اولان شجره تشبیه ایلدیلر ﴿ و توبه بأسی ملایمت هوا سببیه
ایام شتاده مثر اولان شجره تمثیل ایلدیلر

﴿ وَمَا أَفْعَالُ خَيْرٍ فِي الْحِسَابِ ﴿ مِنَ الْإِيمَانِ مَفْرُوضُ الْوَصَالِ ﴿

مالبس معناسنه نافیه در ﴿ افعال خیر اسم مر فوعیدر ﴿ افعالک

اضافتی موصوفک صفتی قبیلندندر * مسجد الجامع کی
بعضی یسایه در دیدی * فی الحساب محلا منصوب مانک
خبریدر * من الایمان حساب کلمه سنه متعلقدر * مفروض
الوصال ایمانندن حالدر * تذکیری مذکور اعتباریله در
مفهوم یت بودر که * وصالی مفروض اولان صوم و صلوة صکی
اعمال حسنه ایمانندن محسوب دکلدر * یعنی ایمانک مفهومند
داخل دکلدر * هر قدر وجود ده وصالی مفروض ایسه ده
زیرا ایمانندن عاری اولان اعمال صالحه * معدوم مثابه سنده در
* معلوم اوله که * و ایمان المقلد یتنک شرحنده تثبیت اولندیغی
اوزره ایمانک مفهومند درت وجه اوزره اختلاف اولندی
بعضی ایمانندن شرط عدد ایلدیلر * امام اعظم حضرت نری
عمل ایمانده داخل دکلدر دیدیلر * و وجوه عدیده ایله احتجاج
ایلدیلر * اولای ایمان لغتده نقل شهادتی * و موارد استعمال دلالتیله
تصدیق دیرلر * و شرعه معنای آخردن نقل اولندی * پس
تصدیق دیدیکمز ذاتنده زیاده نقصان قبول ایتمز بر معنادر *
مثلا مصدق تصدیقنه طاعات ضم ایسه * یا خود معاصی
ارتکاب ایسه * تصدیق ینه بر حال اوزره اولوب * قطعاً متغیر
اولاز * اگر طاعات متفاوته نک اسمی اولیدی * قلت و کثرت
جهتیه متفاوت اولور ایدی * بناء علیه امام رازی و سائر بعض
کار دیدیلر که * اشبوذکر اولسان تفسیر ایمانک فرعیدر * اگر
تصدیق دینورسه تفاوت یوقدر * و اگر اعمالدر دینورسه
تفاوت در کاردر * وجه ثانی * مقدمه بیان اولندیغی اوزره
نص واجماعله ثابت اولدی که * ایمان معاینه عذاب حالنده
نافع دکلدر * بوصورنده بدیهیدر که * معاینه عذاب حالنده
مقدور اولان انجلی تصدیق و اقراردر * یوقسه اعمال

دکلدر * وجه ثالث * ایمانی اثباتدن صکره * یا نیهالذین آمنوا
کتب علیکم الصیام * کریمه سی کی * اوامر و نواهی به
دال اولان نصوص قاطعه در * وجه رابع * ایمان و اعمالک
متفارق اولدقلزین دال اولان نصوصدر * ان الذین آمنوا
و عملوا الصالحات * کریمه سی کی * زیرا عملی ایمان اوزره
عطف ایمانک مغایرتی اقتضایدر * اگر شوال اولنورسه که
عمل حقیقت ایمانک جزئیدر جزء ایسه کله مغایر اولغسله
عملی ایمان اوزره عطفدن * عملک حقیقت ایمانده داخل اولماسی
لازم کلز * جواب و یریلور که * اگر حقیقت ایمانده غیر داخل
اولسه تکرار بلا فائده لازم کاور * و اگر اعتراض اولنورسه که
تخصیص بعد التعمیم قبیلندن اولسون * جواب و یریلور که
رمز تینه بنی اولور * شانه اعتناء کی تصدیق * یا خود اقراری
تخصیص ایلک هر وجهله اهمدر * كذلك * و من بعمل
من الصالحات وهو مؤمن * کریمه سیده عمل ایمانده
داخل اولدیغنه دلالت ایدر * زیرا آیت مر قومه ده عمل
صحیح ایمانه شرط اولدی * شرط ایسه مشروطک غیریدر
وجه خامس * بعضا ایمان و معاصینک اجتماعلرینه * دال اولان
آیات کریمه در * الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم * و * والذین
آمنوا ولم یهاجروا * و * وان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا *
کریمه لری کی * وجه سادس * ایمانک شرط عبادات
اولدیغنه اجماعک ثبوتدر * وجه سابع * اگر ایمان اسم طاعت
اولیدی یا مجموعتک اسمی یا خود بعضینک اسمی اولور ایدی
صورت اولده بعض اعمالک انتفا سیله * ایمانک انتفا سی لازم
کاور * بوصورنده تصدیق و اقرار ایدوب * هنوز صلوة و صوم
کی عبادات اتیان ایلان کسه مؤمن اولماقی اقتضای ایدر

اجماع ایسه بونک خلافت و تصدیق و اقرار عقینده و فات ایدن
کسه نك مؤمن اولسنه منعقد در * و صورت ثانیه تعیین
شرعی صادر اولما مشدر * وجه ثامن * جبریل امین ایمانی
سئوال ابلدکده حضرت رسول الله (ان تؤمن بالله و ملائکته)
الح عبارتله تصدیقن عبارت اولدیغنی بیان ایدوب * وان عمل
عنواتی ضم ایلا مشدر * امام مالک و شافعی و اهل حدیث
و اشاعره و معتزله و اهل ایدوب * اعمال حسنه ایمانده
داخلدر * و زیاده و نقصان قبول ایدر * دعوا لرینه عقلی
و نقلی احتیاج ایلدیلر * دلیل عقلی بودر که * اگر ایمان و عمل
متفاوت اولسیدی احاد امتک * بلکه فسق و فجوره منہمک اولان
اشخاصک ایمانلری انبیای عظام * و ملائکه کرامک ایمانلرینه
مشاوی اولق لازم اولور ایدی * لازم ایسه قطعاً باطلدر * دلیل
نقلی بویابده وارد اولان نصوص کثیره در * و اذا تلیت علیهم
آیاته زادتهم ایمانا * و لیرزادوا ایماناً مع ایمانهم * و برزاد الذین
آمنوا ایمانا * کریمه لری کبی * و این عمر رضی الله عنہمادن
مروی اولان (قلنا یا رسول الله ان الایمان یزید و ینقص قال نعم
یزید حتی یدخل صاحبہ الجنة و ینقص حتی یدخل صاحبہ
النار) حدیثی و (لو وزن ایمان ابی بکر یا ایمان هذه الامة لرجح به)
حدیث شریفی کبی حنفیه طرفندن بونلره وجوه عسیدیه ایله
جواب و یریلور * وجه اول * مراد دوام و ثبات و کثرت ازمان
و ساعات حسبیه زیاده اولقدردر * وجه مرقوم امام حریمینک
کلام آتسی مالبذر * زیرا مشارالیه دیمشدر که * جناب
رسول الله حضرتلرینک افراد ناسه تمضلی تصدیق نبوینک
استراری و حضرت حفسک کندوسنی خامره شکوکدن
عصمتیه در * و تصدیق امر عرض اولوب * بقاسی تجد امثالده

اولغله * حضرت رسول الله متوالبا و ماعداده فترات اوزره
واقع اولق ملا بسه سی * حضرت رسول الله بو وجهله
اعداد ایمان ثابت اولور که * ماعداده انک بعضی ثابت اولور
بس پوشیوه اوزره اولان زیاده منازع فیه دکلدر * مراد
ذکر اولندیغنی اوزره بحسب الازمان اولوب * لا بحسب
اصل الایمان اولماغله * حصول مثل شیئک انعدا مندن مسکره
اولغله * زیاده ترتب ایلر دیو اعتراض وارد اولماز * مع هذا
مانحن فیه زیاده اعداد در * وجه ثانی * زیاده دن مراد مؤمن به
زیاده سی حیثیتیه در * مثلاً صحابه کرام ابتدای اسلاملرنده
فی الجملة یعنی بطریق الاجمال ایمان ایدوب * اول اواند
متعاقباً فروض متوارده اولغله * هر فرض خاص نزولنده
ایمان ایدرلر ایدی * بو وجهله مؤمن به میانلرنده تفاوت وار ایدی
خلاصه سی بودر که * ایمان اجمالاً معلوم اولان ماده ده اجمالاً
واجب و تفصیلاً معلوم اولان ماده ده تفصیلاً واجبدر * کثرت
و قلت جهتندن ملاحظه تفاصیلده * ناس ایسه متفاوت اولغله
بو وجهله ایمانلری زیاده و نقصان ایله متفاوت اولور * وجه ثالث
زیاده دن مراد ثمره ایمان و قلبده نورینک اشراقیدر که * طاعاتله
متراند و معاصی ایله متقص اولور * عرفانک * الایمان له اصل
و ثمره * دیدکلری بوکه اشارتدر * امام رازی توفیقده ذاهب
اولوب دیدیکه * تصدیق طاعاتله کامل اولور * قالدیکه
ایمانک زیاده و نقصان قبول ایلدیکنه دلالت ایدن * دلیلار
تصدیقن عبارت اولان اصل ایمانه منصرف * و زیاده
و نقصان قبولنه دلالت ایدن دلیلار * ایمان کامله منعطف
اولور * علامه تفازانینک عقاید شرحنده * وجوه مسروده
طاعاتی ایمان کاملدن رکن عد ایدن مذهبه کوره منشی اولماز

نته که امام شافعی اکاذا هبدر دیمکه * امامله متحد اولدیلر
وبعض محققین دیدیلر که * حقیقت تصدیق زیاده ونقصان
قبول ایلمدیکی مسلدکدر * بلکه ضعف وقوت جهتیه
متفاوت اولور * بولکلام صحائف صاحبک کلامنه قریبدر
صاحب صحایف دیمشدر که * حق اولان بودر که * ایمان زیاده
ونقصانه قابلدرد * کرک طاعات معناسنه اولسون * وکرک
تصدیق معناسنه اولسون * طاعات معناسنه اولورسه ظاهردر
تصدیق معناسنه اولدیغی حینده تصدیق قبله اولور که
اعتقاد جازمدن عبارتدر * بویاسنه ضعف وشدتی قبول ایدر
قالدیکه * علم کلامده بومبحث دخی طویل الذیل اولغله
تفصیلاتی شرح مواقف * وشرح جوهره التوحید کبی *
مفضلاته مشبع و مشبعدر والسلام

وَلَا يَقْضَىٰ بِكُفْرٍ وَارْتِدَادٍ بِعَهْرِ أَوْ بَقِيَّةٍ وَأَخْتِرَالِ

لانا فیه در * بقضی * قضادن مستقبل مجهولدر * بکفر فاعل
مقامنه قائمدر * بآء الصاقیه در * لایقضی احد بکفر سبکنده در
وارتداد معطوفدر * بعهر لایقضی فعلنه متعلقدر * بآء
سببیه در * عهر عین مهمله تک قحی وهانک سکونیه زنا
معناسنه در * اخترالی انقطاع معناسنه اولغله * مراد قطع
اعضا و غصب اموال کبی ظلم و جنایتدر * مفهوم یت بودر که
برکسه یه محظورات شرعیه دن اولان زنا * و قتل نفوس
وغصب اموال کبی * افعال منهیه ارتکابیله کفر و ارتداد یله
حکم جائز دکدر * معلوم اوله که * کفر کله سنی لغتده ستر و انکار
معنارینه در * طائفه کفره * حتی ستر و انکار ایتد کلر بچون
کاورانه نسیمه اولدیلر * و عرف شرعده ایمان شانیدن اولان

کسنه تک عدم ایمانه اطلاق اولنور * پس ایمانه ینلرنده تقابل
العدم والمسلکه اولور * وکفری واجب الایمان اولنری انکاردن
عبارتدر * دینلره کوره ینلرنده تقابل تضاد اولور * وکفران
اکثری نعمتده استعمال اولنور که * شکر مقابل اولور * وکفور
انکار دینده * وانکار نعمتده ده استعمال اولنور * وکفر قول ایله
وفعل ایله ده اولور * ایمانی معرفت ایله تفسیر ایدنلره کوره
کفر جهل بالله اولور * وایمانی طاعاتله تفسیر ایدنلره کوره
کفر معاصیدن اولور * خوارج اکاذا هبدر * بعض علمانک
بیاننه کوره معتزله دیرلر که * معصیت اوج قسمدرد * بر قسمی
کفردر که * جهل بالله دلالت ایدن معصیتدر * سب رسول
ومحرف شریفی قاذوراته القا ایلک کبی * و بر قسمی * فاعلی کفر
وفسوقله متصف اولماز * وانکله متصف بالایمان اولق ممنوع
اولماز * سغه وکشف عورت کبی * و بر قسمی * ایماندن خروجی
وکفر ایله اتصافی موجب اولماز * بلکه فسوق و فحشور ایله
اتصافی مستوجب اولور * قتل عمد وزنا و شرب خمر کبی * و ایمانی
تصدیقدن عبارت ایدنلره کوره * کفر تکذیبدن عبارت اولور
امام غزالی نیک معتبری بودر * لکن بویکه کوره مصدق و مکذب
اولیانه کافر اطلاق اولنماقی اقتضا ایدر * مترددین کبی لکن
توجیه اولنور که * هر کس ایمانه و کفردن اجتنابله مأمور اولغله
محض ایمان امر یله مؤتمر اولدیغیچون ونظر واستدلالله ایمان
ایلمدیکیچون اطلاق اولنور * وتصدیق وتکذیب میساننده شک
او اوب شک ایسه کفر اولدیغی بی شکدر * وکفردرت نوع اوزره در
* نوع اول * کفر انکار ایدر که * قلب ولسانیله انکاردن
عبارتدر * کفر ابوجهل کبی * نوع ثانی * کفر بحودیدر که قلبیه
یلوب لسانیله اعتراف ایلمامکدر * کفر ابلیس ویهود کبی

نوع ثالث ❦ کفر عاریدر که قلبیه یلوب اعتراف ایدر ❦ لکن مثلبه
 عاردر ز عجله متدین اولماز ❦ کفر ابو طالب کبی بعضیلر بو که
 کفر عنادی اطلاق ایدر ❦ نوع رابع ❦ کفر نفاقیدر که لسانله
 اقرار ایدوب قلبیه تصدیق ایلامکدن عبارتدر ❦ کفر ابن ابی بن
 سلول کبی انوا عنک اردلی بودر ❦ پس کافر ایمانی اولیان
 کسه در ❦ لکن عرف واستعمالده وحدانیتی انکار واسناد شرکت
 ایدنه مشرک ❦ و رسالت رسول اللهی سلب ایدنه کافر ❦ واعتقادینی
 اخلال ایدوب ظاهرا ایمان اظهار ایدنه منافق ❦ وبعد الایمان
 کفر طریان ایدنه مرتد ❦ وبعضی کتب وادیان منسوخه ایله
 متدین اولانه کابی ❦ وقدم دهری قائل اولوب ❦ حوادثی دهرة
 اسناد ایدنه دهری ❦ وقطعا خالق اثبات ایمانه معطل ❦ ونصوصه
 مغایر محض کفر اولان عقاید تبطین ایدوب ❦ ظاهرا اسلام اظهار
 ایدن ملحد زندق ❦ اطلاق اولنور ❦ ومعاصی دخی ایکی قسمدر
 کیره وصغیره در ❦ کیره ابن عمر رضی الله عنهما دن مروی
 اولدینی اوزره طقوزدر ❦ شرک بالله تعالی ❦ بغیر حق قتل نفس
 وقذف محصنه ❦ وزنا ❦ وفرار عن الجهاد ❦ وسحر ❦ واکل مال یتیم
 وعقوق الوالدین المسلمین ❦ والحساد ❦ یعنی خروج عن مأمور
 الشرع فی الحرم ❦ ابوهریره رضی الله عنه اکل ربابی ❦ وعلى
 کرم الله وجهه سرقه وشرب خمری زیاده ایلدیلر ❦ وبعضیلر
 اصرار اولنسان کاه کیره ❦ واصرار اولنیمان صغیره در دیدی
 صاحب کفایه دیمشدر که ❦ کیره وصغیره اسم اضافیلر در
 مافوقه نسبت اولنسان معصیت صغیره در ❦ مادونه اضافت
 قبلنسان کیره در ❦ لاصغیره مع الاصرار ❦ ولا کیره مع الاستغفار
 قولی کلام اولی مؤید در ❦ بعد هذا اهل سنت اتفاق ایتدیلر که
 شرکدن ماعدا کیره مؤهنی ایمندن اخراج ایلز ❦ بلکه اول مؤمن

ایمانبله مطیع ❦ وفسقی مسیبله عاصیدر ❦ زیرا ایمانک مفهومی
 اولان تصدیق کندوسبله قائمدر ❦ وحق سبحانه وتعالی آیات
 عدیده ده مذنبین وعاصینه ❦ ایمان اسمی اطلاق ایشدر
 ❦ یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی ❦
 کریمه سنده اولدینی کبی و ❦ ان الله لا یغفر ان یشرک به ویغفر
 ما دون ذلك لمن یشاء ❦ کریمه سی کبی زیرا بوآیت کریمه
 دلالت ایدر که ❦ اهل کباردن بغیر التوبه فوت اولان کسه
 مظهر غفران اولوب ❦ لکن اهل شرک محروم اولور
 مرجئه طائفه سی زعم ایدر که ❦ مؤمن ارتکاب کیره ایدر سه ده
 فاسق وعاصی اولماز ❦ بلکه مؤمن صالحدر ❦ واکا عقاب جائز
 اولماز ❦ من غیر توبه فوت اولور سه ده ❦ زیرا مرجئه عندنه
 حسنه کفر ایله نافع اولدینی ❦ سبئه ده ایمانله مضر اولماز
 مذهب عا طلاری باطلدر ❦ زیرا فسق وعصیان طاعتدن
 خروجدر ❦ مرتکب کبار بلکه مرتکب صغائر طاعتدن
 خارج اولغله عاصیلر در ❦ ازارقه طائفه سی دیدیلر که ❦ صاحب
 کیره مشرکدر ❦ زیرا هم الله ایچون وهم غیری یعنی یا نفسی
 ویاخود شیطان ایچون عمل ایدر ❦ بودخی باطلدر ❦ زیرا
 اصطلاح شرعه مشرک ❦ حق تعالی به الوهیتده شریک اعتقاد
 ایدن کسه دن عبارتدر ❦ صاحب کیره بو حالده اولدینی
 ظاهر در ❦ وجهور خوارج ذاهب اولدیلر که ❦ کیره یاخود
 صغیره ارتکاب ایدن کسه کافر اولور ❦ وبعضیلر صغیره ایله
 کیره یننی فرق ایلدیلر ❦ جمله سی مرتکب کبار جهنمده مخلد
 اولور دیرل ❦ ومعتزله مذهبی بودر که ❦ مرتکب کیره کافر
 دکلددر ❦ زیرا مصدقدر ❦ مؤمن دخی دکلددر ❦ زیرا ایمان
 مأمور اولدینمز جمیع طاعاتی ایباندن عبارتدر ❦ کباردن

اجتناب ايلك دخی جمله مأمورا تندر * بوجهتله مؤمن اولوب
بلکه فاسق اولغله * توبه سز فوت اولورسه * مخلد فی النار
اولور * معتزله نك شهید لریك بری بودر که * صاحب کیره نك
فاسق اولدیغی متفق * لکن کافر اولدیغی بمختلف اولغله
مختلفی ترك ایدوب * متفی اخذ ایلک واجبندر * اکا جواب
ویریلور که * بو حکم بلکه متفی ترکدر * زیرا یا مؤمن اولور
یا خود کافر اولور * ینلرنده واسطه یوقدر * اتفاق دکل بلکه
بر فردک قائل اولدیغی اخذ ایلکدر * بر شبهه لری بودر که
﴿ اغن کان مؤمن کن کان فاشقا ﴾ کریمه سی (ولا امان
لمن لا امانه له) حدیثی اوزره فاسق مؤمن دکلدر * زیرا مؤمنه
مقابل ذکر اولندی * انله جواب ویریلور که * آیت مرقومه ده
فاسقندن مراد کافر در * زیرا کفر اعظم فسوقدر * وحدیث
شریف فاسقک مؤمن اولدیغنه دال اولان آیات واحادیث
دلایله تغلیظ * ومعاضیدن زجر * وخطرده مبالغه طریقه سی
اوزره وارد اولمشدر * بر شبهه لریده بودر که * فاسق حقنده
مال و دمنک عصمتی و مسلمان وارثیتی و مناسک و غسل و صلوة
جنایزه سی ادا و مقابر مسلمینده دفن اولنق کبی مؤمن مطلق
احکامی * و دم و لعن و امانه و قضا و شهادته عدم اهلیت کبی
کافر احکامی جاری اولور * بوجهتله انلرایچون منزله
بین المنزلین اولوب * کندیله نه مؤمن ونه کافر اطلاق اولنور
بو که جواب ویریلور که اثبات ایلدیکنز احکام کافر مؤمنه نجاوز
ایلیان خواص دکلدر * بلکه کافره * وبعض مؤمننه عام اولان
احکامدر * و خوارجک شبهه لری * عصا نك کفر بی ناطق
نصوصدر * و من بعض الله و رسوله یدخله ناراً خالدا فیها *
و ﴿ بلی من کسب سیئه و احاطت به خطیئته فاوئک اصحاب النار

هم فیها خالدون * و ﴿ و من لم یحکم بما انزل الله فاوئک هم
الکافرون ﴾ و ﴿ و من یقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا
فیها ﴾ کریمه لری (و من ترک الصلوة متعمدا فقد کفر)
حدیث شریفدر * زیرا آیتین اولین و رابعه * عاصینک مخلد
فی النار اوللرینه دلالت ایدر * خلود فی النار ایسه کافره
مخصوصدر * آیت ثالثه وحدیث * عاصینک کافر اولسنه دلالت
ایدر * انله جواب ویریلور که * نصوص مرقومه ظواهر لری
اوزره محمول دکلدر * زیرا مرتکب کیره نك عدم کفرینه
دال اولان دلایل قاطعه وارددر * پس آیتین اولین کفار
مکذبین حقلرنده اولوب * و آیت ثالثه نك معنسی * کفرا واعنادا
حکم ایلیان * وحدیث شریفک معنسی کفره قریب اولور
دیمک * یا خود استحلال اعتبار یله اولق جائزدر * و آیت
رابعه دخی استحلاله منیدر * نته که ابن عباس اکا ذاهبدر
زیرا فی الحقیقه قصدا قتل مؤمن * انجق مستحیلدن صادر اولور
یا خود مشتق و موصوفه حکم حبیتی مشعر اولغله * معنای
شریف مؤمنی ایمانی ایچون قتل ایدن دیمک اوله * یا خود تقدیر
دوام معناسنده ظاهر ایسه ده بومقامده ادله ینلرین جمع ایچون
مکث طویل مراد اوله * نته که تورانده دخی * دوام معناسنه
اولان عولام لفظی مکث طویل معناسنه استعمال اولمشدر
اگر سؤال اولنورسه که * خلودک متیادری دخی معنای تأییددر
کذلک * و ما جعلناک لبشر من قبلك الخلد * کریمه سنده
مراد معنای حقیقی اولان تأییددر * کذلک ﴿ و خالدین فیها ایدا ﴾
کریمه لرنده تأیید لفظیه مؤکد اولغله بر شئی تأکید مدلولانی
تقویه در * کذلک خمدوده مقرون اولان عیومات کفاره ده
مناول اولغله * کفار حقنده خلوددن مراد تأیید اولدیغی

متفقد * پس فساق حقه دخی معنای هر قوم اراده
اول نور * زیرا اراده اول منسه مشترک یکی معنای و یا خود
حقیقت و مجازینسین جمع لازم کلور * شرح مقاصد ذکر
اول ندیغی اوزره * انله بو وجهله جواب ویریلور که * خلود
لفظندن متبادر استعمالده شایع و ذایع اولان دوام معنای
اول دیغی بی اشتباهدر * لکن بعضا مکث طویل منقطعده دخی
استعمال اولور * سجن مخلد و وقف مخلد کبی * بو جهته محتمل
اولوب قطعی اولماز * و مطلق مکث طویل معنای اراده ده نفی
اشترک اولغله اولوبتی ثابتدر * بعده مکث طویل کرک معنای
حقیقی و کرک مجازی اعتبار اولسون * حق کفارده دوامله
و حق فسادده انقطاع اولمقدن اعددر * بو صورته جیعا
اراده اولملرنده محذور یوقدر * و بصورته تأیید تأکید اولوب
بلکه تقید اولور * و لوسلم مراد طول مکث تأکید در حبس مؤید
وقف مؤید تعبیر اولندیغی کبی والسلام

ومن ینوارتدادا بعدده ینصر عن دین حق ذانسلال

من کله سی شرطیه در * ینوی نیتدن فعل مستقبلدر * من جزم
ایلمکله آخرندن یاء ساقط اولمشدر * فاعلی من کله سنه راجعدر
ارتدادا مفعولیدر * بعد دهر ظرفدر * یصر کله سی صار بصیردن
فعل ناقصدر * اسم ضمیر مستنیر من کله سنه راجعدر * ذانسلال
خبریدر * جمله سی جزایه در * علامت جزم آخرندن حرکه نک
سقوطیدر * اجتماع ساکنین محذوری ایچون یاء دخی ساقط
اولدی * عن دین حق * مؤخر انسلال کله سنه متعلقدر * صاحب
انسلال سکنددر * انسلال خبیثه جیماقی معناسنددر که * رکیده
صیرلق تعبیر اولور * مفهوم یت بودر که * موقتا معاذ الله تعالی

ارتداد قصد و نیت ایدن کسنه * فی الحال دیندن چیقوب کافر
اولور * معلوم اوله که * یا ایها الذین آمنوا * کریمه سنده آمنوا
لفظی * اثبتوا فی الایمان ایله مفسر اولغله * ایمان مأمور ایمان ثابت
و مستدام اولغله * زمان استقبالده رده نیت ایدن کسه نیتی انده
اسلامدن خارج و کفره داخل اولور * زیرا نیت کفر نیت تصدیق
ازاله ایدر * كذلك کفر نفسنه راضی اولمش اولور * بوایسه
بالاجاع کفردر * و ناطمک نیتدن مرادی عزم و قصددر * کفری
قصد ایسه کفر اولغله * بالا تفاق معفو دکلددر * زیرا حق سبحانه
و تعالی ماعدای شرکی عفو ایدر * لکن سبئه به قصد بونک
خلافه در * زیرا سبئه به قصد کرچه سبئه در (فامان هم بسبئه
ولم یعملها لم یکتب علیه شیء وان عملها کتب علیه سبئه) حدیث
شریف مقتضای معفودر * معتزله و خوارج دیدیلر که * سبئه به
قصد دخی کفره قصد کبی معفو دکلددر * و خفی اولیه که * دفتر
اعماله مکتوب اولیان قصد سبئه خاطره اولوب * ارتکابی معزوم
اولیاندر * یوقسه محققون دیدیلر که * معزوم اولان سبئه
جریده به کتب اولنور * لکن تحت مشیت الهیده اولغله * عفو
قابلدر * و قالدیکه * کفرک معزوم اولیان خطراتی * خارج حبظه
وسع اولغله کفر دکلددر * و تردد دخی کفردر * زیرا تصدیقه منافی
اولغله متردد اولوب * مؤمن قطعی اولماز * بو جهته امام اعظم
حضرتلری استثنای منع ایلدی یعنی * انامؤمن ان شاء الله ذیمک
جائز دکلددر * بلکه انامؤمن حقا ذیمک لازمدر دیدی * زیرا تصدیق
امر معلومدر * تحقیقی حینده تردد اولماز * و تحقیقده تردد ایدن
مؤمن اولماز * وجهور معتزله و خوارج و کرامیه بحسب الاستقبال
جائزدر * بحسب الحال جائز دکلددر دیدیلر * دلیللری بودر که
زیرا بو مقامده استثناء ترک ایچونددر * شک و تردد ایچون دکلددر

نه که ❦ لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمین ❦ کریمه سنده
فقط تبرک ایچوند ❦ زیرا حق تعالی اوزره شک و تردد ممتنعدر ❦ كذلك
حضرت رسول الله علیه الصلوة والسلام مقابره خروجلرنده
وانا ان شاء الله بکم لاحقون ❦ پیور دیلر استثناسی موت لحوقنده
شکه مبنی اولمدیغی بی اربابدر ❦ بو کلامره ینه جواب ویریلور که
اناؤمن ان شاء الله قولي ❦ ایمانک مشیت الهی تقدیرله ثبوتنه
حکمدر ❦ یوقسه فی الواقع حکم دکلد ❦ بوا یسه شکی موجبدر
وعند التبرک ❦ بومعنائی مراد ایدرسکن ❦ حاصل معنی بزایمانم زده
تبرک ایچون شک ایده رز دیمک اولور ❦ بوا یسه ظاهر الفساددر
واکر بومعنائک غیر مراد ایدر اصلاتبرک بولنماز ❦ زیرا تبرک انجیق
حکمی مشیت الهی به تعلیقده اولور ❦ حال بو که تصرف مزبور
لفظی غیر مدلولنه صرف ایلمکدر ❦ و آیت مر قومه تمسکرینه
جواب ویریلور که ❦ جائزدر ❦ کلام مر قوم ❦ قل تقدیرله حضرت
رسول الله ❦ یاخود جبریل امینه مستند اولغله ❦ معنای شریف
❦ قل لهم لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله ❦ دیمک اوله ❦ بوجهتله
استثناء حضرت رسول الله ❦ یاخود جبریل امین حضرت نرینه مستند
اولور ❦ یاخود کلام مزبور ❦ حق تعالی به مستند اولور ❦ لکن شک
سامعه نسبتله اولور ❦ یاخود ان شاء کله سنده ان لفظی
اذ معناسنه حل اولنورنه که ❦ واتم الاعلون ان کتم مؤمنین
کریمه سنده اذ کتم معناسنه در ❦ وحديث مذکوره تمسکرینه
جواب اولنور که ❦ ذکر اولنسان کلام نبویدن موتی مشیت تعلیق
منفهم اولماز ❦ بلکه قبور مخصوصه اهلنه حقوق وانلرایله اجتماعی
مشیت تعلیق فهم اولنور ❦ بوا یسه امر ممکن اولغله ❦ شک تطرقنه
قابلدر ❦ و بحسب الاستقبال استثنای نبویز ایدنلرک احتیاج جبری
اولور ❦ مستند اولان موت و مدینه بانی اولان ایمان اولور ❦ و هر گاه

انده لامحاله شک ایدر اولغله ❦ بحسب العاقبه استثنای صحیح اولور
هر تقدیر بحسب الحال صحیح اولماز سه ده ❦ بو که جواب ویریلور که
هر نه کونه اولور ایه ایمانده شک (من شک فی ایمانه فقد کفر
حدیثی منطوقجه عین کفری ❦ یاخود قرب کفری موجبدر
کذلك شک و تردد هر تقدیر بحسب الاستقبال اولور سه ده ❦ حال
شکده ضعف ایمانی مستوجب اولور ❦ زیرا اول حالده ایمان
استقبالسنده شکی واقع اولور ❦ كذلك حالده دخی شکی موهم
اولور ❦ بوندن بشقه شک و تردد طرفینی مساوی اولان ماده ده
اولور ❦ طرفک بری راجع اولدقده ❦ انده شک و ترددک معنایی
یوقدر ❦ و برشی فی الحال حاصل اولسه ❦ خلافتنه دلیل قائم اولدقده
استقبالده دخی حصولی ظاهر و غالبدر ❦ حال بو که مؤمنه
واجبدر که ❦ قادر اولدقجه ایمان اوزره مستمر اولمق نیتنه ثابت
اوله نه که ❦ ولا تموتن الا واتم مسیون ❦ کریمه سی انی ناطقد

❦ وَلَقَدْ الْكَفَرُ مِنْ غَيْرِ اعْتِقَادٍ ❦ بِطَوَّعٍ رَدِّ دِينٍ بِاغْتِفَالٍ ❦

ولفظ الکفر مبتدادر ❦ من غیر اعتقاد ❦ جار و مجرور حال
موقعنده در ❦ بطوع کله سنده باء مع معناسنه در ❦ رد دین مبتدایک
خبریدر ❦ باغتفال کله سنده باء سیبیه در ❦ اغتفال غفندن
افتعالدر ❦ مفهوم یت بودر که ❦ برکسه جهالتی سیبیه کفر
اولدیغی بتبرک طوع و اختیار یله برکله کفر تقوه ایلسه ❦ اول
کسه دائره اسلامدن چیقوب ظلمت آباد کفره داخل اولور
معلوم اوله که ❦ بومسئله دن دخی اختلاف واردر ❦ ائمه بحاری
وسمرقند اتفاق ایلدیلر که ❦ جاهل طائعا کله کفری تقوه ایلسه
کافر اولور ❦ زیرا جهل معذور دکلد ❦ و فتوی دخی بوقول
اوزره در ❦ پس اول کسه به استغفار ❦ و بتجدید ایمان و بتجدید

نکاح ايلك واجب اولور ❦ بعض علما ديدير كه ❦ عامه علما نك دخی
قولى بودر ❦ و بعضياردن كافر اوليه جغى مرويدر ❦ و بوقول
تصحیح ايدر ❦ لكن ظاهر بعض مزبور ك كلامی اول كسه تفوه
ايلديكي كلمه كفر اولديغنی ييلوب ❦ و معناسنه اعتقادی اولديغنی
صورته مبنيدر ❦ لكن كلمه كفری تفوه ايدوب ❦ و معناسنی بيلمسه
قاضیخانده ذكر اولسان اختلاف من غير ترجیح مسطور اولمغله
اكا كوره طرفينده رجحان ثابت دكلدر ❦ و اكر بالا اعتقاد تفوه
ايدرسه ❦ بالاتفاق كافر اولور ❦ و اكر على سبيل الخطاء سبق لسان
واقع اولور ايسه ❦ بالاتفاق كافر اولماز ❦ لكن مؤمنه لایق اولان
بودر كه ❦ اولمقوله كلمه لسانی آشنا ايلوب ❦ طبعی شوخ و بذله
جوى ايسه ده ❦ دائما مسامح شرعی تحتده اولان ❦ كلامله مانوس
اوله ❦ زیرا لسان فواحشه مألوف اولور سه ❦ اولمقوله كلمات
تفوهنه مؤدی اولور ❦ قالدیکه ❦ ذكر اولنان مسئله طوع و اختیاريله
تکلم ابتدکی صورته در ❦ اما اكر اعله تفوه ايدرسه ❦ انده تفصيل
اولمشدر ❦ اكر اكر اه قتل و اتلاف اعضا و ایلام شديد ايله
اولور ايسه كافر اولماز ❦ لكن بای حال قلبه ثبات و اطمینان
لازمدر ❦ اما بوضورته عدم كفری استحسانيدر ❦ زیرا قیاس
كفری مقتضيدر ❦ زیرا بعض ائمه عندده مختار اولان تصدیق
و اقرار اولمغله ❦ لسانه كلمه كفر اجرا سبله اقرار ❦ انكاره مؤدی
اولمغین كفر اولور ❦ و اكر اكر اه حبس و قید و اتلاف مالله
اولور ايسه بالاتفاق كافر در ❦ و من يكفر بالايمان فقد حبط
عمله ❦ كرمه سی منطوقجه عملی حبط اولور ❦ و زوجه سی پيشنده
فرقت واقع اولور ❦ تجدید ايمان ايدرسه ده ❦ امام شافعی ديمشدر كه
عمل انجق كفر اوزره انتقال ايدرسه باطل اولور ❦ لكن امام
اعظم حضرت تری عندده ❦ اولانده مجبوتر ❦ بس حجتی و ارايسه

اعاده ايلك واجيدر ❦ زیرا حجت وقتی آخر عمره قدر ممتدر ❦ كذلك
اول وقتده ادای صلوٰه ایلد كدنصره ❦ آخر وقتده اسلامه
كلسه ❦ صلوٰه مزبور ك اعاده سی واجيدر ❦ اما ایام ارتدادده واقع
اولان فوائت ك قضای اتفاقا واجب دكلدر ❦ قالدیکه مؤمنه
لازمدر كه ❦ هر صباح و مساتضرع و نیاز ايله ❦ اشو دعای شریفه
دمساز اوله ❦ اللهم انی اعوذ بك من ان اشرك بك شيئا و انا اعلم به
و استغفرك مما لا اعلم و انت تعلم

❦ وَلَا يُحْكَمْ بِكُفْرِ حَالٍ سَكْرٍ ❦ بِمَا يَهْدِي وَيَلْفُو بِأَرْجَائِهِ ❦

لا ناهیه در ❦ بحکم مستقبل مجهولدر و مجزومدر ❦ بكفر نائب
فاعلدر ❦ حال سكر ظرفیت اوزره منصوبدر ❦ بما يهدي كلمه سنده
باء سببيه در ❦ ماء مصدریه در ❦ يهدي هذياندن مستقبل معلومدر
هذيان ساقط الاعتبار اولان كلام يا خود كلام فاحشدر ❦ يلفو
لفودن مستقبلدر ❦ عبث كلامه دير ❦ يهدي و يلفو كلمه لرینك
فاعلری سكرانه راجعدر ❦ زیرا معنامد كور اولان مبنامد كور
معرضنده در ❦ بارجال كلمه سنده باء يهدي فعلنه متعلقدر ❦ ارجال
من غیر تفكر ❦ یعنی بالبدیهه تكلم معناسنده در ❦ مفهوم بیت بودر كه
کیفیت خرايله سرخوش اولان كسه ❦ سكرنده كلمه كفر تفوه ايلسه
كفريله حکم اولنماز ❦ معلوم اوله كه ❦ سكر بر حالته كه شارب ايله
عقلی بينه عارض اولور ❦ بعضيارد عندده بر سرور در كه
بعض اسبابنه مباشرته عقله غالب اولوب ❦ انسانی موجب عقليله
عملدن منع ❦ و حد سكری امام اعظم حضرت تری ارضی سمدن ❦ و رجلی
مرأه دن تمیز ايلام كلمه بیان ايلدی ❦ و امامین كلامك مختلط
اولوب مستقیم اولامسبيله تفسیر ايلدی ❦ مرجع بیانین واحددر
سكرانك وجه مشروح اوزره عدم كفری استحسانيدر ❦ قیاس

اولان کفر بدر * زیرا کلام کفری متفوه اولدی * یناء علیه
 طلاق واقع * وعتاق و بیع شرایی صحیحدر * وجه استحسان
 بودر که * سکران اول هذیانله * کفری قصد و اعتقاد ایلدیکندن
 بشقه عقلنده نوع خلل عارض اولشدر * و تحریم خربابنده
 نازل اولان آیات کریمه دن * یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلوة
 وانتم سکاری * کریمه سنده و او حالیه اولوب * واحوال
 شروط اولغله * خطاب سکارایه اولغین مؤمن ایله تسمیه
 اولملری دلیلدر * سکرانک ایسه حال سکرنده * کلام کفر تفوهندن
 سلامتلی نادردر * حتی فقهای عظام طلاقک وقوعنی زجره
 یناء ایلدیلر * و آیت مرقومه نک سبب نزولی اولان وقعه دخی
 عدم کفرینه دلیلدر * وقعه بودر که * اصحابدن بری سرشار کیف
 ایکن صلوة مغریده امامت ایدوب سورة کافرون تلاوت ایتمکله
 بالجملة لا آت نافیة بی نقیله قرائت ایلشدر * و سکرانا فوت اولسه
 بحر یکران عفو و عنایت ربانیدن قطرة مغفرت رجا اولنور
 * انه هو الغفور الرحیم * والسلام

❦ وَمَا الْمَعْدُومُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا لَقِيَ لَاحَ فِي يَمَنِ الْهِلَالِ ❦

ماء لبس معناسنهدر * المعدوم اسم مرفوعیدر * مر بار ویتدن اسم
 مفعولدر * خبر منصوبدر * و شینا معطوفدر * لام لفقّه تعلیلیهدر
 فقه فهم و علم معناسنهدر * لاح ظهر معناسنهدر * جمله سی صفتدر
 یمن الهلال صفتک موصوفه اضافتی قیلنددر * اخلاق ثیاب
 کبی فی الهلال المیون المبارک تاویلندهدر * هلال اول شهر دن
 اوچ کیجه لکه قدر اطلاق اولنور * مفهوم بیت بودر که * معدومه
 حال عدمنده رؤیت الهی تعلق ایلز * واکا شیء لفظی دخی اطلاق
 اولنماز * بودعوایه بکا هلالدن ظاهر اولان علم دلیلدر * زیرا قبل

الطلوع معدوم اولغله * غیر مرئی اولوب طلوع ایلدیکه تدریحی
 مرئی اولور * قبل الطلوع مرئی اولدیفندن * معلوم اولدیکه رؤیتک
 انتقاسی علتک * و رؤیتدن اولان شرطک * یعنی وجودک انتقاسندن
 ناشیدر * و وجود شاهده علت اولغله * غائبده دخی علت اولور
 زیرا شاهد و غائبده علت تبدلی ممتعدر * و خفی اولیه که * معدومک
 ایکی نوعی وار * بری معدوم ممتنع * و بریسی معدوم ممکندر * معدوم
 ممتنع * وجودی ممتنع و عدمی واجب اوله * شریک باری کبی
 واجتماع ضدین کبی * معدوم ممکن * وجود و عدمی کندوسنه
 نسبتله مساوی اوله * نوع اوله * بالاتفاق رؤیت تعلق ایلز
 و بالاتفاق شیء اطلاق اولنماز * زیرا من کل الوجوه ثبوتی ممتعدر
 نوع ثانی به * قبل وجوده رؤیتک تعلقنده اختلاف وارددر * اهل
 سنت دیدیلر که * معدوم ممکنه * رؤیتک تعلق ممتعدر * زیرا
 علت رؤیت وجوددر * وجود ایسه متفیدر * كذلك حال
 عدم من حیث هو هو * رؤیت و عدم رؤیتله متفاوت اولماز
 معدوم ممتنع بالاتفاق رؤیت تعلق ممتنع اولجه ممکن الوجود
 اولان معدومه ده تعلقک امتناعی لازم اولور * زیرا الحسالة هذه
 اودخی معدومدر * سائیه و مقعیه طائفه لری دیرلر که * عالمه
 قبل الوجود ازله * رؤیت الهی تعلق ایلشدر * زیرا رؤیت
 صفت الهی اولغله * سائر صفات کبی کامله اولق لازمدر * اگر
 معدومه رؤیتی تعلق ایلمسه * بعض صفاتنده قصور اولق اقتضا
 ایدر * حضرت حق سبحانه و تعالی قصور دن مزهدر * انلره
 جواب و یریلور که * کلام کزه کوره مثلا * اجتماع نقیضینه ده
 قدرک عدم تعلقندن نقص تطرقی اقتضا ایدر * حال بوکه
 فی ذاته مستحیل اولغله تحت مقدورده داخل اولماغله صفت
 قدرنده قصور لازم کلز * كذلك حال عدمده معدومه رؤیتک

عدم تعلقی نقصی موجب دکلدر ❦ و معدوم مرتبی اولسه ❦ عالمک
قدمی لازم کلور بوايسه باطلدر ❦ كذلك ❦ فقل اعلموا فیسری الله
عملکم ورسوله ❦ کریمه سنده رؤیتی صبغة استقباله تعبیر
بیور مغله ❦ عملارینک قبل الوجود غیر مرتبی اولدیغنه دلالت ایدر
و معدوم ممکنه شیء اطلاقک جوازنده دخی اختلاف ایلدیلر
معتزله دیدیلرکه ❦ معدوم ممکن خارجده ثابت اولمغله ❦ شیء اسمی
اطلاق اولنور ❦ و بود عوارینه وجوه ایله احتجاج ایلدیلر ❦ وجه
اول ❦ معدوم ممکن متمیزدر ❦ و هر متمیز ثابت اولمغله ❦ معدوم دخی
ثابتدر ❦ وجه تمیزی بودرکه ❦ زیرا بعضا معلوم و بعضا مقدور
و بعضا مراد اولمغله ❦ غیر معلومدن و غیر مقدوردن و غیر مراددن
تمیز اولور ❦ اما کبری که هر متمیزک ثبوتدر ❦ زیرا عقل عندنده
انجیح هذا و ذاك مدلولی کبی ❦ اشارت عقلیه ایله متصور اولور
اشارت ایسه مشارالیهک ثبوتی اقتضا ایدر ❦ زیرا نفی صرفه
اشارت بالضروره ممتنعدر ❦ اکا جواب ویریلورکه ❦ اگر مراد
تمیز خارجده ثبوتی اقتضا ایدر دیمک ایسه ممنوعدر ❦ اگر متمیز
بحسب الخارج اولیدی ثبوت خارجی لازم اولور ایدی ❦ و اگر
مراد دهندده ثبوتی اقتضا ایدر دیمک ایسه ❦ فائده بی مفید اولدیغی
نظا هر در ❦ وجه ثانی ❦ معدوم معهود ممکندر ❦ و هر ممکن ثابتدر
زیرا امکان وصف ثبوتی اولمغله ❦ بالضروره موصوف ثابت اولور
اکا جواب ویریلورکه ❦ امکانک ثابت فی الخارج اولمق معناسنه
وصف ثبوتی اولمسی ممنوعدر ❦ بلکه اعتبار عقلی اولمغله ❦ موصوفک
عقلده ثبوتی کفایت ایدر ❦ وجه ثالث ❦ معدوم ممکنک خارجده
ثابت اولمسی ممتنعدر ❦ زیرا مثلاً سواد معدوم فی نفسه سواد دو
گانه غیر موجود اولمسون گرک اولسون ❦ زیرا سواد اولمسی بالحق
اولسه ❦ اول غیرک ارتفاعده سوادک سواد اولمسیده مرتفع اولور

لازم ایسه باطلدر ❦ زیرا سوادک سوادیتی موجب اولان غیرک
ارتفاعده سواد موجودک سواد اولدیغی حالده عدم بقاسنی
مستلزم اولور بوايسه محالدر ❦ اکا جواب ویریلورکه ❦ استلزام
مر قوم ممنوعدر ❦ سوادک وجودی سوادیتی موجب اولان غیرک
ارتفاعده باقی اولیدی ❦ استلزام مر قوم متحقق اولور ایدی بوايسه
ممنوعدر ❦ زیرا جائزدرکه ❦ اول غیرک ارتفاعی سوادک ارتفاعی
موجب اولدیغی کبی ❦ وجودینکده ارتفاعی موجب اوله ❦ زیرا
ذکر اولنان غیر سوادک وجودینه و لازمده علت اولور ❦ اهل
سنت مذهبی بودرکه ❦ معدوم ممکنه شیء اطلاقی جائز دکلدر
زیرا شیء لفظی موجود ایله مراد قدر ❦ یعنی هر موجود شیء
و هر شیء موجود اولمغله ❦ مفهومی ملحق ملابسہ سی لفظان
متراد فاند ❦ نه که ذکر یا علیه السلام قصه سنده ❦ و قد خلقتک
من قبل ولم تک شئاً ❦ کریمه سی ناطقدر ❦ زیرا قبل الخلق یقیناً
معدوم اولوب و کثودن شیء اسمی سلب اولندی ❦ و معتزله تک
تمسک ایلدکلری ❦ ان زلزلة الساعة شیء عظیم ❦ کریمه سنده
زلزله معدوم ایکن شیء ایله تسمیه اولندی ❦ كذلك ❦ انما قولنا
لشیء اذا اردناه ان نقول له کن فیکون ❦ کریمه سنده قبل الوجود
شیء ایله تسمیه اولندی ❦ انله جواب ویریلورکه ❦ زلزله به
کذلك مراد الهی اولان غیر موجود شیء اطلاقلری مایول
البه اعتباریله مجازدر ❦ انک میت وانهم میتون ❦ قبیلندندر
شرح عقائده علامه تفتازانی دیمشدرکه ❦ اگر شبهه ثابت متحقق
مراد اولور سه حکم ضروریدر ❦ معتزله دن غیرینک بوند
تراعی یوقدر ❦ زیرا معتزله معدوم ممکن خارجده ثابتدر دیرلر
و اگر معدومه شیء اطلاق اولنماز ❦ مراد اولنور سه بحث لغوی
اولمغله شئی موجود ایله یا خود معدوم ایله تفسیره مینیدر ❦ وجه

محرر اوزره اساس نزاع ابتدا تعریفیدر * طوالع شارحی اصفهانی
مرحومك بسطی بو و تیره اوزره در که * اولاً * معلوم خارجده
متحقق اولورسه موجود * و اولمازسه معدومدر * بعضیلر تقسیمی
تثلیث ایدوب دیدیلر که * خارجده متحقق اولان اگر تحقیقی غیره
تابع اولیوب بالنفس اولورسه موجود * و اگر تحقیقی غیره تحقیقه
تابع اولورسه حالددر * اجناس و فصول کبی * معترله بو کونه
تقسیم ایتدیلر که * اگر معلوم فی نفسه خارجده متقرر و متمیز
اولورسه شیء و ثابتدر * و اگر اولمازسه منفیدر متمنع کبی * ثابت
دخی اعیانده کندی ایچون کون اولورسه موجود * و اگر اولمازسه
معدومدر * بو وجهله منفی به معدوم اطلاق ایدرلر * و ثابتی موجوددن
اعم اعتبار ایدرلر * و معدومی منفیدن اعم دیرلر * و بعضیلری
حال دخی اثبات ایدرلر * فلاسفه نك دخی تقسیمی بشقه در
و هر مذهبك مرجع مخصوصی واردر * مفصلاته مذکوردر

❦ و دنیا نا حدیث و الهیولی ❦ عدییم الیکون فاسمع باجندال ❦

دنیا نا مبتدادر متکلم مع الغیر ضمیرینه مضافدر * اضافتی تحقیق
میندر * حدیث خبریدر * فعلیل بمعنی فاعل اولغله تذکیر و تأنیثی
مساویدر * الهیولی مبتدادر * عدییم الیکون خبریدر * باجندال
حال موقعنده در * ملتبساً باجندال تقدیرنده در * اجندال فرح
و سرور معناسنددر * مفهوم یت بودر که * دنیا که اشبهو عالم
کون و فساددر * جمیع اجزاسیله حادثدر * یعنی صکره دن وجوده
کشددر * و فلاسفه نك هیولی دیدکلری * اصل عالم اوله جقشددر
اصلی بو قدر * عدییم و غیره موجوددر * سن فرح قلبله بو کلامی
اوزره گوش هوش الیه * معلوم اوله که * دنیا فاک فرق مانعیدر
سکان بو قدر که آخرت معالیدر که * اشبهو عالم عاوی و منقلبدر

وحدوت عدمدن وجوده خروجددر * کافه اهل سنت عندنده
جمله سموات و ارضین و ما فیها جمیع اجزاسیله محدثدر * معدوم
ایکن ایجاد رب العالمینله موجود اولدی * و خفی اولیه که وحدوت
اجسامده بحسب الفرض محتمل اولان درتدر * وجه اول * محدث
الذات و الصفات اولق * ثانی * قدیم الذات و الصفات اولق
ثالث * قدیم الذات محدث الصفات اولق * رابع * محدث الذات قدیم
الصفات اولقدر * اشبور در نبی احتماله بر فرد قائل دکدر * لکن
اوج اولکی به * احتمالاتده اختلاف واقع اولشددر * احتمال اوله که
ذاتاً و صفاتاً محدث اولسیدر * اهل اسلام و نصاری و یهود
و مجوس قائل اولدیلر * احتمال ثانی به * حکمای متقدمیندن ارسطو
و ثاوفرسطس و ثامسطیوس و برقلس * و متأخریندن ابونصر
فارابی و ابن سینا ذاهب اولوب دیدیلر که * افلاک بذواتها و صفاتها
المعینه قدیملردر * صفات معیندن مراد لری * مقدار و شکل
وامور قاره لازمه دن * بونلرک مجراسته جاری اوللردر * لکن
حرکات و اوضاع لری حادثدر * آخر ایله مسبو قدر دیرلر * كذلك
عناصر بموادها * و صور جسمیه سی بنوعها * و صور نوعیه سی
بجنسها قدیمدر * بشخصها حادثدر دیرلر * زیرا هر اتصال
طریان انفصاله منافی اولغله * اتصال آخرت محدث ایدر * و احتمال
ثالثه * ارسطودن مقدم اولان فلاسفه ذاهب اولدیلر * ثالثس
و انکساغورس و فیثاغورس و سقراط کبی * و مانویه و ویصانیه
و مرقبونیه و ماهانیه و ثنویه طائفه لری دخی * بو مذهب اوزره دیرلر
بعده ماده نك حقیقتنده اختلاف ایلدیلر * بر فرقه سی ماده
جسمندر دیدیلر * ثالثس حکیم ضودر * زیرا هر صورته قابلددر
تکشف و ایجاد ایله کندودن ارض * و تلطفله نار و هوا تسکون
ایلدی دیرلر * و بر فرقه سی اصل ماده ارضدر * باقی تلطفله

کنندیدن حاصل اولدی دیرلر ❦ وانکسپالپس حکیم هوادریدی
 ابرقبطس ناردردیدی ❦ انکساغورس خلیط غیر متاهیدر
 دیدی ❦ ذیمقراطیس کریه الشکل قسمت و همیه به قابل اجزای
 کیره در دیدی ❦ وهربری مذهبه کوره ادله واهیه ایله اثبات
 قیدنده اولدیلر ❦ بو مختصر تفصیلنه محل دکلدر ❦ وهیولی لفظ
 یونانیسه قطن معناسنه اولغله ❦ حکماء طینت عالمده استعمال
 ایلدیلر ❦ بعد ذا عالمک بذواتها وصفاتها حدوثه اهل اسلام
 بوکونه استدلال ایلدیلرکه ❦ عالم دیدیکمز اعیان واعراضدن
 عبارتدر ❦ اعیان بنفسه قائم اولان شئدر ❦ جسم و جوهر کی
 اعراض غیر ایله قائم اولان شئدر ❦ حرکت و سکون ولون و صوت
 کبی ❦ اما اعیانک حدوثی ثابتدر ❦ زیرا حادث اولسه ازلی
 اولق اقتضا ایدر ❦ ازلی اولدبغی صورته لامحاله ساکن اولور
 زیرا ساکن اولسه بالضروره متحرک اولور ❦ بو ایسه ممتنعدر
 زیرا حرکت ازله منافی غیر ایله مسبوقیت اقتضا ایدر ❦ زیرا
 ماهیت حرکت غیرک فنا شدن صکره بر امرک حصولدر ❦ بو ایسه
 غیر ایله مسبوقیتی اقتضا ایدر ❦ حال بوکه ازل غیر ایله لامسبوقیت
 اقتضا ایدر ماهیتدر ❦ لازم حرکت اولان مسبوقیت بال غیر ایله
 لازم ازل اولان لامسبوقیت بال غیرینلرنده منافات واردر ❦ ولایمک
 منافاتی ملزومک منافاته ملزوم اولغله ❦ حرکت و ازل یینده
 منافات تحقیق ایلمکین اجسامک ازله تحرکی ممتنع اولدی ❦ زیرا
 متافانیننی جمع ایلمک ممتنعدر ❦ ایددی اجسامک ازله متحرک اولسی
 ممتنع اولنجه ازله ساکن اولسی متعین اولدی ❦ بو صورته اجسامک
 ابدی متحرک اولماسی لازم کلور ❦ لازم ایسه ظاهر الفساد در
 زیرا جمیع اجسام فلکیه و عنصریه ک حرکتی مشاهددر
 و ملازمه ک یانی بودرکه ❦ ازله ساکن اولانک سکونی بالذاته

اولور ❦ یاخود لغیره اولور ❦ لذاته اولور سه سکونک انفکاک
 ممتنع اولور ❦ لغیره اولور سه سکوننه علت اولان غیر مرقوم البته
 موجب اولق لازمدر ❦ زیرا موجب اولر سه بالضروره مختار
 اولور ❦ مختار اولدبغی صورته فعلی محدث اولغله مختاریت
 جائز دکلدر ❦ پس موجب اولق متعین اولدی ❦ بو صورته
 اول موجب یا واجب ❦ یاخود واجب منتهی اولور ❦ زیرا صورت
 خلافی دور و تسلسلی مستلزمدر ❦ وجوب یا وجوبه انتها صورته لرنده
 دوام موجبله سکونک دوامی لازم کلور ❦ دوامی حینده اجسامک
 ابدی عدم حرکتی اقتضا ایدر ❦ بو ایسه باطلدر ❦ پس جسمک
 ازله متحرک ❦ یاخود ساکن اولسی ممتنع اولنجه ازله وجودی
 دخی ممتنع اولغله مطلوب اولان حدوثی ثابت اولور ❦ اما اعراضک
 حدوثی بعضی مشاهده و بعضی دلیل ایله ثابتدر ❦ زیرا مثلا
 ساکن متحرک اولدقده حرکتک حدوثی بالمشاهده یلنور
 و سکونک حدوثی بالدلیل یلنور ❦ زیرا حدوث حرکت ایله سکون
 منعدم اولغله عدمه قابل اولور ❦ عدمه قابل اولان شی ایسه
 حادثدر ❦ زیرا قدیم اولسه قدم عدمه منافی اولغله عدمی محال
 اولور ❦ و حدوث عالمه دال اولان ادله نقلیه ایله کتاب و سنت
 مشحوندر ❦ و بعض کتب کلامیه ده مذهب فلاسفه تفریق
 اولنمبوب علی الاطلاق بوکونه تقریر اولنمشدر که ❦ فلاسفه
 طائفه سی دیرلر که ❦ هیولی اصل عالمدر ❦ قابلدر و قدیمدر ❦ عالم
 انک صورتیدر و مقبولیدر ❦ احدهما آخردن اصلا منفک اولماز
 و تغیر اعراض حادثه کسیدر ❦ زیرا حادث مسبوق بالعدم اولان
 شی اولغله اعراض حادث زمانی اولور ❦ و حدوث زمانی تقدم
 ماده و مدتی اقتضا ایدر ❦ ماده دن مراد لری حادثه موضوع
 و محل اولان شئدر ❦ اگر عرض اولور ایسه ❦ یاخود هیولادر

اگر صورت اولورایسه ❦ یا خود متعلقیدر ❦ اگر نفس اولورایسه
و تقدم ماده اقتضاسنك دليلی بودر که ❦ چونکه حادث مسبوق
بالعدم اولغله ممکن اولور ❦ زیرا انقلاب متمعدر ❦ هر ممکن ایچون
ایسه لامحاله امکان متحققدر ❦ و امکان وجودیدر اضافی اولغله
و عرضدر ❦ عرض ایسه محل موجود استدعا ایدر ❦ محل موجود
حادث مرقومك نفسی دکلدر ❦ زیرا شبثك نفسی اوزره ❦ تقدیمی
لازم کلور ❦ و امر مفصلده دکلدر ❦ زیرا امکان شبثك امر
منفصل ایله قیامتك معناسی یوقدر ❦ بلکه متعلق اولور که ماده ایله
مراد بودر ❦ پس ماده ك تقدیمی ثابتدر ❦ و تقدم مدت اقتضاسنك
وجهی بودر که ❦ حادث انجق وجودی عدم ایله مسبوق اولان
شیدر ❦ عدمك وجودی اوزره ❦ سبق انجق زمانه منعقل اولور
و یو دلیللار ينك مبناسی بودر که ❦ فلاسفه بالاستقراء تقدیمی
بش نوعه حصر ایتدیلر ❦ اول ❦ تقدم بالعليه در ❦ حرکت يدك
حرکت مفتاح اوزره تقدیمی کبی ❦ ثانی ❦ تقدم بالطبعدر ❦ جزو ك
کل اوزره تقدیمی کبی ❦ ثالث ❦ بالزماندر ❦ ابك این اوزره تقدیمی کبی
رابع ❦ بالشرفدر ❦ عالمك متعل اوزره تقدیمی کبی ❦ خامس ❦ بالرتبه در
بو تقدم بعضا حکم ترتیب و بعضك بعض اوزره ❦ تقدیمیه اولغله
حمی اولور ❦ و بعضا ترتیب و تقدم مذکور امور معقوله ده
اولغله عقلی اولور ❦ و بی نلردن هر بری بعضا بحسب الطبع
و بعضا بحسب الوضع اولور ❦ رأسك رقبه ❦ و امامك مأموم
و جنسك نوع و بعض مسائل علمك بعض اوزره ❦ تقدیملری کبی
و معلومدر که ❦ عدم حادثك وجودی اوزره تقدیمی ❦ انجق بالزمان
اولور ❦ فلاسفه ك دليل اوللرتنه جواب ویریلور که ❦ اگر
امكانه ماهیت ممکنه دن ❦ امکان ذاتی مراد اولورایسه ❦ خارجده
موجود محل استدعا در ❦ امر متحقق اولق معناسند وجودی

اولسی ممنوعدر ❦ و اگر امکان استعدادی مراد اولور سه
هر حادثك قبل الوجود امکان استعدادی ایله ممکن اولسی ممنوعدر
زیرا ماده سز ❦ و امور معدده ماده ستر حادث اولق جا زدر
و بویکیفیت انقلاب اولماز ❦ زیرا وجوب و امتناعه مقابل اولان
امکان ذاتیدر ❦ امکان استعدادی دکلدر ❦ و دلیل نایلرینه
جواب ویریلور که ❦ تقدمك ذکر اولندیغی اوزره ❦ انواع خسه ده
انحصاری ممنوعدر ❦ زیرا دونکی كونك بویکونه تقدیمی که بعض
اجزای زمانك بعضی اوزره تقدیمیدر ❦ بالعليه و بالطبع و بالشرف
و بالرتبه اولدیغی کبی بالزمان دخی دکلدر ❦ زیرا مقدم و مقدم علیه
نفس زمانلردر ❦ زمانی دکلدر ❦ کرچه بوجوابه ده اعتراض
وارد اولور ❦ لکن بوقباله محلی دکلدر ❦ مفصلا ته مراجعت اولنه

❦ وَإِنَّ السُّحْتَ رِزْقٌ مِّثْلَ حَلٍّ ❦ وَإِنَّ يَكْرَهُ مَقَالِي كُلِّ قَالٍ ❦

ان حرف مشبیه بالفعلدر ❦ السحت اسم منسوب ❦ رزق
خبر مرفوعیدر ❦ سحت ضم سبتله حرام معناسنه در ❦ حل
کسر حایله حلال معناسنه در ❦ و ان یکره کله سنده ان وصلیه در
واوی عاطفه در ❦ ان لم یکره الحب و ان یکره فکذا تقدیرنده در
قال کله سی قلادن اسم فاعلدر بغض معناسنه در ❦ مقال ایله قالی یبندده
جناس ناقص وارددر ❦ مفهوم یت بودر که ❦ حرام دخی حلال
کبی رزق در سوق الهیله انسانه واصلدر ❦ معتزله بونك خلافتنه
اولغله راضی دکلدر ❦ معلوم اوله که ❦ رزق اول نسنه در که
حق جل و علی آتی حیوانه سوق و حیوان اکل ایلیه ❦ بعض
معتزله رزق اول مملو کدر که ❦ انی مالکی اکل ایدر ❦ بعضیلر عتدنده
اول نسنه در که ❦ کند و سیله انتفاعدن منع اولنیه ❦ پس اهل
سنت تعریفنه کوره حرام دخی داخلدر ❦ معتزله تعریفلرینه کوره

حلاله مختص اولور ❦ واهل سنت عندندہ حیوانان دن هر بری
 حلال و حرام رزق مقدرینی استیفا ایدر ❦ وانسان کنندی رزقنی
 اکل ایتماک ❦ یاخود غیرک رزقنی اکل ایتمک متصور اولماز ❦ اما
 معتزله عندندہ انسان کنندی رزقنی اکل ایتماک ❦ وغیرک رزقنی
 اکل ایتمک متصور در ❦ و ذکر اولسان اختلافک مبناسی بودر که
 رزق اهل سنت عندندہ دخی تغدی ایچون مقدر غدادر ❦ علامه
 فقہازانی دیمشدر که ❦ رزق حضرت حقک حیوانه منتفع بهدن
 سوق ایلدیکی شیء اولغله انسان ودواب وسائرک رزقنی داخل
 اولور ❦ ومنتفع به اولیان خارج اولور ❦ نقدر سوق انتفاع ایچون
 ایسه ده ❦ زیرا برکسه بر شئ مالک ❦ وانکله انتفاعه مقدر
 اولسد ده انکله انتفاع ایله اول کسه نک رزقنی دکل ایمش دیرلر
 سید شریف قدس سره شرح موافقده ثبت صحیفه بیان
 ایلدیکی بودر که ❦ اشاعره عندندہ رزق ذی حیات اولانک
 هرا انتفاع ایلدیکی نسنه دن عبارتدر ❦ کرک تغدی و کرک غیری
 وجه ایله اولسون ❦ و کرک مباح یاخود حرام اولسون ❦ و شرح
 مقاصد ده مسطور در که ❦ رزق حضرت حقک عبادہ سوق
 ایدوب وانلرک اکل ایلدیکی نسنه ایله تعریف ایدلره کوره عرفا
 غیر ما کول رزق اولماز ❦ هر نقدر رزق اطلاق صحیح ایسه ده
 نه صکه رزقه الله ولدا صالحا دیرلر ❦ وعبدی تغلیبا بهایمه ده
 تعمیم ایلمک لازمدر ❦ و انتفاع ایله تفسیر ایدلر منتفع به مراد
 ایدرلر ❦ یاخود رزق ارتزاق معناسنه مصدر مبنی للمفعول اخذ
 ایدرلر ❦ ایمدی حضرت رزاق بیچوتک حیوان معینه تقدیر ایلدیکی
 رزق معین سائره غذا اولماز ❦ کرک اول غدایه مالک اولسون
 کرک اولسون ❦ وانسان حلاله تغدی ایلدیکی کبی ❦ حرامله ده
 تغدی ایدر ❦ اگر سوال اولور سه که ❦ حرام رزق اولوب ومعنای

رزقه حضرت حقه اضافت معتبر ❦ والله ذوالجلال دن غیری
 رزاق ناموجود اولدیغی صورته ❦ حق تعالی عبادہ حرامی
 رزق تعین ایلمک لازم ❦ و بوتقدیرده عباد اکل حرام ضمیمه
 عقابه مستحق اولماق مقتضی اولور ❦ زیرا حضرت باری به
 مستند اولان شی قبیح ومرتکبی ذم وعقابه محل وجدیر اولماز
 اکا جواب ویریلور که ❦ وجه محرر اوزره اکل حرامک عقابه
 استحقاقی سببه مباشرتی وسوء اختیاری ❦ وامر الهی به مخالفته
 مبنیدر ❦ ومعتزله عندندہ ذکر اولسان تعریفلری موجبیه رزق
 مالک اولغله حرام مالک اولماز ❦ نه که ❦ و ما رزقنا هم ینفقون ❦
 کریمه سی اکا دالدر ❦ زیرا و ما ملکناعم یخرجون الزکوة
 والصدقه معناسنه در ❦ كذلك عباد حقنه تقدیر رزق حلال
 اصلحدر ❦ تقدیر خرام صورتی ظلمی مستوجبدر ❦ انلره جواب
 ویریلور که ❦ آیت مرقومه ده رزق تقدیر غذا ایله مفسردر
 بوا یسه تملیکک غیریدر ❦ شرح مقاصد ده مسطور در که ❦ رزق
 مالک ایله تفسیر مطرد و منعکس دکلدر ❦ یعنی اغیارینی مانع
 وافرادی جامع دکلدر ❦ زیرا اول تعریفه کوره مالک الهی داخل
 ورزق دواب ❦ بلکه رزق عبید و آماء خارج اولور ❦ کرچه
 دوابک اکل ایلدیکنه رزق اطلاق مملوک ما کول انسانه تشبیه
 طریقه مبنی اولغله ❦ رزق لفظی دوابه نسبت مجازدر ❦ لکن
 حقیقت و مجازیتنی جمع خصوصاً تعریفانده مجاز استعمالی هجتنی
 لازم کلور ❦ ومعتزله به اعتراض وارد اولور که ❦ برکسه مدت
 عمرنده حرامله تعیش ایله ❦ حق تعالی انی مرزوق ایلماک
 لازم کلور ❦ بوا یسه ❦ و ما من دابة الا علی الله رزقها ❦ نص
 شریفله باطلدر ❦ معتزله طرفندن بو که جواب ممکندر که ❦ حضرت
 حق اول کسه بی ارتزاق مباحه سوق ایلدی ❦ لکن سوء اختیاری

للدعوات جار ومجرور ظرف مستقر خبر مقدم * دعوات قطع
عينه جمع دعوه در كه * دعا معنائه در * تاثير مؤخر مبتدا در
بليغ صفتيدر * وقد ينفيه كله سنده واو حاله در * قد تحقيق
ايچوندر * ينفي نفيدن فعل مستقيدر * ضمير تاثيره راجعدر
اصحاب الضلال فاعلدر * مفهوم بيت بودر كه * صلحا وزهاد
وعامة مؤمنينك احياء وامواتلى حقنده دعا لى مؤثر * وآثار
ومنافعلى متواصل اولور * لكن معترله طائفه سى انكار ايدرلر
معلوم اوله كه * دعائك تاثيرى وعدم تاثيرى بابتده اهل سنه ايله
معترله مياننده اختلاف واردر * اهل سنه عقیده لى بودر كه
مؤمنينك احياء واموات حقارنده دعا لى مؤثر در * احياء حقارنده دعائك
تاثيرى * واذا سألك عبادى عنى فانى قريب اجيب دعوة الداع
اذا دعان * و ادعونى استجب لكم * كريمه ليله و (ان الدعاء
ينفع مما نزل وما لم ينزل) حديثه ثابتدر * واموات حقارنده
تاثيرينك دليلى بودر كه * حضرت رسول الله صلى الله عليه وسلم
(اهدوا امواتكم) يوروب صحابه كرام (ما الهدية) تعبيريله
استعلامارنده (الدعاء لهم) يور مشلدر * الميت فى قبره كالغريق
ينتظر دعوة تلحقه من ابنه او اخيه او صديقه فاذا لحقت كان
احب اليه من الدنيا وما فيها * معترله طائفه سى ديرلر كه * كرك
احياء وكرك اموات حقارنده دعائك تاثيرى يوقدر * احياء
حقنده مؤثر اولديغلك وجهى بودر كه * زيرا دعا اولنه جق
ماده به قضاي الهى تعلق ايلديسه بلادعاء حاصل اولور * والا
دعا قضاي رد ايلز * بوكه جواب ويريلور كه (الدعاء يرد البلاء

وان الدعاء ينفع مما نزل وما لم ينزل) حديثى دعائك رد قضاده
تاثيرينه دليل ساطعدر * زيرا قضا ايكي نوعدر * ميرمه
محسومدر * ومعلقدر كه تبديلى بعض اسبابه منوطدر * واموات
حقارنده مؤثر اولديغلك وجهى بودر كه * انسان * وان لیس
للانسان الاماسى * كريمه سى منظوقجه كندى عمليله مجزى
اولوب غيرك عمليله مجزى اولماز * بوكه وجوه ايله جواب ويريلور
وجه اول * آيت مرقومه * والذين آمنوا واتبعتهم ذريتهم
بايمان الحقنا بهم ذريتهم * كريمه سبيله منسوخدر * وجه ثانى
آيت مرقومه حضرت ابراهيم وموسى عليهما السلام قوملرينه خاصه در
* وجه ثالث * آيت مزبوره ده انسانله مراد كافر در * اما مؤمن
بنفسه سعى ايلديكنه * وكندى ايچون غيرك سعى ايلديكنه نائل
اولور * بو وجهك تفصيلى مفصلا تده در * وجه رابع * انسان
بطريق العدل كندى مسعاسنه نائل اولوب بطريق الفضل
كندى حقنده غيرك سعى ايلديكنه نائل اولمق جائزدر * وبويابده
وارد اولان اخبار صادق قتي وافر در (ما من ميت يصلى عليه امة
من المسلمين يبلغوا مائة كلهم يشفعون له الا شفعوا فيه) * وان العالم
والمتعلم اذا مرا على قربة فان الله تعالى يرفع العذاب عن مقبرة
تلك القرية اربعين يوما * و (ما على الارض رجل مسلم
يدعوا لله بدعوة الا انا الله اياها او كف عنه من الشر مثلها)
حديث شريفلى كى * بناء عليه محققون ديديرلر كه * دعائى
مؤمنين اجابته قريندر * هر نقدر اثرى عن قريب * وياخود
مستولنك عينيله ظهور ايلز سه ده * اما دعائى كافرين جهوره كوره
* ومادعاء الكافرين الا فى ضلال * كريمه سى اوزره مردود در
قالديكه (ان دعوة المظلوم وان كان كافرا تستجاب) حديث
شريفلى كفران نعمته مجولدر * بعض علماء اجابت دعائى كافرينى

نحوزایدیلر * نته که ابلبس علیه اللغه نك * رب انظرني *
 رجاسنه * انك من المنظرين * منظوقبله استجابت بیورلشدر
 و بعضیلر دیدیلر که * دعای کافرین امور دنیا به متعلق اولورسه
 مستجاب اولور * زیرا امور دنیا به رحمت الهی مؤمنین و کافرینه
 عام و شاملدر * امور آخرته متعلق اولور ايسه * مستجاب اولماز
 زیرا آخرته رحمت الهی مؤمننه خاصدر * و خفی اولیه که
 بعضا اثر دعائک فی الحال ظهور ایلماسی * وجوه عدیده به مبنیدر
 وجه اول * اجابت لا محاله حاصلدر * زیرا اجابت دعا قضای
 حاجتک غیریدر * زیرا اجابت دعاء عبدیار بی دید که * حضرت حق
 لیک یا عبدی قول شریفندن عبارتدر * بوايسه هر موحد ایچون
 موعود موجوددر * و قضای حاجت اجابتک لازمیدر که * مسئولی
 اعطا ایلکدر * بوايسه فی الحال و بعضا فی المال اولور * وجه
 آخر * اجابت جهت واحده ايله اولماز * بلکه جهات عدیده ايله
 اولور * نته که (لا ترد دعوة المسلم الا لاحدی ثلث اما ان یعمل له
 فی الدنیا و اما ان یؤخر فی الآخرة و اما ان یصرف من السوء بقدر
 مادعی) حدیث شریفی اکادالدر * وجه آخر * اجابت دعا
 هر نقدر * اجیب دعوة الداع اذا دعان * کریمه سنده مطلق
 ايسه ده * بل اياه تدعون فیکشف ما تدعون اليه ان شاء *
 آیت کریمه سنده مشبهه تعلیقه مقید اولغله * مطلق مقید محمول
 اولور * وجه آخر * اجابت الهی اجابت عبد ايله مشروطدر
 نته که * فلیستجیوا لی و لیؤمنوا بی * کریمه سی اکادالات ایدر
 فلیستجیوا عملا و لیؤمنوا بی اعتقادا عبارتله تفسیر اولمشدر
 ایدی بوصفله موصوف اولان مرد * نحر یک شفه ایلدیکی آنده
 دعاسی مستجاب اولور * جزری علیه الرحمه دعائک اجابتی
 حیرت منزه نیت * فی الحال * امور دنیا به متعلق اولور *
 امور آخرته متعلق اولور * وجه اول * اجابت لا محاله حاصلدر * زیرا اجابت دعا قضای
 حاجتک غیریدر * زیرا اجابت دعاء عبدیار بی دید که * حضرت حق
 لیک یا عبدی قول شریفندن عبارتدر * بوايسه هر موحد ایچون
 موعود موجوددر * و قضای حاجت اجابتک لازمیدر که * مسئولی
 اعطا ایلکدر * بوايسه فی الحال و بعضا فی المال اولور * وجه
 آخر * اجابت جهت واحده ايله اولماز * بلکه جهات عدیده ايله
 اولور * نته که (لا ترد دعوة المسلم الا لاحدی ثلث اما ان یعمل له
 فی الدنیا و اما ان یؤخر فی الآخرة و اما ان یصرف من السوء بقدر
 مادعی) حدیث شریفی اکادالدر * وجه آخر * اجابت دعا
 هر نقدر * اجیب دعوة الداع اذا دعان * کریمه سنده مطلق
 ايسه ده * بل اياه تدعون فیکشف ما تدعون اليه ان شاء *
 آیت کریمه سنده مشبهه تعلیقه مقید اولغله * مطلق مقید محمول
 اولور * وجه آخر * اجابت الهی اجابت عبد ايله مشروطدر
 نته که * فلیستجیوا لی و لیؤمنوا بی * کریمه سی اکادالات ایدر
 فلیستجیوا عملا و لیؤمنوا بی اعتقادا عبارتله تفسیر اولمشدر
 ایدی بوصفله موصوف اولان مرد * نحر یک شفه ایلدیکی آنده
 دعاسی مستجاب اولور * جزری علیه الرحمه دعائک اجابتی

وارددر * ما کولات و مشروبات و ملبوسات و مکسوباته حرامدن
 اجتناب * و اخلاص و تنظیف لباس و تطهر و وضوء و استقبال
 قبله * و دیزاوزه قعود و نافله نماز * و تقدیم عمل صالح * و حد
 و ثنا * و صلوات شریفه * و رفع یدین * و تأدب و خشوع
 و تذلل * و اسماء حسنی ايله سؤال * و انبیای عظامه * و عباد
 صالحینه توسل * و خفض صوت * و گاهه اعتراف * و توبه
 و استغفار * و ادعیه صحیحه اختیار * و عزم و استحضار قلب
 و رغبت و الحاح * و اجتهاد و تکرار ايله دعا و اثم و قطیعه رحله
 عدم رجا * و آخرنده تأمین * و اللین یوزه مسح * و ینسه حد
 و صلوات شریفه به موقوفدر

❦ وفي الاجداث عن توحيد ربي ❦ سبيلي كل شخص بالسؤال ❦

فی الاجداث مؤخر سبیلی کله سنه متعلقدر * عن توحيد ربي
 سؤاله متعلقدر * اجداث جمع جدث در * فتحته قبر معناسنه
 سبیلی کله سنده سین اداة استقبالدر * بيلي بلاء لفظندن مأخوذ
 فعل مستقبل مجهولدر * بلاء امتحان معناسنه در * كل شخص
 نائب فاعلیدر * مفهوم بیت بودر که * جمله انسان فوت اولوب
 قبره دفن اولند قدن صکره لا محاله توحيد الهیدن سؤال اولنه جملدر
 معلوم اوله که * سؤال قبر مسئله سیده اصول دینیه دن اولغله
 وقوعنه اعتقاد ايلک فریضه دندر * بومجوده جهیمه طائفه سيله
 بعض معتزله مخالفت ایلدیلر * طائفه مرسومه نك دلیلاری
 بودر که * حیات و فهمدن عاری اولان جادانه سؤال محالدر
 كذلك * و ما انت بمسمع من فی القبور * کریمه سی منظوقبحه
 موتایه اسماع کلام منفیدر * انلره جواب ویریلور که * حضرت
 باری عز شانه * قادر در که موتانک جمیع اجزا سنده * یا خود

بعض اجزا سنده سؤالی متعلق ❦ وجوابه مقتدر اوله جق مرتبه
نوع حیات افاضه ایلینه ❦ و آیت مرتومه ده عدم اسماع هنوز
حیات و سمع خلق اولمندیغی تقدیره محمولدر ❦ اما خلق اولندقد
حضرت رسول و ملائکه علیهم السلام اسماع ایدرلر ❦ و صحیحاً
ثابتدر که ❦ بدرغز اسنده مقتول اولان کفار ❦ امر حضرت
سیدالابرار ایلر بر قوی به القا اولندقدن صکره ❦ حضرت
رسول الله اول قوی اوزره واروب اول قتلانک هر برینه اسملرله
یاقلان دیوندا ایلدکدن صکره (هل وجدت ما وعدکم الله ورسوله
حقا فانی وجدت ما وعدنی ربی حقا بنس العشیره کنتم کذبتونی
و صدقنی الناس) ❦ کلامیله تویج یورمغله ❦ عمر بن الخطاب
رضی الله عنه یار رسول الله اشباح بی ارواحه می خطاب یوررسر
دیدکده ❦ یا عمر بنم ❦ کلامی سز انلردن زیاده ایشتمز سز انلر
ایشیدر ❦ لکن رد جوابه استطاعتلری یوقدر یوردیلر ❦ محققین
اهل سنت دیدیلر که ❦ کیفیت سماعلری روحک دم سؤال
منکرینده اولدیغی کی ❦ کلا او بعضا عودتنه مینی آذان رؤسلرله
واقع اولمشدر ❦ یاخود توجه سؤال برزخ ❦ یا لکزر روحه اولق
مذهبنه کوره آذان ارواحلرله واقع اولمشدر ❦ لکن ظاهراً
وما انت بمسمع من فی القبور ❦ کریمه سنه منافی اولمغله ❦ افانت
تسمع الصم او نهدی العمی ❦ کریمه سنه تمثیل برله توفیق ایلدیلر
یعنی کفار مرده دل اولوب کلام حتی عدم قبول ❦ و صورت صدق
وصوابی مشاهده دن نکول ایلدکلی حسیله موتی و اصم و اعمی
مترالرینه تنزیل اولندی ❦ تفصیلی سیر حلی ترجمه مرده
مستوردر ❦ و سؤال قبر حقنده وارد اولان اخبار صحیحیه رسیده
حد توا تردر ❦ اکثر ائمه تفسیرک یانی اوزره ❦ یثبت الله الذین
آمنوا بالقول الثابت ❦ کریمه سی عذاب قبر خصوصنده

نازل اولمشدر و (استز هو البول فان عامه عذاب القبر منه) و (اذا قبر
المیت اتاه ملکان اسودان ازرقان یقال لاحدهما المنکر وللآخر
الکبر فبقولان له ما کنت تقول فی هذا الرجل فان کان مؤمناً فبقول
هو عبد الله ورسوله اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده
و رسوله فبقولان قد کانا علم انک تقول هذا ثم یفسخ له فی قبره سبعون
ذراعاً فی سبعین ذراعاً ثم ینور له قبره ثم یقال له ثم فبقول ارجع الی اهلی
فاخبرهم فبقولان ثم کنومة العروس الذی لا یوفطه الا احب اهله
لیه حتی یبعثه الله من مضجعه ذلك وان کان منافقاً فبقول سمعت
الناس يقول قولاً فقلت مشلهم لا ادری فبقولان قد کانا نعلم انک
تقول ذلك فبقال للارض التأمی علیه فتلثم علیه فتختلف اضلاعه
فلا یزال فیه معذبا حتی یبعثه الله من مضجعه ذلك) حدیث
شریفلری کی ❦ بعض علماء دیدیلر که ❦ منکر و نکیر مذنبینک
سؤاللرینه مؤکل اولان مله کلرک اسیدر ❦ مطیعینک سؤاللرینه
مؤکل اولنلرک برینک اسمی بشیر ❦ و برینک اسمی مبشردر ❦ و امام
سیوطی علیه الرحه دن منقولدر که ❦ قبرده سؤال اولنمیان یدی
طائفه در ❦ اول شهداء ❦ ثانی مبطلون ❦ ثالث مرابطون
رابع بالخاصه ابو بکر الصدیق رضی الله عنه ❦ خامس اطفال
مسلمین ❦ سادس جمعه کونی یاخود کیجه سی وفات ابدن مؤمن
سابع ❦ هر کیجه منامدن مقدم سوره ملک تلاوته مداوم اولان
مؤمندر ❦ قالدیکه برکسه بی بر قاج جانور اکل ایلسه ❦ یاخود
محترق و یاخود غریقا فوت اولسه ❦ سائرلری کی لا محاله مسؤل
ومنعم و معذب اولور ❦ بعض علماء دیرلر که ❦ میت مادام دفن
اولمندیجه سؤال اولنماز ❦ و اکثر علماء انبیای عظامک دخی مسؤل
اوللرینه ذاهب اولدیلر ❦ بعضیلر خلافت ذاهب اولدیلر ❦ ظاهر
❦ کلاملردن منفهم اولور که ❦ نبی آخر ملت اوزره اولان انبیاء

ملت متبوعه سندن سؤال اولنوب صاحب شریعت اولنلرامتی
احوالنندن وتبلغ احکام مأموره سندن مسئول اوله لر ❦ واطفال
مسلمین سیوطیدن منقول اولان کلامه کوره مسئول دکدر
مسئولیتارینه ده ذاهب اولدیلر ❦ و مجنون حالتده بعضار توقف
ایلدی ❦ وبعضار اوله نک عمومیه نظرا مسئولیتارینه ذاهب
اولدی ❦ وملائکه کرام حقده دخی اختلاف اولندی ❦ ابن
عبدالبررحه الله علیه دیدیکه ❦ کافر صریح مسئول اولماز ❦ بلکه
من غیر سؤال معذب اولورلر ❦ لکن منافقین مسئول اولورلر
واطفال کفره نک سؤال ❦ وجنته دخولاری خصوصنده امام اعظم
حضرتلری توقف ایلدی ❦ بعضار خدام اهل جنت اولغه ❦ وبعضار
ناره دخولارینه ذاهب اولدیلر ❦ والله اعلم بحقیقه الحال

❦ وَلِلْكَافِرِ وَالْفَاسِقِ بَعْضًا ❦ عَذَابُ الْقَبْرِ مِنْ سُوءِ الْفِعَالِ ❦

للكفار جار و مجرور مقدم خبر ❦ عذاب القبر مؤخر مبتدا در
والفساق کفار اوزره معطوفدر ❦ بعضا کلمه سی فساددن حالدر
غین معجزه ایله اولان نسخیه کوره ❦ مبغوضین تأویلیله ینه
حالدر ❦ یاخود مفعول له اولور ❦ من سوء کلمه سنده من لام جاره
معناسنه در ❦ مقدر اولان ثابت کلمه سنه متعلقدر ❦ وبعض
نسخه ده بعضا بدلی یقضى واقع اولشدر ❦ فعال کسر فایله
شده وقتحله خیره استعمال اولنور ❦ مفهوم بیت بودر که
نفخه اولایه قدر جمیع کفار عذاب برزخه گرفتار اولوب ومن غیر
توبه وفات ایدن بعض عصاة مؤمنین حقده دخی درکار اولور
معلوم اوله ❦ اهل سنت اتفق ایستیلر که قبریده سؤال ❦ وجله
کفار و بعض عصاة عذاب واقعدر ❦ معتزله دن ضرارین
عمر وایله بعض سفهای معاندین خلافتنه ذاهب اولدیلر ❦ اهل

سنتک دبلی (القبر موضه من ریاض الجنة او حفرة من حفر
النيران) و (نعوذ بالله من عذاب القبر) و (استترهوا من البول فان عامة
عذاب القبر منه) و (ان الميت لیعذب ببكاء اهله علیه) حدیث
شریفلریدر ❦ وحضرت رسول الله برکون ایکی قبر اوزرینه
اوغرا یوب یور دیلر که (انهما لیعذبان وما یعذبان فی کبیره بل لان
احدهما کان لا یستتره من البول والاخر کان یمشی بالنیمه) وآل
فرعون حقده نازل اولان ❦ النار یعرضون علیها غدوا وعشیا ❦
وقوم نوح علیه السلام حقده نازل اولان ❦ اغرقوا فادخلوا
نارا ❦ کریمه لی دالدر ❦ فای فادخلوا تعقیبه اولمغله ناره
ادخاللری قبل البعث اولدیغی ثابتدر

❦ حِسَابُ النَّاسِ بَعْدَ الْبَعْثِ حَقٌّ ❦ فَكُونُوا بِالتَّحَرُّزِ عَنْ وَبَالِ ❦

حساب الناس مبتدا حق خبریدر ❦ بعدظرفیت اوزره منصوبدر
فای فکونوا جزایه در ❦ اذا کان الحساب حقا کونوا سبکنده در
کونوا کوندن فعل امردر ❦ اسم مرفوعی ضمیردر ❦ بالتحرز
خبر منصوب مقامنده در ❦ زیراملا بسا بالتحرز تقدیرنده در ❦ تحرز صافتمق
معناسنه در ❦ وبال واوک فتحیله عبد جهتندن اولان کاهدر ❦ ظلم
وقتل کبی ❦ مفهوم بیت بودر که ❦ نفخه ثانیه ایله جمله موتی دیریلوب
عرصة محشرده هرکس اقوال و افعالنندن حساب اولتمق حقدر
اعتقادی واجبدر ❦ خلاف شریعت غرا اعمالدن احتراز ایلمک
لازمدر ❦ معلوم اوله که ❦ اشبو بعث مسئله سیده اهل سنتک اصول
معتناسندن اولمغله ❦ جمله سی بوعقیده ده متفقدر ❦ فلا سغه
طا ثقه سی انکار ایدرلر ❦ اهل سنت دیرلر که موتی قبور دن بعث
ونشر اولتمق حق و واقعدر ❦ وبعثدن مراد لری اجسامک ارواحله
معادلریدر ❦ لکن معادک معناسنده اختلاف ایستیلر ❦ بعضار

اعاده معدومك امكانه ذاهب اولوب ديديلر كه * حضرت حق جل
وعلى اجزاي جسميه بي بالكلية اعدام ايلد كد نصكره * اعاده
واقاضه روح ايدر * و بعضرا اعاده معدومك امتناعه ذاهب
اولوب حق سبحانه وتعالى * اجزاي اصليه بي تفريق ايلد كد نصكره
جمع واعاده حيات ايدر ديديلر * على كلا التقديرين بعث ومعادك
ثبوته اتفاق ايلد يلد * زيرا في ذاته ممكن ايسه مقدور
الهيذر * و بوياده دلائل سمعيه كثير در * ثم انكم يوم القيمة
تبعثون * و قل يحييها الذي انشاها اول مرة * و يحسب
الانسان ان لن نجعل عظامه بلى قادرين على ان نسوي بنانه *
كريمه لى كبي * دهرى * طائفه سي قيامتى وحشر ونشرى
انكار ايدرل * و افلاطون و ارسطو و سقراط كبي حكماي الهيون
مذهبلرى بودر كه * معاد نفسا نيدر * جسماني دكلدر * زيرا انلرك
عندنده نفس جوهر مجرد در * جسم و جسماني دكلدر * لكن تعلق
تدبير ايله جسمه متعلقدر * بوجهته بدن خراب اولد قد نصكره
نفسك بقاسي جائ اولغله معاد انجق نفسه مرتب اولور * و معاد
نفساني انلرك عندنده قطع تعلقدن عبارتدر * زيرا انفسك بدنه تعلق
اشغال حيوانيله اشتغالندن ناشي * عالم روحا نيسندن خروج اولغله
قطع تعلق * عالم روحا نيسنه رجوع اولور * اما معاد جسماني
انلرك عندنده ممتنعدر * زيرا اعاده معدوم محالدر ديرل * و طبيعويون
عندنده نفس مزاجدن عبارت اولغله * بعد الموت عدم بقاسي
و جسمك دخی انعدامي * و معدومك امتناع اعاده سي جهتيه
جسماني * و نفساني * معادى سلب ايدرل * جالينوس
بوماده اظهار تحير ايله توقف ايلدى * زيرا انك عندنده نفس
مزاجيدر * يوقه بعد فناء البدن جوهر باقيددر * ظاهر اولما مشدر
اولغله معدومك امتناعه ذاهب اولور * و اهل بيتك حق تعالى

اجزاي اصليه انساني جمع * واعاده حيات ايدر * قولاريله معارضيتك
مواكله ناقضه لى ساقط اولور * تنكته يمت الخلق اه بيتي
شرحنده تفصيل اولندي * بعض علما ديديلر كه * قرآن كريمده
جسماني و روحاني معادك هر برينه اشارت وارد در * اما روحاني
* فلا تعلم نفس ما اخفى لهم من قرة عين * و * للذين احسنوا
الحسنى و زيادة * و * رضوان من الله اكبر * كريمه ليدر
اما جسماني اكثر من ان تحصى در * و بعد البعث جميع ناسك * اقوال
واقعا للردن حساب ويره جسكرى دخی حقدر * حضرت
عالم السر و الحقيقات * هر كسك اعماله عالم ايكن * حساب امرنده
حكمتي * دنيا ده لا ابا يانه اطوار دن مؤمنيني عائق اولد يغندن بشقه
اهل عرصاته متقينا فضايل و مناقبريني * و عصابتك قبائح
و مثالبيرن اظهار ايلمكدر * اولدخی مسرت مؤمنيني تيم * و حسرت
مذنبيني تكميل حكمتيه مبيندر * و بعض علما ديديلر كه * انبياي
عظام ايچون حساب يوقدر * كذلك اطفال مؤمنين * و عشره
مبشره ايچونده حساب يوقدر * لكن نبي اولنان مناقشه حسايدر كه
ايچون بويله ايلدك نيچون ايلدك كبي * و قليل و كثيريني استقصا
ايلدك كبي * اما حساب عرض كه شويله ايلدك * اما بندخی عفو
ايلدم ديمك * انبياي عظام و صحابه كرام حقارنده دخی واقعدر
وجن و ملائكه دخی * حسابلرينه ذاهب اولد يلد (حتى يقتص
للخلق بعضهم من بعض حتى للجما من القرناء و حتى للذرة
من الذرة) و (ليختصمن كل شئ يوم القيمة حتى الشانان فيما انطختا)
حديث شريفلى منطوقجه * سا رحيوانات دخی محاسب
اوله جفلاينه ذاهب اولد يلد * و ذكر اولنان احاديثك مقتضاسي
اوزره * يوم قيامته قصاص * تكليف و تميزه توقف ايلما مكله
طفل و مجنون دخی داخل قصاص اولور * و حسابك وقوعني

ابدایوندا * وعكسندہ ملك ثانی * الا ان فلانا شقی شقاوة لاسعادة
بعدها ایدا * دیوندا ایلیه جکدر * و ذکر اولسان اهوالت اثری
تتزل علیهم الملائكة الاتخافوا ولا تحزنوا * و الا ان
اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون * کریمه لری مقتضای
انبیاء و اولیاء و صلحاء حقارندہ سلامتدر

وَحَقُّ وَزْنِ اَعْمَالٍ وَجَرِّیُّ عَلَى مَنِّ الصِّرَاطِ بَلَا اِهْتِبَالٍ

و حق خبر مقدم * وزن اعمال مبتدای مؤخر در * اعمال مضاف
الیہیدر * تنوینی مضاف الیہدن عوضدر * اعمال العباد تقدیرندہ در
و جری مبتدادر * خبری مقدر حقدر * جمله سی معطوفدر
علی جری کلمہ سنہ متعلقدر * متن ظہر معناسنہ در * بلا اہتبال
کلمہ سندہ حرف جری یاخود خبر مقدری * حق کلمہ سنہ متعلقدر
جار و مجرور * عال موقعندہ در * یاخود جری کلمہ سنک خبریدر
اہتبال کذب معناسنہ در * مفهوم بیت بودر کہ * عرصہ حشرده
ہرکسک خیر و شر عملاری وزن اولحق حقدر * كذلك جملہ عبادک
جہنم اوزرہ * ممدود صراط اوزرندن مرور لری حق و واقعدر
معلوم اولہ کہ * اصول دینیہ مزک برسیدہ عرصہ حشرده اعمالدر
میزان عدالتہ وزن اولحقدر * ونضع الموازين بالقيسط لیوم القيمة
و * فاما من ثقلت موازينه فهو فی عیشة راضیة واما من خفت
موازينه قامہ ہاویہ * نصوصیلہ ثابتدر * اکثر مفسرین دیدیلر کہ
فی الحقیقہ میزان موجوددر * ایکی کفہ سی وایکی لسانی وارددر
معتزلہ یونیدہ انکار ایلدیلر * زیرا اعمال اعراض اولغلہ * وزنی ممکن
دکدر * خصوصاً زائل و متلاشی اولہ بلکه میزانندن مراد جملہ
اشیاء ثابت اولان عدلدر * واکا بناء جمع صیغہ سبلہ موازین
وارد اولدی * یوقسد میزان مشہور واحددر * و بعضیلر دیدیلر کہ

میزانندن مراد ادراک اولغلہ * الوانک میزانی بصر * واصواتک سمع
وطعومک ذوق * و مشمومک شامہ * و ملموسک لامسہ در * و معقولانک
میزانی علم و عقلدر * و بعضیلر دیدیلر کہ * میزان بر ملک اسمیدر
حسناتی سبئاتلہ مقابلہ ایدر * احد ہماہدہ رجحان یاخود تساوی
ظاہر اولحق ایچون * انلرہ جواب و یریلور کہ * حدیث شریف
موجنبہ وزن اولنہ جق صحائف اعمالدر * و جمع صیغہ سی
موزونات اعتباریلہ در * یاخود استعظام ایچوندر * یاخود ہر مکلف
ایچون بر میزان مخصوص ترتیب اولنور * و میزان کیر بر اولور * جلالت
امری * و عظم مقامی اظہار ایچون * بعض علمادیدیلر کہ
امر الہیلہ حسنات اجسام نوزانیہ * و سبئات اجسام ظلماتیہ بہ
تشکل الیحلکہ وزن اولنہ جق ینہ ذات اعمالدر * و معتزلہ نک
بو بابدہ دخی عبثہ ذاہب اوللری باطلدر * زیرا مؤمنینک دنیادہ
بو کونہ امورہ ایمانلہ * آخرندہ ثوابلرینک کثرتنہ و اظہار عدل
و فضل الہی بہ * و مؤمن و کافر ای امتحانلہ ملائکہ بہ اراشت * و ہر کس
اعمالی ادراک کہ عدالت الہی بہ ارتضا * و اہل ناریک حسب الاعمال
درجہ عذابلرین حفظہ جہنمہ * و اہل جنتک سائر ملائکہ
کرامہ اراشتی حکمتلرینہ * و سائر مطلع اولدیغمر حکمتلرہ مبنی اولہ
فالدیکہ * وجہ مشروح اوزرہ * ہر کسک اعمال کشیدہ میزان
امتحان اولدقد نصکرہ * کفہ حسناتی مترجح اوللر جنتہ * و کفہ سبئاتی
مترجح اوللر نحت مشبت الہیدہ اولوب * مراد ایدرسنہ یاخود
شفاعت شفعاہ مظہر اولورسہ * بلا عذاب اولدخی جنتہ * و مراد
ایدرسہ * عصیان راجحی مقدار ی * تعذیب ایلدکد نصکرہ
جنتہ ادخال * و عنداللہ مرتبہ سی قدر * ثوابت اعطا اولنور
وا کر گفتان متساوی اولورایسہ * اعرافدہ بر مدت حبس و توقیفلہ
تعذیب اولدقد نصکرہ * فضل و رحمت سبحانبلہ جنتہ ادخال

اول نور ❦ بعض سلف دید بزرگه ❦ اعراف جنت و جهنم بیننده
 واسطه در ❦ و اهل اعراف ❦ حسنائی سبائیه برابر اولان مؤمنان
 لکن مر جلعری جنت اولغله ❦ دارالخلد دکلدر ❦ و بعضی اهل
 اعراف اطفال مشرکین در دید بزرگه ❦ و بعضی از زمان فترده
 وفات ایدن کسه ز در دیدی ❦ و اصلا سبائی و قطعاً حسنائی
 اولیان ایچون وزن و میزان اولماز ❦ و عقائد دینیه مزک بریسی
 صراطک و جودینه ❦ و جمله نک اندن مر ورینه ایمان ایلمکدر
 خفی اولیه که ❦ صراط من جهنم اوزره بمدود بر جسر عظیمدر که
 قیلدن اینجه و قلیچدن کسکیندر ❦ اولون و آخرون انک اوزرندن
 مرور ایلیه جکدر ❦ شرح مقاصده مسطور در که ❦ و ان منکم
 الا واردها ❦ کریمه سنده و رودایله مراد مر و زدر ❦ معتزله دن
 قاضی عبدالجبار ❦ و اکثر معتزله انکار ایلدیلر ❦ زیرا اول صفتده اولان
 جسر اوزرندن مرور ممکن دکلدر ❦ امکانی صورتده تعذیبدر
 و مؤمننه تعذیب یوقدر دیدیلر ❦ بلکه مراد ❦ سید بهم و بصلح
 بالهم ❦ کریمه سنده اشارت اولتان طریق جنتدرو ❦ فاهدوهم
 الی صراط الجحیم ❦ کریمه سنده اشارت اولتان طریق جهنمدر
 دیدیلر ❦ و بعضی بزرگه ❦ مراد ادله واضحده در ❦ و عند البعض
 صلوٰة و زکوة کبی عباداندر ❦ و بعضی عندنده اعمال رذیه در که
 اندن مسئول و مؤاخذا و مللریله کویا که ❦ اوزرلندن مرور و کثرتیه
 طویل و قلیتیه قصیر اولور ❦ بونله جواب ویریلور که
 صو اوزرندن مرور ❦ و هواده طیران کبی خارق عاده قیلندن اولغله
 اولدخی ممکندر ❦ حضرت قادر مطلق جل شانہ عبوره
 قدرت خلق ابدوب ❦ مؤمننه تسهیل و تیسیر ایلمکه ❦ آثار صحیحه
 دلالتی اوزره ❦ بعضی برق خاطف و بعضی باد و کیمی اسب
 کتبیله عفا نده عفا نده عفا نده عفا نده عفا نده عفا نده

دیمشدر که ❦ صراط اوزرندن عبورک تعذیب مؤمنین اولدیغنی
 بعد النسلیم جائزدر که ❦ مؤمنینی ذنوبدن کمال تطهیری متضمن اوله
 قالدیکه ❦ سلامت و منانت اعتقاد بوکونه خلاف عاده مواد و اموره
 ایمان و اعتماد ایله متمیز اولغله ❦ نصوص یننه نک منطق و مقتضای
 اوزره بو منللو امورک ذاته اعتقاد ایلمک واجبدر ۷

❦❦❦ و مر جو شفاعت اهل خیر ❦❦❦ لاصحاب الکبائر کالجبال ❦❦❦

مر جو مقدم خبردر ❦ رجاء دن اسم مفعولدر ❦ شفاعت مؤخر
 مبتدادر ❦ اهل مضاف الیهیدر ❦ اضافت بمعنی من در ❦ مفهوم یت
 بودر که ❦ انبیاء و اولیاء و علماء و صلحاء کبی ❦ اخبارک روز قیامتده
 جبال کبی کجا تر مر نکبیرینه شفاعت ایدوب ❦ مستحق اولدقلری
 عذاب و عقاب بدن تخلیصه وسیله اوله جقلری مأمولدر ❦ معلوم
 اوله که ❦ شفاعت غیر ایچون علی سبیل الضراعه فعل خیری
 و ترک ضرری سؤالدن عبارتدر ❦ بو اصلده دخی اهل سنت ایله
 معتزله میاننده اختلاف وارددر ❦ اهل سنت عندنده شفاعت جائزدر
 معتزله انکار ایدر ❦ مناسبی عفو و مغفرتک وقوعیدر ❦ شرح مواقف
 و شرح مقاصد و سائر مفصلا نک تلخیص کلامری بودر که ❦ جمله
 اهل سنت نصوص یننه منطق اوزره اتفاق ایلدیلر که حضرت
 حق جل و علا عفو و غفوردر ❦ مطلقاً صغائر و بعد التوبه
 کجا تر عفو و مغفرت ایدر ❦ و مطلقاً کفری تخلید فی النار
 دال اولان نصوص قاطعه موجبجه عفو ایلم ❦ هر قدر عقلاً جائز
 ایسه ده زیرا عقاب حق اولغله اسقاطی جائزدر ❦ بعض علماء
 اشبو جواز عقلی بی منع ایدر ❦ زیرا غایت احسان ایله محسن
 و نهایت اسائه مسی اولنلرک ینلرینی تفرقه حکمنه مخالفدر دیرلر
 لکن بو کلاملرک ضعیفی ظاهر در ❦ زیرا محشرده مؤمننه اولان

۷ تا کجه آخریه
 نمش اعتقاد دینیه تشکیک
 ایدرک منظر اوله

معامله مرافقت * و كفاره اولان معامله شدتن بشقه * مدت مدیده
انواع عذابه تعذیب اولمغله تفرقه حاصل اولور * قالدیکه بدون
التوبه کبارک عفوئ خصوصند * اختلا ف اولندی * جهور
اهل سنت عندند * مطلقا کبارک بعضنی عفو * وبعضیه عذاب
ایلك جا نذر * لکن بعضان مذکورانک برینده * اعتنا ایلدیلر
وبعضلری دیدیلرکه * بلا توبه کبارک عفوئ بایند * قطع یوقدر
بلکه مرجو و مأمولدر * و معترله دیدیلرکه * مطلقا کبارک عفوئ
سمعا ممتعدر * نقدر عقلا جا نر ایسه ده * و بعضلری جواز
عقلی بی دخی منع ایتدیلر * صنف اولک تمسکری * فساق و اصحاب
کبارک و عیدلر بی متضمن اولان نصوصلردر * یا خصوصه در
آکل اموال ناس حقه * نازل اولان * و من یفعل ذلک عدوانا
وظلما فسوف نصلیه نارا * کریمه سی و زحف و تولى جهاد ایدنلر
حقند * و مأواه جهنم و بنس المصیر * کریمه سی و حدود
مواریثی تعدی ایدنلر حقند * یدخله نارا خالدافها * کریمه سی کبی
یا خود خلودی ناطق * وارد اولان عمو مانده * دخوله در * ایددی
و عید تحقیق ایلدیکی حینه * عفو و ترک عقوبت دخی تحقیق ایدر سه
و عید ده * خلف و اخبارده کذب لازم کلور * لازم باطل اولمغله
ملزوم دخی باطلدر * بوکه جواب و یریلور که * بویابده وارد اولان
نصوص عمومی تقدیری اوزره * وقوعه دلالت ایدر * و جوابه
دلالت ایلز * عفو باینده ایسه * نصوص متکثر اولمغله * عمومات
و عیددن منب مغفور منخصص اولور * و عفو کعدم جواز
عقبسنه ذاهب اولنلرک تمسکری بودر که * جواز عفو قیایحه
اغرا در * زیرا مکلف عفو کجواز بی یلیدیکی صورته * عفو اعتماد ایله
قیایح ارتکابنه نجاسر ایدر * بویایسه قبیح اولمغله * حضرت باری به
استنادی ممتنع اولور * بوکه ده جواب و یریلور که * اولاحسن

و قبحک عقلی اولدیغی ممنوعدر * نه که مقدا تفصیل اولندی
بعد التسلیم مجرد عقوبت احتمالی * عاقلی باطل ارتکابندن زاجر
و عائق اولور * حال بوکه اولیابده عذاب وقوعنی ناطق آیات قاطعه
و عیدات شایعه اولمغله * ترک عقوبت احتمالی نه وجهله
متصور اولور * و اهل سنتک تمسکری * اولیابده وارد اولان نصوص
بینه به در * و هو الذی یقبل التوبه عن عباده و یعفو عن السبئات
و * او یوبقهن بما کسبوا و یعفو عن کثیر * کریمه لری کبی
واجتماع امت منعقد اولمشدر که حضرت رب العالمین عفو
و غفوردر * عفو ایسه انجق عقاب مستحق ترکه تحقیق ایدر
و معترله قبل التوبه صغائر ایچون * و بعد التوبه کبار ایچون * عذاب
و وقوعنی منع ایدر * زیرا قبل التوبه صغائر ایچون * و بعد التوبه
کبار ایچون ترک عقاب * انلرک مذهبنده واجب اولمغله * عفو کحل
و معناسی قالمز * نهایت قبل التوبه * کبار ایچون عقوبتک اسقاطنه حل
اولنور * ثابا * ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک
لمن یشاء * کریمه سنده مراد * مادون شرک اولمغله * کبار و صغاره
شامل اولور * و ایکی وجهله مراد قبل التوبه در * وجه اول * اگر
مراد قبل التوبه اولمشد * شرکه مادونی بیننده فرق متوجه اولماز
لازم ایسه بالضروره باطلدر * وجه ثانی * اگر مراد قبل التوبه
اولمشد * رأی معترله اوزره مشبته تعلیق توجه ایلز * لازم ایسه
باطلدر * زیرا حق سبحانه و تعالی * غفرانی مشبته تعلیق ایلدی
بیان ملازمه بودر که * زیرا مراد قبل التوبه اولمبوب * بعد التوبه اولسه
معترله عندنده بعد التوبه غفران واجب اولمغله * مشبته تعلیق متوجه
اولماز * زیرا واجبک مشبته و عدم مشبته عندنده * فعلی واجب اولور
ثالثا * وان ربک لذو مغفرة للناس علی ظلمهم * کریمه سیدز * زیرا
علی کلمه سی حاله دال اولور * مثلا رأیت الامیر علی عدل دینور

عده له ملتبس اولديغي حالده * ايمدى آيت مر قومه عبدك ظلمه
اشتغالى حالده مغفرت حصولي اقتضا ايدر * وبو اقتضاء
قبل التوبه حصول مغفرتة دالدر * وبويابده آيات واحاديث
متوافدر * بعد هذا اهل ملت بيضا اتفاق ايلديلر كه * انبيا ورسلك
مذنبينه شفاعتلى ثابتدر * لكن معتزله مطيعين وتائبينه قصر ايدوب
وشفاعتي رفع درجات وزياده ثواباته حل ايلديلر * اهل سنت
ديديلر كه * اهل بكائر ايجون دخي حط سبئانده شفاعت جاژدر
ياناره دخولدن اقدم ياخود ذكر اولنان دلائل موجبي اوزره
ناره دخولدن نصره اولور * كذلك حضرت رسول عليه السلام
فاعف عنهم واستغفر لهم) و (واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات)
كريمه زنده ذنوب مؤمنين ايجون استغفار ايله مأمورا ولوب * مرتكب
كبيره ده مؤمن اولغله * امثال الامر استغفار ايدرلر * پس
حضرت رسول الله قبل التوبه صاحب كبيره ايجون استغفار ايتلر ايله
حق جل وعلى * ولسوف يعطيك ربك فترضى * منظور قبحه
مرضاة نبوي ضمننده شفاعتلى دخي قبول ايدر * كذلك شفاعتي
لاهل الكبار من امتي) حديث شريفى دلالت ايدر كه * شفاعت نبوي
مرتكب بكائر ثابتدر * كرك قبل التوبه وكره بعد التوبه اولسون
معتزله ديرلر كه * شفاعت نبويك اسقاط عذاب خصوصنده تأثيرى
يوقدر * واحتجاجلى بودر كه * واتقوا يوما لا تجزى نفس
عن نفس شئنا * كريمه سى عموم وجهيله اولغله * اسقاط عذابده
تأثير شفاعت نبوي مؤثر اولمق مقتضاي آيته منافيدر * كذلك
﴿ وما للظالمين من حيم ولا شفيع بطاع ﴾ كريمه سنده حضرت
حق جل وعلى شفيع ظالمينى على العموم نبي ايدوب عصاة دخي
ظالم اوللر ايله انلره ده شفاعت اوليه جنجى مقرر در * بو وجهيله
عصاة حقنده شفاعت ثابت دكلدر * كذلك ﴿ من قبل ان يأتى

يوم لا بيع فيه ولا خلة وشفاعه * كريمه سى على سبيل الظهور
مطلقا شفاعتلك نفينه دلالت ايتكله * عصاة حقنده شفاعت
ثبوتلك عدم ثبوتى ثابتدر * كذلك ﴿ وما للظالمين من انصار ﴾
كريمه سنده شفاعتلك انتفاسنه دالدر * زيرا شفيع دخي جله
انصار دن اولغله * ظالمينه شفيع اوليوب * عصاة ظالم اولغله
حقارنده شفاعت اوليه جنجى ثابت اولور * ذكر اولنان احتجاجلى رينه
بو وجه اوزره جواب ويريلور كه * آيات مر قومه اعيان وازمانده
عام اولما مغله * محل تراعمزه شامل اولماز * ولوسلم عصاة حقنده
ثبوت شفاعت نبوي به دال اولان * آيات مذكوره مخصوصلردر
پس نفى شفاعت خاصة كفاره شامل اولغله * عصاة مؤمنين
بهره ياب فباضة شفاعت اوله جفلى ثابتدر * وشفاعت خصوصنده
بش نوع بيان ايدرلر * نوع اول كه * اعظم شفاعتدر * فصل
فضا و طول * وقوف ومحنندن اراحه به متعلقدر * بو شفاعت ايجون
خلايق نيا بعد نبي تردد واستغاثه ايدرك * سيد جله كائنات
عليه اكمل الصلوات حضرت زنده مقرر اولغله * شفاعت مر قومه
حضرت ختمت پناهه مختصدر * نوع ثاني * قوم مخصوصى بغير
حساب جنته ادخال خصوصينه متعلق اولور * امام نووى
عليه الرحمة قولى اوزره بودخى حضرت رسول الله مختصدر
* نوع ثالث * جهنمه مستحق اولان كسهرلر * عدم ادخاله متعلقدر
قاضى عياض عليه الرحمة قولى اوزره * شفاعت مر قومه حضرت
رسول الله مختص دكلدر * نووى بويابده تردد ايلدى * سبكي
عليه الرحمة ديديكه * اختصاص مزبورلر ثبوت ونفينه دائر
تصريح وارد اولدى * نوع رابع * موحديندن جهنمه داخل
اوللرلر اخراجلى رينه متعلقدر * بو شفاعتده انبيا * واولياء * وعلماء
وشهداء * وملائكه مشتركلردر * نوع خامس * خلود فى النار

مستحق اولئك تخفيف عذابك عنه متعلق در ❦ ابوطالب حقه
واقع اولان شفاعت کبی ❦ بر کون حضرت رسول علیه السلام
حضورند ابوطالب ذکر اولمغله ❦ حضرت علیه السلام
بیوردیلر که مر جودر که ❦ حقه شفاعت نافع اولوب ضحاح
نارده اوله و (انا اول شافع و مشفع) حدیث شریفی دخی ثبوت
شفاعت نبوی بی ناطقد ❦ و علمائک شفاعتی ❦ والذین اتوا العلم
درجات ❦ کریمه سی و (العلماء ورثة الانبياء) حدیثیه
ثابتدر ❦ زیرا آیت مرقومه ده درجات شفاعتله مفسردر ❦
و حدیث مرقومه ارثی شراح علیهم الرحمه ❦ خلقی حقه دعوت
و قیامتده شفاعتله بیان ایلدیلر ❦ اللهم بسر لنا شفاعته نبيك
النبیه المرتضى المصطفى

❦ ❦ ❦ وَذُوا الْإِيمَانِ لَا يَبْقَى مُقِيمًا ❦ ❦ ❦ بِشُومِ الذَّنْبِ فِي دَارِ اشْتِعَالٍ ❦ ❦ ❦

ذوالایمان مبتدادر ❦ لایبقی جمله سی خبردر ❦ مقیم لایبقی کلمه سنک
ضمیر فاعلندن حالدر ❦ بشوم الذنب کلمه سنده باء سیبیه در
شوم الذنب با ایله مجرور لایبقی فعلنک مفعول به غیر صریحیدر
فی دار اشتعال مفعول فیهدر ❦ اشتعال آتش یا الکلمتی معناینددر
شوم ضد سعادتدر که ❦ اغور سزلق تعیر اولتور ❦ و دار اشتعالدن
مراد جهنمدر ❦ بعض نسخه ده غین معجمه ایله ثبت اولمش لکن
مهملدر ❦ مفهوم بیت بودر که ❦ صاحب کیره اولان کسینه من غیر
توبه فوت اولوب شامت عصبانی سیبیه ❦ جهنمه داخل اولسه
کفار کبی ابدی قالمسبوب لامحاله خروج ❦ و جهنمه دخول
ایله جکدر ❦ معلوم اوله که ❦ بومسئله ده دخی اهل سنه ایله ❦ معتزله
ینلرنده اختلاف وارد ❦ اهل سنت منهیلری بودر که ❦ مرتکب
کبیره بغیر توبه فوت اولوب نارده داخل اولسه مغلد قالماز

معتزله عندنده مغلد اولور ❦ اهل سنت دیرلر که ❦ مرتکب کبیره
مؤمندر ❦ و هر مؤمن جهنمه داخل اوله جفلی ❦ اعدت للذین
آمنوا بالله و رسوله ❦ و وعد الله المؤمنين والمؤمنات جنات
نجری من تحتها الانهار ❦ کریمه لری ❦ و (من قال لا اله الا الله
بصدق قلبه لسانه دخل الجنة) حدیث شریفیه و سایر آیات
واحادیث صحیحیه ایله ثابتدر ❦ ابدی صاحب کبیره ❦ جهنمه
دخوللری ثابت اولمغله ❦ مغلد فی النار اوللری ممنوع اولور ❦ والا خلف
وعد لازم کلور ❦ و جهنمه دخولدن نصکره تکرار جهنمه دخول
بالاتفاق باطلدر ❦ كذلك ❦ فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره ❦
کریمه سیله ثابتدر ❦ زیرا مرتکب کبیره اهل ایماندن اولوب
مثقال ذره خیر عملنه موفق اولمشدر ❦ خصوصا اعظم عامه خیرات
اولان ایمانه مظهر اولمغله ❦ آیت مرقومه اقتضای جهنمه
ثوابی کورمک لازمدر ❦ و ثوابی عذابدن خلاص اولدقد نصکره
کوره جکدر ❦ زیرا بالاتفاق عقابدن اقدم ثواب یوقدر ❦ و خلاص
اولدقد نصکره ثوابی رؤیت نارده عدم خلودی موجبدر ❦ كذلك
❦ قل يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله
ان الله يغفر الذنوب جميعا ❦ کریمه سی ❦ و ❦ ان الله لا يفر
ان يشرك به و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء ❦ کریمه سیله شریک
مخصوص اولمغله ❦ ذنوبدن شرکک ماعداسنده معمول به قالمشدر
غفران ذنوب ایسه نارده عدم خلودی مستلزمدر ❦ كذلك نارده
تخلید اعظم عقوبات اولمغله ❦ انجی اکا اعظم جنایاتی که ❦ کفردر
مرتکب اولان مستحق اولور ❦ مقدما ثبوت یافته اولدیغی اوزره
مؤمن ارتکاب کبیره ایله کافر اولماز ❦ زیرا کندوده نور تصدیق
باقیدر ❦ مغلد فی النار اولسه عقوبت قدر جنایتدن زائد اولمق
اقتضایدر ❦ بوايسه ظلم اولمغله ❦ حضرت عادل حکیمه نسبت اولماز

خصوصا حضرت حق جل و علی * قدر جنایتدن زیاده عقوبتی
ومرتب اولدیغی ظلمی * ومن جاء بالسبئة فلا يجزى الا مثلها وهم
لا يظلمون * کریمه سبله نفی ایلدی * كذلك جله امت * زمان
سعادتنبرو میتک مرتکب کیره اولوب اولدیغی * تفحص اولمیه رقی
موتای اهل قبله اوزرینه * صلوة ودعا واستغفار ايله متوارث اولور لر
بلکه * مرتکب کیره اولدیغی معلوملری ایکن * ینه دعا واستغفار
ایدر لر * ارتکاب کیره تک حکمی * خلود فی النار اولیدی * دعا
واستغفار لری * عبت وضایع اولق اقتضا ایدرایدی * بوا یسه
باطلدر * ومعزله تک احتجاجلری وجوه متعدده ايله در * وجه اول
* ومن يقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فيها *
کریمه سی دلالت ایدر که * قاتل متعمد مخلد فی النار اولور
کرک کافر * وکرک غیری اولسون * بولک جوابی تغلیظه محمول
اولدیغی مقدما ذکر اولندی * كذلك آیت مر قومده من کله سنک
صیغه عموم اولدیغی بعد التسلیم * بوراده عموم مراد دکلدر * زیرا
ثائب واصحاب صغائرک خروجی قطعیدر * قاتل متعمد دخی آیات
وادله سابقه ايله * خارج اولمده مانع یوقدر * عام مخصوص ایه
قطعی مفید اولدیغی اتفا قیدر * وجه ثانی * وان الفجار
لنی جیم یصلونها یوم الدین وما هم عنها بغائبین * کریمه سی
دلالت ایدر که * فرقة فجار که * اصحاب کائراول جله دندر * نارد
مخلد اوله جفلدر * زیرا ناردن غائب اولماق نارد خلود
واستقراردر * اگر خالد اولسدر * ناردن غائب اولور ل ایدی
وناردن غیبوتلری مقتضای آیه منافیدر * بوکده جواب ویریلور که
هم الکفرة الفجرة * کریمه سی منطوقجه کفاردر * وجه ثالث
کیره مرتکبی کیره بی ارتکابی سبيله * عقابه مستحق اولور

وارتکابه عقابه استحقاقی * کیره بی ارتکابدن اقدم * مستحق اولدیغی
ثوابی اسقاط ایدر * زیرا ثواب * عقابه * استحقاق متافی اولمیه
مجمع اولمازلر * زیرا ثواب مع التعظیم * منفعت خالصه دائمه در * وعقاب
مع الالهانه * مضرت خالصه دائمه در * بوکده جواب ویریلور که
ثواب وعقابک مفهومملرنده * باخصوص عقابک مفهوممنده
خلوص ودوام قیدلری مسلم اولماغله * ثواب وعقاب متافی اولمازلر
بر وقتده معاقب اولوب صکره * مثاب اولق جا زدر * ولوسلم
استحقاقینک تافیلری لازم کلز * زیرا من جهة الطاعة * منفعت دائمه
ومن جهة المعصية مضرت دائمه * مستحق اولق ممکندر * ولوسلم
استحقاق عقابک * مستحق اولان ثوابی اسقاطی عکسندن اولی دکلدر
بلکه * ان الحسنات يذهبن السيئات * منطوقی استحقاق ثوابک
عقابی اسقاطی اولی واقوادر * وسبئه مثبلة مجزی اولوب حسنه
اون مثبلة * بلکه آثار صحیحه مقتضاسی بدیوزده قدر * مجزی اولق
ثابتدر * بعدذا ذکر اولندیغی اوزره مرتکب کیره * مؤمن اولمغه
بغیر توبه وفات ایتدکلری صورتنده (صلوا خلف کل برو فاجر
وصلوا علی کل برو فاجر) حدیث شریفی اوزره * اوزر لر ینه صلوة
جنازه ادا اولنور * زیرا مؤمنک * انه لا یش من روح الله * موجبی
هر نقدر فاسق ایه ده * رجاری منقطع اولماز * روح فتح رابله
ثواب معناسنه در * ویزم عند مرده * عفو وعقابه قطع یوقدر * بلکه
ایکسیده مثبت الهیده در * لکن تعذیب تقدیری اوزره مخلد
فی النار اولما لری مقطوعدر * بلکه وعد سابق انهی مقتضاسی
خروج وجنته دخول ایدر لر * وخوارج دخی فاسقک مخلد فی النار
اولمیه ذاهبلدر * دلیللری بوندن اقدم بیان اولندی والسلام

❦ وَمَا الْقَوْلُ مَقْطُوعًا عَلَيْهِ ❦ سِوَى ذَٰلِكَ أَصْحَابُ الضَّلَالِ ❦

ما نافیہ در ❦ مقتول اسم مرفوعیدر ❦ مقضوعا علیه خبریدر ❦
 فاعلی مقدر اجل کلمه سیدر ❦ سوی ذا مبتدادر ❦ ذا مقضوعیتہ
 اشارتدر ❦ مفهوم بیت بودر کہ ❦ مقتول اولان میتک اجل
 منقطع دکلدر ❦ یعنی قتل اولنمسه ده اول حینده فوت اولوب
 اولیه جغنی مقضوع دکلدر ❦ بومسئله ده دخی اهل سنتله معتزلہ
 میاننده اختلاف واردر ❦ عند اهل السنه مقتول اجلیلہ یعنی مدت
 عمری منقضی اولوب ❦ ووقت مقدری حلول اینکله ❦ وفات ایدر
 بوقصد موت اجل اوزره تقدم ایلز ❦ معتزلہ دیرلر کہ ❦ مقتول اجلیلہ
 میتدکلدر یعنی موتی اجل اوزره تقدم ایدر ❦ قتل اولنمسیدی انفاست
 معدوده سی انقضاست قدر تعیش ایدر ایدی ❦ احتیاج جاری بودر کہ
 اگر اجلیلہ میت اولسه ❦ قاتلی ذم وعقابہ ودیت وقصاصه مستحق
 اولماز ایدی ❦ زیرا مقتولک موتی خلق الہی ❦ وکسب مقتولله دکلدر
 دعوالری مذهب لری اوزره ❦ فعل قاتلده تولید موتک ضرور تبدر
 اکا جواب ویریلور کہ ❦ قاتله عقاب وقصاصک وجوبی مخطوری
 ارتکاب وعقبنده علی جری العاده ❦ حضرت حقک موتی خلق
 ایلیه جکی ❦ فعلی اکنسب ایلدیکنه منیدر ❦ زیرا قتل کسبا
 قاتلک فعلیدر ❦ هر تقدیر خلقت دکل ایسه ❦ ومعتزلہ بعض طاعاتک
 عمری زیاده ایلیه جکنی ناطق ❦ احادیثله احتیاج ایدرلر (الصدقة
 ردالبلاء وتزید العمر) و (صلة الرحم تزید فی العمر) حدیث لری کبی
 اکاده جواب ویریلور کہ ❦ حضرت حکیم مطلق ❦ جل شانہ
 بعض احکامی ❦ معلقا مراد ایلشدرد ❦ شخص مزبورک کرچه
 مدت عمری منلا یتیش سنه تقدیر ایلوب ❦ لکن اوتوزینی طاعت
 معهوده منوط ایلکله ❦ اتیان ایدر سه ❦ مستحق اولوب ❦ اتیان
 ایلز سه ❦ اربعینده وداع عالم فانی ایدر ❦ واتیان وعدم اتیان علم
 ازلیله معلومیدر ❦ لکن مقتضای صفت معبودیت ❦ وبتغای غیرت

الوهیت ❦ عبودیت وطاعت اولغله ❦ عبادی حث وتحریض حکمتہ
 بناء اول کونه اراده ایلشدرد ❦ بوتقریر ایلہ تعدد اجل واهمه سی
 طریان ایلز ❦ و بعض علماء احادیث مرقومه ❦ خبر آحاد اولغله
 آیات قطعیه به معارض اولماز دبیلر ❦ بوضورنده زیاده دن مراد
 خیر وبرکندر کہ ❦ فوز وسعادت ابدیه وسبله اولان ❦ کمالات انسانیه
 تکمیلنه مدار اولوب ❦ هوا وهوسده رأس المال حیاتک عدم
 اضاعتیدر ❦ ومعتزلہ دن ابوالرهیل مذهبی بودر کہ ❦ مقتول قتل
 اولنمسیدی ❦ اول انده قتل بدلی فوت اولور ایدی ❦ زیرا اول انده
 وفات ایلسه ❦ قاتل ❦ اجل مقدر مینی قاطع اولق اقتضا ایدر
 بوايسه محالدر ❦ اکا جواب ویریلور کہ ❦ شخص مزبورک مقتول
 اولماسی ❦ علم الہی تقدیری اوزره منصور اولور ❦ زیرا حضرت
 حق جل وعلی ❦ اول شخصک آن مزبورده ❦ قتل اولنمیه جغنی
 ازلدہ ییلور ایدی ❦ بوجهتله محالیت ثابت اولماز ❦ بعض محققین
 بومسئله ده واقع نزاعی ❦ لفظی به ارجاع ایلشدرد ❦ لکن علامه
 یمدانی سعدالدین تفتازانی تحقیقه حل ایدر ❦ سلکوتی مرحوم بسط
 ایلشدرد ❦ اهل سنتک مذهبی بودر کہ ❦ مقتول اجلیلہ میتدر عدم
 قتلی تقدیرده ❦ اجلک وجود وعدمی مقضوع اولماغله ❦ موت
 وحیاتدن بریله قطع یوقدر ❦ ودلیل لری بودر کہ ❦ حضرت باری
 تعالی وفق علم ❦ واراده ازلیسی اوزره ❦ بلا تردد آجال عبادیلہ
 حکم ایلشدرد ❦ اگر عبدک اجل مقضوع اولق اقتضا ایدی
 حاشا جهل نسبتی لازم کلور ایدی و ❦ اذاجاء اجلهم لا یستأخرون
 ساعة ولا یستقدمون ❦ نص شریفی قاطعیدر ❦ اگر سؤال
 اولنور سه کہ ❦ اجل حلول ایلدکده ❦ استفدام منصور اولماغله
 نفینده فائده یوقدر ❦ جواب ویریلور کہ ❦ لا یستقدمون جمله سی
 جمله شرطیه اوزره معطوف اولغله ❦ شرطله متقید اولماز ❦ زیرا

قید معطوف علیه دن جزء اولدیغی حینده ❦ قید مزبورده
معطوف مشارک اولماز ❦ زیرا بوضوح تده قید معطوف عابده
داخل اولغله ❦ احکامندن معدود اولماز که ❦ حتی معطوف دخی
مشارک اوله ❦ پس آیت مرقومه ❦ لکل امه اجل فاذا جاء اجلهم
لا یستأخرون عنه ❦ ولکل امه اجل لا یتستقدمون علیه
تقدیرنده اولور قالدیکه ❦ تاویل مرقوم خلاف متبادر اولغله
بعض محققین بگونه تاویل ایلدیلر که ❦ لا یتستقدمون قوی
وفی التبادر ❦ لا یتأخرون اوزره معطوفدر ❦ حق جل وعلی
انکله تنبیه ایلدیکه ❦ اجل حلول ایلدیکی وقتده اقصر مدته
تقدم ممتنع اولدیغی کبی ❦ تأخیری دخی ممتنعدر ❦ تقدیر تأخیری
عقلا ممکن اولور سه ده ❦ زیرا تقدیر ❦ و علم الهینک خلا فی محالدر
سلکونی علیه الرحمه ❦ مجموع شرط ❦ و جزاء اوزره عطفی
ترجیح ایلدی ❦ وبعض علما ❦ خلق الموت والحیوة ❦ منظوقجه
موتک وجودی المفهوم ❦ اولدیغنه ذاهب اولغله ❦ موت مبتله قائم
و مخلوق الهیدر ❦ انده عبدک تخلیقا و کسبا مدخلی یوقدر ❦ دیدیلر
و عدمی اولدیغنه ذاهب اولنلر ❦ آیت مرقومه ده ❦ خلق لفظنی
قدر کله سیله تاویل ایدرلر ❦ واجل عند اهل السنه واحد در
متعینان معتزله دن کعبی خلافتنه ذاهبدر ❦ انک عند نده مقتولک
ایکی اجلی وار بری قتلدر که ❦ عبد طرفندن حاضلدر ❦ و بری
موتدر که ❦ جانب الهیدن و اصلدر ❦ حیات مقتول اجل قتله باطل اولور
اگر قتل اولنمسیدی ❦ اجل موت حلونه قدر ❦ تعیش ایدر ایدی
و فلاسفه دیرلر که ❦ هر حیوان ایچون اجل طبیعی اولور که ❦ وقت
موتیدر ❦ رطوبت غریزه سی مختل ❦ و حرارتی منطقی اولنجه
موت اولور ❦ و حیوان ایچون آجال اختیار ایدر ❦ یعنی آماک
و امراض عارضه نظر قبله ❦ حیاتی مخترم و منقطع اولور دیرلر

اهل سنت عندنده بونلرک جمله سی ❦ تقدیر خداوند قدیره مستنددر
بو مناسبتله ❦ بدیعه آتیه خطور ایلکله ثبت اولندی ❦ شیوخ
موقوفه مرک برندن ❦ شرح عقاید تدریسی خلانده ❦ مبحث مسرود
سبقتده مسموعمز اولشدر که ❦ ایام تحصیلده ❦ مدرسه مزه قریب
برائیکجی فرانی وار ایدی ❦ فرنجی برذمی ایدی ❦ هر صباح و اخشام
واروب نان عزیز اشترایدر ایدم ❦ برسنه غایتله غلا اولغله ❦ پیشگاه
دکان ازدحام ناسله ❦ محشر دن نشان اولور ایدی ❦ براخشام وقتی اتمک
المق ایچون ینه دکان مزبوره واروب ❦ ایستاده مقام اشترای اولدم
فرنجی بند نصکره ❦ کلنلرک حاجتدرین قضا ایدوب ❦ اصلا بکا التفات
ایلمز ایدی ❦ هر تقدیر الحاح ایلدمه ❦ اماله سامعه اصفا انعامکله
یوبازیت حسبله ❦ پرتهور اولوب ❦ زمینده برمناسیجه سنکپاره
منظورم اولغله ❦ فرنجی به حواله قصدیه ❦ اکبلوب اول سنکپاره به
ال صوندیغمده ❦ هنوز برقارش مقداری ❦ فاصله وار ایکن سنکپاره
مرسوم ❦ همان خود بخود قالقوب الیه کلدی ❦ بحسب العلم اول انده
ذهنم مستجمع اولوب ❦ تکرار حوقله ایلدیرک ❦ البته بونده بر حکمت
وارد ریه رک ❦ اول سنکپاره بی بر محل معینه وضع ❦ بعده بر مقدار دخی
صبرایله اتمک الوب ❦ حجره مه عودت ایلدم ❦ برماه مرورند نصکره
ینه دکان مزبوره واروب کوردمکه ❦ مسفور ذمی محلنده بر دیگر
نصرانی جالس اولمش ❦ اولکیدن استفسار ایلدیکمه خسته اولوب
لکن جانی جمله اعضا سندن کشیده اولوب ❦ اون کوندر که
سینه سنده هیجان اوزره مختضر در ❦ بودکلورها بین کلوب
قرأت انجیل ❦ و سائر کونه تدبیر ایدرلر ❦ قطعاً متأثر اولوب
الحاله هذه ❦ اول حال اوزره اولغله ❦ جمله مزه حیرت و سامت کلمشدر
دیدکده خاطریمه ❦ سنکپاره قصه سی خطور ایلکله ❦ همان واروب
محل مزبور دن اول سنکپاره بی اخذ ❦ و ذمبله برابر خانه مرسومه

عزم ایلدم ❦ واقعا جان سینه سنده مضطرب اولمغله ❦ همان
اول سنکپاره بی پروجه سهولت ❦ سینه سنه وضع ابتدیکم انده
مرد اولسدی

❦ لَقَدْ أَلْبَسْتُ لِلتَّوْحِيدِ نَظْمًا ❦ بَدِيعَ الشَّكْلِ ❦ كَالسَّحْرِ الْخَلَالِ ❦

لام لقد ❦ قسم محذوفه جوابدر ❦ والله لقد البست تقدیرنده در ❦
قد تحقیقه در ❦ البست کلمه سی الباسدن ماضی متکلمدر ❦ للتوحید
کلمه سی مفعول اولدر ❦ لام زائده در ❦ نظما مفعول ثانیدر
منظوم معناسنده در ❦ بدیع الشکل ❦ نظما لفظنک صفتیدر ❦ بدیع
صفت اولمغله ❦ اضافتی لفظیه اولوب ❦ و اضافت لفظیه انفصال
حکمنده اولغین ❦ نکره به صفت واقع اولشدر ❦ کالسحر صفت بعد
صفتدر ❦ الخلال سحرک صفتیدر ❦ ناظم علیه الرجه ترغیب طلاب
قصدیله ❦ اشبو منظومه غراسنی ❦ مدح مقامنده بیوررلر که
توحید حضرت واحد بیچون وچرایه ❦ شکل وهیئت بدیع وزیا
وسحر خلل آسا دل با خلعت نظم الباسیله تزیین و ترصیع ایلدم
معلوم اوله که ❦ شکل برشیء حدودیله محیط اولان هیئته دیرلر
وسحرک ایکی معناسی وارددر ❦ بری باطلی صورت حقه اخراج
وایکنجیسی بعض معجز و محیر اولان علم و عمل ایله ❦ نفوس شخصصده
تأثیردر ❦ تأثیر مذکورده ❦ یا اول شخصک عقلنی سلب ❦ یا خود
قوتی اخذ ❦ یا خود طبیعتی تفسیر ایله اولور ❦ ایکی نوعی دخی
حرامدر ❦ لکن بعض بلیغ و بدیع کلامه اطلاق اولنور ❦ غرابت
و بداعتی نفوسده مؤثر اولوب ❦ طباع و قلوب بی اختیار ❦ مستیل
و مجذوب اولتی علاقه سیله ❦ نه که (ان من الیان لسحرا) حدیث
شریفنده واقع اولشدر ❦ ناظم بوراده سلاست الفاظ ❦ و عذوبت
عبارات و حسن نظام و ترغیب بی اختیار ❦ کندوسه قلوبک

مصطاد و مقصدا اولدیغی جهته ❦ منظومه سنی ابتدا سحره تشبیه
و بعده خلل ایله توصیف ایلدی ❦ زیرا مطلق سحره تشبیه ایلسه
ذهن حرام اولان سحره متبادر اولمغله ❦ طباع اسلامه تنفر
حاصل اولور ❦ لکن خللله موصوف اولیحق ❦ اتیان مثلندن غیری
معجز اولدیغی افاده مراد اولدیغی ❦ مستبان اولمغله ❦ هر کس شوق
درونله راغب اولورلر ❦ بعض شراح کایه طریقیله الباسدن
تزیین اراده ایلش ❦ زینت الباسه لازم اولمغله ❦ کویا که ملزومی
ذکر ایدوب لازمی مراد ایلش ❦ لکن نظم توحید ایله تزیین اولور
یوقسه علی العکس اولماز ❦ بلکه تعیر مزبور ❦ استعاره قییلنددر
توحیدی کندی نفسنده ❦ کرامت علاقه سیله آدمی به تشبیه ایتکله
ستعاره بالکنایه ❦ و الباسی دخی تخیل ایلدی

❦ يَسْلَى قَلْبَ الْبَشَرِ بِرُوحٍ ❦ وَيُحْيِي الرُّوحَ كَلِمَةُ الزَّلَالِ ❦

یسلی کلمه سنی تسلیه دن فعل مستقبلدر ❦ فاعل ضمیری نظمه
راجعدر ❦ القلب مفعولیدر ❦ جمله سی نظما کلمه سنه صفت
بعد صفتدر ❦ یا خود مبتدای محذوفه خبردر ❦ هو یسلی تقدیرنده در
کالبشری یسلی به متعلقدر ❦ بشری کلمه سی بشارت معناسنده
مصدردر ❦ رجعی رجعت معناسنه مصدر اولدیغی کبی ❦ بای بروح
بشری به متعلقدر ❦ روح فتح را ایله راحت معناسنه در ❦ یحیی
احیادن فعل مستقبلدر ❦ ضمیری نظمه راجعدر ❦ الروح ضم را ایله
مفعولیدر ❦ کالما یحیی به متعلقدر ❦ الزلال صفتیدر ❦ مفهوم یت
بودر که ❦ اشبو منظومه غرا ❦ قلوب اهل ایمانی مردهء عظیمه کبی
ایراث طرب و راحتله مشلی ❦ و منبسط ایدوب ❦ آب زلال کبی
روحک حیات ابدیه سنه وسیله اولور ❦ تسلیه کشف و تجلیه معناسنده در
معلوم اوله که ❦ قلب که فارسیده دل ❦ و ترکیده کوکل تعیر اولنور

مقلوبیت و قابلیت * و سرعت خواطر و تلون سیبیه * متقلب اولدینگی
 ایچون قلبه تسمیه اولندی * صدرك بساننده مودوع صنوبری
 الشکل مضغه در * وانکله قائم اولان * لطیفه ربانیه که
 بصیرت ایله تعبیر اولنور * قلب دخی اطلاق ایدرل * بدتک صلاح
 و فسادنده معول و معتمد اولان رئیسدر (لایسعی ارضی و لاسمائی
 ولكن یسعی قلب عبدی المؤمن التقی الوراق) حدیث قد سبسی
 موجبجه جانب حقندن سعه ایله موصوف اولان * اشیا تک اعظمیدر
 و نفس انسانی به متعلق روح حیوانینک معدنیدر * حکما اکا
 نفس باطنه * و روح باطنه اطلاق ایدرل (الا ان فی الجسد مضغه
 اذا صلح صلح الجسد کله) حدیث شریفی دخی معول علیه اولدینغه
 دلالت ایدر * بعض محققین دیدیلر که * قلبک بدی طبقه سی وار
 اول * صدر در که * محل اسلام و محل وسواسدر * ثانی * قلبدر که
 محل ایماندر * ثالث * شغاف در که * محل محبت خلقدر
 رابع * فؤاد در که محل رؤیت حقدر * خامس * حبه القلبدر که
 محل محبت حقدر * سادس * سویدا در که * محل علوم
 دینیهدر * سابع * مهجه در که * محل تجلی صفاتدر * پس عند
 التحقیق * محل استعماللری متفاوت اولغله * امعانه دقیقه سنه
 واصل اولنه * و بشارت * بشره و جهک تغیرینی موجب صادق
 خبره دیرل * اغلب استعمالی خیرده در * روح عالم امره متعلق
 لطیفه مستأثره الهی اولغله * حدی بیرون حدادرا کدر * خالقنی
 یلوب و مشاهده انکله * مظهر روح و سرور * یاخود مدار
 روح مخلوق اولدینغدن * روح ایله تسمیه اولندی دیرل * زلال
 قطعا متغیر اولیان * عذب و صافی صویه دیرل * ناظم علیه ازجه
 اشبو منظومه سنی * قلوب جاهله به دفع عطش جهالتله * ایراث
 حیات یاخود قلوب عالمیه * ابقای حیاته آبرزاله تشبیه ایلدی

❦❦❦ فحوضوا فیہ حفظا و اعتقادا ❦❦❦ تنالوا جنس اصناف المنال ❦❦❦

قای فحوضوا جزا بیه در * خوضوا خوض لفظندن فعل امر در
 خوض شروع معنای در * جمله سی شرط محذوفه جزا در
 اذا علمت ان المنظوم یحیی القلوب فاشرعوا فیہ تقدیرنده در * حفظا
 و اعتقادا تمیزلر در * یاخود حافظین معقدین تاویلبله حالدر در
 تنالوا * جواب امرده واقع اولغله * مجزومدر * بومسئله ده اوج
 قول وارد در * اول * خلیل و سبویه قولیدر که * جواب امرک
 جزمی نفس طلب ایلدر * ان شرطیه معناسنی متضمن اولدینچون
 ثانی * سیرافی و فارسی قولیدر که * ینه طلب ایلدر * لکن
 شرط مقدر اولان جازمک مقامنه قائم اولدینچون * یوقسه معنای
 شرطی متضمن اولدینچون دکل * ثالث * جمهور نحاة قولیدر که
 طلبدن صکره شرط مقدر ایله مجزومدر * مثلا بومقامده ان فحوضوا
 تنالوا تقدیرنده اولور * بعض محققین اشبو مذهبی ترجیح ایلدی
 زیرا حذف و تضمن هر نقدر خلاف اصل اولقده مشترکرایسه ده
 تضمن معنای اصلک تغیرنی متضمندر * كذلك فعلک حرف معناسنی
 تضمنی مشهور دکلدر * و برشبیک نائی * اولشبیک معناسنی مؤدی اولور
 طلب ایلدر * شرط معناسنی مؤدی اولماز * مثال عطاء معنایسته در
 اصنافک مناله اضافتی * خاتم فضة قبیلندندر * جنس تعبیرنده
 مبالغه اولدینگی ظاهر در * زیرا توحید و ایمان * جمله عطایای
 الهیه به وسیله در * مفهوم یت بودر که * اشبو منظومه غرائک
 مطالعه سبله اکتفا ایتوب * بلکه از برواعتقادینه همت
 ایلدر سز که * انواع الطاف ربانی * و اصناف اعطاف صمدانی به
 نائل اوله سز * اللهم ثبتنا علی عقیدتنا الحقه الکامله * واجعلنا
 مستحقا لا لطفک الشامله

وَكُونُوا عَوْنًا هَذَا الْعَبْدَ دَهْرًا بِذِكْرِ الْخَيْرِ فِي حَالِ ابْتِهَالٍ

کونوا کون کلمه سندن فعل امر در * اسم مرفوعی ضمیر در * عون
 هذا العبد خبر منصوب بدر * هذا مضاف الیه بدر * عبد هذا نکر
 مضاف الیه بدر * عون معین معناسنه در * عبد دن مراد نفس
 ناظم در * دهر طرفیت او زره منصوب بدر * دهر معرف اولور ایه اید
 ومدة العمر معناسنه * ومنکر اولور ایه * زماندن بر قطعه به اطلاق
 اولور * امامین حضرت نوری منکر اولور سه * حین معناسنه در
 وحین مقامنه قائم اولور دیدیلر * وحین لفظی معرفا ومنکرا الی ماه
 مدته اطلاق اولور * نکه ابن عباس رضی الله عنهما * تأتي اکلها
 کل حین * کریمه سنده الی ماه مدته تفسیر ایلدی * لکن
 حل مزبور * اعدل و اوسط محامل اولق حسبیه در * بوقسه بعضا
 وقت صلوة کبی * مدت قصیره ده دخی استعمال اولور * نکه
 فسبحان الله حین تمسون وحین تصبحون * کریمه سنده
 واقعدر * فالذیکه (لا تسبوا الدهر فان الدهر هو الله) حدیثنده
 مضاف محذوفدر * فان خالق الدهر تقدیرنده در * باخود نقشی ذم
 وتعبیر * نقاشه راجع اولغله * فاعلنه مستند اولور * بعض علما
 دهری اسماء حسنی جمله سندن دیدی * بذکر الخیر عون کلمه سنه
 متعلقدر * فی حال کلمه سی ذکره متعلقدر * ابتهاال تضرع
 معناسنه در * تنوین مضاف الیه دن عوض اولغله * فی حال ابتهاالکم
 سیکنده در * مفهوم یت بودر که * درگاه الهی به حضور وخضوعه
 متوجه اولدیفکر و قتلرده * اشبو منظومه نکر سبب نظمی اولان
 عبد ضعفه * ذکر بالخیر ودعا واستغفار الیه * اعانت ایلده سز * زیرا
 (دعوة الغائب للغائب اسرع اجابة) حدیث شریفی موجبجه
 عن ظهر الغیب * دعا استجابته اقر بدر * ناظم علیه الرحه انتقال

معناسنی متضمن اولان * صبروا عنوانندن ثبات ودوام معناسنی
 متضمن * کونوا عنواننه عدولنده * بروقت دعا ایدوب بعده طرح
 گوشه نسیان ایلامرینه اشارت ایلشددر رحه الله

لَعَلَّ اللَّهَ يَعْفُوهُ بِفَضْلِ وَيُعْطِيهِ السَّعَادَةَ فِي الْمَالِ

لعل حرف توقع وترجیدر * لفظه جلاله اسم منصوبی * يعفو
 جمله سی خبر مرفوعیدر * بفضل يعفو کلمه سنه متعلقدر * بفضل
 تقدیرنده در * زیرا عفو وغفران اثر فضل واحساندر * و يعطي
 کلمه سی اعطادن فعل مستقبلدر * فاعل ضمیری مستر الله
 راجعدر * ضمیر بارز مفعول اولیدر * السعادة مفعول ثانیه بدر
 فی المال يعطي به باخود سعادت متعلقدر * مال اولدن اسم مکاندر
 مرجع معناسنه که * مراد آخرتدر * مفهوم یت بودر که * مرجو
 ومسئولدر که * دعای خیر کز برکاتیه * حق جل وعلی بو عبد حقیر
 سیأتی فضل و کریمه عفو ایدوب * آخرتده فوز عظیم اولان
 دیدار شریفلرله * مظهر سعادت ابدی ایلده * اللهم اعف عني
 وعنه واعطني واعظه السلامة الدينية * والد نبوية وبسرلي
 ويسرله السعادة السرمدية * ناظم مرحومک سعادت آخرتی
 استدعاسی (اللهم لا عيش الا عيش الآخرة) حدیث شریفنه
 اشارت ایلشددر * سعادت دنیوی معرض زوالده اولغله * سعادت
 اطلاقنه شایان دکلدر * مکر که سعادت اخروی به وسیله اوله

وَإِنِّي الدَّهْرَ أَدْعُو كُنْهُ وَسُجْعِي لِمَنْ بِالْخَيْرِ يَوْمًا قَدْ دَعَا

بعض نسخنده * وانی الحق ادعو واقع اولشددر * لکن نسخه اولی
 یوما مقابله سیله ارجدر * ان حروف مشبهه بالفعلنددر * ضمیر متکلم

متصل محل نصیده اسمیدر * الدهر ظرف منصوبدر * عاملی
 مؤخر ادعوا کله سیدر * ادعوا مستقبل متکلمدر * فاعلی مضمی
 انا لفظیدر * جمله سی ان کله سنک محل رفعه خبریدر * کنه وسعی
 تزع حافظه منصوبدر * بکنه وسعی تقدیرنده در * وسع یای
 متکلمه مضافدر * کنه غایت * ووسع طاقت معنایند در * لام لمن
 ادعوا کله سنه متعلقدر * من اسم موصولدر صله اقتضایدر * قد دعای
 جمله سی صله سیدر * ضمیر فاعلی اسم موصوله راجعدر * قد دعای
 جمله سی صله سیدر * ضمیر فاعلی * اسم موصوله راجعدر * بالخیر
 ادعوا کله سنه متعلقدر * اهتمام ایچون تقدیم اولندی * یوما ظرفدر
 عاملی دعای کله سیدر * لی کله سی دخی دعای به متعلقدر * موصول
 صله سبله محل جرده در * مفهوم بیت بودر که * برکسه بنم ایچون
 برکون که * مراد بروقتدر * دعای خیر ایدر سه * مدت عمرده
 نهایت قدرتمی * آنک خیر دعا سنده افراغ ایدرم * فزجو
 من الله العیم المراح * البسیط المکارم * ان یعفونا
 وعن الناطم * ویرحنا ویرحه ویرحم آباؤنا *
 وامهاتنا * وصابحننا * واجباؤنا * وجیع
 المؤمنین * بحرمة رسوله الامین *
 * والله الحمد * اولاً و آخراً *

قصیده نصیده امالی و شرح نایده مرصع المعالی مطلع دیوان
 شوکت و شان و حسن مطلع شه بیت معد لتعنوان پادشاه جهان
 و شهنشاه دوران * سلطان عبد المجید خان * افد من حضرتلرینک
 عصر محاسن حصر ملوکانه زنده محمد رجائی قوللرینک نظارت
 و معرفت عاجزانه سبله تقوی بخانه عامره زنده طبع و تمثیل
 ویک ایکوز النش النی سنه سی رجب شریفک او اسطنده
 مجله زیب تکمیل اولشد

